

ویژه نامه حریم و حماسه

شماره شانزدهم - سال ۱۴۰۴



ویژه نامه بصیرت، عفت، غیرت

مرکز پژوهش های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مرکز مطالعات و پاسخگویی به سؤالات و شبهات حوزه علمیه
موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه
معاونت فرهنگی تبلیغی مدیریت حوزه های علمیه خاوران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه نامه

حریم و حماسه

ضمیمه ماهنامه سفیر امین؛
ویژه نامه شانزدهم

مرکز پژوهش های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ با همکاری
گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه؛ اداره راهبردی محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات
اسلامی و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه
و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

ویژه نامه شانزدهم:

حریم و حماسه

ضمیمه ماهنامه سفیر امین؛

مرکز پژوهش های تبلیغ-مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
اداره راهبردی محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه
و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه

هیئت تحریریه:

محمود مقدمی، مصطفی آزادیان، نصرالله درویشی، علیرضا زنگونی،
رضازندوکیلی، علی آب انباری، علیرضا دهشیری، جوانی، محمدرضانیکوکلان.

صفحه آرایی: محمدی فرد

چاپ: زمستان ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

به جای سرمقاله (ده نکته درباره زنان و حجاب در بیانات رهبری علیه السلام)

۵	مرکز پژوهش‌های تبلیغی
۱۰	تبیین مسئولیت اصلی زن در خانواده با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام
۲۰	سرکار خانم نفیسه قنبری
۳۶	منزلت زن در اسلام (پاسخ به شبهات)
۴۶	حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا کدخدایی
۷۴	عفاف در خانواده
۸۴	حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی محمدی
۹۴	راهکارهای خانواده در مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن
۱۰۰	دکتر علی کاظمی
۱۱۴	راهکارهای تقویت حجاب دختران جوان
۱۲۸	سرکار خانم زهرا ناطق اینانلو و سرکار خانم اکرم جعفری ثانی
۱۴۰	گرایش بانوان غربی به پوشش اسلامی
۱۴۸	دکتر علی کاظمی
۱۶۶	مدگرایی زنان در مردانه پوشی
۱۷۲	سرکار خانم سیده طاهره موسوی
۱۸۰	بررسی پیامدهای آرایش‌های نوپدید بر امنیت زنان
۱۹۲	آقای وحید رشتیری و سرکار خانم ناهید سادات سیدرضایی
۲۰۰	شیوه تحلیل و تبیین فتنه‌ها در سیره حضرت زهرا علیها السلام
۲۰۴	حجت الاسلام والمسلمین علیرضا طبسی زاده
۲۰۸	نقش بانوان در مقاومت معاصر غزه
۲۱۱	دکتر سید علی اصغر موسوی
۲۱۵	شیوه بصیرت‌آفرینی و هدایت‌بخشی در سیره حضرت زهرا علیها السلام (۱)
۲۱۸	حجت الاسلام والمسلمین علیرضا زنگونی
۲۲۰	شیوه بصیرت‌آفرینی و هدایت‌بخشی در سیره حضرت زهرا علیها السلام (۲)
۲۲۴	حجت الاسلام والمسلمین علیرضا زنگونی
۲۲۸	آثار ارزشمند غیرت در جامعه
۲۳۲	حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک نیا تبریزی
۲۳۶	آثار سوء بی غیرتی
۲۴۰	حجت الاسلام والمسلمین علی مختاری
۲۴۴	غیرت بیجا
۲۴۸	حجت الاسلام والمسلمین علی مختاری
۲۵۲	ظلم خاموش!
۲۵۶	موسسه فرهنگی و هنری محتوای نقطه زن
۲۶۰	گاو شیرده یا شیر میدان؟
۲۶۴	حجت الاسلام والمسلمین علی آب انباری
۲۶۸	یادداشت‌های کوتاه درباره حجاب
۲۷۲	خانم محجبه کاملاً به روز است حجت الاسلام والمسلمین کاظم زاده
۲۷۶	خودنمایی ممنوع حجت الاسلام والمسلمین سید یدالله یزدان پناه
۲۸۰	از لاک جیغ تا خدا حجت الاسلام والمسلمین مهدی افراز
۲۸۴	حجاب در آینده‌ای نه چندان دور حجت الاسلام والمسلمین هادی حسن زاده
۲۸۸	خدا دنبال «فرهنگ» است حجت الاسلام والمسلمین محمد صالحی
۲۹۲	اقتصاد خانواده محور حجت الاسلام والمسلمین محمد صالحی

مرکز پژوهش‌های تبلیغی

۱. حجاب، افتخار زن است

این زندگی... لذات و سختی‌هایش همه به طرفه‌العینی می‌گذرد... انسان در دوران جوانی خیال می‌کند دنیا ثابت است، ساکن است، همیشه همین جور است؛ به سن ما که رسیدید، یک نگاه می‌کنید، می‌بینید دنیا عجب سریع می‌گذرد؛ چشم به هم می‌زنید، گذشته. خب، آن طرف: ﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾؛ زندگی و حیات، آنجاست. ﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ﴾؛^۱ بشارت‌های الهی آنجاست.

هم برای آنجا، هم برای حفظ عزت کشور و پیشرفت کشور، وضع حجاب را، وضع عفاف را، وضع تقیدات و پایبندی را خانم‌ها باید مراقبت کنند؛ این وظیفه است. خودنمایی و جلوه‌فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتی برای سیاست، آثار مخرب و ماندگار است. در حالی که ملاحظه عفاف، ملاحظه حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختی‌ای داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود خانم‌ها خیلی باید مراقبت کنند مسئله حجاب را، مسئله عفاف را؛ وظیفه آن‌هاست، افتخار آن‌هاست، شخصیت آن‌هاست.^۲

۲. تعریف حجاب

حجاب برای زن، به معنای ذلت نیست؛ بلکه به معنای عصمت و حفظ زن است و نه فقط عصمت و حفظ زن، بلکه عصمت و حفاظت زن و مرد هر دوست. حجاب به معنای چادر نیست؛ اما چادر در نزد ما ایرانی‌ها که زن‌های ما از قدیم داشتند، بهترین

۱. عنکبوت/۶۴.

۲. شوری/۲۳.

۳. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، مورخ: ۱۳۹۱/۰۲/۲۳.

نوع حجاب است؛ بدون چادر هم حجاب ممکن است. حجاب به معنای پوشیدن سالم [است]؛ نه پوشیدنی که از نپوشیدن بدتر است. به تعبیر روایات، پوشیده عریان که در عین پوشیدگی، مثل انسان برهنه و عریان است. آن پوشیدن، به درد نمی خورد؛ حجاب نیست؛ پوشیدن سالم که سر و مو و گردن و بدن و تمام سر تا پای بدن زن را پوشانده باشد؛ البته صورت و دودست را بسیاری فقها مستثنا می دانند؛ البته در مواردی که صورت بدون آرایش و ساده باشد؛ این هم معنای حجاب.

۳. سبک حجاب

اسلام در باب حجاب، پوشش را معین نکرده است؛ مقصود را معین کرده است. مقصود این است که دیدار زن و مرد و ملاقات طبیعی آنها، به صورت روزمره، تبدیل به یک عامل تحریک نشود و این، هدف اسلام است.

۴. حجاب برتر

حجاب برتر که شما اشاره کردید - که مراد همین چادر ایرانی خود ماست - حقیقتاً حجاب برتر است؛ هیچ تردیدی در این نباید داشت. البته من هیچ وقت نگفتم که چادر را در جایی اجباری کنند؛ اما همیشه گفته ام که چادر یک حجاب ایرانی است و زن ایرانی این را انتخاب کرده و خوب حجابی هم هست و می تواند کاملاً حفاظ و حجاب داشته باشد. حالا بعضی ها هستند که از هرچه ایرانی و خودی است، ناراحتند و دلشان را می زند؛ دلشان می خواهد سراغ چیزهایی بروند که از خودی بودن دورتر است! به هر حال اگر حجاب را حفظ کنند، باز هم خلاف شرعی انجام نداده اند؛ منتها چیز بهتری را از دست داده اند.^۱

۱. همان، مورخ: ۱۳۷۷/۱۲/۴.

۵. بهترین راه تبلیغ حجاب

بهترین راه تأمین حجاب هم همین است که با منطق برخورد شود. البته اگر چیزی جزو مقررات شد و کسی برخلاف آن مقررات رفتار کرد، ممکن است قوانینی وجود داشته باشد که دولت برخورد کند؛ که لابد هم میکند. درعین حال آن چیزی که در اساس لازم است و مهمتر از همه است، این است که شما ذهن این دختر جوان، یا این زن جوان را - که عمده هم خانم‌های جوان هستند - با اهمیت حجاب آشنا کنید؛ یعنی به او تفهیم کنید که حجاب از لحاظ شرعی و از لحاظ منطقی این است. در ذهن او، استدلال صحیح را در مورد رعایت حجاب راسخ کنید. امیدواریم که ان شاء الله روزبه‌روز بهتر شود. البته یکی از عواملی هم که در این زمینه تأثیرات منفی دارد، برخی از این فیلم‌هایی است که بعضی از زندگی‌های غربی را در دسترس همه می‌گذارد. این‌ها در سست کردن ذهنیت مردم نسبت به مسأله حجاب بیتأثیر نیست. البته نسبت به پخش این فیلم‌ها هم باید تذکراتی داده شود.^۱

۶. سیاست راهبردی غرب، هرزه شدن زن است

شما می‌بینید در غرب با حجاب تدریجاً به صورت علنی دارد مخالفت می‌شود. عنوانی که برای این مخالفت ذکر می‌کنند، این است که می‌گویند حجاب نماد یک حرکت مذهبی است؛ ما نمی‌خواهیم در جوامع ما - که جوامع لائیک هستند - نمادهای مذهبی مطرح شوند. به نظر من این دروغ است؛ بحث مذهب و غیر مذهب نیست؛ بحث این است که سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب مخالف آن است. حتی اگر چنانچه حجاب ناشی از یک انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، با آن مخالفت می‌کنند؛ مشکل اساسی این است.^۲

۱. همان.

۲. همان، مورخ: ۱۳۹۰/۰۳/۰۱.

در مسأله زن هم موضع شما تدافعی نیست؛ تهاجمی است. آنها اعتراض شان به ما این است که چرا زن هایتان حجاب دارند؛ چرا حجاب اجباری است. خود آنها هم بی حجابی را اجباری کردند؛ این به آن در! اما مسأله آنها در قضیه زن خیلی بیشتر از این حرف هاست. زن در فرهنگ و دنیای غربی به ابتذال کشانده شده، تحقیر شده و به او اهانت شده است. این که زن و مرد در پشت میز دیپلماسی و کنار همدیگر، شانه به شانه، بنشینند، جبران آن لطمه ای را که غربی ها به زن وارد کرده اند، نمی کند. از زن به عنوان یک وسیله التذاذ و شهوت رانی استفاده کرده اند. آنها معتقدند که زن بدون آرایش ارزش ندارد؛ باید خودش را آرایش کند تا مرد ها او را بپسندند؛ این بزرگترین اهانت به زن است. شما حرف دارید و در این قضایا مدعی هستید.^۱

۸. هوسی که کنترل نخواهد شد

یک روزی به ما می گفتند که در اروپا - آن روز اروپا را مطرح می کردند - حجاب نیست و زن و مرد با هم قاطی اند، هوس و شوق جنسی هم در آنجا طبعاً کنترل شده است. خب، حالا شما نگاه کنید ببینید همین جور است؟ آیا هوس ها کنترل شده است یا هوس ها تحریک شده است؟ این همه جنایت جنسی امروز دارد در آمریکا و در اروپا اتفاق می افتد؛ به جنس مخالف هم دیگر حالا اکتفا نمی کنند! و از این بدتر هم خواهد شد. اسلام انسان را شناخته است که حکم حجاب را داده، حکم عدم اختلاط زن و مرد را داده. اسلام من و شما را شناخته؛ [انسان] مال خدا است و [او] آفریننده ما است.^۲

۹. استقلال فرهنگی زن ایرانی

الان واقعیت این است: زن غربی مظهر مصرف، آرایش، جلوه گری در مقابل مردان

۱. همان، مورخ: ۱۳۸۳/۰۵/۲۵.

۲. همان، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰.

و وسیله هیجان جنسی نوع مرد و جنس مرد است. بقیه حرف‌هایی که می‌زنند، مثل قضیه عدالت جنسیتی و این حرف‌ها، همه حرف است و ظاهر قضیه است، باطن قضیه آن است. شنیدید که تعداد قابل توجهی از بانوان صاحب مقام غربی، در همین چند ماه قبل از این، یکی پس از دیگری اعلان کردند که در دوران جوانی، در جریان مسائل اداری‌ای که در آنجاها عضو بوده‌اند، با زور و با خشونت مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند؛ این را به زبان آوردند، گفتند. این‌ها زن‌های معمولی نیستند؛ زن‌های برجسته غربی‌اند. اسلام به وسیله حجاب در را بر روی آن مسیری که جنس زن را به این نقطه انحراف برساند بسته؛ اجازه نداده. حجاب اسلامی وسیله مصونیت زن است؛ حجاب وسیله محدودیت زن نیست.

۱۰. حجاب و صدور به دنیا

امروز پرچم استقلال هویتی و فرهنگی زنان در دست زنان ایرانی است؛ امروز بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را دارند اعلام می‌کنند و به دنیا صادر می‌کنند؛ یعنی دنیا سخن جدیدی دارد می‌شنود. زن می‌تواند در میدان‌های اجتماعی حضور فعال داشته باشد، تأثیرگذاری اجتماعی عمیق داشته باشد. امروز زنان کشور ما در بخش‌های مختلف چنین تأثیرگذاری‌ای دارند؛ در عین حال حجاب و عفاف و وجه تمایز میان زن و مرد، فاصله میان زن و مرد، در معرض سوءاستفاده مردان قرار نگرفت، خود را در حدّ وسیله التذاذ مردان بیگانه و زیاده‌طلب پایین نیاوردن و تحقیر نکردن، جزو خصوصیات زن ایرانی و زن مسلمان امروز است. ما البته این الگو را داریم، این چهارچوب را داریم، در میان بانوان ما کسانی هستند در حدّ بسیار خوب، بعضی در حدّ اعلای این الگو دارند زندگی می‌کنند، بعضی هم در حدود متوسطند؛ به هر حال، این الگو وجود دارد و مبنای کار زن ایرانی این است.^۱

تبیین مسئولیت اصلی زن در خانواده با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله

سرکار خانم نفیسه قنبری

اشاره

یکی از اولویت‌های اصلی زن در آموزه‌های اسلامی، توجه به وظیفه اصلی او در خانواده است. در اسلام بر مسئولیت خانه‌داری به عنوان نقش محوری زن در کانون خانواده و تربیت فرزندان تأکید شده است. بر این اساس بررسی اولویت نقش زن در خانه نسبت به اشتغال در بیرون از منزل، نکته قابل توجهی است که موجب تحکیم روابط زوجین و والدین و فرزندان می‌شود و خانواده را در مسیر رشد و تعالی یاری می‌دهد. این مهم وقتی میسر می‌شود که زن به وظیفه اصلی خود که ساختن خانواده و جامعه سالم است، واقف شود. نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که مسئولیت اصلی زن به عنوان عنصر مهم در خانواده و جامعه، بر اساس بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله چیست. یافته‌های پژوهش این است که طبق بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله زن مسلمان باید مسئولیت خانه‌داری را در اولویت زندگی قرار دهد و به فرزندآوری که لازمه اولویت خانه‌داری است، توجه کند. از طرفی نیز این مسئولیت با اشتغال زن در بیرون از منزل منافاتی ندارد، مشروط بر آنکه اشتغال زن با حفظ موازین اسلامی همراه باشد و لطمه‌ای به وظیفه اصلی زن وارد نکند. مقام معظم رهبری حفظه الله می‌فرماید: «زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید که خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه

است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوقش در چیست.^۱

جایگاه زن در اسلام

اسلام نگرش والایی به شخصیت زن داده و جایگاه حقیقی زن را معرفی نموده است. درحالی‌که زن در دوران قبل از اسلام از جایگاه حقیقی و حقوق انسانی بی‌بهره بود و مورد ظلم و تعدی واقع می‌شد. اسلام نگرش جنسیتی و تبعیض‌آمیز به زن را مردود شمرده و حتی در پاداش اخروی زن و مرد، ارزش انسان را به ایمان و تقوای معرفی کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾.^۲ بر این اساس، دیدگاه اسلام به زن، نگاه به انسانی توانمند و با ظرفیت برای دستیابی به کمال است که نقش اساسی در تربیت فرزندان و خانواده سالم و به تبع آن، جامعه سالم دارد. دیدگاه رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام به جایگاه زن، در اوج انطباق با آموزه‌های اسلامی و توأم با آزاداندیشی و ارزش‌مداری است؛ به‌گونه‌ای که در ویژگی‌های مشترک فردی میان زن و مرد در زمینه خودسازی، هیچ تمایزی میان زن و مرد قائل نیستند و گاهی زنان را اسوه معرفی می‌کنند، اما در ویژگی‌های مختص زنان با نگرش منصفانه به رشد و شکوفایی زن توصیه و اولویت‌ها را معرفی می‌کنند. مقام معظم رهبری علیه‌السلام به این اولویت این‌گونه اشاره می‌کنند:

«علت اینکه اسلام این‌قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد... نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد.»^۳

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای علیه‌السلام، «حق کرامت الهی زن از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام»، ۱۴۰۱/۰۶/۰۹، کد مطلب: ۵۰۸۳۵.

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=50835>.

۲. حجرات، ۱۳، نک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۲۶.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای علیه‌السلام، «شغل حساس و آینده‌ساز»، ۱۳۹۸/۰۸/۰۴، کد مطلب: ۴۳۸۳۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43835>.

خانواده اساسی‌ترین و بهترین کانون رشد و ارتقای زوجین و فرزندان است. برای زن پس از ازدواج و تشکیل خانواده، مسئولیتی به نام خانه‌داری شکل می‌گیرد. از آنجا که وظایف خانه‌داری، همسررداری و تربیت فرزندان نیازمند عاطفه قوی و از مسئولیت‌های مهم و حساس است، این وظایف مطابق با فطرت و آفرینش زن وضع شده و با استعداد و توانایی زن متناسب است. از طرفی نیز اموری که فطرتاً بر عهده زن‌ها نهاده شده، از عهده مردان خارج است؛ زیرا مرد برای بچه‌داری و خانه‌داری خلق نشده است؛ بلکه وجودی تعقلی دارد که برای کارهای سنگین اجتماعی مناسب است.^۱ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه با اشاره به اهمیت و ارزش والای نقش خانه‌داری برای زن، این مسئولیت را از بایسته‌های فکری یک زن دانسته و فرموده‌اند: «یکی از مهم‌ترین وظایف زن، خانه‌داری است. همه می‌دانند بنده عقیده ندارم به اینکه زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند. نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است، شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز.»^۲

طبق این بیانات، زن باید بداند هنگامی که در منزل امور خانه و خانواده را سامان‌دهی می‌کند، جایگاه اجتماعی باارزشی دارد. اگر این نگرش تفکر عمومی جامعه شود، زنان در هر مرتبه علمی که باشند، با طیب خاطر به خانه‌داری به عنوان یک شغل نگاه می‌کنند و آن را در اولویت قرار می‌دهند. در این صورت خانواده به عنوان هسته مرکزی اجتماع، کمتر دچار آسیب می‌شود و فرزندان به عنوان آینده‌سازان کشور نیز در امنیت عاطفی رشد می‌کنند. از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه کاری که یک زن در این جایگاه انجام می‌دهد، هیچ کس دیگری نمی‌تواند:

«شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید یا اگر بچه نیاوردید یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده [عاطفی]

۱. حسین مطاهری، خانواده در اسلام، ص ۲۵.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، «شغل حساس و آینده‌ساز»، ۱۳۹۸/۰۸/۰۴، کد مطلب: ۴۳۸۳۵.

نشود، هیچ کس دیگر نمی تواند این کار را بکند؛ نه پدرش و نه به طریق اولی دیگران. فقط کار مادر است. این کارها کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد. تعیین با این است.^۱

تأکید بر بی بدیل بودن نقش خانه داری، زمانی است که این وظیفه در کنار همسر داری و فرزند داری به کمال خود می رسد. از منظر مقام معظم رهبری (علیه السلام) در تعارض خانه داری با اشتغال و تحصیل زن، شغل خانه داری و نقش مادری و همسری مسئولیت درجه یک است که کس دیگری نمی تواند آن را انجام دهد.^۲ این اولویت در نقش خانه داری در سیره معصومین (علیهم السلام) به حدی جلوه گر می شود که وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تقسیم کارها وظیفه خانه داری را بر عهده حضرت فاطمه (علیها السلام) گذاشتند، ایشان نه تنها دون شأن خویش ندانستند، بلکه بسیار مسرور شدند.^۳ این در حالی است که در برخی جوامع با نگاهی تحقیر آمیز، نقش سرنوشت ساز زن در تربیت فرزندان را نادیده می گیرند و حضور زن در پیشبرد اقتصاد و سیاست را در اولویت قرار می دهند. از نظر مقام معظم رهبری (علیه السلام) زن بودن، برای زن یک امتیاز و افتخار است. ایشان بر همین اساس قائل است که افتخار زن در این نیست که زن را از محیط زنانه، اخلاق خصوصیات زنانه دور کنیم و خانه داری، فرزند داری و شوهر داری را برای زن ننگ به حساب آوریم؛ همچنان که از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده ها و افزایش فرزندان بی هویت است.^۴ در حالی که اسلام با نگرش ارزشی خود، زنان را به ماندن در حصن حصین خانه و پرداختن به امور خانه داری و تربیت فرزند دعوت کرد؛ تا جایی که حضرت فاطمه (علیها السلام) نزدیک ترین حالت زن به خداوند متعال را زمانی می داند که در منزل خود باشد: «أَنَّ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعَرَ بَيْتِهَا»^۵

۱. بیانات مقام معظم رهبری (علیه السلام) در سومین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>.
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (علیه السلام)، «شغل حساس و آینده ساز»، ۱۳۹۸/۰۸/۰۴، کد مطلب: ۴۳۸۳۵: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43835>.
۳. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد، ص ۵۲.
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (علیه السلام)، «افتخار به زن بودن، مباحثات به مادر بودن»، ۱۴۰۱/۱۰/۲۳، کد خبر: ۵۱۷۴۸: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51748>.
۵. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۲.

نزدیک‌ترین اوقات زن به خدا هنگامی است که در خانه‌اش بنشیند و از اختلاط با نامحرمان به دور باشد. «البته زمانی که زن در منزل می‌ماند و به خانه‌داری می‌پردازد، در پناه امن خانه از محیط مختلط با نامحرمان دور می‌ماند. از این رو از خطرات آسیب‌های احتمالی اجتماعی ایمن خواهد ماند.

دقت نظر رهبر معظم انقلاب حفظه الله درباره خانه‌داری زن، متناسب با طبع زنانه زن است. بر این اساس، ایشان با استناد به حدیث «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۱ به مسئله احترام شغل زن در خانه و عدم اجبار زن اشاره کرده است.^۲ بنابراین زن مجبور به انجام امور منزل نیست و باید احترام و شأن زن در منزل حفظ شود و با علاقه و میل خود اهمیت به نقش خانه‌داری مبادرت بورزد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر زنی از منزل شوهرش چیزی را از جایی به جای دیگری جابه‌جا کند (کنایه از انجام کوچک‌ترین کاری در منزل)، خداوند به او نظر کند و آن‌که خدا به وی توجه کند، عذابش نخواهد کرد.»^۳

رعایت حجاب و عفاف در عرصه اجتماع

رهبر معظم انقلاب حفظه الله با بیان اهمیت حیای زن، به تلاش جوامع غربی برای از بین بردن حیا اشاره فرموده است. مسئله اختلاط زن و مرد، پوشش زن و مرد و حقوق زن، از روش‌های توطئه غرب در از میان بردن حیاست. از دیدگاه مقام معظم رهبری حفظه الله، حیا برای زن و مرد فضیلت است و از مظاهر حیا، پوشش ظاهری، نوع معاشرت‌ها و مکالمات است که در رأس صفات و مکارم اخلاقی است.^۴ در اسلام تأکید بسیاری بر عفاف و حجاب شده است؛ چنان‌که قرآن به این مهم توجه ویژه‌ای کرده است: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾^۵ «و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۱۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۱.

۴. بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله حیا، ۱۳۹۷/۱۲/۱۳: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41899>.

۵. نور، ۳۱.

خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار ن سازند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار ن سازند.»

در سوره قصص نیز از دختران شعیب نبی علیه السلام نام برده است که به دلیل کهولت سن پدر، جایگزین شعیب علیه السلام در چوپانی از گوسفندان بودند. آنچه در این باره قابل توجه است، حفظ حجاب و عفاف دختران شعیب در برخورد با مردان چوپان است: «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يَصْدِرَ الرَّعَاءُ»^۱ «گفتند ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند.» در جریان تقاضای شعیب علیه السلام برای ازدواج حضرت موسی علیه السلام با یکی از دخترانش نیز به حیای دختر در گام برداشتن و رفتار اشاره شده است: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»^۲؛ ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد درحالی که با نهایت حیا گام برمی داشت» که بیانگر عفت و نجابت از طرز راه رفتنش بود.^۳

از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته الله حجاب نه تنها موجب اسارت زن نیست، بلکه باعث تشخص و آزادی زن است که باید از اسلام به خاطر حجاب تشکر کرد که جزو نعمت های الهی است.^۴ همچنین حجاب از موجبات امنیت زن و مرد مسلمان است که از احکام برجسته اسلام است.^۵ ایشان در این باره فرموده است:

«ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی حدود مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه دعوت می کنیم. این بد است؟! این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است. آن هایی که زن را تشویق می کنند که خود را به گونه ای آرایش دهد که مردان کوچه و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضا کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین می آورند و تذلیل می کنند!»^۶

۱. قصص، ۲۳.

۲. قصص، ۲۵.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۶.

۴. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19808>.

۵. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۰:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>.

۶. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645>.

از نظر ایشان حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط بی‌قید و شرط زن و مرد در اجتماع است که به ضرر زن و مرد و جامعه است.^۱ همچنین ایشان معتقد است که زن مسلمان زنی است که دین، حجاب، زنانگی، ظرافت، رقت و لطافت‌های زنانه خود را حفظ کند، از حق خویش دفاع کند و در میدان علم، معنویت، تحقیق و تقرب به خداوند پیشروی کند و در میدان سیاسی حضور دارد.^۲

توجه به فرزندآوری زن

مقام معظم رهبری رحمته‌الله ضمن بیان روایت «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا»^۳ به خواست خداوند برای افزایش جمعیت اشاره کرده و نتیجه آن را زمینه و امکان رشد و تعالی در تک تک افراد جامعه ذکر می‌کند؛ با این تبیین که وقتی تعداد افراد جامعه زیاد است، افراد صالح در آن قهرراً زیادتر هستند، توانایی‌ها قهرراً بیشتر است، نیروی انسانی قهرراً راقی‌تر خواهد شد.^۴

امام سجاد علیه‌السلام وجود فرزند را از سعادت‌های انسان دانسته است.^۵ امام صادق علیه‌السلام نیز یکی از معیارهای مهم در انتخاب همسر را فرزندآوری زن معرفی کرده است.^۶ با وجود تأکید روایات بر فرزندآوری، در سال‌های اخیر شاهد کاهش باروری و رشد جمعیت هستیم که برای آن دلایل متعددی ذکر نموده‌اند؛ دلایلی همچون ترس از فقر و مسائل اقتصادی که موجب شده خانواده‌ها نسبت به فرزندآوری تردید داشته باشند! درحالی‌که از فواید فرزندآوری، افزایش آرامش روانی افراد است و در استحکام خانواده تأثیرگذار است. از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله یکی از مؤثرترین ثروت‌های یک کشور، جمعیت جوان در کشور است که از اوایل انقلاب تاکنون از این ثروت

۱. بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله در دیدار جمعی از بانوان پزشک به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیه‌السلام، ۱۳۶۷/۱۰/۱۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2250>.

۲. بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024>.

۳. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ج ۱، ص ۱۰۱.

۴. بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله در دیدار جمعی از زوج‌های جوان، ۱۳۹۸/۰۱/۰۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43153>.

۵. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۶.

۶. همان، ج ۱۴، ص ۳۳.



برخوردار بوده‌ایم و اگر در آینده برخوردار نباشیم، عقب خواهیم ماند.^۱ ترس از فقر در فرزندآوری، مسئله‌ای است که در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾.^۲ کلمه «املاق» به معنی نداشتن مال و هزینه زندگی و دال بر کشتن فرزندان از ترس هزینه زندگی است که در میان عرب جاهلیت، به علت قحطی و گرانی جاری بوده است. در آیه مورد بحث که ایشان را از این عمل ناستوده نهی کرده‌اند، نهی را با جمله «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» تعلیل و فرموده است: «منطق شما در فرزندکشی غیر از این نیست که نمی‌توانید هزینه و روزی زندگی آن‌ها را فراهم نمایید و این، خود منطق اشتباهی است؛ زیرا شما نیستید که روزی فرزندان خود را فراهم می‌کنید؛ بلکه خداوند متعال است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد.»^۳ نگرش قرآن قابل انطباق با بحث سقط جنین در زنان، در زمان حال و فرهنگ‌سازی در این زمینه حائز اهمیت است.

اشتغال زنان بعد از اولویت خانه‌داری

اسلام اشتغال زن در جامعه را به شرط حفظ حیا و عفاف و در صورتی که مانع وظیفه اصلی زن نشود، تأیید نموده است. از دیدگاه مقام معظم رهبری حفظه الله اشتغال زنان دارای جایگاه مهمی است؛ اما نقش مادری اولویت دارد و اشتغال نباید زن را از مسئولیت اصلی همسر و مادری زن بازدارد و باعث سلب آرامش شود.^۴ ایشان با تأکید بر اهمیت آرامش در خانواده، زن را در خانه عامل آرامش همسر و فرزندان دانسته‌اند که اگر زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمی‌تواند این آرامش را به خانواده بدهد.^۵ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله با تأیید حضور زن در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، همواره بر اولویت داشتن نقش زن در خانواده تأکید دارد و

۱. بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46045>.

۲. انعام، ۱۵۱: «و فرزندانتان را از (ترس) فقر نکشید. ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم».

۳. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.

۴. بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در دیدار مدال‌آوران المپیادهای علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان، ۱۳۹۸/۰۵/۱۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43188>.

۵. بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>.

اشتغال زن را در صورتی قابل پذیرش می‌داند که به امور زندگی لطمه‌ای وارد نکند. همچنین در بحث اشتغال، به حفظ روابط نامحرم تأکید نموده و این مسئله را در اسلام جدی دانسته است که باید مورد توجه قرار گیرد.^۱ توصیه اسلام به این است که زن صدای خود را نازک نکند و با مردان به نرمی حرف نزند و با بیگانگان روبه‌رو سخن نگوید که موجب طمع آن‌ها شود؛^۲ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۳ پس به‌گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند.» این آیه دال بر نهی از خضوع زن در گفت‌وگو با مردان بیگانه و رعایت سکینت و وقار زن در سخن گفتن و نیز پرهیز از بذله‌گویی با افرادی است که خطرات آنان با وسوسه شیطانی سنخیت دارد.^۴ بنابراین زنان باید به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به طور معمولی سخن بگویند؛ نه همچون زنان کم‌شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک‌کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوت‌ران را به فکر گناه می‌افکند، سخن بگویند.^۵

باید توجه داشت که تناسب شغل زن باید با توانمندی‌های او باشد. رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه نگرش صحیح و منطقی به اشتغال زن را در نظر گرفتن عدالت دانسته است، نه برابری جنسی زن و مرد.^۶ بر همین اساس تأکید ایشان بر انتخاب مشاغلی متناسب با این خصوصیات زن است. ایشان در این باره فرموده است:

«این چه افتخاری است برای زن که کاری را انجام بدهد که مردانه است؟! من متأسفم که گاهی خود خانم‌ها، خود بانوان، روی این مسئله حساسیت نشان می‌دهند که ما با مردها چه فرقی داریم؟! ... نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است. در مسئله انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست، اما قالب‌ها دو قالب است: یک قالب برای یک کار

۱. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۵۷.
۳. احزاب، ۳۲.

۴. سید محمدحسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۳، ص ۱۰۲.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۹.

۶. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>.

و یک صنف کار است، یک قالب برای یک کار دیگر است. البته کارهای مشترکی هم وجود دارد. [آیا] این خدمت است که ما بیاییم یکی از این دو قالب را از منطقه اختصاصی خودش بکشیم بیرون، ببریم در منطقه اختصاصی آن قالب دیگر؟! این کاری است که غربی‌ها دارند می‌کنند.^۱

نکته قابل توجه در اولویت مردان در تصدی مسئولیت‌ها و پذیرش شغل‌ها این است که این موارد، تسهیلی است که دین اسلام برای زنان قرار داده است تا زنان درگیر مسائلی نشوند که موجب تشویش اعصاب شود و مشکلاتی را برای روحیه آنان ایجاد کند.^۲ در این راستا مقام معظم رهبری رحمته الله علیه تقلید کار مردانه را برای زن هنر نمی‌داند؛ بلکه افتخار زن را در این می‌داند که یک زن کامل باشد که ارزش آن در مواردی از مرد بالاتر و بیشتر است.^۳ بنابراین زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در جامعه داشته باشد، اما در مرحله اول در خانه و در مرحله دوم با حفظ عفاف در خارج از خانه به کار متناسب با روحیات و توانمندی‌ها زنانه روی آورد.

فهرست منابع

۱. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۷ ق.
۲. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، چ، ۱، تهران: کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، چ، ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۴. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، چ، ۱، نجف: مطبعة الحیدریة، بی‌تا.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ، ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ، ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، علی اکبر غفاری، چ، ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۸. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۹. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، زن از زبان قرآن، چ، ۱، قم: جمال، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، چ، ۱، قم: شفق، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۱. همان.

۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، زن از زبان قرآن، ص ۳۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3390:۱۳۸۶/۰۴/۱۳>



آیا اسلام اساساً دغدغه وضعیت و مسائل زنان را داشته است؟

تبیین شبهه: گاه این گونه مطرح می شود که نهادهای اجتماعی و از جمله دین نه تنها دغدغه زنان به عنوان بخشی از جامعه انسانی را ندارند، بلکه یکی از عوامل اصلی نهادینه شدن فرودستی زنان است. ادیان سنتی نگاهی حذف کننده و حاشیه ای نسبت به زن دارند.^۱

پاسخ: شاید این اشکال در مورد فضای دیگر ادیان سنتی درست باشد؛ لکن بی شک برخلاف واقعیات اسلام و کتب مقدس اسلامی است. درحالی که در کتاب اوستا (کتاب مقدس اصلی زرتشتیان) فقط ۲ فراز به موضوع زنان پرداخته است و درمجموع عهد عتیق و جدید (کتاب مقدس اصلی یهودیان و مسیحیان) تنها در ۳۵ آیه به موضوع زنان پرداخته اند، در قرآن مجید بیش از ۲۰۰ آیه به موضوع زنان و مسائل آنان اختصاص دارد.^۲ افزون بر این، ماهیت و کیفیت دغدغه مندی اسلامی که در منابع اسلامی متجلی شده است، تفاوت های بنیادین با دغدغه مندی های دیگر ادیان و حتی نهضت های دفاع از زنان دارد.

۱. مارجوری سالشوکی (Marjorie Suchocui) به نقل از: مجموعه مقالات دایرةالمعارف راتیلج، مقاله الهیات فمینیستی، ص ۱۸۵.

۲. نک: مهریزی، زن در ادیان ابراهیمی و آیین زرتشت.

به خلاف جنبش‌های دفاع از حقوق زن در قرن اخیر که ریشه در دادخواست بشر بودن زنان داشت و از بدنه اجتماع و در جهت برآورده‌سازی توقعات اجتماعی بود، در نظام اسلامی در حوزه منزلت و حقوق زنان، نوعی حرکت انقلابی از بالا و بر ضد جریان مسلط اجتماعی شکل گرفت. اسلام در زمان تشکیل حکومت در مدینه و به محض اینکه قدرت و تمکن مدیریتی پیدا کرد، اقدام به اصلاحات عمیق اجتماعی در جهت اصلاح هویت و منزلت زنان کرد به گونه‌ای که در بسیاری از موارد این اصلاحات با باورهای جامعه عرب و حتی جامعه مسلمین صدر اسلام تعارض‌های بنیادین داشت.

با نگاهی اجمالی به قرآن کریم، میزان دغدغه‌مندی این دین الهی مشخص می‌شود. با وجود اینکه قرآن کریم کتاب هدایت برای همه انسان‌ها اعم از زن و مرد است و مخاطب آن نیز همه انسان‌ها هستند، لکن ۳۸۸ آیه از ۷۰ سوره قرآن کریم بر مسائل و موضوعات مربوط به زنان پرداخته است. برخی از سوره‌های مفصل قرآن کریم با عناوین اختصاصی زنان نام‌گذاری شده است. با توجه به این نکته تفسیری که همه آیه‌های زیرمجموعه یک سوره، ناظر بر یک هدف نهایی است که تحت نام سوره سامان می‌یابد،^۱ مشخص می‌شود که برخی سوره‌های قرآن کریم مثل سوره مریم، نساء، طلاق (النساء الصغری)، نور و امثال آن به طور ساختارمند و هدفمند، ناظر به مسائل زنان و خانواده است.^۲

سوره نساء و طلاق (النساء الصغری) از سوره‌های مفصل قرآنی است که در جهت دفاع از هویت، منزلت و حقوق زنان در مدینه نازل شده است. مسائل مربوط به زنان و کودکان و اصول خانواده از مسائلی است که صریح و روشن و مکرر در قرآن و ازجمله سوره نساء آمده است. با وجود این، به لحاظ مشکلات فکری و رفتاری عرب جاهلی درباره زن و اهمیت این موضوع، قرآن کریم افتا در مورد موضوع زن را به خداوند متعال نسبت می‌دهد.

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴-۱۴.

۲. شحاته، درآمدی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم، ص ۸۹.



خداوند متعال در آیه ۱۲۷ سوره نساء می فرماید: ﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ﴾؛ «و از تو در مورد زنان فتوا می خواهند. بگو خداوند در مورد آنان فتوا می دهد.» فتیا به ضم فاء و نیز کلمه «فتوا» به معنای پاسخ دادن به احکام و مسائل پیچیده و مشکل است.^۱

فتوا از نظر لغوی و موارد استعمال در قرآن، فقط ناظر بر حکم شرعی نیست؛ بلکه جوانب تکوینی و ارزشی را نیز شامل می شود.^۲ وجه مشکل بودن احکام و مسائل زنان، محتوای این احکام نیست؛ بلکه مشکل بودن پذیرش این معارف برخلاف تلقی های رسوب کرده جامعه جاهلی است. وقتی برخی آیات الهی در مورد هویت و منزلت یا حقوق زن در جامعه عرب صدر اسلام با وضوح و صراحت و به طور مکرر مطرح شد، این وضعیت حتی برای مسلمانان و مؤمنینی که با سنت های جاهلی خو گرفته بودند، قابل پذیرش نبود. از این رو با تعجب و استبعاد به سراغ پیامبر ﷺ می رفتند تا از ایشان توضیح بخواهند. واکنش قرآن کریم هم در این زمینه و با توجه به اینکه افتاء در مورد مسائل زنان را مستند به خود خدا می کند، جالب توجه است. این لحن قرآنی مؤید این مطلب است که تغییرات در حوزه نگرش، ارزش و حقوق زن در اسلام نسبت به عرف صدر اسلام آن قدر بدیع، بنیادین، انقلابی و در تقابل با هنجارهای اجتماعی بوده است که برای تعدیل فشارهای اجتماعی، پیامبر مکرم اسلام ﷺ پاسخ به اعتراضات و مشکلات جامعه را به خداوند متعال منصرف می کند.

در پایه ریزی نظام ارزشی و منزلتی برای افراد بشر نیز حضور زن و الگوهای زنانه در قرآن کریم بسیار پررنگ است. زن در نقش دختر، مادر، خواهر، همسر، عمه و خاله آیات متعددی از قرآن را به خود اختصاص داده است. بیش از ۷۰ آیه قرآن فضیلت ها و رذیلت های زنانه و مشخصات زنان الگو را تبیین می کند. قرآن کریم وقتی می خواهد الگوی بهترین و بدترین زنان را برای مؤمنان و کافران (اعم از زن و مرد) مثال بزند، چهار زن را معرفی می نماید: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ

۱. راغب، مفردات راغب، ص ۳۷۳.

۲. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۹.



وَأَمْرَاتُ لُوطٍ... ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ^۱. آیات پرشماری به نقش زنان در خانواده‌های صالحان و طالحان و نقش تاریخ‌ساز و خطیر آن‌ها می‌پردازد. آیات متعدد دیگری به طور خاص وارد مباحث مربوط به حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی زنان می‌شود. جدول پیوستی گزارشی اجمالی از موضوعات و آیاتی که به طور خاص به مسائل زنان پرداخته است اختصاص دارد.^۲

قرآن کریم علاوه بر راهبرد اعطای بینش که در آیات پرشماری از قرآن کریم به آن پرداخته، از نظر عملی نیز گاه ضمانت اجراهای سنگینی را برای پشتیبانی از هویت، منزلت و حقوق زنان اتخاذ نموده است. وجود ضمانت اجراهای سنگین برای کسانی که به بانوان عفیف افترا می‌زنند، مجازات ایلاء یا شدت عمل در اجرای احکام ارث و طلاق از آن جمله است. وجود روایات فراوانی که در مسیر هویت‌دهی و اصلاح منزلت و احقاق حقوق زنان، شدت عمل زیادی را مصروف می‌کند نیز مؤید ورود انقلابی دین اسلام در حوزه مسائل زنان و اصلاحات مربوط به آن در صدر اسلام است. به عنوان نمونه در چندین روایت امام صادق علیه السلام درواکنش به فراگیری عدم‌رعایت حقوق زنان در ارث و احکام طلاق، فرمودند: «لَا يَسْتَقِيمُ النَّاسُ عَلَى الْفَرَائِضِ وَالطَّلَاقِ إِلَّا بِالسَّيْفِ»^۳ مردم احکام ارث زنان و طلاق را به درستی اقامه نمی‌کنند مگر به پشتوانه شمشیر.

۱. تحریم، ۱۰ و ۱۱.

۲. کدخدایی و زیبایی‌نژاد، صورت‌بندی مطالعات زنان در المیزان، ص ۱۱۵.

۳. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۷۷.



همه این موارد مؤید و دلیل دغدغه‌مندی اسلام و متون مقدس اسلامی در مورد زنان و احقاقشان و منزلت آنان است.

مفاهيم كليدي برخي	آدرس بر اساس سوره و شماره آيه
زن	بقره، ۲۲۲-۲۲۸؛ آل عمران ۱۴ و ۶۱ و ۱۹۵؛ نسا ۱ و ۷ و ۱۱-۱۲، و ۱۹ و ۲۵ و ۳۲ و ۳۴، ۳۶ و ۷۵؛ نسا، ۹۸ و ۱۲۴؛ توبه، ۸۷ و ۹۳؛ فاطر ۱۱؛ یس ۳۶؛ زخرف، ۱۲، حجرات، ۱۳؛ ذاریات، ۴۹؛ نجم، ۲۷ و ۴۵؛ قیامت، ۳۹؛ نبأ، ۸؛ لیل، ۳.
دختر	نسا، ۲۳؛ نحل، ۵۷؛ اسرا، ۴۰؛ صافات، ۱۴۹ و ۱۵۳؛ شوری، ۴۹ و ۵۰؛ زخرف، ۱۶ و ۱۷ و ۱۸؛ طور، ۳۹؛ نجم، ۲۰ و ۲۱؛ تکویر، ۸ و ۹.
زن در نقش همسر	بقره، ۱۰۲ و ۲۲۲ و ۲۲۳؛ نساء، ۳-۱۲، ۱۵-۱۹، ۱۶، ۳۳، ۲۵، ۳۵؛ نسا ۱۲۸-۱۲۹؛ اعراف ۱۸۹؛ توبه ۲۴؛ رعد ۲۳؛ نمل ۷۲؛ مؤمنون ۷۰-۶؛ نور ۹-۶؛ فرقان ۷۴؛ شعرا ۱۶۶؛ روم ۲۱؛ یس ۵۵؛ زمر ۶ مؤمن ۷؛ شوری ۱۱؛ زخرف ۷۱-۷۰؛ ذاریات ۴۹؛ مجادله ۱، ۴؛ ممتحنه ۱۲-۱۰؛ معارج ۳۰؛ جن ۳؛ عبس ۳۵-۳۶؛ تکویر ۹-۷.
زن در نقش مادر	بقره ۸۳، ۱۸۰؛ نسا ۳۶، ۳۳، ۲۳، ۱۱، ۷؛ نسا ۱۳۵؛ انعام ۱۵۱؛ اعراف ۱۸۹؛ نحل ۷۸؛ ابراهیم ۴۱؛ اسرا ۲۴، ۲۳؛ کهف ۸۰؛ نور ۶۱؛ عنکبوت ۸؛ لقمان ۱۴، ۱۵؛ زمر ۱۶؛ احقاف ۱۵؛ نجم ۳۲؛ مجادله ۴-۱؛ ممتحنه ۱۲؛ طلاق ۶؛ عبس ۳۵-۳۶.
خواهر	نسا ۲۳، ۱۲؛ نسا ۱۷۶؛ نور ۶۱
رحم	آل عمران ۳۵، ۶؛ حج ۵؛ مؤمنون ۱۳؛ نجم ۳۲، ۴۶؛ واقعه ۵۸؛ مرسلات ۲۰-۲۳
فضيلت های زنان	نساء ۲۵، ۱۲۴، ۳۴؛ مائده ۵؛ توبه ۷۱-۷۲؛ نور ۴، ۲۳، ۱۲، ۳۱، ۲۶؛ احزاب ۳۵-۳۶، ۷۳، ۵۸؛ مؤمن ۴۰؛ فتح ۵، ۲۵؛ حدید ۱۲؛ ممتحنه ۱۰، ۱۲؛ تحریم ۱۱، ۱۲؛ طور ۲۰؛ نوح ۸
رذيلت های زنان	بقره ۲۲۱، نسا ۷۵، مائده ۳۸، توبه ۶۸، ۶۷، یوسف ۲۸، ۳۳، ۵۰، ۳۴؛ نور ۲۶؛ احزاب ۷۳؛ فتح ۶؛ ممتحنه ۱۱، ۱۰؛ تحریم ۱۰؛ حدید ۱۳؛ فلق ۴
همسران بهشتی	بقره ۲۵؛ آل عمران ۱۵؛ نسا ۵۷؛ رعد ۲۳؛ صافات ۴۸؛ زخرف ۷۱-۷۰؛ دخان ۵۴؛ طور ۳۹؛ الرحمن ۳۳؛ واقعه ۲۲-۲۳، ۳۴-۳۷؛ تکویر ۷؛ نبأ ۳۳

زنان الگو

- حضرت فاطمه: آل عمران ۶۱، دهر ۵-۶، ۸؛ کوثر
- حضرت مریم: بقره ۸۷؛ آل عمران ۳۵-۴۲، ۳۷، ۴۵، ۴۷؛ نسا ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۱؛ مائده ۱۷، ۴۷؛ مائده ۷۲، ۷۵، ۷۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۱؛ توبه ۳۱؛ مریم ۱۶-۲۹، ۳۲، ۳۴؛ انبیا ۹۱؛ مؤمنون ۵۰؛ احزاب ۷؛ زخرف ۵۷؛ حدید ۲۷؛ صف ۶، ۱۴؛ تحریم ۱۲
- حضرت آسیه: قصص ۹؛ تحریم ۱۱
- همسران و خانواده پیامبر اسلام: آل عمران ۱۲۱؛ رعد ۳۸؛ طه ۱۳۲؛ شعرا ۲۱۴؛ احزاب ۲۸، ۳۴، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۵؛ تحریم ۵۰-۱
- همسر و خانواده حضرت ابراهیم: هود ۷۱-۷۳؛ ذاریات ۳۰، ۲۹، ۲۶
- همسر و خانواده حضرت ایوب: ص ۴۳-۴۴
- همسر و خانواده حضرت لوط: اعراف ۸۳؛ هود ۷۸-۷۹، ۸۱؛ حجر ۶۰، ۷۱؛ شعرا ۱۷۱؛ نمل ۵۷، ۵۸؛ عنکبوت ۳۲-۳۳؛ صافات ۱۳۴-۱۳۵؛ تحریم ۱۰
- همسر و خانواده حضرت موسی: اعراف ۱۵۰؛ طه ۱۰، ۳۸، ۹۴، ۴۰؛ قصص ۷، ۱۰، ۲۳، ۱۳، ۲۶
- همسر و خانواده حضرت نوح: هود ۴۰، ۴۵، ۴۶؛ مؤمنون ۲۷؛ صافات ۷۶؛ نوح ۲۸؛ تحریم ۱۰
- همسر و خانواده حضرت یعقوب: یوسف ۹۳؛ رعد ۶
- همسر و خانواده حضرت یوسف (و زلیخا و همسر عزیز مصر: یوسف ۲۱، ۲۳، ۳۲، ۵۱، ۵۲؛ یوسف ۹۹-۱۰۰؛ رعد ۶-۱۳
- حضرت حوا: بقره ۳۵، ۳۶، ۳۸؛ نسا ۱؛ اعراف ۱۹-۲۶؛ طه ۱۲۱، ۱۱۷، ۱۲۳
- مادر حضرت سلیمان و ملکه سبا: نمل ۱۹، ۲۳، ۲۸، ۲۵، ۴۴
- همسر حضرت زکریا: آل عمران ۴۰، مریم ۵، ۸، ۱۴؛ انبیا ۹۰

مفاهیم فقهی
و حقوقی

- خواستگاری، ازدواج و ازدواج موقت و مجدد و تعدد زوجات: بقره ۲۲۱، ۲۳۵؛ نسا ۳، ۶، ۲۲، ۲۰؛ نسا ۲۵؛ نساء ۱۲۷، ۱۲۹؛ مائده ۵؛ نور ۳، ۳۲، ۳۳، ۶۰؛ احزاب ۵۰، ۵۴؛ طور ۲۰، ۳۹؛ ممتحنه ۱۲، ۱۰
- آمیزش: بقره ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۲۲، ۲۲۳؛ نسا ۳۴، ۴۳؛ مائده ۶؛ اعراف ۸۱، ۱۸۹؛ مؤمنون ۶-۷؛ شعرا ۱۶۶؛ نمل ۵۵؛ احزاب ۴۹
- حیض و بارداری، وضع حمل، شیردهی: بقره ۲۲۲، ۲۳۳؛ نسا ۲۳؛ اعراف ۱۸۹؛ رعد ۸؛ نمل ۷۷؛ حج ۲؛ قصص ۷، ۱۲؛ فصلت ۴۷؛ احقاف ۱۵، ۱۷؛ طلاق ۴ و ۶
- نشوز و طلاق: بقره ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۴۲؛ نسا ۳۴، ۳۵، ۱۲۸-۱۳۰؛ احزاب ۴۹؛ طلاق ۱-۶؛ تحریم ۵
- ظهار و لعان: نور ۹۰؛ احزاب ۴؛ مجادله ۱-۴
- عده: بقره ۲۲۱، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۱؛ طلاق ۱-۴
- زنا: نسا ۱۵، ۱۶، ۲۴، ۲۵؛ اسرا ۳۲؛ نور ۲-۴، ۶، ۸، ۹، ۲۳، ۳۳؛ فرقان ۶۸؛ ممتحنه ۱۲
- شهادت و قصاص: بقره ۱۷۸، ۲۸۲
- احکام کنیز: بقره ۲۲۱؛ نسا ۳، ۲۴، ۲۵، ۳۶؛ مؤمنون ۶-۷؛ نور ۳۲-۳۳؛ معارج ۳۰
- مهریه: بقره ۲۳۷، ۲۳۸؛ نسا ۴، ۲۴، ۲۵؛ ممتحنه ۱۰-۱۱
- همسر پسرخوانده و همسر پسر: نسا ۲۳؛ احزاب ۳۷



در برخی از روایات، زن به عنوان شر، مانع بندگی خدا، شمشیر شیطان، و... توصیف شده است. این روایات چگونه قابل توضیح است؟

پاسخ: مطالب قابل طرح در واکنش به این شبهه به این قرار است:

مطلب اول: پیشینه توصیف زنان به شرارت و شیطنیت

توصیف زن به شرارت و شیطنیت از گزاره‌هایی است که بین فیلسوفان، دانشمندان، ادیان، ضرب‌المثل‌ها و محاوره‌های علمی، دینی، عرفی شهرت بسیار زیادی دارد: ضرب‌المثل مشهور فرانسوی: قلب زن، آدم‌ها را فریب می‌دهد؛ زیرا در آن شیطنیت موج می‌زند.

ضرب‌المثل روسی: وقتی شیطان زنی را می‌بلعد، نمی‌تواند هضمش کند.

ضرب‌المثل لهستانی: جایی که شیطان نمی‌تواند برود، زنی را می‌فرستد. زن سه روز پیش از شیطان زاده شد.

ضرب‌المثل هندی: حتی شیطان هم برای در امان ماندن از زنان دست به دعا برمی‌دارد.^۱

فیثاغورث: اصل خوبی وجود دارد که نظم، نور و مرد را آفرید؛ اصل بدی وجود دارد که آشوب، تیرگی و زن را آفریده است.

ژان کریزوستوم: زن طاعون کشنده و نیزه تیز شیطان است. به دست زن بود که شیطان بر آدم چیره شد و بهشت را به روی او بست.^۲

۱. بنوات گرو، زن از دید مردان، ص ۲۰۸ - ۲۱۶.

۲. همان، ص ۴۵.



شاید تبیین علمی فروید را نیز بتوان در جهت تئوریزه کردن شرارت زنان دانست؛ آنجا که می‌گوید:

باید به روشنی اقرار کرد که زن از حس عدالت، چندان بهره‌ای نبرده است و این امر بی‌تردید حاصل نفسانیات زن است. حس انصاف ناشی از پرورش میل به انصاف است و به شرایطی نیاز دارد که این میل تحقق‌پذیر باشد. ما می‌گوییم که توانایی زن برای والایش غرائز ضعیف‌تر است.^۱

مسئله شرارت زن به عنوان یکی از اعتقادات رایج یهودیت و مسیحیت نیز مطرح است. در مواظ سلیمان (باب ۲۵ آیات ۱۹) آمده است: هیچ شرارتی در هیچ جا به بد ذاتی زن نمی‌رسد.^۲

مسئله شرارت ذاتی از سازهایی است که در کتاب مقدس و تفاسیر آن نیز ریشه دارد و وارد ادبیات الهیاتی شده است. گناه ذاتی بشر آن است که پس از وسوسه شدن آدم و حوا و خوردن از درخت ممنوعه، گناهی را با خود به زمین آورد و بعد این گناه را به نسل بعدی منتقل کرد. بر این اساس، ذات انسان فاسد و مقصر است.

از دیدگاه یهودیت و مسیحیت، خداوند آدم و حوا را از خوردن میوه‌های درخت ممنوعه بر حذر داشت، اما ابلیس حوا را فریفت و حوا نیز آدم را اغوا کرد. خداوند آدم را سرزنش کرد و او نیز همه تقصیر را بر گردن حوا انداخت و در نتیجه خداوند درد زایمان و سلطه مرد بر زن را مجازات حوا و زنان قرارداد. مجازات آدم هم این بود که در زمین گرفتار رنج و مشقت خواهد بود.^۳ بر اساس این تلقی، هرچند هر دو شر ذاتی دارند، لکن کفه ترازو علیه حوا و زنان غلبه دارد. اغواگری زنان، طمع‌ورزی، مکر و حیله‌گری و گناه و شرارت ذاتی زنان پررنگ می‌شود؛^۴ چراکه «معصیت و گناه با یک زن آغاز شد».^۵

۱. همان، ص ۱۰۲.

۲. مواظ سلیمان، باب ۲۵، آیات ۱۹ به بعد.

۳. سفر پیدایش، باب دوم، آیه ۴ و باب سوم، آیه ۲۴.

۴. کتاب جامعه سلیمان، باب هفتم، آیات ۲۶ - ۲۸.

۵. مواظ سلیمان، باب ۲۵، آیه ۲۴.

در آموزه‌های قرآنی از این نگاه بدبینانه به ذات انسان خبری نیست و چیزی به نام شر و گناه ذاتی وجود ندارد. انسان‌ها با فطرتی پاک و معطوف به خداجویی و خداطلبی متولد می‌شوند: ﴿فَظَرَّتْ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾.^۱ در مورد گناه نخستین نیز قرآن کریم در چندین آیه و به صراحت مخاطب نهی الهی را آدم و حوا قرار داده: ﴿فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ﴾^۲ و هر دو را به عنوان خطاکار معرفی و سرزنش می‌کند و سرانجام از پشیمانی و توبه هر دو سخن می‌گوید.^۳ در یک مورد هم به طور خاص از وسوسه شدن آدم سخن به میان آمده است: ﴿فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى﴾؛^۴ «ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟!»

مطلب سوم: زنان، الکوی بهترین‌ها و بدترین‌ها

قرآن کریم وقتی می‌خواهد بهترین و بدترین الگو را برای مؤمنان و کافران (اعم از زن و مرد) مثال بزند، چهار زن را معرفی می‌نماید:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ»؛^۵ «خدای تعالی برای کسانی که کافر شدند مثلی زده و آن همسر نوح و همسر لوط است که در تحت فرمان دو نفر از بندگان صالح ما بودند و این دو زن به آن دو بنده صالح خیانت کردند و همسری‌شان با پیامبران هیچ سودی برایشان نکرد و از عذاب خدا جلوگیری نشد و به ایشان گفته شد داخل آتش شوید همان‌طور که بیگانگان با انبیا داخل می‌شوند.»

۱. روم، ۳۰.

۲. اعراف، ۲۰.

۳. اعراف، ۱۹-۲۴؛ بقره، ۳۵ و ۳۶؛ طه، ۱۲۰-۱۲۳.

۴. طه، ۱۲۰.

۵. تحریم، ۱۰.



«وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ

وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛^۱ «و نیز خدای تعالی برای کسانی که ایمان آوردند مثلی می زند و آن داستان همسر فرعون است که گفت: پروردگارا نزد خودت برایم خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عمل او نجات بده و از مردم ستمکار برهان.»

این امر نشان دهنده آن است که مقتضای بیشترین خیر و بیشترین شر در زن موجود است به گونه ای که می تواند بهترین و بدترین الگو برای همه انسان ها باشد.

مطلب چهارم: شرارت زن در روایات

با وجود روایات پرشماری که به فضیلت و برتری های زنان پرداخته و گاه بیشترین خیرها را در زنان می داند، یک روایت بدون سند به امیرالمؤمنین علی علیه السلام منسوب است که بر اساس آن زنان به شر توصیف شده اند: «الْمَرْأَةُ شَرُّ كُلِّهَا وَ شَرُّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا».^۲ اگر منظور از «شَرُّ كُلِّهَا» این باشد که زن «شر مطلق» است و هیچ خیری در آن نیست، چنین چیزی عقلاً و نقلاً قابل دفاع نیست. ضمن اینکه در همین روایت به جنبه ای از خیر بودن زن اشاره کرده است. همین که در این روایت وجود زن را اجتناب ناپذیر می داند، نشان دهنده کارکرد و خیر ضروری اوست. از دیگر سو، شر مطلق بودن زن با ادله عقلی نیز قابل ابطال است. حکیمانه بودن نظام خلقت، احسن بودن خلقت زن و مرد از جمله ادله ابطال شر مطلق بودن خلقت زن است. از این رو روایت از اطلاق و عمومش منصرف و نیازمند توضیح است.

در توضیح این روایت با توجه به اصل ارجاع گزاره های شبهه انگیز به محکومات، اصل اشتراک در خلقت، اصل اشتراک در هدف خلقت، اصل بعضکم من بعض، اصل نظام احسن خلقت و مبانی ارزش شناختی، احتمال هایی قابل طرح است. ضمن اینکه بررسی میزان اعتبار سند این روایات نیز مهم است.

۱. تحریم، ۱۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲. راویان این روایت ذکر نشده و به لحاظ سندی معتبر نیست.

همان گونه که اشاره کردیم، توصیف زنان به شرارت و بلا بودن در ادبیات محاوره‌ای و حتی علمی کشورهای مختلف و از جمله حجاز و فتوحات اسلامی مثل ایران شایع بوده است. شبیه این عبارت در ضرب‌المثل‌های ایرانی نیز وجود دارد؛ مثل «زن بلاست و خداوند هیچ خانه‌ای را بدون بلا نکند». حال با توجه به اینکه برای این روایت هیچ سندی ذکر نشده است و از دیگر سو مضمون شرارت زن در زبان محاوره عرب و ضرب‌المثل‌های آنان شایع بوده است، احتمال جعلی بودن روایت و استناد گزاره‌های عرفی به ائمه و به طور خاص امیرالمؤمنین علی علیه السلام قابل طرح است.

احتمال دوم: تشکیل خانواده روایات

در مورد خیر و شر بودن زن با سه دسته گزاره دینی روبه‌رو هستیم:

دسته اول) در روایتی از امام صادق علیه السلام از به ودیعه نهاده شدن بیشترین خیر در زنان سخن به میان آمده است: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»^۱ در روایت نبوی صلی الله علیه و آله اشاره شده است که راه رسیدن به بهشت به عنوان خیر آرمانی برای همه انسان‌ها از ایستگاه زنان می‌گذرد: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَهَاتِ»^۲

در روایات متعدد دیگری، فلاح و رستگاری مردان در پیوند با زنان (زن به عنوان همسر، مادر، فرزند و...) و شیوه رفتار با آنان رقم می‌خورد. در روایات پرشماری دختران را با عناوینی مثل مبارک، مونس، ملطف،^۳ حسنه، ریحانه^۴ و سبب‌ساز ورود به بهشت و مانعی از آتش جهنم^۵ معرفی می‌کند؛ آن‌ها را بهترین فرزندان می‌شمرد،^۶ به واسطه وجود دختر، پدران و مادران مورد رحمت و نصرت و مغفرت

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵: «عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ سَمْعٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. اگر چه راویان مذکور ثقه هستند، ولی روایت به دلیل عدم ذکر راوی متصل به امام علیه السلام مرسله است. علامه مجلسی در «روضة» روایت را معتبر دانسته است: محمدتقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۸، ص ۹۳.

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۳. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۶۴۸.

۴. همان، ص ۶۵۴.

۵. همان، ص ۶۴۸.

۶. همان.



خدا قرار می‌گیرند؛^۱ برکات وجودی آن‌ها در دنیا فراوان و در آخرت به مثابه باقیات الصالحات تداوم و استمرار دارد.^۲

پیامبر مکرم اسلام ﷺ لقب خود را ابا البنات (پدر دختران) نامید و فضیلت داشتن دختر را از هزار حج، هزار بار جهاد و هزار قربانی در راه خدا بهتر معرفی کرد؛^۳ و وعده داده است کسی که دختری را مؤمنانه سرپرستی کند، در روز قیامت همچون دو انگشتان دست در کنار او از آتش جهنم مصون خواهد بود.^۴

در روایات دیگری، این قاعده شامل خاله یا عمه یا خواهر نیز شده است.^۵

در روایت دیگری به صورت عام‌تر خداوند را بر زنان مهربان‌تر از مردان معرفی می‌کند.^۶

روایات در این زمینه آن قدر زیاد است که در کتب منبع روایی ابوابی به آن اختصاص داده شده است. همه این روایات و انبوهی از روایات دیگر که امکان ذکر همه آن‌ها وجود ندارد، نشان‌دهنده وجود «خیر کثیر» در زنان است.

دسته دوم) روایاتی است که از وجود شر و شرارت‌هایی در زنان خبر می‌دهد. روایت «المرأة شر كلها و شر ما فيها ان لا بد منها» صریح‌ترین این روایات است. در روایت مرسله منسوب به پیامبر مکرم اسلام ﷺ آمده است: «اگر زنان نبودند، حقیقت بندگی خدا به جا آورده می‌شد.»^۷ «اگر زنان نبودند مردان داخل بهشت می‌شدند.»^۸ در روایت دیگری زنان را قدرتمندترین سپاهیان شیطان معرفی می‌کند.^۹

دسته سوم) بین هر دو خیر و شر در وجود زن جمع می‌کند؛ مثل روایت «لیس للمرأة خطر لا لصالحتهن ولا لطالحتهن أما صالحتهن فلیس خطرها الذهب و الفضة بل هی خیر من الذهب و الفضة و أما طالحتهن فلیس التراب خطرهما بل التراب خیر منها»^{۱۰}

۱. همان.

۲. همان، ص ۶۵۰.

۳. همان، ص ۶۴۸.

۴. همان.

۵. همان، ص ۶۵۰.

۶. همان، ص ۶۵۲.

۷. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۱.

۸. حافظ اصبهانی، ذکر اخبار اصبهانی، ج ۲، ص ۳۰.

۹. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۱۵.

۱۰. همان، ص ۳۳۲.

زنان قابل ارزش گذاری نیستند، نه صالحانشان و نه بدکارانشان؛ صالحانشان با طلا و نقره ارزش گذاری نمی شوند؛ بلکه از هر جواهری ارزشمندترند و بدکارانشان به اندازه خاک ارزش ندارند بلکه خاک ارزشمندتر از آنان است.»

روایت دسته سوم، وجه جمع دو دسته دیگر است؛ بدین معنا که اقتضای خیر کثیر و شر کثیر در وجود زن به ودیعه نهاده شده است. اراده و اختیار است که جایگاه نهایی زن را مشخص می کند که با ایمان و عمل صالح در نقش خیر قرار گیرد یا با کفر و ناسپاسی و فسق نقش شر را برگزیند. این وجه جمع به وسیله آیاتی که چهار زن را به عنوان بهترین و بدترین الگو برای مؤمنان و کافران معرفی می کند تأیید می شود.

احتمال سوم: توجه به لوازم مفهوم شر

اگر به مفهوم «نسبی بودن»^۱ و «عدمی بودن»^۲ شر و «اصل عدم تفکیک خیر و شر نسبی»^۳ توجه شود، استبعاد بدوی از این گونه روایات قابل رفع است. گزیده سخن شهید مطهری در این زمینه راهگشاست:

خوبی ها و بدی ها در جهان، دو دسته متمایز و جدا از یکدیگر نیستند آن طوری که مثلاً جمادات از نباتات و نباتات از حیوانات جدا هستند و صف های خاصی را به وجود می آورند. این خطا است که گمان کنیم بدی ها یک رده معینی از اشیا هستند که ماهیت آن ها را بدی تشکیل داده و هیچ گونه خوبی در آن ها نیست و خوبی ها نیز به نوبه خود، دسته ای دیگرند جدا و متمایز از بدی ها. خوبی و بدی آمیخته به هم اند، تفکیک ناپذیر و جدانشدنی هستند. در طبیعت، آنجا که بدی هست، خوبی هم هست و آنجا که خوبی هست، همان جا بدی نیز وجود دارد.

براین اساس، هر جا خوبی بیشتری باشد، مقتضای بدی بیشتری نیز باشد. اگر بیشترین و متعالی ترین استعدادها در انسان به ودیعه نهاده شده و از او مخلوقی برتر و افضل ساخته است: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^۴

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۵۳، شر نسبی است.

۲. همان، ص ۱۵۰، شر عدمی است.

۳. همان، ص ۱۶۴، اصل تفکیک.

۴. اسراء، ۷۰.



در عین حال، اگر بر اساس اقتضا و هدف استفاده نشود، همین افضل مخلوقات، مصداق بدترین و شرترین مخلوقات خواهند بود: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^۱. در مورد زن هم به عنوان صنفی از انسان، اگر بیشترین خیرها در مقایسه با مرد در وجود او به ودیعه نهاده شده است و مصداق «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ» قرار گرفته، همین خیرها در صورتی که در مسیر هدف خلقت او قرار نگیرید، همه اش شرمی شود (كُلُّهَا شَرٌّ) و او را در مقام و منزلتی فروتر قرار خواهد داد. هر جا خیر بیشتری باشد، مسئولیت بیشتری نیز خواهد آمد: «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^۲ و زمینه سرمایه‌گذاری شیطان و شرارت نیز بیشتر خواهد بود.

مذمت زنان در این روایات شبیه مذمت دنیا یا مذمت نفس است. دنیایی که مزرعه آخرت است: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ»^۳، عامل هلاکت و مزرعه شر و شیطان نیز هست: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الشَّرِّ وَابْلِيسَ»^۴. نفسی که با فضیلت‌ترین مخلوق خداست، دشمن‌ترین دشمن انسان است: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»^۵. خصوصاً اینکه در معارف اسلامی به «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» بودن زنان تأکید و تصریح شده است. دلالت تکوینی این گزاره این است که همان‌گونه که انسان به نفس خود گرایش دارد، به زنان نیز گرایش دارد. البته منظور از این گرایش صرفاً گرایش شهوانی نیست؛ بلکه نوعی حس حمایتگری را نیز شامل می‌شود که در مردان نهاده شده است. چه بسا در برخی جهات، گرایش مردان به زنان نسبت به خودشان هم بیشتر باشد. مردان با وجود حب ذات در مقابل تعرض به زنان (حتی زنانی که وابستگی نسبی ندارند) احساس حمایتگری ویژه‌ای دارند و حتی در صورتی که یک دختر یا زن ناشناس مورد تعرض دیگران قرار گیرد، حاضر است جان خود را هم برای دفاع از آنان فدا کند. اقتضای «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» بودن زنان می‌تواند بهانه مساعدی برای خروج از مدار عدالت در شئون مختلف باشد.

۱. اعراف، ۱۷۹؛ انفال، ۲۲.

۲. تکاثر، ۸.

۳. مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، ج ۱۰، ص ۴۵.

۴. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۱۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

۵. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۲، ص ۲۱۶.

احتمال چهارم: توجه به «متعلق» خیر و شر

توجه به «متعلق» خیر و شر نیز در جهت فهم این‌گونه روایات راهگشاست. اینکه در روایت زن را مصداق شر یا خیر معرفی می‌کند، برای چه کسی خیر و شر است؟ چه بسا قرآن کریم که مصداق اعظم رحمت و خیر الهی است، برای کسانی که حق قرآن را به جا نیاورند، چیزی جز شر و خسران نباشد: ﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾^۱.

چه بسا همین زن که مصداق «اکثر الخیر» برای خود و خانواده و جامعه و خلقت است، برای کسانی که تعامل درستی با آن یا نسبت به آن نداشته باشند، همه‌اش شر خواهد بود. پس روایت «المرأة شرُّ كلِّها»، به جای آنکه روایتی در تبیین شرارت تکوینی باشد، هشدار می‌دهد به همه انسان‌ها و خصوصاً مردان در نحوه تعامل با بهترین‌های خلقت است.

برخی مفسران در تبیین این روایت، «اگر زنان نبودند، حق عبودیت خدا به جا آورده می‌شد»، متذکر شده‌اند که گرایش به زنان از قوی‌ترین شهواتی است که در صورت عدم مدیریت درست آن مانع عبودیت و تکامل بشر می‌شود.^۲ بر همین اساس خداوند متعال در آیه ۱۴ سوره آل عمران، گرایش به زنان را مقدم‌ترین و اصلی‌ترین و در رأس همه شهوات قرار داده است که برای مردم زینت داده شده است: ﴿زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ...﴾^۳. البته شهوت و گرایش به زنان لازمه نظام احسن خلقت است و مادامی که بر مدار شریعت عمل شود، مبنای عبودیت و بندگی و محقق‌کننده نیمی از اهداف دین است؛ لکن این گرایش آن قدر قوی است که بیشترین خطر را برای خروج از مدار بندگی نیز ایجاد می‌کند.

۱. اسراء، ۸۲.

۲. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰: «لأنهن من أعظم الشهوات القاطعة عن العبادات ألا تری أن الله تعالی قدمهن فی آیه ذکر الشهوات حیث بین الشهوات بقوله: من النساء» ثم عقبها بغیرها دلالة علی أنها أصلها ورأسها وأسها.

۳. آل عمران، ۱۴.

برخی در مقام دفاع از وجهه شرع و دین، ضمن مقایسه ضمنی روایت «المرأة شر كلها و شر فيها انه لابد منها» با ضرب المثل های ایرانی مثل «زن بلاست و خداوند هیچ خانه ای را بدون بلا نکند!»، در صدد گذر از آن برآمده اند. به هر حال اگر هم بپذیریم که این عبارت، ضرب المثلی در بیان عرب بوده که در کلام پیشوای معصوم جاری شده است، از دو حالت خارج نیست: یا ضرب المثل باطلی است یا حق. اگر ضرب المثلی است که از حقیقت بهره ای ندارد، نمی توان پیشوای معصوم (علیه السلام) را متهم به سخن گفتن بر اساس محاوره باطل زمانش کرد، و اگر ضرب المثل حقی است، وجه حقانیتش نیازمند تبیین است.

البته مطالعات زبان شناختی می تواند تفسیرهای متفاوتی از عبارات و ضرب المثل ها را روشن نماید. چه بسا وقتی محتوای خاصی در بافت استعمالی ویژه ای قرار می گیرد، مفهوم متفاوت و حتی معکوسی از نظر ارزشی پیدا می کند. به عنوان مثال واژه «شیطان» یا «بلا» اگرچه ظاهراً محتوایی ضد ارزشی دارد، لکن وقتی کودک شیرین زبان خود را با لفظ «شیطون» یا «بلا» خطاب می کنیم، نه تنها تلقی منفی از چنین استعمالی وجود ندارد، بلکه نوعی تصدق رفتن کودک است. بر همین اساس، وجوه دیگری نیز قابل شناسایی است که نمونه آن در گزاره های تاریخی کم نیستند.

به عنوان مثال ممکن است حضرت در مقام توصیف زن خاصی بوده اند و الف و لام در المرأة، الف و لام عهد ذهنی باشد که مخاطبان از مصداق آن و فضای معنایی آن باخبر بوده اند ولی این شأن نزول یا فضای معنایی در روایت منتقل نشده است. به هر تقدیر، با توجه به مسلمات عقلی و نقلی چاره ای جز تأویل یا تقیید یا تخصیص این روایت نیست.

عفاف در خانواده

حجت الاسلام ناصر رفیعی محمدی

مقدمه

جامعه از رودخانه‌ها و چشمه‌های کوچک خانواده‌ها شکل گرفته است. اگر این چشمه‌ها و رودخانه‌ها گل‌آلود و مسموم باشد و آب آن نیز مناسب نباشد، نباید توقع داشت که آن دریا و آن اقیانوس هم آب خوبی داشته باشد. مدارس، مراکز، دانشگاه‌ها، شهرها، روستاها، اجتماعاتی تشکیل شده از خانواده‌های مختلف هستند. به همین دلیل است که اسلام توجه عمیقی به نهاد اجتماعی خانواده داشته و آیات متعددی در این رابطه نازل شده است. نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»؛ بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهترین باشد...^۱ بعضی در بیرون از خانه، خودشان را خوب نشان می‌دهند، در محیط کار، خودشان را خیلی عالی نشان می‌دهند، با همکار و رفیق و دوست در کوچه در خیابان خوب هستند؛ اما در خانه خوب نیستند. رسول خدا ﷺ فرمود: «خَيْر وَ شَرُّ شَمَّا رَا بَا خَانَوَدَه تَان مِی سَنَجَنَد. بَهْتَرِین شَمَّا کَسِی اَسْت کِه خَانَوَدَه اش از او بَیشتَر راضی باشد. مَن کِه پیغمبر شما هستم، بَهْتَرِین شما در همه جهات از جمله در رسیدگی به خانواده هستم.» سپس فرمودند: «مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَئِيمٌ»^۲ مردها و افرادی که زن‌هایشان را تحقیر می‌کنند، لئیم هستند و آن‌هایی که خانواده‌هایشان را تکریم

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۷۱؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۱۶.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، ص ۴۷۲.

می‌کنند، کریم هستند. ملاک پستی و کرامت، ملاک برتری و سقوط، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «از زن‌هایشان پرسید، ببینید آیا مردان خانواده‌شان را تحویل می‌گیرند یا نه! زن‌هایشان را تکریم می‌کنند یا نه؟ آدم‌های باکرامت به کسی اهانت نمی‌کنند و او را تحقیر نمی‌کنند.» این ملاکی است که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به ما داده است. آن حضرت در سخن دیگری فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ»^۱ دو بار لعنت کرد کسی را که حق عیال و خانواده‌اش را ضایع کند و حقش را نادیده بگیرد و به آن‌ها بی‌توجهی کند. این‌ها نکاتی است که در دین و آیات و روایات ما مطرح شده است. هیچ نهاد و مرکز و مذهبی به زیبایی اسلام و قرآن در مورد حقوق خانواده سخن نگفته است.

یکی از حقوق و نکات مهم در اخلاق خانوادگی، بحث حجاب و عفاف است. معضل کنونی جامعه ما که متأسفانه به رسانه‌هایمان نیز راه پیدا کرده است، عدم رعایت فرهنگ عفاف، حجاب و عدم رعایت پوشش و حریم مرد و زن است. قرآن دو شخصیت را به عنوان مظهر عفاف، حجاب و حیا معرفی کرده است: حضرت یوسف علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام. البته بعضی از مفسرین از آیاتی که درباره این دو شخصیت سخن گفته است، چنین برداشت کرده‌اند که مقام حضرت مریم علیها السلام در این بعد، به یک معنا بالاتر از حضرت یوسف علیه السلام است. قرآن کریم هر دو شخصیت را ستوده است.

عفاف حضرت یوسف علیه السلام

بنا بر آیات قرآن، وقتی یوسف علیه السلام در اتاق در بسته، در برابر گناه قرار گرفت: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ»^۲ زلیخا به دنبالش می‌دوید: «وَهَمَّ بِهَا»^۳ یوسف علیه السلام هم جوان و زیبا و مجرد بود، طبیعتاً میل جنسی داشت: «لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٖ»^۳ لطف خدا و زمینه‌ای که در وجودش بود، جلوی این میل جنسی‌اش را گرفت و او را نجات داد. حضرت یوسف علیه السلام از این جهت الگویی شایسته برای مردان جامعه امروز ماست.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۲؛ محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۸.

۲. یوسف، ۲۴.

۳. همان.

الگوی دوم حضرت مریم علیها السلام است. وقتی مریم علیها السلام تنها نشسته بود، دید مردی به طرفش می‌آید. مریم علیها السلام به آن مرد اهتمام نورزید؛ بلکه او را نهی از منکر و امر به معروف کرد و گفت: «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ»؛^۱ «من از تو به خدا پناه می‌برم.» سپس گفت: «إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا»؛ «اگر تقوا داری و پرهیزکاری.» این همان حرفی است که درباره یوسف علیها السلام گفته شد: «لَوْلَا أَن رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ».^۲ این دو شخصیت مظهر عفاف هستند. «برهان رب» یوسف علیها السلام را نجات داد و حضرت مریم علیها السلام به خدا پناه برد که هر دو حالت به تقوا، خویشتن داری و عفاف برمی‌گردد. در بعضی روایات آمده است وقتی قیامت می‌شود و به بعضی افراد که مرتکب معصیت زنا یا فحشا یا بی‌بندوباری شدند می‌گویند چرا این کار را کردید، و می‌گویند جوان بودیم، زیبا بودیم، یوسف علیها السلام را می‌آوردند و به آن فرد گنه‌کار می‌گویند بین تو زیباتر هستی یا یوسف علیها السلام. برای زنان گنه‌کار نیز حضرت مریم علیها السلام را می‌آورند و می‌گویند این مریم، مادر عیسی علیها السلام است. بین تو نسبت به او برتری داری یا او نسبت به تو.

دستور قرآن نسبت به عفاف و حجاب

قرآن در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: رعایت پوشش توسط افراد جامعه دارای دو اثر است. به این دو اثر دقت کنید، آنگاه روزنامه‌ها را بخوانید، اخبار را گوش کنید. ببینید این آیه چقدر زیبا در جامعه پیاده می‌شود! می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ»؛ «ای پیامبر، به همسرانت بگو.» یعنی رهبر و مدیر یک جامعه ابتدا باید خانواده خودش را اصلاح کند. اگر انسان ابتدا خانواده خودش را اصلاح نکند و به خانواده‌اش تذکر ندهد، نمی‌تواند به مردم تذکر بدهد. از این روست که خدا از همسران پیامبر شروع کرد و گفت: ای پیامبر، به زنان بگو، «وَبَنَاتِكَ»، به دخترانت هم بگو، «وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ»، سپس به زنان مردم، به زنان مؤمنان بگو «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (جلباب به معنای همان پارچه‌های بلند مثل چادر است.) این جلابیب و پارچه‌ها را از روی سر پایین بیندازند و مثل چادر و مانتوهای

۱. مریم، ۱۸.
۲. یوسف، ۲۴.

بلند دریاورند؛ به گونه ای که یقه و مو پیدا نباشد. این آیه، آیه حجاب در قرآن است و به صراحت به زنان می گوید این پوشش از بالای سر تا پایین را بپوشانند که بدنشان را بپوشانند. ﴿ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ﴾. این کار باعث می شود که به عنوان یک زن مسلمان آزاد و باحجاب شناخته شوند و میان آنان و زنان بی حجاب و غیرمتدین فرق باشد. پوشیدن جلباب زن مسلمان را شاخص و از دیگران جدا می کند و به زن شخصیت می دهد.

نقل است روزی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نشسته بودند، دختر بچه ای وارد شد. هر کسی دستی به سرش کشید. انسان به بچه کوچک عواطف شهوانی ندارد، غلبه احساسی و عاطفی است. وقتی دختر بچه نزد امام رضا علیه السلام رسید، حضرت پرسید چند سالش است. گفتند پنج سالش است. امام با دست اشاره کرد او را ببرند. سپس فرمود دیگر بی حجاب در جمع نیاید.

خانمی که امام زمان علیه السلام به دیدنش آمد

مرحوم آقا سید محمد باقر سیستانی رحمته الله می گوید: من تصمیم گرفتم به گونه ای خدمت آقا امام زمان علیه السلام برسم، لذا چهل جمعه در مسجد محله مان مراسم زیارت عاشورا رفتم. این زیارت معتبر، مستند و قابل اعتماد و وارد از امام باقر و امام صادق علیه السلام است؛ زیارتی که آثار دنیوی و اخروی اش بی نظیر است. ایشان می گوید تنها نیت من این بود که آقا امام زمان علیه السلام را زیارت کنم. در یکی از این جمعه ها احساس کردم حال خوشی دارم. زیارت عاشورا را که خواندم، از مسجد بیرون آمدم. بوی عطر خوشی از خانه نزدیک مسجد می آمد و نوری از آن به بیرون می تابید. مردم از کنار این خانه عبور می کنند و نگاه نمی کنند، ولی این نور مرا به خودش جلب کرد. جلوتر رفتم. دیدم در باز است، با خودم گفتم: اجازه دارم وارد شوم. وقتی وارد شدم، دیدم جنازه ای روی زمین است که روی آن هم پارچه ای کشیده اند. ناگهان متوجه حضور آقایی نورانی در کنار این پیکر شدم، با چهره ای که در روایات ما توصیف شده است. وقتی سلام کردم، متوجه شدم آقا و مولایم، حجت بن الحسن علیه السلام هستند. این قضیه در بیداری اتفاق افتاده است. صاحب

«عَبْقَرُ الْحَسَانِ»، مرحوم نهانندی - رضوان الله تعالى علیه - و صاحب «النجم الثاقب»، فراوان از این دیدارها نقل کرده‌اند که همه درست است. اینکه گفته‌اند شما ادعای رؤیت نکنید، خواسته‌اند کسی دکان باز نکند. گاهی بعضی‌ها ادعای نیابت می‌کنند و از طرف آقا خط و کاغذ می‌آورند، پارچه می‌آورند و بدین وسیله از مردم سوءاستفاده می‌کنند. امکان رؤیت برای سید بحرالعلوم، مقدس اردبیلی و شخصیت‌های بزرگ فراهم بوده است. آن‌ها نیز هیچ وقت نخواستند از این طریق از مردم سوءاستفاده کنند؛ بلکه ارتباط شخصی برای خودشان بوده است. اگر این دیدار پیامی هم داشته است، نقل کرده‌اند. مرحوم محمدباقر سیستانی این داستان را در اواخر عمرش نقل می‌کند و می‌گوید دیدم آقا نشسته‌اند، فرمودند: محمدباقر، دنبال من می‌گردد؟ من اینجا هستم. گفتم: آقا، اینجا بالای سر این جنازه چه می‌کنید؟ فرمودند: این خانم از دنیا رفته است. آمده‌ام در مراسم شرکت کنم. پرسیدم: مگر این خانم کیست؟ آیا از اولیا است؟ امام فرمودند: این خانم در کشف حجاب رضاخانی و دوران مبارزه با حجاب، هفت سال از خانه‌اش بیرون نرفت برای اینکه مجبور می‌شد حجابش را بردارد، لذا کنار بدنش آمده‌ام.

عفاف حضرت موسی علیه السلام

مرحوم علی بن ابراهیم قمی - اعلی الله مقامه الشریف - در تفسیری که منسوب به ایشان است، نقل می‌کند وقتی ابن عمران دید دختران شعیب جلوی او راه افتادند و باد لباسشان را بالا می‌برد، گفت: شما پشت سر من بیایید، من جلو می‌روم. گفتند: راه را بلد نیستی. گفت: من جلو می‌روم، هر کجا اشتباه رفتم، سنگی بیندازید من راه را پیدا می‌کنم.^۱

شیطان به حضرت یحیی علیه السلام گفت: دو سلاح، برنده‌ترین سلاح و پشتوانه من است: یکی از آن‌ها غضب است. انسانی که غضب می‌کند، مرتکب قتل می‌شود، جنایت می‌کند و در واقع گرفتار خطاها و معصیت‌های بیشتری می‌شود. سلاح دیگر زنان نامحرم است. این دو، نور چشم و برنده‌ترین سلاح من هستند.

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۸.

در طول تاریخ یکی از حربه‌هایی که دشمن همیشه برای انحراف جامعه استفاده کرده است، همین حربه بدحجابی و گسترش فساد در جامعه بوده است.

گسترش فساد، عامل شکست آندلس

مسلمانان حدود ۸۰۰ سال در آندلس حکومت کردند. اندلس یا همان اسپانیای امروزی در سال ۹۲ هجری فتح شد و در سال ۸۹۸ سقوط کرد. مسلمانان حدود ۸۰۰ سال در اسپانیای فعلی حکومت داشتند. مسیحی‌ها چه کار کردند که این جامعه را از اسلام به مسیحیت برگردانند؟ با ترویج فساد، کاباره‌ها، مراکز شراب، کلوپ‌های شبانه، استفاده از وجود زنان و دختران زیبای مسیحی در پارک‌ها، هویت جوان مسلمان را گرفتند و به راحتی بر او حاکم شدند. آن‌ها از این طریق توانستند مسلمانان را مسیحی کنند.^۱

شهوت‌رانی، عامل شکست لشکر موسی علیه السلام

قوم موسی علیه السلام چگونه شکست خورد و بلعم باعورا چگونه توانست جلوی پیروزی آن‌ها را بگیرد؟ در روایت دارد بلعم گفت: زنان و دخترانتان را آرایش کنید و بین لشکر موسی علیه السلام بفرستید. آن‌ها به این وسیله مرتکب فحشا می‌شوند و بیماری به سراغ آن‌ها می‌آید. طاعون در لشکر موسی علیه السلام افتاد و بیست هزار نفر از لشکرش از بین رفتند و پشت دروازه‌های انطاکیه ماندند و نتوانستند حمله کنند. چرا؟ به خاطر همین فساد که در جامعه ایجاد شد.^۲

حولا عطاره

در روایتی آمده است زنی به نام حولا برای خاندان پیامبر ﷺ عطر می‌آورد: «أَمْرَأَةٌ عَطَّارَةٌ لِأَلِ رَسُولِ اللَّهِ». او می‌گوید: روزی شوهرم مرا صدا زد و با من کار داشت. من توجه نکردم و بد خلقی کردم. گاهی اتفاق می‌افتد آقایان و خانم‌ها به حرف یکدیگر گوش نمی‌دهند. بعضی خانم‌ها با من تماس می‌گیرند می‌گویند: همه حرف‌هایی را

۱. نک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۳۵۰.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۷۳.

که آقایان به شما سفارش کردند و شما به ما گفتید، به ما می‌گویند؛ اما آن‌هایی را که ما به شما گفتیم، نمی‌گویند. نباید این‌گونه باشد. می‌گوید شوهرم عصبانی شد و از خانه بیرون آمد. پیش خودم فکر کردم کار بدی انجام داده‌ام. وقتی وارد خانه شد، بلند شدم «وَقَبَلْتُ يَدَهُ الْيَمْنَى» دستش را بوسیدم، گفتم: من اشتباه کردم، نفهمیدم، عذر می‌خواهم. مرا با دست کنار زد و رویش را برگرداند و توجهی نکرد. این هم بد است که بعضی‌ها عذرپذیر نیستند. پس از مدتی خواست به مسجد برود. من هم دنبالش رفتم. مدام شانه به شانه‌اش می‌رفتم، گاهی او جلوتر می‌رفت که من کنارش راه نروم. گاهی من می‌دویدم؛ زیرا او تندتر می‌رفت. از مسجد که بیرون آمد، باز جلو رفتم تا با او صحبت کنم. دیدم برگشت. زودتر از او به خانه رفتم. آرایش کردم، غذا آماده کردم، زمینه را فراهم کردم. آمد و باز توجه نکرد، شب در بستر هم به من توجه نکرد. من هم از دو چیز می‌ترسیدم: «مَخَافَةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَوْفًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ». با خودم می‌گفتم: خدایا، غضب شوهر باعث نشود جهنمی شوم؛ چون نبی مکرم اسلام ﷺ خطاب به زنان فرمود اگر ثواب جهاد می‌خواهید، جهاد زن خوب شوهرداری کردن است^۱ و فرمود: زنی که از دنیا می‌رود، همسرش باید از او راضی باشد. لذا زهرای مرضیه علیها السلام با آن عظمت، در بستر اولین مطلبی که از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خواست، همین بود که پرسید: علی جان، از من راضی هستی یا نه؟ می‌خواهم با رضایت تو از دنیا بروم. - حواء می‌گوید: هر چه کردم، او دلش نرم نشد. تا صبح نخوابیدم. «بَكَتُ بُكَاءً شَدِيدًا»، مدام گریه کردم و می‌گفتم: خدایا، از دو چیز می‌ترسم: از تو و از قیامت. اگر مسئله شرعی نبود، من هم به او توجه نمی‌کردم. صبح که از خواب بلند شدم و به خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدم. در را زدم، ام سلمه پشت در آمد و گفت: کیست؟ گفتم: حواء هستم. گرفتارم. آمده‌ام مشکلم را حل کنم. ماجرا را که تعریف کرد، ام سلمه به او گفت: من هم نمی‌دانم، صبر کن رسول خدا صلی الله علیه و آله بیاید. پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله که آمدند، حوا گفت: یا رسول الله! این‌گونه شده است. حضرت فرمودند: «برو به او بگو اگر مردی به زنش توجه کند و او را تحویل بگیرد، فرشته‌ها آن مرد را در آغوش می‌گیرند. این تذکر را به او بده.»^۲ حوا رفت و این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را گفت و

۱. همان، ج ۹۷، ص ۷.

۲. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸.

مشکل حل شد. پیامبر ﷺ سفارش‌هایی به حواء کرد و حقوق و وظایف زن و مرد را برای او شمرد. به نظر من این روایت باید در جامعه مطرح شود. وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام ﷺ تک‌تک وظایف زن را برشمرده است. وقتی این جریان پیش آمد و حوا خدمت پیامبر ﷺ آمد، آن حضرت فرصت را مغتنم شمرد و به طور مفصل یک روایت را برایش فرمود؛ زیرا خانواده و مسئله عفاف و حجاب اهمیت بسیاری دارد. اما متأسفانه مسئله حجاب و عفاف، در جامعه در حال کم‌رنگ شدن است.

توجه به همسر

آقایان هم باید این مسئله را رعایت کنند. راوی می‌گوید: به خانه امام باقر علیه السلام رفتم. ما هر وقت خانه امام باقر علیه السلام می‌رفتیم، اتاق ساده‌ای بود و در آن لباس‌های ساده‌ای داشتند. آن روز فرمود: داخل بیا. وارد اتاق اندرونی که شدم، دیدم این اتاق با اتاق بیرونی فرق می‌کند. این اتاق تزیین شده و زیباست. دیدم امام هم لباس زیبایی پوشیده و محاسنش را رنگ کرده است. عرض کردم: یا بن رسول الله، چرا این‌گونه است؟ فرمود: «اینجا محل زندگی همسر من است. اگر مرد به خودش برسد، همسرش به مردهای دیگر غبطه نمی‌خورد.»

نقل است مردی ژولیده با لباس‌های ناپسند و با وضعی نامناسب در کوچه می‌رفت. حضرت علی علیه السلام تا او را دید، نگاهی به قیافه‌اش کرد - حتی ما مردها گاهی از بعضی مردها متنفر می‌شویم. حالا یک زن چگونه می‌تواند او را تحمل کند؟! من جوانی را دیدم که چهره خودش را به شکل عجیبی درآورده است. سرش را تراشیده بود؛ وضعیتی که با پیرمردهای هشتاد و نه ساله جور درمی‌آید، نه با جوان هفده هجده ساله. گفتم: عزیزم، من دارم از تو فرار می‌کنم، چگونه خانم تو می‌خواهد با تو زندگی کند؟! - حضرت به او فرمود: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» مگر خدا نگفته است نعمت‌های مرا یادآوری کنید؟!^۱

۱. ضحی، ۱۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱۰؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۲.



گاهی خانم‌ها می‌گویند وضع مالی همسرمان خوب است، اما به خودش نمی‌رسد. به‌ویژه که انسان هر چه پیر می‌شود و سنش بالاتر می‌رود، بیشتر باید نسبت به این نکات توجه و اهتمام داشته باشد.

بنابراین حجاب دو اثر و فایده برای زنان دارد: اولین اثر این است که در اجتماع مورد اذیت و آزار بیماردلان قرار نمی‌گیرند. اثر دیگر اینکه به عنوان یک زن مؤمن شناخته می‌شوند. در مجالس خانگی و عروسی‌ها به اشعاری که خوانده می‌شود توجه شود. مرحوم استاد محمدتقی جعفری - رضوان الله تعالی علیه - می‌فرمود: غنا و موسیقی یک نوسان احساسات و یک فروریختن معنویت دارد. وقتی می‌نوازند، بالا می‌روی و نوسان پیدا می‌کنی، در خود احساس شادی و طرب می‌کنی؛ ولی وقتی تمام می‌شود، یک مرتبه معنویت می‌ریزد. آیا این فرد دیگر می‌تواند بایستد بگوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾؟! آیا می‌تواند با گفتن «السلام علیک یا ابا عبدالله» اشک بریزد؟! آیا می‌تواند با نگاه کردن به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) منقلب شود؟! طبیعی است که این حالت‌ها را از انسان می‌گیرد. زندگی اهل بیت ما نیز این مطلب را نشان می‌دهد. وقتی عقیله بنی‌هاشم زینب کبری (علیها السلام) وارد مجلس یزید شد، آن خبیث با چوب به لب و دندان اباعبدالله (علیه السلام) زد. یکی از کنیزانش که به اهل بیت (علیهم السلام) علاقه داشت، وارد مجلس شد و به یزید گفت: «زن! این پسر پیغمبر است!» نوشته‌اند: یزید عبایش را برداشت و روی سر این زن انداخت که اندامش پیدا نباشد. به طور یقین آن کنیز بی‌حجاب نبوده و لباس معمولی به تن داشته است. این خبیث به مسئله حجاب کنیزانش اهمیت می‌دهد، آنگاه وقتی زینب کبری (علیها السلام) وارد مجلس یزید شد، - شما می‌دانید کاروان اسرا در ماه صفر وارد شام شدند یعنی تقریباً بیست-بیست و پنج روز بعد از حادثه کربلا، و در این فاصله خیلی اذیت شدند. به کوفه رفتند. به تکریت رفتند و سختی‌هایی را متحمل شدند. طبیعی است وقتی زینب کبری (علیها السلام) وارد می‌شود، باید از این وضعیت گله کند که چرا ما را به اسیری بردید! چرا ما را در این شهر و آن شهر گردانید؟! اما این‌گونه نشد - گفت: «أَمِنْ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الظُّلَمَاءِ تَخَذِيرُكَ حَرَائِرَکَ وَ إِمَاءَکَ؟» آیا این عدالت است که زنان خودت پشت پرده باشند» و «وَسَوْفَکَ بَنَاتِ

رَسُولُ اللَّهِ سَبَّأَيَا! اما دختران و عیال رسول الله این گونه در مقابل نامحرم ظاهر شوند؟! اولین اعتراض حضرت زینب علیها السلام به این مسئله بود. دختر کوچک اباعبدالله علیه السلام نیز در شب یازدهم وقتی عمه اش بالای سرش آمد، اولین مطلبی که گفت این بود: «يَا عَمَّتَاهُ هَلْ مِنْ خُرْقَةٍ أُشْتُ بِهَا رَأْسِي؟» عمه، تکه پارچه ای داری که من سرم را بپوشانم؟ این دختر چهارپنج ساله بوده، مکلف نبوده است، اما امروز شما چگونه دختران هفت هشت ساله تان را آراسته می کنید و به برنامه می فرستید؛ کنار پسرها می نشانید که آن گونه در برنامه شعر بخوانند؟! چه اشکال دارد بچه ها با چادر بپایند؟! چه اشکال دارد با مقنعه بپایند؟! ترویج حجاب را از کودکی آغاز کنیم. اگر ما این درس را از عاشورا و کربلا نگیریم، چه درسی می خواهیم بگیریم؟!

فهرست منابع

۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چ ۴، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تصحیح مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، چ ۴، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، چ ۳، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تحقیق جمعی از محققان، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: نشر صدرا، ۱۳۸ ش.
۹. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۵۹.

راهکارهای خانواده در مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن

دکتر علی کاظمی

اشاره

فرهنگ به عنوان بنیان محوری جوامع، زیربنای نظام‌های فکری، سیاسی و اقتصادی آن را می‌سازد. از این رو تعالی و پیشرفت یک ملت تنها از مسیر تحول و بازسازی فرهنگی امکان‌پذیر است؛ چنان‌که رهبران انقلاب اسلامی تبیین کرده‌اند: «راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است... اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود.»^۱ همچنین «فرهنگ مایه اصلی هویت ملت‌هاست. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند...»^۲

دشمنان جهت تضعیف قدرت ایران به دنبال استحاله ارزش‌ها و باورهای فرهنگی مذهبی هستند. طبق مستندات تاریخی، کشورهای استکباری برای دستیابی به اهداف استعماری خود در خاورمیانه همواره در تلاش برای نفوذ به ایران بوده‌اند. «نفوذ هوشمند و روشمند، سیطره بر نخبگان، تفرقه افکنی دینی، تفرقه افکنی ملی، مهندسی ترجیحات، تغییر باورها و پنداره‌ها (یورش‌های شناختی)، محدودسازی کنشگری و تغییر رفتار جمعی از جمله استراتژی‌های نفوذ فرهنگی انگلیس بوده

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۹۰.

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3232>.

است.^۱ رهبر معظم انقلاب حفظه الله درباره این نفوذ فرهنگی می‌فرمایند: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط (فرهنگ فساد و فحشا) سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک شیخون فرهنگی و یک قتل عام و غارت فرهنگی است.»^۲ صیانت از هویت، مذهب، فرهنگ و تمدن کشور وظیفه‌ای است که خانواده، به عنوان نخستین مرجع انتقال ارزش‌ها و باورها به نسل آینده، بر عهده دارد. بنابراین باید با تقویت بنیان‌های فرهنگی و مذهبی، از نفوذ بیگانگان و تأثیرات منفی آن‌ها بر فرهنگ ایرانی-اسلامی پیشگیری کند. در این نوشتار به راهکارهایی پرداخته می‌شود که والدین می‌توانند برای مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن به کار گیرند.

تعریف برخی واژه‌ها

قبل از بیان راهکارها، توجه به تعریف دو واژه مورد استفاده در این نوشتار، حائز اهمیت است:

فرهنگ: مفهومی گسترده و پیچیده است که شامل آداب، اندیشه‌ها، شیوه‌های زندگی، دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد.^۳

استحاله فرهنگی: بر اساس تعریف مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، استحاله فرهنگی تلاش دشمنان یک ملت برای گرفتن اعتقادات، فرهنگ، آداب و ارزش‌های مردم آن جامعه است. دشمن تلاش می‌کند تا به شیوه‌های گوناگون، فرهنگ آنان را مورد هجوم قرار دهد و فرهنگ آن ملت را نابود کند.^۴

ملتی را رفت چون آیین ز دست
مثل خاک اجزای او از هم شکست^۵

۱. هادی تاجیک، «استراتژی انگلیس در نفوذ فرهنگی به جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکارهای مقابله با آن»، نشریه بحران پژوهی جهان اسلام، ص ۱۹.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/keyword-print?id=1010>.

۳. داریوش آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۷۵.

۴. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100703>.

۵. اقبال لاهوری، رموز بیخودی، بخش ۱۷.

برای مقابله با نفوذ و استحاله فرهنگی دشمن، والدین می‌توانند از راهکارهای مختلفی استفاده کنند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) تقویت اعتقادات

یکی از شیوه‌های استحاله فرهنگی، تضعیف اعتقادات جوانان است. از این رو خانواده‌ها برای مقابله با هجوم فرهنگ‌های بیگانه باید ایمان به اصول دینی مانند توحید، معاد و نبوت را در ذهن و قلب فرزندان نهادینه کنند. باورهای دینی نه تنها موجب ایستادگی در برابر باورهای فرهنگ بیگانه می‌شوند، بلکه به عنوان راهنمایی برای زندگی، از انحراف جوانان جلوگیری و آن‌ها را قادر می‌سازد هویت دینی خود را حفظ و از آموزه‌های خود در برابر دشمنان و بیگانگان دفاع کنند. به عبارتی، باورهای دینی موجب هدایت افراد می‌شود؛ همان‌طور که در قرآن آمده است: ﴿يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ﴾؛^۱ «پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می‌کند».

والدین می‌توانند برای شیوه‌های آموزش، از روش‌های تربیتی قرآن کریم بهره ببرند. برای مثال با جوانان به روش نیکو و نرم سخن بگویند نه با خشونت و درشتی! یا اینکه زیبایی‌های دین اسلام را برای آن‌ها تبیین کنند؛ زیرا همان‌طور که زینت‌های ظاهری سبب کشش انسان به آن‌ها می‌شود، امور معنوی نیز با زینت مخصوص خود، سبب تمایل به سوی آن‌ها می‌شود. همچنین باید راهکارهایی که با فطرت کمال‌جویی و خداشناسی هماهنگ است، انتخاب کرد. برای نمونه می‌توان از احتجاجات ابراهیم (علیه السلام) که در جهت بیدارسازی فطرت خداشناسی بوده، الگو گرفت و برای رسیدن به اهداف تبلیغی، از بیان رسا و روشن استفاده کرد و متناسب با شرایط مکلف و البته در چارچوب دستورهای دینی، انعطاف‌پذیری لازم را داشت.^۲

۱. یونس، ۹.

۲. علیجان کریمی، «راهکارهای تقویت باورهای دینی در جامعه از منظر قرآن»، مجله افق تبلیغ، دوره ۱، ش ۳، دی ۱۴۰۰، ص ۳۷-۳۸.



ای وای که این خرمن سوزان به سر آید وین راه سراسر گنه و شور و پریشان به سر آید

یاران، همه هستی ما نیست پیشیزی ای کاش که این عمر به ایمان به سر آید

ب) تقویت هویت دینی و ملی

دشمن جهت آسیب پذیری نسل نوجوان و جوان با جوسازی و ایجاد تردید نسبت به هویت دینی و ملی، آن‌ها را دچار تضادهای اطلاعاتی می‌کند. از این رو نوجوانان پیوسته در نظام‌سازی فرهنگی جهانی در معرض اطلاعات جدید درباره ادیان و ملل مختلف قرار می‌گیرند و این رویارویی منجر به مقایسه و بررسی ارزش‌ها و باورها با القاءات بیگانگان می‌شود.

تقویت هویت دینی و ملی می‌تواند در قالب‌های زیر صورت گیرد:

۱. بیان معارف دینی

یکی از روش‌های هوشمند در برابر استحاله فرهنگی و تقویت هویت دینی و ملی، بیان معارف بلند اسلام است. «چنانچه معارف الهی به گونه‌ای صحیح و مبتنی بر منطق و منابع معتبر روایت شود، فرزندان ما دچار سردرگمی در انتخاب معارف نمی‌شوند.»^۱ زیرا آموزه‌های اسلامی غنی‌ترین و قوی‌ترین فرهنگ نسبت به دیگر فرهنگ‌ها هستند. امام صادق (ع) به ضرورت آموزش معارف دینی به فرزندان تأکید و سفارش می‌فرماید قبل از آنکه گروه‌های انحرافی به تسخیر سنگرهای عقیدتی فرزندان شما بپردازند، آن‌ها را با احادیث اهل بیت (ع) آشنا کنید: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ»^۲ احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید پیش از آنکه مخالفان گمراه بر شما پیشی گیرند. «از این رو والدین باید نقش تأثیرگذار خود را ایفا کنند. خانواده‌های واجد هویت ملی و دینی منسجم، به فرزندان خود اجازه بیان تضادهای دریافتی و اطلاعاتی خود را می‌دهند و فضایی آزاد برای

۱. رضا جعفری هرندی و مرضیه ملکیها، «تعیین نقش انسجام و جهت‌گیری ارتباطی خانواده در هویت ایرانی اسلامی نوجوانان»، مطالعات ملی، دوره ۲۵، ش ۹۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۷.

تعامل و گفت‌وگو ایجاد می‌کنند تا فرزند ابهامات ایجاد شده در رابطه با مفاهیم ملی و مذهبی را بازگویند. پس از آن، والدین باید با بهره‌گیری از استدلال و منطق، به رفع ابهامات فرزندان بپردازند. در این میان هرگونه فرافکنی یا طفره‌روی از سوی والدین «درهم‌ریختگی عقیدتی نوجوان را در بر خواهد داشت؛ زیرا عدم تحکیم ارزش‌های پایدار و مثبت در میان والدین و فرهنگ، همچنین رویارویی با ایدئولوژی نامنسجم و غیرقابل اعتماد نوجوان را دچار سردرگمی می‌کند.»^۱

۲. بصیرت‌افزایی

یکی از راهکارهای حفظ هویت دینی ملی، تقویت بینش دینی و آگاهی سیاسی در جامعه است که نقش مهمی در توانمندسازی افراد برای مقابله با توطئه‌های دشمنان و ایستادگی در برابر نفوذ فرهنگی بیگانگان دارد. در این مسیر، کسب آگاهی نسبت به حقایق اسلام، وقایع تاریخی و مسائل روز کشور وظیفه‌ای است که بر عهده تمام اقشار جامعه قرار دارد. والدین به عنوان اولین مربیان فرزندان، مسئولیت مهمی در انتقال آموزه‌های دینی و ملی، بصیرت‌افزایی و نیز تقویت قدرت تفکر انتقادی نسبت به القائات فرهنگ بیگانه بر عهده دارند.

مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه می‌فرمایند: «... آنچه وظیفه همه ملت اسلام و همه امت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است، که در درجه نخست هم علما مسئول‌اند، هم روشن‌فکران، هم تحصیل‌کرده‌ها و هم همه کسانی که منبری دارند، میز خطابه دارند. همه مسئول‌اند که روشنگری کنند و حقایق دنیای اسلام را برای مردمی که نمی‌دانند بیان کنند. این روشنگری جهاد است.»^۲ بنابراین والدین برای تعمیق باورها و سنت‌های دیرین در اعتقادات فرزندان خود باید با کمک افراد مؤثر فامیل و جامعه به تبیین ارزش‌های تمدن ایرانی اسلامی بپردازند.

ارزش انسان ز علم و معرفت پیدا شود بی‌هنر گر دعوی بیجا کند، رسوا شود
در مسیر زندگی هرگز نمی‌افتد به چاه با چراغ دین و دانش گر بشر بینا شود

۱. به نقل از اریکسون: بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان، ص ۱۱.

2. <https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=37597>.

والدین می‌توانند با ایجاد ارتباط و پیوند مؤثر میان فرزند و گروه‌های قابل اعتماد موجب رشد و توسعه هویت دینی و ملی او شوند. «عضویت فرزند در گروه‌های اجتماعی موجب پابندی به هنجارها، ارزش‌ها و عقاید خاص خود و منحرف نشدن از آن‌ها می‌شود. افراد به منظور محافظت از خود در مقابل طرد شدن از سوی گروه، گرایش زیادی به انعطاف نسبت به عقاید متفاوت و جدید نشان نخواهند داد.»^۱ از این رو خانواده‌ها می‌توانند فرزندشان را به عضویت در فضای روحی و معنوی مساجد، کانون‌های پرورش فرهنگی و هنری، فرهنگ‌سراها و... ترغیب کنند. حتی جمعی از افراد فامیل می‌توانند با مشارکت یکدیگر، کانون‌های قابل اعتماد ایجاد کنند و زمینه‌ساز حفظ و توسعه ارزش‌های فرهنگی شوند. عملکرد «کانون محبین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» یکی از برترین الگوهای کشور در زمینه این تجربه‌هاست. «بنیان‌گذار این کانون شهید مصطفی محمودی بوده که پس از گذشت سال‌ها از شهادت ایشان، آقای بحرینی و دیگر اعضای فامیل چراغ آن را روشن نگاه داشته‌اند. آن‌ها برای نهادینه کردن هویت اسلامی از خانواده خود شروع کرده‌اند. این کانون از دختران و پسران مرتبی گرفته تا مربیان و سایر ناظرین، همگی از اعضای یک خانواده هستند. در این کانون ضمن نهادینه کردن هویت اسلامی و آشنایی با سبک زندگی اسلامی (آموزش آداب خواب، آداب سفره، برخورد اجتماعی به صورت روزانه) به توانمندسازی علمی، ورزشی، هنری ویژه اعضای آن پرداخته شده است. برخی از کلاس‌های این کانون در طول سال عبارت است از: قرآن، بازی‌های فکری، خداشناسی، حدیث، احکام، خوش‌نویسی، انواع کلاس ورزش، داستان‌نویسی، طراحی، نویسندگی، آش‌پزی، چرم‌سازی و برنامه‌های کتاب‌خوانی و...»^۲

همچنین در این کانون، برای تمام گروه‌های سنی از خردسال تا پیرزنان و پیرمردان، کلاس‌ها و مسابقات مختلف و همچنین مراسم‌های دوره‌ای مذهبی و ملی برنامه‌ریزی شده است.

۱. حکمت‌پور و صالحی‌امیری، بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان، ص ۲۶.

۲. سارا اسماعیلی، «انقلاب فرهنگی در یک فامیل»، پیام زن، ش ۳۱۷، ص ۱۰.

تفکر انتقادی یکی از مهم‌ترین اصول آموزش در هر کشور به ویژه در برابر نفوذ دشمنان است و جوامع برای رشد و شکوفایی نیاز به افراد واجد تفکر انتقادی بالا دارند.^۱ حضرت مسیح علیه السلام در تأکید بر نقد می‌فرمایند: «خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نَقَّادَ الْكَلَامِ»^۲ حق را از اهل باطل فراگیرید و باطل را از اهل حق فرانگیرید. نقدکننده سخن باشید.»

پایه‌گذاری تفکر انتقادی از دوران کودکی باعث ایجاد انگیزه و عادت‌های مثبت برای بهره‌ای از این مهارت در بزرگسالی می‌شود. این نوع تفکر با تأکید بر استقلال کودکان، آن‌ها را برای زندگی آینده، به ویژه در دوران تحولات تکنولوژیک، آماده می‌کند. بنابراین والدین باید با زبان ساده و کودکانه تفکر انتقادی را به فرزندان خود آموزش دهند. همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصِبْ لَهُ؛ آن کس که نزد او کودکی است، باید (در پرورش وی) کودکانه رفتار کند.»^۳

همچنین می‌توان از بازی به عنوان ابزاری برای جذب کودک و آموزش استفاده کرد و در جریان بازی، مسائل مرتبط با تهاجم فرهنگی را با زبان نرم و مناسب برای سن کودک تبیین کرد. برای نمونه می‌توان تأثیرات شخصیت‌های ساختگی آسیب‌رسان و شخصیت‌های رشددهنده ذهن و فرهنگ کودک را در قالب بازی یا داستان آموزش داد و تبیین کرد.

یادگیری مشارکتی از طریق ارزیابی ایده‌های جمعی باعث تقویت تفکر انتقادی در کودکان می‌شود و آن‌ها می‌آموزند در تصمیم‌گیری به هم‌فکری با یکدیگر و ارائه قضاوت‌های منطقی اهمیت دهند. این روش، عادت به تأمل و تعمق روی مسائل را در فرزندان نهادینه می‌کند. در این صورت فرزندان در بزرگسالی شنیده‌ها و دیده‌ها و اندیشه‌ها را بدون ارزش‌یابی و استدلال نخواهند پذیرفت. هرچند ارزش‌یابی برای نوجوانان از طریق راهکارهایی مانند «خودداری از استدلال از روی هیجان، دلیل

۱. زندی، اسرین و همکاران، اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر اساس دیدگاه جان لنگر، ص ۱۷۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۷.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۶.



آوردن به طور استقرایی در برابر مسائل، پرهیز از قضاوت‌های ناگهانی و توانایی درک مسائل پیرامون و پرهیز از قضاوت‌های با تعصب و لجبازی^۱ قابل آموزش است:

خودداری از استدلال بر اساس هیجان: وقتی فرزند در معرض تبلیغات جذاب ماهواره‌ای یا فضای مجازی قرار می‌گیرد که فرهنگ برهنگی یا مصرف مشروبات الکلی را ترویج می‌کنند، ممکن است از روی هیجان و بدون تفکر انتقادی پیام تبلیغاتی را که با ترفندهای رسانه‌ای آراسته شده، بپذیرد. والدین می‌توانند با ایجاد تجربه‌های تمرینی و طرح پرسش‌های واگرا به فرزند کمک کنند تا از فرایند پذیرش پیام توسط بخش هیجانی مغزش آگاه شود. برای نمونه می‌توانند بپرسند: «با دیدن این محتوا چه احساساتی را تجربه کردی؟ به نظرت هیجانات تحت تأثیر محتوا قرار گرفت یا منطق؟ این تصاویر و رفتارهای موجود در محتوا در تلاش بودند چه پیامی را منتقل کنند؟»

ز افرونگی صنم بیگانه‌تر شو که پیمانش نمی‌ارزد به یک جو^۲

دلیل آوردن به طور استقرایی در برابر مسائل: والدین باید مابین دریافت پیام و پذیرش آن، شکافی در ذهن فرزند ایجاد کنند؛ شکافی که تنها با دلایل و شواهد منطقی پر شود. در این صورت تمایل به اندیشیدن در فرد بر اساس شواهد قابل استناد و روحیه جست‌وجوگری افزایش می‌یابد؛ مثلاً والدین در زمینه ترویج برندهای پوشاک غربی می‌توانند بپرسند: به نظرت این همه تبلیغ برند پوشاک‌های غربی اهداف خاصی دارد؟ هیچ کدام از برندهای ایرانی باکیفیت‌تر نیست؟ به نظرت سرازیر شدن این برندها در کشورهای دیگر باعث بیکاری و ترویج فرهنگ غربی نمی‌شود؟

توانایی درک مسائل پیرامون: از فرزند بخواهند تناسب فرهنگ القایی بیگانه را با ارزش‌ها و آداب زندگی ایرانی اسلامی بررسی کنند؛ مثلاً از او بپرسند: گسترش فرهنگ عدم تعهد غربی در جامعه چه تأثیری در رشد زندگی ما دارد؟ آیا دلت می‌خواهد دوستان، شریک آینده زندگی و خانواده‌ات نسبت به اهداف و احساس تو تعهد نداشته باشند؟

۱. تأثیر برنامه‌های آموزش خانواده بر تقویت تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران، ص ۱۶.

۲. اقبال لاهوری، ارمغان حجاز، بخش ۱۶۰.

پرهیز از قضاوت بر اساس تعصب و لجبازی: والدین باید فرزندان را تشویق کنند تا بدون تعصب، لجبازی یا رفتار تلافی‌جویانه نسبت به خانواده، دوستان و جامعه، درباره پذیرش مؤلفه‌های فرهنگی بیگانه تفکر کنند؛ مثلاً درباره نگهداری حیوانات خانگی (سگ، میمون و...) می‌توانند بپرسند و از آثار و تبعات آن بر جسم و روان فرد و حوزه ارتباطی فرد با دیگران در زمان حال و آینده زندگی!

د) روش‌های مدیریت هوشمند رسانه

رسانه‌ها به عنوان ابزارهای ایدئولوژی‌ساز، انتقال‌دهنده فرهنگ، جهت‌دهنده افکار عمومی و جریان‌ساز شناخته می‌شوند. بر مبنای همین قابلیت‌ها، رسانه‌ها به یکی از مهم‌ترین راه‌های نفوذ دشمن تبدیل شده‌اند که به طور تدریجی و ناخودآگاه، با ایجاد تغییرات در ارزش‌ها و باورها، جامعه را به سمت استحاله فرهنگی سوق می‌دهند. بازی‌های رایانه‌ای یکی از استراتژی‌های رسانه‌ای نفوذ دشمن در رده کودکان و نوجوانان است. «بازی‌ها علاوه بر انتقال باورهای فرهنگی و اجتماعی با بازنمایی اسطوره‌ها، تاریخ، شخصیت‌ها، آرمان‌ها و حتی راهبردهای آینده‌پژوهانه دولت‌های متبوع می‌توانند به افکار عمومی مخاطبان جهت، و زیربنای ساختار امنیتی جامعه را مورد حمله قرار می‌دهد. برای نمونه بازنمایی‌های رسانه‌ای غرب در بازی «ندای وظیفه: جنگ مدرن» در راستای معرفی جبهه مقاومت به عنوان قدرت منطقه‌ای تروریستی مسلح به سلاح‌های هسته‌ای است و بازی «آیین قاتل» نیز با هدف تخریب فرهنگ تشیع و اسلام انقلابی، آن را به مثابه یک اسطوره تاریخی الهام‌بخش جریان‌های تکفیری نشان می‌دهد.»^۱

مطابق آمارهای منتشرشده دیتاک، مجموع بازدید یا ایمپرسن ایرانی‌ها از کل شبکه‌های اجتماعی در طی یک سال به چهار و نیم هزار میلیارد بازدید محتوا رسید و می‌توان گفت هر کاربر ایرانی روزانه ۲۲۰ محتوا در پلتفرم‌ها می‌بیند.^۲ همچنین هر ایرانی روزانه ۲۶۷ محتوا را نگاه کرده و بازنشر داده و ۳/۵ ساعت از وقت خود را

۱. احسان کیانی، نفوذ فرهنگی علیه امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: بازنمایی جبهه مقاومت در بازی‌های رایانه‌ای «جنگ مدرن» و «آیین قاتل»، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰ (۳۵)، ص ۱۵۷-۱۸۴.

2. isna.ir/xdRz2C.

در فضای مجازی می‌گذرانند.^۱ با توجه به میزان نفوذ رسانه در زندگی افراد، تنها با مدیریت مصرف می‌توان از آسیب‌های آن پیشگیری کرد. در این راستا والدین با آموزش مصرف هوشمند می‌توانند به فرزندان در مقابله با تهاجم رسانه‌ای کمک کنند. برخی از راهکارها عبارت‌اند از:

۱) شناخت ترفندهای روان‌شناسی در رسانه‌ها

یکی از مهم‌ترین ترفندهای رسانه‌ای دشمنان استفاده از فن‌های جنگ روانی است؛ مثلاً امروزه با توجه به تحولات منطقه خاورمیانه، رسانه‌های معاند در قالب فیلم، کلیپ‌های تحلیلی و تبلیغاتی گاه با ارائه اطلاعات مغرضانه و تبلیغات استحاله‌کننده، به القای ترس، ناامیدی، اضطراب و نگرانی در جامعه می‌پردازند. گاه با انتشار اخبار دروغین و شایعات به دنبال تضعیف هویت ملی و اعتماد عمومی هستند. والدین در این مواقع بحرانی باید سعی کنند با تقویت کنترل هیجانی، تاب‌آوری، آموزش مهارت‌های مقابله با استرس و گفت‌وگوهای حمایتگر ابتدا به کاهش اضطراب فرزندان کمک کنند و سپس با تشکیل جلسات تفکر و نقد، محتواهای رسانه‌ای را تحلیل کنند. برای مثال، با بهره‌از شک‌گرایی فعال به نوجوانان بیاموزند به جای پذیرش پیام از روی احساس، هیجان و بدون تفکر، ابتدا به جست‌وجوی منبع محتوا بپردازند. همین مراجعه به خوبی نشان می‌دهد پیام از سوی رسانه معاند و برای چه هدفی ارسال شده است. به عبارت دیگر، باید گستره بررسی و تجزیه تحلیل را نسبت به مسائل افزایش دهند. همان‌گونه که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «اسْتَدِلَّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ»^۲ برای امور واقع‌نشده، از آنچه واقع شده استدلال کن؛ زیرا کارهای جهان همانند یکدیگرند. این بدان معناست که تفکر انتقادی ما را وامی‌دارد تا با بررسی و تجزیه تحلیل دقیق منابع و داده‌های مختلف به نتیجه‌گیری جدید بر مبنای موارد مشابه بپردازیم.^۳

۱. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/08/03/3185145/>

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة، نامه ۳۱.

۳. ایوب محمودی و همکاران، «ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی علیه السلام»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ش ۱۳، ص ۹.

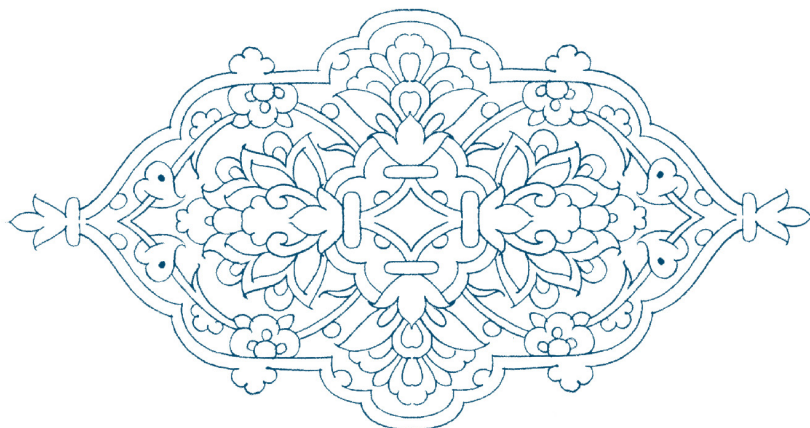
تأکید خانواده بر انتخاب آگاهانه و مسئولانه می‌تواند راهکار مناسبی برای افزایش مقاومت فرزندان در برابر استحاله فرهنگی دشمنان شود. در این راستا والدین برای افزایش تاب‌آوری فرزندان در برابر ترفندهای روانی رسانه‌های معاند می‌توانند از نظریه روان‌شناسی تئوری انتخاب استفاده کنند و بر اصول این نظریه به عنوان قوانین استفاده هوشمند از رسانه پیوسته تأکید کنند. اینکه هر آنچه از رسانه‌ها دریافت می‌کنند فقط اطلاعات است و مصرف رسانه‌ای نیز یک انتخاب است. رسانه‌ها ابزار شکل‌دهنده افکار هستند، باید انتخاب آگاهانه‌ای داشت تا از آسیب‌ها در امان بود و هر فرد نیز در برابر پیامدهای انتخاب‌های خود مسئول است. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾؛ «اگر خوبی کنید، به خودتان کرده‌اید و اگر بدی کنید باز هم به خود کرده‌اید».

کتابنامه

۱. تاجیک، هادی، استراتژی انگلیس در نفوذ فرهنگی در جمهوری اسلامی و ارائه راهکارهای مقابله با آن، نشریه بحران‌پژوهی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۱ (پیاپی ۲۸)، بهار ۱۴۰۲، ص ۲۰.
۲. کورش‌نیا، م و لطیفیان، م. بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۳ (۲)، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳-۱۳۴.
۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواظظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث، چ ۱، ۱۳۷۶ ش.
۴. محمودی، ایوب و همکاران، ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰، دوره ۱۹، ش ۱۳.
۵. اسماعیلی، سارا، انقلاب فرهنگی در یک فامیل، پیام زن، ش ۳۱۷، ص ۱۰.
۶. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: آگه، بی‌تا.
۷. آل‌کاشف‌الغطاء، محمدحسین، الفردوس الاعلی، بی‌جا: انوار الهدی، ۱۳۸۴.



۸. جعفری هرنندی، رضا و مرضیه ملکیها، تعیین نقش انسجام و جهت‌گیری ارتباطی خانواده در هویت ایرانی اسلامی نوجوانان، مطالعات ملی، دوره ۲۵، ش ۹۹، ۱۴۰۳، ص ۶۳-۸۶.
۹. خمینی، سیدروح‌الله موسوی رحمته‌الله علیه، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، چ ۴، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. حکمت‌پور و صالحی امیری، بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان، مدیریت فرهنگی، ۱۸ (۶)، ۱۳۹۱، ص ۴۹-۶۰.
۱۱. حنیفی، فریبا و همکاران، تأثیر برنامه‌های آموزش خانواده بر تقویت تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران، تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴ (۱)، ۱۳۹۱، ص ۳۹-۵۶.
۱۲. زندی، اسرین و همکاران، اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر اساس دیدگاه جان لنگر، پژوهش‌های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار، ۸ (۲)، ۱۴۰۰، ص ۱۷۷-۱۹۰.
۱۳. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. کریمی، علیجان، «راهکارهای تقویت باورهای دینی در جامعه از منظر قرآن»، افق تبلیغ، دوره ۱، ش ۳، دی ۱۴۰۰، ص ۲۵-۴۰.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. کیانی، احسان، نفوذ فرهنگی علیه امنیت نرم جمهوری اسلامی مطالعه موردی: بازنمایی جبهه مقاومت در بازی‌های رایانه‌ای «جنگ مدرن» و «آیین قاتل»، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰ (۳۵)، ۲۰۱۸، ص ۱۵۷-۱۸۴.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.



راهکارهای تقویت حجاب دختران جوان

سرکار خانم زهرا ناطق اینانلو

سرکار خانم اکرم جعفری ثانی

طرفداران حقوق بشر با مطرح کردن حقوق تساوی زن و مرد ادعا می‌کنند که حجاب زن مسلمان مانع آزادی اجتماعی اوست؛ در صورتی که حجاب اسلامی هیچ منافاتی با حضور و فعالیت اجتماعی زنان ندارد.

دلیل اصلی پوشش در اسلام، جلوگیری از فساد و کاهش آسیب‌های اجتماعی است؛ ولی امروز نسل جدید را نمی‌توان با شیوه‌های قدیم به موضوعات قانع کرد. به همین جهت ابتدا باید ویژگی‌ها و نیازهای آنان را بشناسیم. دختران جوان به اقتضای زمان حاضر و تلاش‌های دشمنان در جهت فرهنگ‌سازی غلط در نهاد خانواده، تحت توجه و فشار بیشتری هستند، که ممکن است منجر به تغییر نگرش و فکر و رفتارشان شود.

فرهنگ‌سازی برای رسیدن به این هدف را می‌توان در مرحله نهادینه‌سازی و گسترش و حفظ روشمند حجاب در خانواده مبلغان انجام داد. در این نوشتار به بیان راهکارهای این مهم پرداخته شده است:

هویت زن جوان براینکه تعامل هویت ذهنی او با هویت عینی جامعه است. دختران جوان با توجه به فرهنگ خانوادگی و محیط تربیتی و آموزشی، امروزه طوری در جامعه ظاهر می‌شوند که مورد تأیید هم‌سالان قرار گیرند. حال ممکن است با فرض قرار گرفتن به عنوان همسر یا دختر در یک خانواده مبلّغ دین، با چالش‌ها و نگرش‌های متفاوت روبه‌رو شوند. گاهی به علت ناآگاهی از فلسفه حجاب، پوشش خود را به طور کامل رعایت نمی‌کنند. این گروه معمولاً فکر می‌کنند حجاب موجب سلب آزادی زنان می‌شود. در پاسخ می‌توان گفت: «فرق است بین زندانی کردن زن در خانه و موظف داشتن به اینکه وقتی می‌خواهد با مرد نامحرم روبه‌رو شود، پوشیده باشد. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن وجود ندارد. حجاب در اسلام وظیفه‌ای است که بر عهده زن نهاده شده تا در معاشرت و برخورد با مرد، کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر زن تحمیل شده و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش تعیین فرموده، محسوب شود.»^۱

اسلام زن را در خانه حبس نکرده است؛ بلکه می‌گوید هنگام معاشرت زن با مرد، به خاطر حفظ کرامت زن و مصلحت عمومی جامعه، زنان باید از پوشش عقلایی و اسلامی استفاده کنند تا نظام خانواده و اجتماع آسیب نبیند.^۲

برای همراهی همسران و دختران جوان در توجه به این امر مهم می‌توان از روش‌های عقلی و نقلی بهره‌مند شد:

۱. اصل آموزش را جدی بگیریم

در هدایت و رهبری نسل قدیم که به نسبت سطح فکری پایین‌تری داشت، به طرز خاص بیان و تبلیغ و یک جور کتاب‌هایی احتیاج داشتیم که امروزه آن طرز بیان و آن کتاب‌ها کارایی لازم را ندارند. از این رو لازم است در این قسمت‌ها اصلاح عمیقی

۱. مسئله حجاب، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۹۶، ص ۹۷.

۲. اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، مسجد مقدس جمکران، قم، چ ۳، ۱۳۸۶ ش، ص ۵۳۱.

به عمل آید. باید با منطق، زبان و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت.^۱

اغلب زبان رفتار و زبان حال، بسیار مؤثرتر از زبان گفتار است؛ خصوصاً که امروزه جوانان تمام مسائل را زیر ذره بین انتقاد و موشکافی قرار می دهند و در اصول و بنیان های اعتقادی خود هیچ گونه تسامح و سهل انگاری ای روا نمی دارند. پس اگر با ناهم خوانی و تضادی در گفتار و عمل یک فرد مذهبی روبه رو شوند، به دو صورت واکنش نشان می دهند: یکی آنکه در اعتقاد خود سست شده (و این در صورتی است که زمینه اعتقادی محکمی نداشته باشند) و دیگر اینکه صدای خود را به اعتراض بلند کنند و طالب جریان یافتن قوانین مذهبی در کلیه شئون و امور باشند.^۲ از این رو رفتاری که در زندگی با همسر و فرزندان خود داریم، نقش بسزایی در رفتار فرزندان از جمله حجاب دخترانمان دارد. پس تغییر و اصلاح باور افراد، در مرحله اول نیاز به آموزش دارد.

۲. باورپذیری تدریجی است

یک جوان شایسته باید احساس تعهد و مسئولیت، پرهیزکاری، بصیرت و آگاهی داشته باشد.^۳ با ایجاد محدودیت نمی توان دختران را مجبور به رعایت پوشش اسلامی کرد؛ بلکه تحقق حفظ حجاب نیازمند نهادینه کردن و باورمندی این اصل، با شناسایی مرزهای حیای زنان، شیوه های نو و مؤثر، اطلاعات جامعه شناسی و روان شناختی با محوریت آیات قرآن خواهد بود، که در چند مرحله به آن پرداخته شده است:

مرحله اول: آیه ۵۹ سوره احزاب: در این آیه خداوند از پیامبر ﷺ می خواهد که به همسران و دختران خود و نیز زنان مؤمن بگوید که پوشش (جلباب) داشته باشند تا از آزار و اذیت افراد ناسالم در امان بمانند.

مرحله دوم: آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور: در این آیات بر لزوم پوشاندن سر و سینه زنان و نیز آشکار نکردن زینت و آرایش در نزد نامحرمان تأکید شده است.

۱. ده گفتار، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۸۵.

۲. روان شناسی نوجوانان و جوانان، سید احمد احمدی، صغیر، اصفهان، ۱۳۹۳، ص ۶۲.

۳. حدیث شورانگیز جوانی در بیانات رهبر معظم انقلاب ﷺ، تربیت، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۵.



مرحله سوم: آیه ۵۵ سوره احزاب: در این آیه نیز محارم و کسانی که زنان می‌توانند در حضور آنان حجاب نداشته باشند، نام برده شده‌اند.

این‌گونه گام به گام رفتن می‌تواند به باورپذیری اصل حجاب دختران جوان ختم شود؛ چراکه فلسفه حجاب، پاک‌سازی محیط برای مردان نیست؛ بلکه در جهت دفاع از دختران و زنان است و اصل منفعت و فایده و مصلحت حجاب متوجه آن‌هاست.

تداوم رفتار حجاب

یکی از راه‌های گسترش حجاب در نوجوانان، تربیت در درون خانواده است. تداوم رفتاری حجاب در خانواده با جهت‌دهی به نگرش‌ها و گرایش‌های کودکان و نوجوانان می‌تواند از دو طریق، رفتار برحسب عادت و رفتار از روی خلاقیت، صورت گیرد.

۱. تداوم یک رفتار بر حسب عادت

نقش خانواده در تربیت دینی حجاب و افزایش انس با آن بر کسی پوشیده نیست. رسم بیشتر خانواده‌ها بر طبق آموزه‌های قرآنی خطاب به پیامبر ﷺ در قالب امر، نهی، خواهش و تمنا صورت می‌گیرد. پیامبر اکرم ﷺ مأمور تبلیغ دین در خانه قبل از جامعه می‌شود: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۱ و در آیات دیگر به ایشان خطاب می‌شود: خانواده‌ات را به نماز امر کن: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»^۲. در این میان، ترویج

فرهنگ رفتاری عفاف و حجاب مهم‌ترین گام در راستای تحکیم بنیان خانواده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...»^۳ «ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو روسری‌ها و چادرهای خود را بر خویش بپوشانند. این (کار) نزدیک‌تر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند...»

در اهمیت مسئله تداوم رفتاری حجاب و لزوم غیرت‌ورزی مردان می‌توان به آیه ۶ سوره تحریم اشاره کرد. خداوند از مردان خواسته خانواده خود را از آتش دور نگه دارند:

۱. شعراء، ۲۱۴.

۲. طه، ۱۳۲. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ»: مریم، ۵۵.

۳. احزاب، ۵۹.

ناگفته نماند بنا بر تأکید قرآن، در انتقال مفاهیم دینی زبانِ لَین و دل‌نشین سبب جذب و تأثیر می‌شود.^۱ گاهی رفتار همراه با امر و نهی با مقاومت روانی نوجوان روبه‌رو می‌شود و اگر اصول تربیتی و شیوه درست ارتباط با او رعایت نشود، نتیجه معکوس خواهد داد. همه این‌ها زمینه‌ای است برای عاقبت‌به‌خیری و توجه به معادباوری، که فرزندان دختر نیز از این قاعده مستثنا نیستند: ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛^۲ «ما آنچه انجام می‌دهید می‌نویسیم».

۲. تداوم رفتار با خلایق

چگونگی تشویق به حجاب فرزندان در سنین نوجوانی به گونه‌ای که او از روی رضایت به پوشش خود بپردازد، بسیار اهمیت دارد. اگر مبلغان فرزندان دختر خود را از سنین خردسالی با این مفهوم آشنا نکنند و بگذارند با لباس‌های نامناسب دوران کودکی خود راسپری کنند، زمانی که به سن تکلیف می‌رسند، الزام پدر و مادر برای پوشش حجاب برتر (چادر) برایشان سنگین و گاهی ممکن است منجر به هنجارشکنی شود.

لازم است برای تأثیر بیشتر در مسئله حجاب «کار هنری و کار زیبایی تبلیغی» صورت گیرد.^۳ استفاده از هنرمندی‌های بیان زیبا و ملموس می‌تواند سبب انگیزه حجاب برتر شود. رفتار تربیتی متناسب مبلغان در خانواده با این هنرمندی‌ها نوعی حمایت و پشتیبانی فکری از نوجوانان است.

بهره‌مندی از خلایق و علاقه‌مندی‌های فرزندان راهبرد سازنده دیگری است. دختران در سن کودکی با عروسک و خاله‌بازی سرگرم می‌شوند. پدر و مادر با هوشیاری و حوصله می‌توانند با پوشاندن لباس به سبک زندگی اسلامی به عروسک فرزند خود و استفاده از سلیقه دخترشان در دوختن و تهیه لباس‌های متنوع و جذاب برای اسباب‌بازی او، بهترین و عمیق‌ترین درس حجاب را به او یاد بدهند.

۱. ﴿فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّهُمْ﴾: آل عمران، ۱۵۹.

۲. جائیه، ۲۹.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۳۶۳/۰۳/۱۰.



هم‌سان‌سازی لباس‌های خانگی مادر و دختر به رنگ‌های شاد و طرح‌های کودکانه راه دیگری برای استمرار پوشش مناسب خانواده مبلغان می‌تواند باشد.

از نظر بهداشتی و پزشکی هم می‌توان به این مسئله توجه کرد. از آرایش کودکان در مراسم‌ها و مجالس زنانه پرهیز شود؛ چراکه به نظر می‌رسد کودک جذابیت و زیبایی را در آرایش ببیند و وقتی بزرگ شد، علاوه بر در معرض تهدید قرار دادن سلامت پوستش و گرایش به جلوه‌گرایی، همواره در خود احساس نیاز به دیده شدن داشته باشد و در محافل و مراسم اجتماعی در نوجوانی و جوانی به این صورت حاضر شدن را ترجیح دهد. این مسئله‌ای است که متأسفانه امروزه کم‌وبیش مشاهده می‌شود.

افرادی که می‌خواهند در این جهان زندگی نامناسب و بی‌قید و شرطی داشته باشند، برای خود عذرهایی می‌تراشند: «کافی است انسان دلش پاک باشد. انجام اعمال عبادی لزومی ندارد!»؛ «دلم می‌خواهد آزاد باشم. اگر پوشش این‌گونه لباس‌ها خوب نیست، آن‌ها را از بازار جمع‌آوری کنند» و... ولی در قیامت به این قبیل عذرهای توجیهی نمی‌شود؛ زیرا وجدان انسان‌ها گواهی می‌دهد که با آگاهی به دنبال بدی‌ها می‌رفتند.^۱

آگاهی دادن دختران نوجوان و همسران به تاریخ بدحجابی و عواقب بدحجابی، با استفاده از کتاب‌ها و اندیشه‌های جدید، راهکار دیگری است که منجر به بازخورد مناسب خواهد شد؛ مثلاً مستر همفر، جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی، می‌گوید: «باید زنان را تشویق کنیم که چادر از سر بیفکنند و جوانان را تشویق کنیم که به سوی آنان بروند تا فساد در میان‌شان رواج یابد.»^۲

در جایی که قرآن آشکار شدن زینت را فقط برای محارم با اولویت شوهر و پدر داده است،^۳ ابراز محبت و توجه مبلّغ در جایگاه شوهر و پدر به پوشش جذاب زن و دختران نوجوان در خانه، می‌تواند به عنوان مشوّقی برای تداوم رفتاری حجاب در بیرون از منزل باشد؛ چراکه توجه و تعریف مرد خانه از زیبایی‌ها و ابراز محبت رفتاری به زنان و دختران سبب ارضای نیاز به دیده شدن این جنس می‌شود.

۱. دختران و مزاحمت‌ها، محمود اکبری، نشر فتیان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۱۱.

۲. خاطرات مستر همفر: جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی، ترجمه محمدحسن مروجی، نشر آینه درخشان، ۱۳۸۹، ص ۷۰.

۳. نور، ۳۱: ﴿وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ...﴾.



اشاره

فرهنگ ماده‌گرا و سودمحور غربی با نگاه ابزاری به زنان، هویت انسانی آنان را استحاله کرده است. ازسوی دیگر غرب همواره کوشیده چهره‌ای خشن و نازیبا از اسلام ارائه دهد؛ اما به رغم پوشش رسانه‌ای خصمانه دولت‌های غربی و به تصویر کشیدن چهره‌ای خشن و غیرانسانی از دین اسلام و معرفی زنان مسلمان به عنوان زنانی عقب‌افتاده و متحجر که با دستان خود به سرکوب‌گرایی و عواطف خود می‌پردازند، گرایش زنان، به ویژه به ظاهر ستاره‌های غربی اعم از خواننده و بازیگر تا مدل‌ها به اسلام و حجاب اسلامی، گویای درخشش اسلام در میان ادیان موجود است.

فرهنگ‌سازی پوشش عفیفانه

حفظ پوشش اسلامی به عنوان هنجار برتر و ارزش اجتماعی، از ضروریات حضور زنان در جامعه است که در قرآن نیز به آن تصریح شده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...﴾^۱ (ای پیامبر) به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و

۱. نور، ۳۱. نک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۱۲؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۹.

زینت خود را، جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان...»

هرچند پوشش غالب بانوان غربی به دلیل عقاید مادی گرایی عاری از حجاب مناسب است، اما وجود بانوان محجبه به عنوان نماد اسلام نه فقط عاملی برای فرهنگ سازی پوشش عفیفانه بلکه زمینه ساز افزایش مسلمانان است. از این رو آمارها در غرب نشانگر افزایش گرایش به اسلام نسبت به دیگر ادیان، بیش از ۱۵۰ درصد است.^۱ مجله تایم از موج عظیم گرایش زنان به پاک دامنی سخن به میان می آورد.^۲ همین افزایش غیرمنتظره شمار بانوان محجبه و ترس غربی ها از فراگیری اسلام، حجاب ستیزی را در صدر عملکردهای دولت های غربی از جمله سوئد، فرانسه، بلژیک و... قرار داده است.^۳

با وجود تبلیغات فراوان رسانه ای و اعمال قوانین سختگیرانه علیه بانوان محجبه در جامعه، غربی ها هنوز نتوانسته اند مانع عرفی سازی حضور عفیفانه زنان در اجتماع شوند. «بر اساس یک تحقیق، تمایل به استفاده از پوشش اسلامی به ویژه در میان دختران نوجوان مسلمان در جامعه سوئد افزایش یافته است. امروزه زنان محجبه شاغل در امور گوناگون جامعه، با حفظ حجاب نشان می دهند که با افتخار و پاک دامنی می توانند در جامعه حضور داشته باشند.»^۴ بنابراین جوامع غربی به دیدن زنان محجبه، تعامل با آن ها در جامعه، دانشگاه و محیط کار عادت کرده اند. این مسئله یعنی زنان مسلمان با کوشش خود پوشش عفیفانه را به عنوان یک ارزش اجتماعی فرهنگی در غرب تثبیت کرده اند. «بدین گونه است که اکثریت زنان طبقه متوسط جوامع غربی در مواجهه های فرافرهنگی با مسلمانان، حجاب را به عنوان یک شاخص فرهنگی درک می کنند.»^۵

۱. وب سایت روزنامه جام جم، «چرا تازه مسلمانان به حجاب علاقه دارند؟»، ۱۴۰۷/۰۷/۱۱، شماره روزنامه ۶۳۲۱.
<https://www.jamejamdaily.ir/Newspaper/item/155060>.

۲. سید مجید امامی و نوید عمیدی مظاهری، «صورت بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، ص ۱۲.

3. Byng, M. D. (2010). Symbolically Muslim: media, hijab, and the West. Critical sociology, 36(1), 109-129.

۴. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، «رشد گرایش به حجاب اسلامی در سوئد»، مجله اسلام و غرب، ش ۲۷.
<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/52045/5493/5483>.

5. Tarlo, E. (2007). Hijab in London: Metamorphosis, resonance and effects. Journal of Material Culture, 12(2), 131-156.

این مفهوم‌سازی از پوشش، به قول شهید مطهری رحمته الله، موجب افزایش احترام زن در جامعه شده است؛^۱ به گونه‌ای که ربکا ماسترتون^۲ درباره ارتقای حرمت زنان محجبه در غرب می‌گوید: «مردان غیرمسلمان اغلب احساس می‌کنند که می‌توانند جوانمردی سنتی از خود نشان دهند، مانند باز کردن در برای یک زن مسلمان و به خاطر آن مورد حمله قرار نخواهند گرفت؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که یک زن مسلمان به احتمال زیاد زنی نیست که از این شکل سنتی ابراز ادب، عصبانی شود.»^۳

شکل‌گیری جهان‌بینی عقیقانه

حجاب در اسلام، عمل پسندیده و بی‌حجابی ناپسند به شمار می‌آید. همچنین حجاب و محدودیت‌های جنسی عامل بهداشت، استحکام خانواده و استواری اجتماعی می‌شود. شهید مطهری رحمته الله در این باره می‌نویسد: «... از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد...»^۴ این برعکس نظر غرب است: «[به راستی] چرا در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است؟! علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحرکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات... انجام می‌شود.»^۵ بر همین اساس، در آیات و روایات، بر حفظ حجاب و عفت تأکید شده است: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلاب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است.»^۶ امام علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده است: «با پوشش و حجابی که برای همسرانت قرار می‌دهی، چشم آنان را از هوس و حرام بازمی‌داری؛

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۴۴۱.

2. Rebecca Masterton.

۳. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «حجاب به بخشی از بافت اجتماعی فرهنگ غرب تبدیل شده است»، ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، کد خبر: ۴۱۱۳۹۵۶.
https://iqna.ir/fa/news/4113956.

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۴۴۱.

۵. سید ابراهیم سجادی، «قرآن و فلسفه حجاب»، پژوهش‌های قرآنی، ص ۷۴.

۶. احزاب، ۵۹. نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۸۰.

چراکه حجاب برای آن‌ها ثبات بیشتری به ارمغان می‌آورد...»^۱

زنان جامعه غربی سال‌هاست که به دلیل بی‌حجابی مورد سوءاستفاده و آسیب‌های روحی و جسمی فراوانی قرار گرفته‌اند. غریبان ماهیت زن را عامل ایجاد جذابیت در تبلیغات، محرک سرمایه‌گذاری، برانگیزاننده خرید و افزایش سود... تعریف کرده‌اند؛ در صورتی که در اسلام زن به عنوان یک انسان، مهم‌ترین نقش‌های فرزندی، همسری و مادری را ایفا می‌کند و می‌تواند در جامعه نیز با پوشش یک شهروند مفید باشد. زنان این شأن را از حجاب و عفت خود وام گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که قرآن زنان ایدئال مانند حضرت مریم^۲ و آسیه^۳ را به عنوان زنان الگو معرفی می‌کند.

زنان غربی نیازمند فهم هدف خداوند از آفرینش زن و درک گوهر وجودی خود هستند؛ معنایی که سیاستمداران غربی برای مقابله با اسلام آن را به بدترین وجه ممکن سیاه‌نمایی کرده‌اند. حال آنکه بروز حجاب در بانوان غربی، راه شناخت تأثیر حجاب بر ارزشمندی زن مسلمان را هموار می‌کند؛ بدین گونه که وقتی زنی در غرب حجاب را انتخاب می‌کند و آن را به عنوان نوعی نشانگان اجتماعی در انتظار دیگران قرار می‌دهد، به وسیله آن پیامی از تمام مبانی فکری او به دیگران منعکس می‌شود. مشاهده یک زن محجبه این پرسش را ایجاد می‌کند که این نماد برآمده از چه بنیان فکری است. در واقع حجاب زنان است که امکان ایجاد تفکر درباره ضرورت این پوشش را ایجاد می‌کند و عامل اعتراضات و نهضت‌های فمینیست در غرب شده است؛ به گونه‌ای که آنان معتقدند مگر زن نمایشگاه متحرک است که مدام در حال عرضه خود باشد! برای همین، طرفداران این نهضت از سطحی‌ترین مسائل امتناع می‌کنند؛ مانند آرایش کردن چهره و پوشیدن لباس‌هایی که جذابیت دارد. این موضوع به اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفته که پارلمان اروپا برای حمایت زنان و این طرز تفکر در حال تصویب قانونی است که استفاده از جذابیت‌های زنان در تبلیغات فروش کالا و محصولات منع شود.^۴

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۶.
۲. تحریم، ۱۲. نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۷۹.
۳. تحریم، ۱۱. نک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۴۴.
۴. مرجان خسروی، «بررسی آزادی حجاب و وضعیت پوشش زنان در غرب»، مجله پیام زن، ص ۲۸.

زنان که تا پیش از آغاز جنبش بیداری بر اساس تبلیغات فریبنده غرب در جریان جهانی غرق شده بودند، به مرور زمان فهمیدند در دنیای امروز به کالایی برای تجارت تبدیل شده‌اند. بنابراین بسیاری از زنان مسلمان و حتی غیرمسلمان به این باور رسیدند که برای رهایی از این سقوط باید به خویشتن خویش بازگردند.^۱ برای نمونه مدونا لوئیز چیکونی، خواننده آمریکایی، در اواخر سال ۲۰۱۶ در ۵۸ سالگی هنگام دریافت جایزه زن سال از مجله بیلبورد، درباره شرایط دشوار و توهین آمیز فعالیت هنری زنان در آمریکا با لحنی کنایه آمیز گفت:

زنان خواننده در آمریکا باید به یک شیء زیبا و سرگرم کننده تبدیل شوند که هیچ کس از آن‌ها اندیشیدن نمی خواهد. برای مردان قاعده ای نیست، اما زنان باید تابع قواعد بازی باشند. باید زیبا و بامزه و اغواگر باشید، اما ادای باهوش‌ها را درنیاورید. از خودتان نظر نداشته باشید یا دست کم نظری نداشته باشید که خلاف وضعیت موجود باشد؛ یعنی به شما اجازه می دهند که مثل زنان بدکاره لباس بپوشید و مردان مثل یک شیء با شما برخورد می کنند.^۲

یافته‌های گروه تحقیقاتی «آی جی (IG)» نیز نشان می دهد نسل جدید دختران در نیویورک برخلاف نسل‌های قبلی، علاقه چندانی به خودنمایی و پوشیدن لباس‌های بدن نما ندارند. «وندی شلیت»، نویسنده آمریکایی، می گوید: «خواست‌های دختران امروز با گذشتگان متفاوت است؛ نسلی که از این آزادی افسارگسیخته به ستوه آمده است و می خواهد طعم شیرین فطرت را دوباره بچشد.» او در ادامه می گوید: «دختران امروز با اعتراض‌های پراکنده می خواهند سبک زندگی و نوع پوشش خود را تغییر دهند. همین آسیب‌هاست که موجب می شود میزان گرایش به پاک دامنی میان نوجوانان غربی رو به افزایش باشد.»^۳

۱. سید مجید امامی و نوید عمیدی مظاهری، «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، ص ۲۲.

۲. فاطمه دولتی، «من یک پادری هستم»، مجله پیام زن، ص ۱۲.

۳. مرجان خسروی، «بررسی آزادی حجاب و وضعیت پوشش زنان در غرب»، مجله پیام زن، ص ۲۸ و ۲۹.

غرب با ترویج لذت جویی‌های مداوم، برخورداری از هویت پوچ و بی ارزش را به زنان و دختران القا کرده است. مقام معظم رهبری حفظه الله فرموده است: «اساس فرهنگ غرب این است که زن را به عنوان یک کالا، به عنوان یک وسیله تمتع برای مرد در جامعه عرضه بکند.»^۱ در صورتی که اسلام هویت بانوان را بر مبنای ایمان، تقوا و ارزش‌های انسانی تعریف می‌کند. حجاب نه تنها آرامش و امنیت را برای زنان غربی متبلور می‌کند، بلکه آن‌ها را با مفاهیم جدید هویت فطری انسان نیز آشنا می‌سازد. از این رو است که جهان شاهد روی آوردن بسیاری از زنان غربی حتی سلبریتی‌ها به حجاب و اسلام است. برای نمونه سارا بوکر هنرپیشه، مدل و مانکن تازه‌مسلمان آمریکایی، می‌گوید:

«من علاقه بسیاری به مادیات و زرق و برق زندگی در شهرهای گران داشتم. از این رو از فلوریدا به ساحل جنوبی میامی، منطقه پرشور برای جست‌وجوگران "زندگی پرزرق و برق" نقل مکان کردم. من بر اساس ارزیابی ارزش خودم بر مبنای میزان جلب توجه دیگران به ظاهر و جذابیت و گیرایی خودم توجه داشتم. به علت افزایش مستمر فاصله میان رضایت شخصی من و سبک زندگی‌ام، من در فرار از الکل و مهمانی‌ها (پارتی‌ها) به مراقبه (مدیتیشن) و مذاهب غیرمتعارف پناه می‌بردم. در نهایت متوجه شدم که تمامی آن‌ها فقط یک مسکن هستند و نه یک درمان مؤثر. سال‌ها گذشت تا متوجه شوم که هر چه بیشتر در "جذابیت زنانگی‌ام" پیشرفت می‌کنم، درجه رضایت شخصی و خوشبختی‌ام افت می‌کند. من برده مد بودم، من گروگان ظاهر بودم. پس از آشنایی با قرآن و اسلام، یک ردای زیبای بلند و یک پوشش سر که شبیه لباس عرفی زنان مسلمان است، خریداری کردم و در خیابان‌ها و محله‌هایی که روزهای پیشین با شلوار کوتاه، بی‌کینی و یا با لباس کار "شیک" سبک غربی در آن‌ها راه می‌رفتم، ظاهر شدم. اگرچه مردم، چهره‌ها و مغازه‌ها همه همان‌ها بودند، اما یک چیز به طرز چشمگیر و استثنایی متفاوت

۱. بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱.

بود. من همان نبودم و نه آرامشی که من برای اولین بار در زن بودن تجربه کردم. به شما زنانی که مفاهیم زشت کلیشه‌ای علیه حجاب فروتنانه اسلامی را می‌پذیرید، می‌گویم که شما نمی‌دانید که چه چیزی را دارید از دست می‌دهید.^۱

حجاب برای برخی زنان غربی به حدی هویت‌بخش است که حتی آن را به دیگر دوستان خود نیز پیشنهاد می‌دهند. اول فوریه امسال جمعی از زنان محجبه کشور ایرلند به مناسبت روز جهانی حجاب، تصمیم به برگزاری مراسمی گرفتند و پیشنهاد تجربه استفاده از حجاب را به زنان غیرمسلمان دادند. به گفته این زنان، هدف آن‌ها معرفی کردن حجاب به دیگر زنان کشور است تا با داشتن حجاب و پوشش، امنیت آرامش را تجربه کنند.^۲

بنا بر پژوهش‌ها، مسلمانان فرانسه، حجاب یا حجاب اسلامی را جزء اساسی هویت خود می‌دانند.^۳ پروفیسور مادالین زیلفی درباره افزایش روند تمایل قشر تحصیل‌کرده زنان در دانشگاه‌های آمریکایی می‌گوید: «سرعت این روند مرا کنجکاو کرده است. من بارها این موضوع را در دانشکده دیده‌ام که اسلام به دختران هویت بخشیده است.» وی همچنین می‌گوید: «حجاب کلمه‌ای است که معنای بسیار دارد. حجاب همیشه در داخل و خارج کشورهای اسلامی، نماینده خیلی از چیزها از جمله یک بیانیه سیاسی محکم علیه فساد و بی‌بندوباری و یک عمل مذهبی عمیق شخصی بوده است. این موضوع به اصل اسلام برمی‌گردد. قرآن حجاب را در قالب لباس لازم شمرده است.»^۴

۱. خبرگزاری مشرق، «فرهنگ حجاب و عفاف اسلامی چگونه غرب را احاطه کرده است»، ۱۳۹۱/۰۴/۰۵، کد خبر: ۱۲۶۳۸۷.

<https://www.mashreghnews.ir/news/126387>.

۲. خبرگزاری مهر، «انتخاب حجاب و پشت پا زدن ستارگان غربی به نگاه تجاری به زنان»، ۱۳۹۸/۰۴/۲۰، کد خبر: ۴۶۵۹۳۸۶.

<https://www.mehrnews.com/news/4659386>.

3. Croucher, S. M. (2008). French-Muslims and the hijab: An analysis of identity and the Islamic veil in France. *Journal of Intercultural Communication Research*, 37(3), 199-213.

۴. وب‌سایت روزنامه جام جم، «چرا تازه مسلمانان به حجاب علاقه دارند؟»، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱، شماره روزنامه ۶۳۲۱. <https://www.jamejamdaily.ir/Newspaper/item/155060>.

یکی از اصول حجاب در اسلام، تناسب پوشش با محیط است؛ به گونه‌ای که میزان و نوع حجاب در برابر خانواده، محارم، محل کار، جامعه و... متفاوت است.^۱ جالب است که غرب با تأسی از نگاه اسلام، به تناسب پوشش به حضور در اجتماع پرداخته است؛ به گونه‌ای که برای حفظ کارکرد شغلی، آموزشی و... جوامع، به تطبیق پوشش افراد با ماهیت آن محیط می‌پردازد. برای نمونه «سازمان‌های غرب وقتی منفعت در میان باشد، از الگوی پوششی زنان مسلمان به نفع خود استفاده می‌کنند و آنگاه تطبیق‌های خاصی انجام می‌دهند. امروزه نیروی پلیس دارای لباسی است که شامل حجاب برای زنان می‌شود. بیمارستان‌ها به تدریج به زنان مسلمان اجازه می‌دهند که در محل کار خود آستین بلند داشته باشند؛ درحالی‌که قبلاً مجبور بودند آستین کوتاه داشته باشند. بیمارستان‌ها می‌دانند که حجاب یک مشکل سلامتی و ایمنی نیست؛ زیرا سایر کارکنان به دلایل بهداشتی و ایمنی مجبورند موهای خود را بپوشانند.»^۲

آن‌ها در بسیاری از محیط‌های آموزشی و دانشگاهی و حتی برای معلمان، قوانینی برای تطبیق پوشش متناسب با علت حضور در محیط وضع کرده‌اند؛ زیرا معتقدند که مربی باید از سبک لباس رسمی در محیط آموزشی استفاده کند.^۳ در قوانین مربوط به پوشش دانشگاه بایلور (آمریکا) نیز چنین آمده است: «برای حفظ استانداردهای تأیید شده در مورد ظاهر، صلاحیدیهایی در اختیار معاونت زندگی دانشجویی و همکارانش قرار گرفته است. نقض آشکار این استانداردها مانند عدم پوشاندن بدن به اندازه کافی یا پوشیدن کفش نامناسب برای حضور در کلاس، کافه تریا، دفاتر دانشگاه و سایر مکان‌ها و زمان‌های مناسب، ممکن است دانشجوی را تحت تعقیب انضباطی قرار دهد. از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که چه در محوطه دانشگاه و چه در خارج از دانشگاه لباس مناسب بپوشند...»^۴

۱. زینب خسروی نیا و آزاده سالاری جانی، «معیارهای انتخاب پوشش متناسب با سبک زندگی اسلامی از منظر آیات و روایات»، دوفصلنامه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، ص ۱۳۱.
۲. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «حجاب به بخشی از بافت اجتماعی فرهنگ غرب تبدیل شده است»، ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، کد خبر: ۴۱۱۳۹۵۶.
<https://iqna.ir/fa/news/4113956>

3. Dunbar, N. E., & Segrin, C. (2012). Clothing and teacher credibility: An application of expectancy violations theory. International Scholarly Research Notices, 2012.

4. Student Dress and Appearance, Baylor University, Date Last Revised: September 23, 2020, IN: <https://www.baylor.edu/risk/doc.php/342477.pdf>

تطبیق‌هایی که به واسطه حضور زنان محجبه در غرب با پوشش اسلامی صورت گرفته است، سبب افزایش علاقه بانوان به بازیابی هویت فطری و نیز گسترش پوشش پوشیده‌تر در جامعه شده است. در این زمینه نشریه پوشش زنان گزارش می‌دهد که درخواست برای لباس‌های پوشیده، سال به سال افزایش می‌یابد و این افزایش به سبب تغییراتی است که در محیط اجتماعی پدید آمده است.^۱ این موضوع عامل تحول سبک تولید لباس‌ها در برندهای مطرح نیز شده است.

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. غلامی، علی، مسئله حجاب در غرب (بررسی حقوقی جامعه‌شناختی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ش.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح هاشم رسولی، چ ۳، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.

۱. امام، سید مجید و نوید عمیدی مظاهری، «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، دوره ۸، ش ۱، شهریور ۱۳۹۹، ص ۱۱-۳۹.
۲. خسروی‌نیا، زینب و آزاده سالاری جاثینی، «معیارهای انتخاب پوشش متناسب با سبک زندگی اسلامی از منظر آیات و روایات»، دوفصلنامه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، دوره ۵، ش ۱۰، اسفند ۱۴۰۱، ص ۱۲۷-۱۵۱.

۱. علی غلامی، مسئله حجاب در غرب (بررسی حقوقی جامعه‌شناختی)، ص ۱۸.

۳. خسروی، مرجان، «بررسی آزادی حجاب و وضعیت پوشش زنان در غرب»، مجله پیام زن، دوره ۲۷، ش ۳۱۹، دی ۱۳۹۷، ص ۲۸ و ۲۹.
۴. دولتی، فاطمه، «من یک پادری هستم»، مجله پیام زن، دوره ۲۷، ش ۳۱۱، اردیبهشت ۱۳۹۷، ص ۱۲ و ۱۳.
۵. سجادی، سید ابراهیم، «قرآن و فلسفه حجاب»، پژوهش های قرآنی، دوره ۱۳، ش ۵۱ و ۵۲، بهمن ۱۳۸۶، ص ۹۱-۶۲.

سایت‌ها

۱. پایگاه دفتر اطلاع رسانی حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای رحمته الله علیه.
۲. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، «رشد گرایش به حجاب اسلامی در سوئد»، مجله اسلام و غرب، ش ۲۷.
۳. خبرگزاری بین المللی قرآن، «حجاب به بخشی از بافت اجتماعی فرهنگ غرب تبدیل شده است»، ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، کد خبر: ۴۱۱۳۹۵۶.
۴. خبرگزاری مشرق، «فرهنگ حجاب و عفاف اسلامی چگونه غرب را احاطه کرده است»، ۱۳۹۱/۰۴/۰۵، کد خبر: ۱۲۶۳۸۷.
۵. خبرگزاری مهر، «انتخاب حجاب و پشت پا زدن ستارگان غربی به نگاه تجاری به زنان»، ۱۳۹۸/۰۴/۲۰، کد خبر: ۴۶۵۹۳۸۶.
۶. وب سایت روزنامه جام جم، «چرا تازه مسلمانان به حجاب علاقه دارند؟»، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱، شماره روزنامه ۶۳۲۱.

7. yng, M. D. (2010). Symbolically Muslim: media, hijab, and the West. Critical sociology, 36(1), 109-129.

8. Tarlo, E. (۲۰۰۷). Hijab in London: Metamorphosis, resonance and effects. Journal of Material Culture, ۱۵۶-۱۳۱, (۲)۱۲.

9. Croucher, S. M. (۲۰۰۸). French-Muslims and the hijab: An analysis of identity and the Islamic veil in France. Journal of Intercultural Communication Research, ۲۱۳-۱۹۹, (۳)۳۷.

10. Student Dress and Appearance, Baylor University, Date Last Revised: September ۲۰۲۰, ۲۳, IN:

<https://www.baylor.edu/risk/doc.php/۳۴۲۴۷۷.pdf>.

مدگرایی زنان در مردانه پوشی

سرکار خانم سیده طاهره موسوی

اشاره

لباس نمایانگر ماهیت اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی است و با نمایش آشکار تمایزهای پوشش مردانه و زنانه نقش مهمی در بازتاب هنجارها و ارزش‌های فرهنگی دارد.^۱ در این میان، مدگرایی با طراحی سبک‌های گوناگون پوشش، تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بر جای می‌گذارد. یکی از مصادیق بارز مدگرایی در دنیای معاصر، ترویج پوشش مردانه در میان زنان است؛ پدیده‌ای که طی آن بسیاری از دختران و زنان به پوشیدن لباس‌های مختص مردان روی می‌آورند. ریشه‌های این گرایش را می‌توان در تاریخ مد غرب جست‌وجو کرد. در قرن‌های هجدهم و نوزدهم، زنانی که علیه قالب‌های سنتی زنانگی شورش می‌کردند، با انتقادات شدیدی مواجه می‌شدند. فمینیست‌های آن دوران، مد را ابزاری برای به دام انداختن زنان می‌دانستند و لباس‌های سنتی زنانه را به صراحت رد می‌کردند...^۲

در روایات اسلامی، پوشش نه تنها به عنوان نمادی از ارزش و کرامت انسانی معرفی شده، بلکه انتخاب لباس، به ویژه در تطابق با جنسیت، جایگاهی ویژه دارد. از منظر روایات، گرایش زنان به پوشش مردانه از نشانه‌های آخرالزمان یاد و سخت نکوهش شده است.

1. Construction of gender through fashion and dressing, P.112.

2. Fashion, desire and anxiety, p.8.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَزْبَعُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ... وَالْمَرْأَةُ تَتَشَبَّهُ بِالرَّجَالِ وَقَدْ خَلَقَهَا اللَّهُ أَنْثَى؛ چهار گروه‌اند که خداوند از بالای عرش خود آنان را لعنت کرده است... زنی که خود را شبیه مردان کند، درحالی که خداوند او را زن آفریده است.»^۱

در این نوشتار به بررسی علل و پیامدهای مدگرایی در انتخاب پوشش مردانه توسط زنان پرداخته می‌شود.

الف) تعریف واژگانی

مدگرایی: به استقبال از طرز آرایش یا لباس پوشیدن یا آدابی که تازه باب شده،^۲ یا به تغییر سلیقه ناگهانی و مکرر همه یا گروهی از افراد یک جامعه اطلاق می‌شود و به رفتار متفاوت، مصرف کالای خاص و زندگی به سبکی جدید منجر می‌گردد.^۳

مردانه‌پوشی: گرایش به مردانه‌پوشی در زنان به عنوان نوعی مدگرایی، به انتخاب پوشش‌هایی اطلاق می‌شود که معمولاً مختص مردان است، مانند کت و شلوار، کراوات، پیراهن و شلوار مردانه، کفش‌های مردانه، کت‌های بزرگ و دیگر اقلام مردانه، بدون داشتن ویژگی‌های زنانه. این گرایش نشان‌دهنده تغییراتی در هویت اجتماعی و فرهنگی زنان است که به طور عمده از سبک‌های پوشش مردانه و متناسب با آناتومی بدن مردانه پیروی می‌کنند.

ب) مسئولیت‌های والدین و جامعه در زمینه پوشش

زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع و مهم‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها در خانواده، از نقش مهمی در عرصه‌های اجتماعی برخوردارند؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد زن می‌تواند عامل سعادت یا شقاوت جامعه باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لَيْسَةَ الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةُ تَلْبَسُ لَيْسَةَ الرَّجُلِ؛ لعنت خدا بر مردی که به طرز زنان لباس پوشد و بر زنی که به شکل مردان لباس پوشد.»^۴

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۰۳.

۲. دهخدا، واژه‌مد.

۳. شایان مهر، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ص ۱۲۶.

۴. علی بن حسام معروف به متقی هندی، کنز العمال، ح ۴۱۲۳۷.

در روایات به تغییرات فرهنگی و اجتماعی، از جمله تقلید زنان از مردان در پوشش و رفتار، اشاره شده است. این پدیده به عنوان نمادی از فاصله گرفتن از هنجارهای دینی و سنتی و گسترش بی‌نظمی اجتماعی تعبیر می‌شود. همچنین والدین در این دوران، با غفلت از تربیت دینی فرزندان و توجه صرف به مسائل مادی، موجب انحراف نسل‌های آینده می‌شوند.

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف اجتماعی، عاملی اساسی برای جلوگیری از سقوط اخلاقی جامعه است. بر این اساس، خانواده می‌تواند از طریق تربیت درست و نظارت بر رفتارها، از انحرافات جلوگیری کند. با این حال، در دوران آخرالزمان، مطابق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بی‌توجهی والدین به فرزندان زمینه‌ساز بروز انحرافات می‌شود. در روایتی آمده است: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کوچه‌ای می‌گذشتند. نگاه مبارکشان به گروهی از کودکان افتاد که در حال بازی بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله در همان حال فرمودند: «وای بر احوال فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان!» اصحابی که حضور داشتند از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند: یا رسول الله! پدرانشان مشرک‌اند؟ فرمودند: «نه؛ بلکه پدران مؤمن و مسلمان دارند.» اصحاب پرسیدند پس علت تأسف شما چیست؟ فرمودند: «پدران و مادران آخرالزمان بیشتر توجه خود را صرف برآوردن نیازهای مادی فرزندان خود می‌کنند و از تربیت دینی آن‌ها غافل‌اند. برخی از آن‌ها چیزی از واجبات و فرائض را به فرزندانشان نمی‌آموزند و اگر فرزندی شخصاً برای یادگرفتن احکام اقدام کند، او را از این کار باز می‌دارند و به بهره‌سیار اندکی از دنیا برای آن‌ها راضی می‌شوند.» آنگاه فرمودند: «من از آن‌ها بیزارم و آن‌ها نیز از من بیزارند.»^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به والدین می‌فرمایند: «چه حالی خواهید داشت آنگاه که زنان فاسد شوند و جوانان نابخوار شوند و شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟! چه حالی خواهید داشت آنگاه که به زشت‌کاری فرمان رانید و از خوبی‌ها بازدارید؟! چه حالی خواهید داشت آنگاه که خوب را زشت شمارید و زشت را نیکو؟!»^۲

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۹.

زنانی که گرایش به پوشش‌های مردانه پیدا می‌کنند، معمولاً این تغییر را از تجلیات روانی خود نشان می‌دهند، یعنی از نشانه‌های این تغییر در نوع پوشش و لباسی است که انتخاب می‌کنند. در دنیای آخرازمان، مرزهای تفکیک‌کننده زن و مرد عمدتاً محو می‌شود و نوعی اختلاط فرهنگی و تغییرات در ابعاد مختلف زندگی، از جمله در پوشش، بین زن و مرد مشاهده می‌شود.^۱ این گرایش‌ها نه تنها ناشی از عوامل فردی بلکه از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی و رسانه‌ای است، که در ادامه تبیین می‌شود:

۱. تبلیغات رسانه‌ای

تبلیغات رسانه‌ای به عنوان ابزاری مؤثر در انتقال الگوهای فرهنگی غربی، نقش مهمی در گسترش مد مردانه در میان جامعه زنان ایفا می‌کند. مدهای مردانه از طریق کمپانی‌های مد و شبکه‌های اجتماعی به سرعت در بین کاربران منتشر می‌شود و توسط اینفلوئنسرها و بلاگرها به طور مداوم در گروه‌ها و میان افراد مختلف بازنشر می‌شوند. پس از آن، پوشش مردانه توسط کاربران عادی برای پیروی از این الگوها به کار گرفته می‌شود. در این روند، سبک پوشش ترویجی به عنوان ضرورتی برای پیوند با دنیای جهانی یا نمادی از هویت مدرن و پرستیژ جهانی معرفی می‌شود. درحالی‌که سیطره جهانی به دنبال محو مرزهای جنسیتی با معرفی مدل‌های منحصربه‌فرد و الگویی جهانی برای زنان جوان است، در بسیاری از فیلم‌های شبکه خانگی ایرانی نیز به منظور جلب توجه بیشتر مخاطبان، زنان با پوشش‌هایی نظیر کت و شلوار، جلیقه، پیراهن و کاپشن مردانه به نمایش درمی‌آیند. حتی برخی از برندها و بازیگران زن ایرانی، تیپ کت و شلوار و کراوات مردانه را به عنوان سبک‌های لباس تفریحی، کاری و حتی عروسی تبلیغ می‌کنند. در این میان، باید توجه داشت که مسلمانان نباید در لباس، کفش، کلاه، انگشتر، گردن‌بند و سایر پوشیدنی‌ها خود را شبیه کافران سازند؛ به ویژه در مورد پوشیدن کراوات، پاپیون و لباس‌هایی که مدل‌ها و تصاویری مخصوص به کفار دارند و به عنوان شعار و مروج فرهنگ ایشان شناخته می‌شوند. در روایات، تشبه

۱. مهدی نیلی پور، «آسیب‌شناسی آخرازمان»، موعود، ص ۱۵.

به کفار در خصوص پوشش نهی شده است.^۱ امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند عزوجل به پیامبری از پیامبرانش وحی نمود: به مؤمنان بگو! پوشش دشمنان من را نپوشند، از خوردنی‌های ایشان نخورند و راه‌های آنان را نپیمایند، که در این صورت به سان دشمنان من خواهند بود.»^۲ از سویی تلاش‌هایی برای تعریف استانداردهای جدید پوشش زنانه در بازی‌های رایانه‌ای صورت گرفته است، به طوری که زنان قهرمان اغلب با پوشش‌هایی مردانه به تصویر کشیده می‌شوند تا قدرتمندتر به نظر برسند. در جامعه امروز، پوشش مردانه به ابزاری برای جلب توجه برخی بازیگران زن ایرانی تبدیل شده است. در مقابل، بررسی پوشش سلبریتی‌های جهانی، به ویژه در جشنواره‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده گسترده از لباس‌های زنانه است. بازیگران هالیوودی و بالیوودی به انتخاب پوشش‌های زنانه و فاخر در مراسم رسمی ادامه می‌دهند و در هند، برخی بازیگران با حفظ اصالت لباس‌های سنتی خود، هویت فرهنگی و ملی‌شان را به نمایش می‌گذارند.

۲. فشارهای اجتماعی

فشارهای اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری تمایل به مردانه‌پوشی ایفا کند. این تمایل به ویژه در جوامع در حال توسعه که در حال گذار از ساختارهای سنتی به مدرن هستند، بیشتر مشهود است. به عنوان نمونه، بسیاری از زنان و دختران در فضاهای غیررسمی با تیپ‌های اسپورت پسرانه و در فضاهای رسمی با کت و شلوارهایی مشابه مردانه یا حتی با کلاه پسرانه و هودی ظاهر می‌شوند. مردانه‌پوشی به طور فراگیر به عنوان یک استاندارد در محیط‌های کاری، گروه‌های هم‌سالان و مراسم‌های مختلف شکل گرفته است. در چنین شرایطی، افراد برای جلب مقبولیت اجتماعی، تأیید در گروه‌های اجتماعی و اجتناب از برچسب‌های ارتجاعی و عقب‌ماندگی، خود را ملزم به رعایت این استانداردها می‌دانند تا به نظر اکثر جامعه همگن بیایند. این اکثریت، پوشش مردانه را نمادی از روشن‌فکری

۱. ویژگی‌های لباس و حجاب از نظر اسلام، سایت تبیان، موجود در:

<https://article.tebyan.net/UserArticle/AmpShow/934903>

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲.

اجتماعی، به روز بودن و پیش‌گامی در جامعه می‌داند. این لباس‌ها به طور ناخودآگاه به عنوان کدی برای نمایش هویت و اعلام تعلق به گروه خاصی استفاده می‌شوند؛ کدهایی که نشان‌دهنده جنسیت و جنبه‌های اجتماعی و جنسی افراد هستند.^۱

۳. خودابرازی

در جهان امروز، لباس به عنوان رسانه‌ای قدرتمند و ابزاری برای بیان هویت شناخته می‌شود. از این‌رو زنان و دختران برای بیشتر دیده شدن و متمایز شدن، به پوشش‌های مردانه روی می‌آورند. حال آنکه امام صادق علیه السلام در نکوهش این انتخاب می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ»^۲ برای انسان از نشانه‌های خفت و خواری همین بس که لباسی بپوشد که به آن مشهور شود. «همچنین امام حسین علیه السلام فرمودند: «هرکس لباس شهرت (و انگشت‌نما از هر جهت) بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش می‌پوشاند.»^۳

با نگاهی در شبکه‌های اجتماعی، زنانی با پوشش مردانه و ناهنجار خود را نمادی از شجاعت و نوآوری معرفی می‌کنند و تلاش دارند ظاهری منحصر به فرد از خود ارائه دهند. تحسین و بازخوردهای مثبت دیگران، این رفتارها را تقویت می‌کند و پوشش به ابزاری برای انتقال پیام متفاوت بودن تبدیل می‌شود. دنیای امروز که موفقیت را با خاص بودن و تعداد واکنش‌ها تعریف می‌کند، به این رفتارها دامن می‌زند؛ چه در فضای مجازی از طریق لایک‌ها و اشتراک‌گذاری‌ها و چه در فضای واقعی از طریق جلب توجه و تعجب افراد. هرچند این نوع موفقیت سطحی و کاذب است، اما افراد را به سمت ارائه ظاهری اغراق‌آمیز، ناهنجار و افراطی‌تر سوق می‌دهد.

1. Construction of gender through fashion and dressing, P.114.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۵، ح ۴.

مردانه‌پوشی آسیب‌های و تأثیراتی بر فرد و خانواده دارد؛ ازجمله:

۱. بحران هویت

شخصیت هر فرد از ویژگی‌های وراثتی، محیطی، جنسیتی، ظاهری و دیگر عوامل شکل می‌گیرد که نقشی تعیین‌کننده در رفتار، کردار، طرز فکر و صفات روحی و روانی او دارند.^۱ پوشش بیشترین تماس مستقیم را با بدن دارد و به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از «خود» در نظر گرفته می‌شود.^۲ «تطابق و هماهنگی میان مؤلفه‌های مختلف شخصیت در شکل‌گیری هویت شخصی و تکامل روانی و رفتاری فرد نقش کلیدی دارد. باین حال، وقتی رفتار، کردار و ظاهر فرد با نقش جنسی و جنسیتی او هماهنگ نباشد (مانند مشابهت زن به مرد یا بالعکس)، این عدم هماهنگی می‌تواند منجر به بحران هویت شود.»^۳ یونس از یکی از یاراناش از امام صادق (ع) روایت کرده که ایشان درباره آیه **﴿وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا﴾** («و آفرینش [پاک] خدایی را تغییر دهند [و فطرت توحید را به شرک بیالایند]. و هرکس شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است»)^۴ فرمود: «منظور از تغییر خلقت خدا، تغییر امر خداست با امری که [شیطان] صادر می‌کند.»^۵

ازاین رو لباس زنان باید متناسب با خلقت و فطرت باشد. «روح بشر تحریک‌پذیر است و نوع پوشش زن، که با تفاوت‌های جسمی و روحی او رابطه مستقیم دارد، نمی‌تواند بی‌ضابطه و بی‌حد باشد.»^۶ ظاهر مردانه در زنان علاوه بر اینکه می‌تواند حرکات و اخلاقیات آنان را مردانه کند، باعث ازخودبیگانگی می‌شود و زن با هویتی مواجه می‌شود که بین ظاهر مردانه‌ای که جامعه بر او تحمیل می‌کند و هویت

۱. تشبه زنان به مردان، سایت پرسمان، موجود در:

<https://www.porseman.com/18470>

2. Can professional women appear too masculine?, P.28.

۳. همان.

۴. نساء، ۱۱۹.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۹.

۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۴.

فطری زنانه خود در تضاد است؛ زیرا هویت فردی بر اساس درک و تعریف فرد از خود شکل می‌گیرد. ظاهر مردانه باعث آسیب در انسجام کارکردهای درونی و بیرونی زنان می‌شود. زنان به دلیل ویژگی‌های ذاتی لطافت و ظرافت، در این شرایط تلاش می‌کنند با ظاهر مردانه خود تطبیق پیدا کنند، اما در این مسیر، من زنانه آن‌ها به حاشیه رانده می‌شود و تحریف می‌شود. در نتیجه زن دچار عدم قطعیت می‌شود.

۲. اختلال در روابط خانواده

اختلال خانواده از روی گرایش زنان و دختران به مردانه‌پوشی از چند منظر قابل بحث است. «از یک سو وقتی زنی رفتار و ظاهر خود را شبیه مردان می‌کند، ممکن است نقش‌های سنتی‌اش چون همسری، مادری، خانه‌داری و فرزندداری را پست و فرومایه تلقی کرده و به دنبال قدرت و استقلال که ویژگی‌های مردانه به شمار می‌روند باشد.»^۱ در این بین، ما با زنانی مواجه خواهیم شد که مردانه رفتار می‌کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کم می‌شود کسی خود را شبیه قومی سازد و اندک اندک از آن‌ها نشود.»^۲ این زنان تلاش‌های خود را بیشتر در محیط‌های کاری و اجتماعی متمرکز می‌کنند و سعی دارند جایگاه خود را در اجتماع تقویت کنند. در این فرایند، خانواده که باید مأمن آرامش باشد و مادر نقشی کلیدی در آن ایفا می‌کند، کارکردهای خود را از دست می‌دهد.

مردانه‌پوشی زنان می‌تواند باعث تضاد در روابط زناشویی و نقش‌ها میان همسران شود. مردانی که به ویژه زن را موجودی لطیف و احساسی می‌دانند، با دیدن رفتار و ظاهر مردانه همسرشان، از نظر عاطفی ارتباط برقرار نمی‌کنند و در نتیجه، پوشش مردانه از جذابیت‌های زنانه می‌کاهد و برقراری ارتباط جنسی را دشوار می‌سازد؛ زیرا مردان نیازمند نرمی و لطافت زنانه هستند و تمایلی به شباهت زن به مرد ندارند.

از دیگر سو، در خانواده‌هایی که مادران مردانه‌پوش هستند، کودکان به ویژه دختران ممکن است به جای الگوبرداری از مادر، از پدر الگوبرداری کنند و دل‌بستگی به

۱. تشبه زنان به مردان، سایت پرسمان، موجود در:

<https://www.porseman.com/!8470>

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۹۷.

ویژگی‌های مردانه پیدا کنند. این امر ممکن است باعث شود که این کودکان در بازی‌ها نقش‌های پسرانه را برگزینند و در بلوغ و پذیرش تغییرات بیولوژیکی و جسمی نیز دچار آشفتگی‌های هویتی شوند. هویت جنسی این افراد به ویژه در سنین جوانی به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ویژگی‌های زنانه مانند مادری و همسری برای آنان بی‌ارزش می‌شود.

همچنین اگر دختر خانواده به مردانه‌پوشی روی آورد، به ویژه در خانواده‌های مذهبی و سنتی، تضاد ظاهر دختر با ارزش‌های خانواده ممکن است تنش‌هایی در روابط والدین و فرزند ایجاد کند و موجب شکاف نسلی شود. این شکاف به کاهش صمیمیت و ارتباط میان والدین و فرزندان منجر می‌شود. بزرگ‌ترین آسیب در چنین شرایطی نگرانی خانواده‌ها از قضاوت‌های اجتماعی است. اعضای خانواده ممکن است از پوشش زن یا دختر یا خواهر خود احساس شرم کنند و این احساس شرم می‌تواند بر احساس تعلق و محبت نسبت به فرد تأثیر بگذارد.

۳. اختلال در ساختار جامعه

پیامدهای اجتماعی ناشی از مردانه‌پوشی زنان از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است:

تضعیف ارزش‌های اجتماعی

در جامعه اسلامی، حفظ حجاب و پوشش زنان به عنوان نمادی از کرامت و احترام به دین شناخته می‌شود. مردانه‌پوشی می‌تواند به اختلال در ایفای نقش‌های مادری، فرزند و همسری منجر شود و خانواده را از انجام وظایف خود در قبال جامعه بازدارد. این وضعیت رشد و تربیت فرزندان را نیز با چالش مواجه کرده و به جای درونی‌سازی ارزش‌های کمال و تعالی، ضد ارزش‌ها در تربیت آن‌ها نهادینه می‌شود. در نتیجه، به جای خلاقیت و نوآوری در جهت تولید و پیشرفت، انرژی افراد صرف رقابت برای ظاهری ناهنجارتر و پوششی مردانه‌تر می‌شود. بدین ترتیب، جامعه زنان به عرصه رقابت بر سر ظاهر و پوشش تبدیل می‌گردد.

مردانه‌پوشی زنان باعث مشکلاتی در روان افراد، ارتباطات و تعاملات اجتماعی می‌شود. ازسویی زنان مردانه‌پوش از روی بحران هویتی ممکن است دچار افسردگی، اضطراب و استرس اجتماعی شوند. از سویی از روی مخالفت بسیاری از اطرافیان و دوستان و هم‌سالان با پوشش مردانه، با کاهش تعاملات اجتماعی مواجه شوند. بنابراین فشارهای فرد و اجتماعی این انتخاب آن‌ها را دچار انزوا می‌کند و جامعه در اثر کاهش تعاملات اجتماعی، با تضعیف همبستگی اجتماعی روبه‌رو می‌شود.

کتاب‌نامه

۱. تقی علیپور، زنان در آخرالزمان، آسیب‌ها و درمان، امان، مرداد و شهریور ۱۳۹۰، ش ۳۱، ص ۴۴-۴۶.
۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳. شایان مهر، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۱، تهران: نشر کیهان، ۱۳۷۲.
۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۵. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۴ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۸. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: الوفا، ۱۴۰۳ق.
۱۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۹، قم: انتشارات صدرا، چ ۵، ۱۳۸۰.
۱۱. نیلی‌پور، مهدی، آسیب‌شناسی آخرالزمان، موعود، ش ۳۲، تیر ۱۳۸۱، ص ۱۲-۱۵.
۱۲. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
13. Arvanitidou, Z., & Gasouka, M. (2013). Construction of gender through fashion and dressing. Mediterranean Journal of Social Sciences, 4(11), 111.
14. Arnold, R. (2001). Fashion, desire and anxiety: image and morality in the twentieth century. Bloomsbury Publishing.
15. Johnson, K. K., Crutsinger, C., & Workman, J. E. (1994). Can professional women appear too masculine? The case of the necktie. Clothing and Textiles Research Journal, 12(2), 27-31.

بررسی پیامدهای آرایش‌های نوپدید بر امنیت زنان

وحید رشتبری

سرکار خانم ناهید سادات سیدرضایی

اشاره

انسان همواره تنوع‌طلب و نوگراست. یکی از قلمروهای تنوع‌طلبی انسان، تنوع در آرایش و زینت است. دین مبین اسلام دینی جامع و جاودان است که نه تنها با گرایش‌های ذاتی آدمی مخالفت نمی‌کند، بلکه با بیان چارچوب‌ها و ارائه الگوی عملی، به این میل درونی جهت و عمق بخشیده است؛ از این رو در معارف دینی و سیره ائمه علیهم‌السلام برای آرایش و زینت، حدود و مرزهایی تعیین شده است تا از افراط و تفریط جلوگیری شود. در روایات متعددی به خوش‌بوکردن^۱، آراستن ناخن^۲، توجه به زیبایی چهره^۳ و رنگ موی زن^۴ از یک سو و لزوم آراستگی شوهر برای زن از سوی دیگر توجه شده است. درواقع مجموع این روایات بیان‌کننده توجه اسلام به این نیاز زن است. بنابراین آرایش زن در محیط خانه برای همسر و دوری کردن از جلوه‌گری در مکان‌های عمومی مورد تأکید اسلام است.

امروزه با توجه به تغییر سبک زندگی شاهد حضور اجتماعی زنان در فرصت‌های شغلی و تحصیلی زیادی در جامعه هستیم. از این رو زنان و دختران به دلیل قرار

۱. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰.

۴. همان، ج ۱۰۲، ص ۷۶۶.

گرفتن بدن به عنوان بخش مهمی از بازتابندگی اجتماعی به آرایش و استفاده از لوازم آرایشی و زیبایی دیدگاه متفاوت‌تری با قبل پیدا کرده‌اند و هر روز شیوه‌های جدیدی از آرایش در جامعه بروز و ظهور می‌کند که تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی زیادی دارد. آنچه در این پژوهش بررسی شده است، پیامدهای آرایش‌های نوپدید بر امنیت زنان جامعه است. اگرچه به مسئله آرایش در منابع متعدد پرداخته شده است، ولی تحقیقی مستقل درباره پیامدهای آرایش‌های نوپدید یافت نشد. اما کتاب «آرایش و پوشش از دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله» تألیف مریم معین‌الاسلام، بحثی روایی، تاریخی و جامعه‌شناختی است و مسئله حجاب و اهمیت آن را بررسی کرده است. اکرم تفتی نیز در کتاب «آرایش‌های نوپدید» کوشیده است پژوهشی فقهی در طهارت‌های سه‌گانه انجام دهد و به زوایای مختلف آرایش‌های نوپدید و جو غالب در جامعه بپردازد. مقاله «آرایش و زینت زن از نظر قرآن و سنت» نوشته ماجده زرگوش، دستورهای ایجابی و سلبی درباره زینت در کتاب و سنت را بررسی کرده است. اما وجه تمایز و نوآوری این پژوهش، توجه به پیامدهای آرایش‌های نوپدید بر امنیت زنان جامعه است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که آرایش‌های نوپدید چه پیامدهایی بر امنیت زنان جامعه دارد.

۱. مفهوم‌شناسی

«آرایش» اسم مصدر و معادل عربی آن تزئین است، به معنای زیبا کردن است.^۱ در صحاح آمده است: «جَمَلَهُ أَيْ زَيَّنَهُ»: او را زیبا کرد، یعنی او را تزئین کرد. «آرایش کردن» در اصطلاح به معنای آراستن و جلوه کردن است. آرایش‌های نوپدید در این تحقیق عبارت‌اند از: کاشت مژه، مو، کاشت ناخن، تزریق ژل، بوتاکس، تاتو و...

«امنیت» از ریشه «أَمِنَ» معنایی ضدترس دارد. برخی لغت‌شناسان واژه «أَمِنَ» را هم‌معنای «سَلِمَ» می‌دانند و کاربردهای آن را در سکون و آرامش قلب دانسته‌اند. راغب اصفهانی آن را آرامش نفس و از بین رفتن ترس معنا کرده است. در مجموع این واژه به معنای آرامش حاکی از نبود هرگونه عامل ترس‌آور است که سلامت فضا را به همراه دارد.

۱. فؤاد افرا، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی، بستانی، ص ۴۷.

امنیت ابعاد متنوعی شامل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی، فردی و جمعی دارد و از لحاظ گستره نیز حیطه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی را در بر می‌گیرد. از جنبه سطح به سطوح خرد و کلان تقسیم می‌شود. هریک از این ابعاد، گستره و سطوح امنیت به خرده ابعاد دیگری تقسیم می‌شود. برای مثال امنیت در سطح خرد می‌تواند شامل امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فکری، امنیت بیانی، امنیت اخلاقی، امنیت شغلی و امنیت حقوقی باشد؛ یا امنیت در سطح کلان می‌تواند زیرسطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و طبیعی یا زیست محیطی را در بر گیرد.^۱

۲. پیامدهای فردی و خانوادگی آرایش‌های نوپدید

با توجه به اینکه آرایش‌های نوپدید از جمله کاشت مژه، تزریق ژل، بوتاکس، کاشت ناخن، تاتو و... در نگاه اول، قبل از حضور اجتماعی زن در جامعه بر خود فرد و خانواده پیامدهای بی‌شماری دارد، ابتدا تبعات فردی و خانوادگی آن را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. اتلاف وقت و گرفتن همت آدمی

امروزه «آرایش» یکی از مسائل مطرح بین دختران و زنان است که وقت و انرژی زیادی را صرف آن می‌کنند تا ظاهرشان را با فعالیت‌های مختلف از جمله آرایش مو و صورت و جراحی‌های زیبایی به شکل آرمانی درآورند. کشور ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی به دومین مصرف‌کننده لوازم آرایش در خاورمیانه و هفتمین واردکننده لوازم آرایش در جهان تبدیل شده است. امام رضا (علیه السلام) از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ لَا يَزُولُ الْعَبْدُ قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا ذَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ روز قیامت بنده قدم از قدم بر نمی‌دارد تا اینکه چهار سؤال از وی می‌شود: از عمرش که در چه سپری ساخته و جوانی‌اش را در چه راهی صرف کرده و از مالش را که از کجا آورده و به چه مصرفی رسانده! و از دوستی ما اهل بیت^۲». عمر انسان باید صرف آبادی دنیا و آخرت او شود. از یک طرف باید برای

1. <https://hawzah.net>

۲. خصال، شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ح ۱۲۵، ص ۲۵۳

تأمین معاش و ساختن زندگی دنیوی و رفع نیازها بکوشد و از سوی دیگر، باید به آبادی آخرت و تحصیل دین و تقویت ایمان بیندیشد. بنابراین سزاوار نیست انسان در مدت زندگی، هیچ توشه‌ای برای آخرت گردآوری نکند. اساساً آدمی برای خوردن و آشامیدن و خوابیدن و رسیدگی به غرایز خلق نشده است؛ بلکه این امور وسیله حرکت انسان به سوی خداوند متعال اند و باید به اندازه رفع نیاز به کار گرفته شوند. اگر برای کسی رسیدگی به غرایز به هدف زندگی بدل گردد، ناخودآگاه زندگی او حیوانی می‌شود. خداوند متعال درباره برخی افراد می‌فرماید: ﴿يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ﴾^۱ مثل حیوان‌ها فقط می‌خورند و از دنیا بهره می‌گیرند و عاقبت آنها جهنم است».

رهبر معظم انقلاب رحمته الله در بیانات خود به این امر مهم تأکید می‌کند و توجه دادن به آرایش را مصادف با اتلاف وقت می‌داند:

«... غالب کسانی که وارد محیط‌های علمی می‌شدند (زمان پهلوی) و این جرئت را می‌کردند که وارد شوند، وقت زیادی از اوقاتشان برای این طور چیزها صرف می‌شد: برای رسیدگی به مُد، آرایش، برای مسائل مربوط به چیزهایی که در یک محیط غیراسلامی برای زنان حتماً وجود دارد (ارتباطات نامشروع و خطرناک، گفت‌وگوها و مذاکراتی که بین خود زنان و دختران هست). این‌ها چیزهایی است که وقت را می‌گیرد. البته وقت مهم‌ترین سرمایه انسان است. هیچ سرمایه‌ای در دنیا عزیزتر از وقت نیست. اما بیش از وقت، همت آن‌ها را می‌گیرد. دختری که همتش به مسئله لباس و مُد و آرایش و رفیق پسر و چگونه در فلان میهمانی ظاهر شدن و چطور به فلان مجمع راه پیدا کردن و چگونه راه رفتن تا دیگران از او خوششان بیاید، باشد و به این چیزها بیندیشد، چقدر می‌تواند وقت خودش را در تحقیق صرف کند؟! چقدر می‌تواند خودش را در معلومات غرق کند؟! فقط عده معدودی توانستند به آنجاها برسند. محیط در نظام غیراسلامی محیط رشد لااقل برای زنان نیست».^۲

۱. محمد/۱۲.

۲. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته پزشکی و مامایی، مورخ: ۱۳۷۲/۰۹/۰۸.

ایشان در بیانات دیگری فرمودند: «در رژیم گذشته زن را وادار می‌کردند که به وسیله جلوه‌گری، برای خویش یک شخصیت کاذب درست کند. آیا جنایتی بزرگ‌تر از این نسبت به زن وجود دارد که سر او را با آرایش و مُد و طلا و زیورآلات بند کنند و نگذارند در میدان سیاست و اخلاق و تربیت وارد بشود؟!»^۱

۲-۲. تهدید سلامت و امنیت جسمی فرد

افراط در استفاده از لوازم آرایشی، سلامت فرد را به خطر می‌اندازد. امروزه بدون توجه به پیامدهای سوء لوازم آرایشی، بر میزان تقاضای این لوازم افزوده می‌شود. طبق گزارش انجمن متخصصان پوست ایران، بیشترین علت مراجعه به متخصصان پوست در سال‌های اخیر، به عوارض ناشی از آرایش برمی‌گردد:

الف) پیری زودرس پوست: مواد آرایشی و بهداشتی عموماً با ایجاد یک سد، مانع رسیدن اکسیژن کافی به پوست می‌شوند و پیری زودرس پوست را به‌ویژه در دختران نوجوانی که از سنین پایین آرایش می‌کنند، سبب می‌شود. این تأثیرات تدریجی، با پیرشدگی پوست، بروز چروکیدگی در ناحیه پیشانی و چین خنده آغاز می‌شود؛ ولی متأسفانه بانوان برای پوشاندن این چین و چروک‌ها، از مواد آرایشی بیشتری استفاده می‌کنند که همین امر سبب ضربه و آسیب جدی‌تری به پوست می‌شود.

ب) سرطان: با توجه به وجود بیش از هشتصد ترکیب شیمیایی سمی در مواد آرایشی و عطرها صنعتی، استفاده مداوم از لوازم آرایشی، موجب جذب سالانه ۲۵۰۰ گرم مواد شیمیایی به بدن می‌شود. گفتنی است اغلب زنان بیش از بیست نوع مارک مختلف لوازم آرایشی و بهداشتی استفاده می‌کنند که این موضوع موجب افزایش خطرهای ناشی از مصرف این نوع مواد می‌گردد. تحقیقات نشان می‌دهد که مواد آرایشی می‌توانند به رشد سلول‌های سرطانی کمک فراوانی کنند. ترکیبات شیمیایی استفاده‌شده در مواد آرایشی مانند مواد محافظی از جمله «پارابن‌ها» و «فتالات‌ها»، ارتباطی مستقیم با رشد تومورهای سرطانی به‌ویژه سرطان سینه دارند. پژوهش‌های اخیر «سازمان مبارزه با سرطان آمریکا» نشان می‌دهد که «پارابن‌ها» در بیست نوع

از نمونه‌های گرفته‌شده از سرطان‌های سینه کشف شده‌اند. زنانی که بیشتر از مواد آرایشی استفاده کرده‌اند، سرطان پیشرفته‌تر و طول عمر کمتری داشته‌اند. اگرچه سازندگان لوازم و مواد آرایشی کوشیده‌اند استفاده از این ترکیب شیمیایی را در محصولات مانند شامپوها و ژل‌ها حذف کنند یا تا حد زیادی پایین آورند، اما در استفاده کمتر از آن‌ها در مواد دیگر آرایشی ناموفق بوده‌اند.

ج) عقیمی و سقط جنین: یکی از عوامل عقیم شدن نوزادان، استفاده مادران آن‌ها از محصولات آرایشی شیمیایی است. برخی مواد شیمیایی خطرناک که افزون بر مواد آرایشی، در بسیاری از مواد پلاستیکی که در ساخت اسباب بازی به کار می‌روند نیز وجود دارند و می‌توانند سبب عقیم شدن نوزادان شوند. فتالات (Phthalates) ماده‌ای است که سبب بروز اختلال‌های هورمونی می‌شود. معمولاً دو نوع از این ماده در مواد آرایشی استفاده می‌شود: بنزیل فتالات (BBP)؛ دی بوتیل فتالات (DBP).

فتالات و ترکیب‌های مختلف آن، اثری شبیه هورمون زنانه استروژن دارند. اگر زنان باردار در معرض این ماده قرار گیرند، فرزندشان با ناهنجاری‌های مادرزادی در اندام تناسلی متولد می‌شود یا حتی به سقط جنین می‌انجامد. افزون بر این، تأثیر ویران‌کننده آن بر کبد، کلیه، ریه و غدد جنسی ثابت شده است.

د) بروز عوارض چشم: ریمل اگر فرمولاسیون مناسبی نداشته باشد، سبب ریزش مژه‌ها می‌شود که درمان آن گاهی ماه‌ها زمان می‌برد. پایه اصلی ریمل‌های مایع، آب و روغن است. ریمل‌هایی که پایه اصلی آن‌ها آب است، محیط مناسبی برای رشد و نمو میکروب‌ها هستند؛ بنابراین تکثیر این میکروب‌ها و حضور مداوم آن‌ها نزدیک چشم، موجب ایجاد عفونت‌های چشمی، التهاب، قرمزی، ترشحات غلیظ، خارش و پوسته‌ریزی لبه پلک می‌شود و حتی می‌تواند به قرنيه چشم آسیب برساند و موجب اختلال در بینایی شود. مواد رنگی، عطرها و مواد نگهدارنده موجود در ریمل‌ها هم می‌توانند سبب حساسیت پوستی شوند. مصرف مستمر و همیشگی ریمل به‌ویژه ریمل‌های با پایه روغنی یا در اصطلاح ضدآب، به دلیل اینکه به سختی از روی مژه‌ها پاک می‌شوند، به مرور موجب چسبندگی مژه‌ها به یکدیگر و افزایش ریزش آن‌ها می‌شود. شست‌وشو و مالش شدید چشم برای پاک‌کردن این نوع ریمل‌ها،



ممکن است باعث تخریب چشم و مژه و ورود مواد حساسیت‌زا یا عوامل عفونی به چشم شود. مواد آرایشی چشم نباید بین افراد مشترک باشد و بهتر است هر سه چهار ماه عوض شوند؛ زیرا امکان آلودگی باکتریایی وجود دارد.

ه) **عوارض جسمی کاشت ناخن:** استفاده طولانی مدت از ناخن‌های مصنوعی سبب واکنش‌های دردناک و شدید شامل عفونت پوست اطراف ناخن‌ها، شل شدن ناخن‌ها و درماتیت (التهاب پوستی) می‌شود. چسب‌هایی که برای استحکام ناخن‌های مصنوعی به کار می‌روند، سبب نرسیدن هوا به ناخن‌ها می‌شود و به مرور زمان، ناخن‌ها از حالت طبیعی خود خارج و خشک می‌شوند. از عوارض دیگر این چسب‌ها می‌توان به ناصافی و تغییر شکل ناخن، خالی شدن ناخن‌های طبیعی، سوراخ شدن، چروکیدگی، شکنندگی و خرد شدن ناخن، شکاف و ترک ناخن، بدرنگی ناخن، کنده شدن لبه آزاد ناخن از بستر آن، خط خط شدن، پوسته‌ریزی و تغییر بافت ناخن اشاره کرد که امکان باقی ماندن آن‌ها تا آخر عمر روی ناخن فرد وجود دارد. همچنین به دلیل حل شدن لایه محافظ ناخن به وسیله این چسب‌ها، ناخن استحکام خود را از دست می‌دهد، نرم و آسیب‌پذیر می‌شود و میکروب‌ها به‌ویژه عفونت‌های قارچی به راحتی وارد لایه زیرین ناخن می‌شوند. به دلیل اینکه گاهی پوست کناره ناخن دچار خون‌ریزی می‌شود و ابزار کار را آلوده می‌کند، در صورت رعایت نکردن بهداشت، احتمال انتقال بیماری‌های ویروسی همچون ایدز و هپاتیت وجود دارد. ناخن کاشته شده در صورت شکستن ناگهانی، آسیب جدی‌تری را برای فرد به دنبال دارد؛ چراکه مواد مصنوعی مورد استفاده برای کاشت ناخن بر روی لایه‌ای متشکل از یک ردیف سلول، چنان محکم چسبیده‌اند که اگر بر اثر ضربه یا کشیدگی ناگهانی شکسته یا کنده شوند، بافت زیر ناخن شامل پوست و گوشت و عروق نیز همراه با آن‌ها جدا می‌شوند. افراد آرایشگری که کار کاشت ناخن را انجام می‌دهند، به علت آزاد شدن «سم سیانید» و بخار ناشی از آن دچار مسمومیت یا گاهی فوت می‌شوند.

و) عوارض تاتو: تاتو نوعی خالکوبی است که برای ترسیم خطوط ابرو، چشم و لب به کار می‌رود. این شکل مدرن خالکوبی با استفاده از قلم فلزی تاتو انجام می‌گیرد که متأسفانه بیشتر از سوی افراد غیرمتخصص انجام می‌شود. تاتو افزون بر احتمال انتقال بیماری‌های عفونی از جمله سل، جذام، سیفلیس، ایدز و هپاتیت نوع B و C از طریق قلم فلزی آلوده، دارای عوارض حساسیتی چون اگزما، تورم و خارش مکرر، ایجاد «کلویید» و بافت اضافه در ناحیه تزریق نیز هست که بیمار در این حالت باید تا مدت‌ها پماد یا آمپول کورتون‌دار مصرف کند. با انجام تاتو ممکن است سلول‌های اطراف محل تزریق، ملتهب و به صورت دانه‌های تسبیح، برجسته و بنفش شوند. تکه برداری این ضایعه برای تشخیص، موجب خوردن خط بخیه روی ابروی فرد و در نتیجه ایجاد منظره ناخوشایندی در صورت می‌شود. یکی دیگر از عوارض تاتو، حساسیت پوست به مواد رنگی استفاده شده در آن است. اگر این مواد از رنگ قرمز (ترکیبات جیوه) یا رنگ زرد تشکیل شده باشد، فرد با قرار گرفتن در معرض نور آفتاب دچار حساسیت می‌شود. مشکل بسیار مهم و شایع دیگر، ناخوشنودی فرد از شکل جدید ابرو و تمایل به پاک کردن تاتو است؛ درحالی‌که تاتو را می‌توان جراحی کرد و برداشت؛ اما جای آن باقی می‌ماند. اگر ماده تاتو، کربن باشد، می‌توان آن را با لیزر برداشت؛ ولی اگر دارای مواد رنگی به ویژه قرمز، قهوه‌ای و زرد باشد، به علت ترکیبات آهنی که در این مواد وجود دارد، امکان برداشتن آن‌ها وجود ندارد و بعد از لیزر، ناحیه تزریق برای همیشه تیره می‌ماند. از سوی دیگر، متأسفانه بسیاری از خانم‌ها وقتی از تاتویشان راضی نیستند، برای پاک کردن آن از تاتوی سفید استفاده می‌کنند و با این کار به جای زیباتر شدن، شکل ضایعه را ناخوشایندتر می‌کنند.

۲-۳. مانع بودن در اعمال عبادی

فقیهان به استناد آیات و روایات اتفاق نظر دارند که شرط صحت وضو و غسل، نبودن مانع در اعضای آن‌هاست و از طرفی بسیاری از آرایش‌های نوپدید دارای جرم هستند و مخّل شرط صحت وضو و غسل اند؛ از جمله:

کاشت مژه به صورت یک دست (مژه مصنوعی) یا مژه‌های تک‌تک که به وسیله یک چسب قوی به انتهای مژه و تقریباً روی پلک می‌چسبد، برای وضو و غسل چه حکمی دارد؟ آیا زینت حساب می‌شود؟

کاشت مژه به گونه‌ای که مانع رسیدن آب باشد، اگر ضرورت نداشته باشد و به دلیل عدم امکان یا مشقت غیر قابل تحمل، هنگام وضو یا غسل قابل برداشت نباشد، جایز نیست. در هر صورت کسی که کاشت مژه انجام داده، اگر برداشتن آن ممکن باشد، وضو یا غسل با آن باطل و در نتیجه نماز هم باطل است و چنانچه برداشتن آن تا پایان وقت نماز ممکن نباشد یا مشقت غیر قابل تحمل داشته باشد، باید علاوه بر وضو یا غسل جبیره‌ای، تیمم کند و بعد از برداشتن مژه، بنا بر احتیاط واجب قضای نمازها را نیز بخواند و اگر به گونه‌ای باشد که عرفاً زینت و آرایش محسوب شود، باید از نگاه نامحرم پوشانده شود.^۱

ب) تاتو دائم

اگر تاتوی دائم کردن برای غسل و وضوی خانم‌ها مانع ایجاد کند، آیا این کار شرعاً جایز است؟

اگر برطرف کردن آن هنگام وضو و غسل برای او ممکن بوده و حرج و مشقت نداشته باشد، وضو و غسل با وجود چنین مانعی باطل است. و اگر برطرف کردن آن ممکن نباشد یا همراه با حرج و مشقت باشد، ایجاد چنین مانعی که موجب تبدل وظیفه وضو و غسل به وضو و غسل جبیره‌ای می‌شود، چنانچه در غیر وقت نماز باشد، مانع ندارد؛ ولی در وقت نماز باید وضو یا غسل را انجام دهد، سپس مبادرت به ایجاد مانع نماید. و چنانچه نتواند در وقت وضو یا غسل آن مانع را برطرف کند یا برطرف کردن مانع حرج و مشقت داشته باشد، باید به وظیفه غسل و وضوی جبیره‌ای عمل کند، یعنی با دست مرطوب مانع را مسح نماید.^۲

1. <https://www.leader.ir>.

2. <https://www.leader.ir>.

کاشت ناخن مصنوعی برای بانوان چه حکمی دارد؟

کاشت ناخن جایز نیست. اگر برداشتن ناخن مصنوعی ممکن باشد، وضو یا غسل با آن باطل است و در نتیجه نماز هم باطل است و چنانچه برداشتن آن تا پایان وقت نماز ممکن نباشد یا مشقت غیر قابل تحمل داشته باشد، باید علاوه بر وضو یا غسل جبیره‌ای، تیمم کند و بعد از برداشتن ناخن، بنا بر احتیاط واجب قضای نمازها را نیز بخواند.^۱

۲-۴. سست شدن بنیان خانواده

بی تردید هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و صمیمیت رابطه زوجین شود، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد یا حفظ آن باید کوشید؛ اما از سوی دیگر باید با هر چه موجب سستی کانون خانواده می‌شود، مبارزه کرد. اختصاص یافتن استمتاعات و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج، پیوند زناشویی را محکم می‌کند. معاشرت‌های آزاد و بی‌بندوبار پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک تکلیف و محدودیت درمی‌آورد که با نصیحت یا زور باید بر جوانان تحمیل کرد. در نظام روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آن‌ها را وادار می‌کند که به یکدیگر وفادار باشند و در نظام اسلامی به محرومیت و انتظار پایان می‌بخشد. از این رو در قدیم ازدواج شور و هیجان بیشتری داشت و به دنبال یک دوران انتظار و آرزو بود و با پادشاهی و سلطنت مقایسه می‌شد. بنابراین فراهم بودن شرایط برای بهره‌گیری و لذت از طریق نگاه، سخن گفتن، خندیدن، لمس کردن و مانند این‌ها در برابر جنس مخالف، انسان را در مقابل همسر قانونی خود دل‌سرد می‌کند و عطشی در روح ایجاد می‌کند که بایک جرعه و دو جرعه سیراب نخواهد شد. مردانی که همه‌روزه زنان بسیاری را با آرایش‌های گوناگون می‌بینند که به یقین برخی از آن‌ها در ظاهر زیباتر و جوان‌تر از همسر او هستند، به طور طبیعی تمایل کمتری به زن خود نشان می‌دهند؛ بنابراین یکی از تبعات آرایش، تهدید بنیان زناشویی و خانواده و شروع تنش بین زوجین است.^۲

۱. همان.

۲. مسأله حجاب، ص ۸۶.

۳. پیامدهای اجتماعی آرایش‌های نوپدید

امروزه حضور بی‌حد و مرز زنان در صحنه‌های اجتماعی با بهانه شعار دروغین «تساوی حقوق زن و مرد» پیامدهای خطرناک و جبران‌ناپذیری دارد که هیچ عقل سلیم و فطرتِ پاکی پذیرای آن‌ها نیست. از جمله تبعات حضور زنان با آرایش‌های افراطی در اجتماع موارد زیر را می‌توان نام برد:

۳-۱. از بین رفتن آزادی و امنیت زنان

یکی از راه‌هایی که دشمنان اسلام برای تسلط بر مسلمانان از آن بهره می‌برند، سست کردن پایه‌های ایمان و تقوا بین مسلمانان است. مهم‌ترین ابزار برای نیل به این هدف، ترویج بی‌حجابی و در راستای آن تشویق و ترغیب زنان برای آرایش‌های به‌روز و خودنمایی در اجتماع است. در دیدگاه مقام معظم رهبری حفظه الله بیان می‌شود:

«آنچه در غرب با عنوان شعار وجود دارد، در درجه اول، آزادی زن است. آزادی معنای وسیعی را شامل می‌شود: هم شامل آزادی از اسارت است، هم شامل آزادی از اخلاق است. چون اخلاق هم یک قید و بند است، هم آزادی از نفوذ مبنی بر سوءاستفاده کارفرمایی است که زن را با مزد کمتری به کارگاه می‌کشد و هم شامل آزادی از قوانینی است که زن را در مقابل شوهر متعهد می‌کند. آزادی به همه این معانی می‌تواند باشد؛ کما اینکه در همین شعارهایی که نسبت به زن وجود دارد، طیف وسیعی از این مطالبات و درخواست‌ها هست که بعضی با یکدیگر به کلی متناقض‌اند. این آزادی معنایش چیست؟ متأسفانه در دنیای غرب، بیشتر متفاهم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضر آن است؛ یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد، نه آزادی به معنای صحیح آن. لذا شما می‌بینید از حرف‌هایی که در دنیای غرب زده می‌شود، مسئله آزادی سقط جنین است که این نکته بسیار مهمی است و با اینکه ظاهر ساده و کوچکی دارد، اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در این سخن مضمر و مندرج است. این وسیله و شعار و مطالبه‌ای است که در غرب غالباً مطرح می‌شود؛ لذا می‌گویند

نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در یک مطالبه و مبارزه صحیح، هدف نمی‌تواند این معنای وسیعی باشد که یک بخش آن قطعاً مضرّ است؛ اگرچه ممکن است بخش‌های مفیدی هم در آن باشد.^۱

ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند: «یکی از نشانه‌های مردسالاری غربی‌ها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا می‌گویند زن آرایش کند تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می‌خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرّج در مقابل مرد تشویق می‌کنند. البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره‌مند نبودند، از دوران‌های قدیم هم داشتند، امروز هم دارند؛ غربی‌ها هم مظهر اعلای این بودند. پس این مسئله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند.»^۲

۲-۳. تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور به اقتصاد کشور

صنعت جهانی لوازم آرایشی و بهداشتی یکی از بزرگ‌ترین و پرسودترین صنایع جهان محسوب می‌شود. ارزش بازار آرایشی در ایران حدود چهارمیلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ برآورد شده است که تنها حدود بیست درصد مواد آرایشی تولید داخل بود. ۶۳ درصد از کل لوازم آرایشی در بازار ایران قاچاق هستند. ایران به دومین مصرف‌کننده لوازم آرایش در خاورمیانه و هفتمین واردکننده لوازم آرایش در جهان تبدیل شده است.^۳ از نظر اقتصادی با نگاهی به آمار و ارقام، رشد مصرف لوازم آرایشی در ایران تجارت پرسودی برای کشورهای صادرکننده و در نهایت شرکت‌های آرایشی بزرگ چندملیتی جهانی ایجاد کرده است.^۴

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم بزرگداشت مقام زن در ورزشگاه آزادی، ۱۳۷۶.
۲. همان.

۳. ر.ک: کیانی، مؤده و فریبا موگویی، «عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان استفاده از لوازم آرایش توسط دختران زیر ۲۰ سال یزدان شهر نجف آباد»، مقاله پژوهشی پوست و زیبایی، دوره ۴، ش ۱، ۱۳۹۲ ش.
۴. بلالی، اسماعیل و جواد افشار کهن، «زیبایی و پول: آرایش و جراحی»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۸۹ ش.

امروزه رسانه‌ها یکی از ابزارهای سمعی و بصری هستند که به طور مستقیم با روح و جان انسان‌ها ارتباط دارند. رسانه‌های رسمی هر جامعه به تبعیت از ارزش‌های پذیرفته شده اجتماعی، در ارائه برنامه‌ها عمل می‌کنند و معمولاً به دلیل تأثیرشان بر روی آحاد جامعه نمی‌توانند از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه تخطی کنند؛ ولی این امر در رابطه با رسانه‌های غیررسمی صادق نیست. ماهواره، اینترنت، فیلم و ژورنال‌های خارجی از جمله رسانه‌های غیررسمی هستند که ممکن است تعارض جدی با نظام فرهنگی جامعه داشته باشند. رسانه‌ها چنان قدرتی دارند که می‌توانند نسل تازه‌ای در تاریخ انسان پدید آورند. رسانه‌ها از راه ارائه هنجارهای خاص اجتماعی به افراد القا می‌کنند که رفتار ارائه شده، رفتار مناسب اجتماعی است که باید آن را سرلوحه رفتار خود در زندگی قرار دهند. مقام معظم رهبری حفظه الله درباره این امر هشدار می‌دهند:

«تقلید فرهنگی خطر خیلی بزرگی است؛ اما این حرف اشتباه نشود با اینکه بنده با مُد و تنوع و تحول در روش‌های زندگی مخالفم. نه خیر، مُدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر روی چشم و هم‌چشمی رقابت‌های کودکانه نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا می‌کند، مانعی هم ندارد؛ اما مواظب باشید قبله‌نمای این مُدگرایی به سمت اروپا نباشد. این بد است. اگر مدیست‌های اروپا و آمریکا در مجلاتی که مُدها را مطرح می‌کنند، فلان‌طور لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند، آیا ما باید اینجا در همدان یا تهران یا در مشهد آن را تقلید کنیم؟! این بد است. خودتان طراحی کنید و خودتان بسازید.»^۲

۱. ر.ک: رفعت‌جاه، مریم، «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۰، ش ۳۸، ۱۳۸۶ ش.
 ۲. (بیانات در دیدار دانشجویان و استادان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳).

در جامعه‌ای که حجاب، متانت، عفت و حیا ارزش تلقی می‌شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود به بینش و باور خویش سرایت می‌دهد و از طرفی نه تنها زنان دیگر بلکه مردان را نیز به ارزش‌های جامعه متوجه می‌کند و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد. اما اگر زن روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری بپردازد، ارزش‌هایی چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و با گسترش گناه و روابط نامشروع، اجتماع را به تباهی و فساد می‌کشاند.^۱

نتیجه

آرایش در جایگاه میل طبیعی و حتی یک نیاز در زنان و دختران مورد تأیید اسلام قرار گرفته است. از این رو برای جلوگیری از آسیب‌های آن، حدود و مقرراتی تعیین شده است تا این میل طبیعی به انحراف کشیده نشود. با وجود این، امروزه به همت رسانه‌های دشمن شاهد تغییر سبک زندگی و الگوهای فرهنگی در جامعه هستیم: ظهور آرایش‌های نو از قبیل کاشت مژه، کاشت ناخن، تزریق ژل، بوتاکس و... این مقاله نشان داد آرایش‌های نوپدید در جامعه پیامدهای فردی، خانوادگی (اتلاف وقت و گرفتن همت آدمی، تهدید سلامت و امنیت جسمی فرد، مانع بودن در اعمال عبادی، سست شدن بنیان خانواده) و اجتماعی (از بین رفتن آزادی و امنیت زنان، تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور به اقتصاد کشور، بروز تقلید فرهنگی در جامعه، گسترش فساد اجتماعی) جبران‌ناپذیری را منجر شده است که هدف دشمنان در مرحله اول مشغول داشتن دختران و زنان جامعه به کارهای واهی است تا به اهداف پلید خود برسند که همان ماندن پوستینی ظاهری از اسلام در خانواده و جامعه اسلامی است. این امر هوشیاری هرچه بیشتر زنان و دختران جامعه اسلامی را می‌طلبد و پژوهش‌های نو در راستای آگاهی این قشر مهم جامعه ضروری به نظر می‌رسد.

۱. درافشان، محمدحسین، «آثار و پیامدهای فرهنگی اجتماعی گسترش بدحجابی»، پیام زن، ش ۱۸۴-۱۸۵، ۱۳۸۶ ش.

۱. «عوامل زیان آور در آرایشگاه‌ها»، گروه سلامت محیط معاونت بهداشت دانشگاه، علوم پزشکی اصفهان،
<https://mui.ac.ir/fa>.
۲. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۳. بلالی، اسماعیل و جواد افشار کهن، «زیبایی و پول: آرایش و جراحی»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۸۹ ش.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۵. حسینیان، روح الله، حرم عفاف حجاب، نگاه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۶. درافشان، محمد حسین، «آثار و پیامدهای فرهنگی اجتماعی گسترش بدحجابی»، پیام زن، ش ۱۸۴ - ۱۸۵، ۱۳۸۶ ش.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: داوود صفوان عدنان، بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۹. رفعت جاه، مریم، «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۰، ش ۳۸، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، تهران: کتابچی، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۲، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۶۷ ش.

۱۲. علیان‌نژادی، وحید، «نگاهی به عوارض لوازم آرایشی بهداشتی و روش‌های زیبایی متداول در جامعه امروزی»،

<https://shiateb.com>.

۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دار الهجره، ۱۴۰۹ق.

۱۴. فیومی، احمد بن احمد، مصباح المنیر، قم: دار الهجره، ۱۴۱۴ق.

۱۵. کرانیان، سیدسعید، کارشناس اداره نظارت بر مواد غذایی، آرایشی و بهداشتی معاونت غذا و دارو، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱۸ آذر ۱۳۹۴،

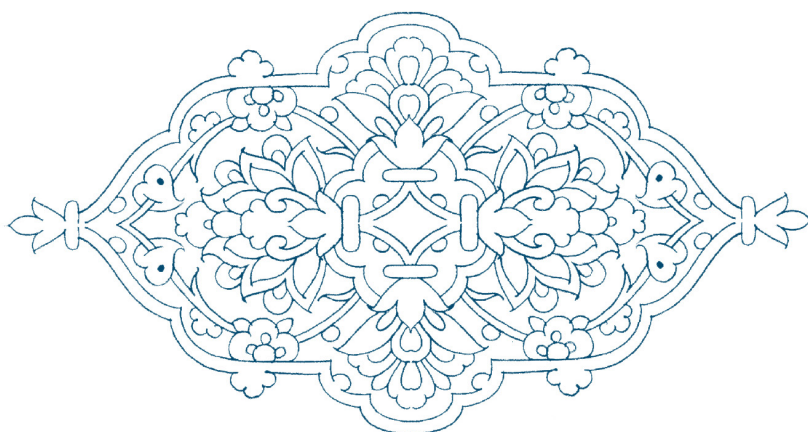
<https://kmu.ac.ir>.

۱۶. کیانی، مژده و فریبا موگویی، «عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان استفاده از لوازم آرایش توسط دختران زیر ۲۰ سال یزدان شهر نجف آباد»، مقاله پژوهشی پوست و زیبایی، دوره ۴، ش ۱، ۱۳۹۲ش.

۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۷ش.

۱۸. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸ش.

19. <https://www.leader.ir>.



شیوه تحلیل و تبیین فتنه‌ها

در سیره حضرت زهرا علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا طبسی زاده

اشاره

گرچه حیات ریحانه نبوی صلی الله علیه و آله بعد از غروب غم بار خورشید فروزان رسالت، بسیار کوتاه و اندک بود، اما «تحلیل و تبیین» حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در ریشه‌یابی وقایع و اتفاقات جریان فتنه، روایت دیگری از جهاد تبلیغ و تبیین فاطمی علیها السلام را رقم زد. آنچه در این مجال به آن اشاره می‌شود، ریشه‌یابی جریان فتنه در کلام حضرت زهرا علیها السلام است.

۱. عدم اطاعت‌پذیری از ولایت و بی‌بصیرتی

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در ریشه‌یابی وقایع و اتفاقات جریان فتنه، به موضوع عدم اطاعت‌پذیری از ولایت و بی‌بصیرتی مردم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ تَرَكَوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَاتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ وَلَوْ رِثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ وَخَلَفٌ بَعْدَ خَلَفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ وَلَكِنْ قَدَّمُوا مِنْ آخِرِهِ اللَّهُ وَآخَرُوا مِنْ قَدَمِهِ اللَّهُ حَتَّى إِذَا أَلْحَدُوا الْمُبْعُوثَ وَأَوْدَعُوهُ الْجَدَثَ الْمَجْدُوثَ اخْتَارُوا بِشَهَوَتِهِمْ وَعَمِلُوا بِآرَائِهِمْ تَبًّا لَهُمْ أَوْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ بَلْ سَمِعُوا وَلَكِنَّهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: ﴿فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ هِيَاتَ بَسَطُوا فِي الدُّنْيَا أَمَالَهُمْ وَنَسُوا

أَجَالَهُمْ فَتَعَسَّ لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنَ الْحَوْرِ بَعْدَ الْكُورِ؛ قسم به خدا! اگر حق را به اهلش واگذار می‌کردند و از عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اطاعت می‌کردند، دو نفر هم [درباره حکم خداوند] با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند و امامت [همان‌گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معرفی فرمود]، از علی تا حضرت قائم، فرزند نهم امام حسین (علیه السلام)، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می‌رسید؛ اما [افسوس] کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را مقدم داشته بود. رهاورد بعثت را انکار کردند و به بدعت‌ها روی آوردند. آن‌ها هواپرستی و شهوت را برگزیدند و بر اساس رأی و نظر شخصی عمل کردند. هلاکت و نابودی بر آنان باد. آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود: «پروردگار تو خلق می‌کند آنچه را می‌خواهد و اختیار می‌کند و برای آنان اختیاری نیست.» آری، شنیدند؛ اما همان‌گونه که خداوند فرمود، «دیده بصیرت آن‌ها کور و چشم دلشان بی‌نور است.» افسوس که آن‌ها آرزوها و هوس‌های خود را تحقق بخشیدند و از مرگ و قیامت غافل ماندند. خدا نابودشان گرداند و آنان را در کارهایشان گمراه کند. ای پروردگار من! به تو پناه می‌برم از کمی یاران پس از پیروزی و فراوانی آنان.^۱

در این بیان لطیف، حضرت زهرا (علیها السلام) بر چند عامل عمده تأکید دارند که زمینه‌ساز فتنه و انحرافات در جامعه مسلمین شده‌اند:

الف) عدم اطاعت‌پذیری از ولایت: حضرت زهرا (علیها السلام) در این قسمت از سخنان خود به وضوح نشان می‌دهند که یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که به فتنه‌ها و اختلافات در جامعه اسلامی منتهی شد، عدم اطاعت از ولی امر مسلمانان بوده است. ایشان می‌فرمایند اگر مردم «حق را به اهلش واگذار می‌کردند» و از عترت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) اطاعت می‌کردند، هیچ‌گونه اختلافی میان مردم در مورد حکم خداوند پیش نمی‌آمد و مسیر امامت همچنان به صورت پیوسته از یک امام به امام بعدی منتقل می‌شد.

حضرت زهرا (علیها السلام) در اینجا هشدار می‌دهند که عدم اطاعت از ولی امر و پذیرش امامت بر اساس اراده الهی، نتیجه‌ای جز اختلاف و تفرقه ندارد. این نکته را می‌توان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دلایل ظهور فتنه‌ها در تاریخ اسلام به شمار آورد. درواقع



حضرت زهرا علیہا السلام این نکته را برای آگاهی دادن به جامعه اسلامی بیان می‌کنند که باید از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت کنند؛ چراکه این اطاعت تنها راه حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه است.

ب) بی‌بصیرتی و غفلت مردم: یکی دیگر از علل فتنه که حضرت زهرا علیہا السلام بر آن تأکید دارند، بی‌بصیرتی و غفلت مردم است. بیانات حضرت در این سخنرانی به نوعی نقد جامعه اسلامی آن زمان است که با وجود شنیدن دستورهای الهی، به دلیل غفلت و بی‌بصیرتی، از درک حقیقت ناتوان بودند. حضرت زهرا علیہا السلام در اینجا به «چشم دل» اشاره می‌کنند که اگر روشن باشد، انسان‌ها قادر به درک حقیقت و تبعیت از ولایت الهی هستند. اما آنچه در واقعیت رخ داد این بود که مردم از این بصیرت الهی بی‌بهره ماندند و در نتیجه دچار انحراف شدند. آن‌ها بر اساس تمایلات نفسانی و هوس‌های دنیوی خود، به انتخاب‌های نادرست روی آوردند.

از این رو بی‌بصیرتی به عنوان عامل مهمی در بروز فتنه‌ها مطرح می‌شود. وقتی مردم نتوانند حقیقت را از باطل تشخیص دهند و در پی خواسته‌های دنیوی خود بروند، به راحتی فریب می‌خورند و مسیر درست را گم می‌کنند. این امر در تاریخ اسلام نیز به وضوح مشاهده می‌شود: پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، به جای پیروی از رهبری الهی و معصومین علیهم السلام، برخی افراد با استفاده از ترفندهای سیاسی توانستند مسیر خلافت را تغییر دهند و بر سر قدرت بنشینند.

ج) نتیجه اعمال افراد: حضرت زهرا علیہا السلام به روشنی اشاره می‌کنند که آنچه در نتیجه اعمال مردم رخ داد، چیزی جز هلاکت و گمراهی نبود. ایشان می‌فرمایند: «فَتَعَسَّأَ لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ». این جمله اشاره به کسانی دارد که با اختیار خود و بر اساس آرای شخصی، راه نادرست را در پیش گرفتند. حضرت زهرا علیہا السلام در حقیقت از سر ناامیدی از این افراد و اعمالشان، این سخنان را بیان می‌کنند. حضرت با این جمله به صراحت اعلام می‌کنند کسانی که به هوا و هوس‌های دنیوی خود توجه کردند و از حقیقت دور شدند، نه تنها از مسیر الهی منحرف شدند، بلکه در اعمال خود به شدت گمراه شدند. این وضعیت نشان‌دهنده نبود صداقت و عمل صالح در نزد آنان است. در واقع حضرت زهرا علیہا السلام در اینجا نه تنها به تبیین خطرات ناشی از

انحراف از ولایت می‌پردازند، بلکه نشان می‌دهند که چنین افرادی حتی از درک حقیقت و تبعیت از آن عاجزند.

د) عواقب غفلت و انحراف: یکی از نکات بسیار مهمی که در کلام حضرت زهرا علیها السلام دیده می‌شود، عواقب غفلت و انحراف است. ایشان از کسانی که در پی شهوت‌ها و هوس‌های دنیوی خود می‌روند، با عباراتی همچون «فَتَغْسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» یاد می‌کنند. این عبارات به وضوح بیانگر عواقب منفی انحرافات و عدم توجه به دستورهای الهی است.

حضرت زهرا علیها السلام با ذکر این نکات، پیام خود را به وضوح به جامعه رسانده‌اند که اگر مردم در تصمیمات خود به رهنمودهای الهی توجه نکنند و به هوس‌های دنیوی توجه کنند، در نهایت چیزی جز ضلالت و گمراهی نصیبشان نخواهد شد. این نکته به ویژه در مواجهه با فتنه‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی در جوامع اسلامی امروزی نیز قابل توجه است؛ چراکه اگر مردم به جای دنبال کردن رهبری الهی و دینی، تحت تأثیر امیال دنیوی قرار گیرند، به راحتی فریب می‌خورند و به مسیر انحرافی می‌روند.

بنابراین حضرت زهرا علیها السلام در این سخنان خود به چندین عامل اساسی اشاره می‌کنند که زمینه‌ساز فتنه و انحراف در جامعه اسلامی شده‌اند. ایشان با بیانی بسیار قوی و صریح به مسلمانان هشدار می‌دهند که باید از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت کنند و از هوا و هوس‌های دنیوی دوری کنند و تنها بر اساس راهنمایی‌های الهی و آموزه‌های قرآن عمل کنند. این سخنان نه تنها در آن دوران بلکه در دنیای امروز نیز درس‌های مهمی برای پیروان اهل بیت علیهم السلام دارد تا در مواجهه با فتنه‌ها و چالش‌ها، به اصول الهی و دستورهای معصومین علیهم السلام پایبند باشند.

ریشه اصلی بسیاری از فتنه‌ها و اختلاف‌ها و درگیری‌ها در روابط گوناگون خانوادگی و شغلی و اجتماعی و... کینه است. کینه به واسطه سلب انصاف و عدالت از انسان در تعاملاتش با دیگران، موجب قضاوت‌های نادرست و منفی در مورد آن‌ها می‌شود و به تولید درگیری‌ها و فتنه‌ها منجر می‌شود. دومین موضوعی که در ریشه‌یابی فتنه‌ها در سخن و سیره حضرت زهرا علیها السلام می‌توانیم اشاره کنیم، موضوع کینه‌هاست.

ام سلمه می‌گوید: خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم و پرسیدم: «کیف أَصْبَحْتَ عَنْ لَيْلَتِكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَتْ أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَكَرْبٍ فَقَدْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَظَلَمَ الْوَصِيَّ وَ[هَتَكَ] وَاللَّهِ حُجْبُهُ أَصْبَحْتُ إِمَامَتُهُ مُقْتَصَّةً عَلَى غَيْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ فِي التَّنْزِيلِ وَسَتَّهَا النَّبِيُّ فِي التَّأْوِيلِ وَلَكِنَّهَا أَخْقَادٌ بِذَرِيَّةٍ وَتَرَاتُ أَحْدِيَّةٌ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ التَّنْفَاقِ مُكْتَمِنَةً لِإِمْكَانِ الْوُشَاةِ فَلَمَّا اسْتُهْدِفَ الْأَمْرُ أَرْسَلَتْ عَلَيْنَا شَايِبَ الْأَنْارِ مِنْ مَخِيلَةِ الشَّقَاقِ فَيَقْطَعُ وَتَرَّ الْإِيمَانُ مِنْ قِيسَى صُدُورِهَا وَلَيْسَ عَلَى مَا وَعَدَ اللَّهُ مِنْ حِفْظِ الرِّسَالَةِ وَكَفَالَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَخْرَزُوا عَائِدَتَهُمْ غُرُورَ الدُّنْيَا بَعْدَ انْتِصَارِ مِمَّنْ فَتَكَ بِأَبَائِهِمْ فِي مَوَاطِنِ الْكُرُوبِ وَمَنَازِلِ الشَّهَادَاتِ؛^۱ ای دختر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! حالتان چگونه است؟ حضرت فرمودند: صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، درحالی‌که پیامبر از دست رفته و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند به خدا! حشمت و عظمت آن کسی دریده و نابود شد که بر خلاف حکم خدا در قرآن و سنت و سفارش پیامبر اسلام در تأویل و تفسیر قرآن، حق امام او را غصب کردند و به دیگران سپردند. این گونه برخوردهای خصمانه، از کینه‌توزی‌های جنگ بدر و خون‌خواهی کشتگان‌شان در جنگ احد است که در درون قلب نفاق‌آمیز و اندیشه فتنه‌انگیزشان پنهان بوده است و تاکنون جرئت اظهار آن را نداشته‌اند تا در آن هنگام که حکومت الهی بازیچه دست قدرت‌طلبان شد و امام به حق منزوی شد، آتش کینه‌های دیرینه‌شان زبانه کشید و باران مصیبت‌ها و مشکلات را بر ما فروریختند و رشته‌های ایمان را دریدند و نسبت به وعده‌های الهی در حفظ و پاسداری از رسالت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دفاع از پرهیزکاران و مؤمنان چه زشت

عمل کردند؛ اما افسوس که در جهت انتقام گرفتن از پدران [مشرک و منافق] خود که در جنگ‌های اسلامی علیه اسلام جنگیدند و کشته شدند، به دنیا روی آوردند و فریب دنیا را خوردند.»

حضرت زهرا علیها السلام در این کلام خود به ریشه اصلی بسیاری از فتنه‌ها و اختلاف‌ها در روابط مختلف انسانی اشاره می‌کنند. این سخنان در حقیقت به بررسی عمیق علل فتنه‌ها و چالش‌های اجتماعی و خانوادگی و حتی سیاسی می‌پردازد. ایشان در گفت‌وگو با ام‌سلمه به نکات بسیار مهمی درباره کینه‌ها اشاره می‌کنند که عامل اصلی بسیاری از درگیری‌ها و فتنه‌ها در تاریخ اسلام و در روابط انسانی بوده‌اند. این تحلیل دربردارنده ابعاد مختلف است که به آن‌ها پرداخته خواهد شد:

الف) کینه عامل اصلی فتنه‌ها و اختلاف‌ها: حضرت زهرا علیها السلام در این بخش از سخنانشان به وضوح از کینه‌ها و خصومت‌های دیرینه‌ای صحبت می‌کنند که در دل برخی افراد بود، به ویژه کسانی که در جنگ‌های بدر و احد حضور داشتند. ایشان به این نکته اشاره دارند که کینه‌هایی که در دل منافقان و دشمنان اسلام پنهان بود، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله آشکار و علنی شد و تبدیل به درگیری‌ها و فتنه‌ها گردید. درواقع کینه در این سخن به عنوان یک نیروی مخرب در تعاملات انسانی و اجتماعی معرفی می‌شود که می‌تواند به فساد و اختلاف درونی جوامع منتهی شود.

حضرت زهرا علیها السلام این کینه‌ها را «حق و کینه‌های بدر و احد» می‌نامند که در دل افرادی که در این جنگ‌ها نقش داشتند، نهفته بود. این جنگ‌ها، به ویژه جنگ احد، برای برخی از افراد منافق و دشمنان اسلام، به عنوان یادآوری برای شکست‌ها و شکست خورده‌هایشان در نظر گرفته می‌شد. این افراد درواقع نتوانستند شکست در این جنگ‌ها را فراموش کنند و در دل‌هایشان کینه‌هایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام پروراندند که در شرایطی خاص، علنی بروز دادند.



ب) کینه‌ها عاملی در سلب انصاف و عدالت: حضرت زهرا علیها السلام در تحلیل خود به این نکته اشاره می‌کنند که کینه‌ها موجب سلب انصاف و عدالت در تعاملات انسان‌ها می‌شود. وقتی انسان‌ها به یکدیگر کینه بورزند، قادر به قضاوت درست و منصفانه نخواهند بود. این نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح اجتماعی نیز تأثیرات منفی خواهد داشت. در مواردی که کینه در دل افراد ریشه دوانده باشد، ممکن است حتی در مواجهه با حقایق، به جای توجه به انصاف و عدالت، بر اساس تمایلات شخصی و انگیزه‌های منفی خود تصمیم‌گیری کنند.

حضرت زهرا علیها السلام در اینجا اشاره می‌کنند که برخی افراد به دلیل این کینه‌های درونی نه تنها از حق امام به طور نادرست چشم‌پوشی کردند، بلکه آن را از مسیر الهی و قرآنی منحرف ساختند. حضرت زهرا علیها السلام به روشنی نشان می‌دهند که این کینه‌ها موجب شد افرادی که حق را غصب کردند و آن را به دیگران سپردند، از نظر شرعی و دینی مسئولیت‌های خود را به درستی انجام ندهند.

ج) کینه‌ها و تبدیل آن‌ها به فتنه و درگیری: در ادامه، حضرت زهرا علیها السلام به ویژه به این نکته می‌پردازند که کینه‌های درونی در نهایت تبدیل به فتنه می‌شود. ایشان به این مسئله اشاره دارند که وقتی فرصت برای بروز کینه‌ها و خصومت‌ها فراهم می‌شود، این احساسات منفی نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح اجتماعی و سیاسی نیز تبدیل به فتنه‌های گسترده‌تری خواهد شد. حضرت زهرا علیها السلام به درستی پیش‌بینی می‌کنند که وقتی کسانی که به دنبال قدرت هستند، از این کینه‌ها برای تحقق اهداف خود استفاده کنند، جوامع اسلامی دچار مشکلات و بحران‌های اجتماعی خواهند شد.

ایشان به ویژه از آتش کینه‌های دیرینه در دل افرادی که در جنگ‌های بدر و احد نقش داشتند، سخن می‌گویند و آن را علت بسیاری از فتنه‌ها و آشوب‌ها می‌دانند. این افراد زمانی که قدرت به دست گرفتند، کینه‌ها و انتقام‌جویی‌های خود را به جای اصلاح امور و برقراری عدالت، به کار گرفتند و نتیجه آن چیزی جز بروز درگیری‌ها و فتنه‌ها نبود.

د) کینه‌ها و از دست دادن بصیرت: یکی از جنبه‌های بسیار مهمی که حضرت زهرا (ع) در سخنانشان به آن اشاره می‌کنند، تأثیر کینه‌ها بر بصیرت افراد است. ایشان به این نکته اشاره می‌کنند که کینه‌ها موجب می‌شوند دیده‌بانان حقیقت دچار کوری بصیرت شوند و نتوانند حق را از باطل تشخیص دهند. درواقع این کینه‌ها نه تنها موجب فساد اخلاقی و سیاسی می‌شوند، بلکه افراد را از فهم درست حقیقت و پذیرش آن نیز باز می‌دارند.

حضرت زهرا (ع) با اشاره به این موضوع می‌فرمایند: «فَلَمَّا اسْتُهِدِفَ الْأَمْرُ...»؛ به این معنا که وقتی شرایط به گونه‌ای شد که حقیقت آشکار شد و نیت‌های پشت پرده نمایان شد، کینه‌های قدیمی به سطح آمدند و واقعیت‌هایی که در دل منافقان پنهان شده بود، آشکار شدند. این قسمت از سخنان ایشان بیانگر این حقیقت است که کینه‌ها در نهایت نه تنها به تخریب روابط انسانی و اجتماعی می‌انجامد، بلکه موجب گمراهی و انحراف فکری افراد نیز می‌شود.

ه) کینه‌ها و فریب دنیا: حضرت زهرا (ع) در ادامه به این نکته مهم اشاره دارند که کسانی که به دنبال انتقام‌جویی از شکست‌های گذشته خود هستند، به جای توجه به حقیقت و اصول دینی، به فریب‌خوری از دنیا روی می‌آورند. ایشان با بیان اینکه برخی از افراد در پی گرفتن انتقام از کشته‌شدگان جنگ‌های بدر و احد بودند، به این نکته اشاره دارند که این افراد به دنیا و فریب‌های آن دل بستند و از مسیر حقیقت و عدل الهی دور شدند. این قسمت از سخنان حضرت زهرا (ع) تذکری است برای جامعه اسلامی که نباید فریب دنیا و هوس‌های آن را بخورند و باید همواره در جهت حفظ اصول الهی و اسلامی حرکت کنند. کسانی که در گذشته در جنگ‌های بدر و احد شکست خورده بودند، اکنون با دست یافتن به قدرت، به جای توجه به اصول عدالت، بر اساس کینه‌ها و خشم‌های قدیمی تصمیم‌گیری کردند که این امر به بروز فتنه و فساد منتهی شد.

بنابراین حضرت زهرا علیها السلام در سخنانی که با ام سلمه داشتند، کینه‌ها را به عنوان یکی از ریشه‌های اصلی فتنه‌ها و درگیری‌ها معرفی می‌کنند. ایشان با تحلیل دقیق این موضوع نشان می‌دهند که کینه‌های فردی و گروهی می‌تواند به تخریب روابط اجتماعی و سیاسی منجر شود و حتی باعث انحراف از مسیر حقیقت و عدالت شود. حضرت زهرا علیها السلام با اشاره به این نکته که کینه‌ها از جنگ‌های بدر و احد سرچشمه می‌گیرند، تأکید می‌کنند که این خصومت‌ها و دشمنی‌ها در نهایت باعث تضعیف ایمان و ایجاد فتنه‌های خطرناک در جامعه اسلامی شدند. بنابراین کینه‌ورزی به عنوان یک آفت اجتماعی و سیاسی باید شناسایی شود و از بین برود تا جامعه به سوی عدالت و حقیقت حرکت کند.

۳. عدم تدبیر در قرآن

قرآن کریم سند اساسی اسلام است. قرآن کتابی است که هیچ‌گونه باطلی از پیش رو و از پشت سر در آن راه ندارد: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ»^۱. قرآن تنها کتابی است که تحریف نشده است و هرچه تاریخ بر آن می‌گذرد، اسرارش بیشتر روشن می‌شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السَّعَادَةِ وَ مَوْتَ الشَّهَادَةِ وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحُسْرَةِ وَ الظَّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حِزْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ»^۲؛ اگر زندگی سعادت‌مندان و مرگ شهدا و نجات در روز جزا و امنیت در روز هراس و نور در روز ظلمت و سایه‌بان در روز حرارت شدید و سیراب شدن در روز عطش، و ارزش و سنگینی در روز سبکی اعمال را می‌خواهی، پس قرآن را مطالعه کن؛ چراکه قرآن یادآور خدای رحمان و حافظ از شیطان و عامل برتری در ترازوی اعمال است.^۳

به ما سفارش شده که هرگاه فتنه‌ها چون شب تاریک شما را در بر گرفت، راه نجات قرآن است: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»^۳؛ هنگامی

۱. فصلت، ۴۲.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۹۹.



که فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جوید.» در حدیث می‌خوانیم: «فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ كِتَابَ اللَّهِ مُبْهَمٌ فَقَدْ هَلَكَ وَأَهْلَكَ؛^۱ هرکسی بپندارد که کتاب خدا مبهم است، هم خودش هلاک شده و هم دیگران را به هلاکت افکنده است.»

اما بعضی به خیال اینکه قرآن از فهم بشر بالاتر است و فهمش مخصوص اهل بیت (ع) است، از تدبیر در آن می‌ترسند، با اینکه خداوند دستور به تدبیر داده است.

سومین موضوعی که در ریشه‌یابی فتنه‌ها در سخن و سیره حضرت زهرا (ع) به آن اشاره می‌شود، نقش عدم تدبیر قرآن در ایجاد فتنه‌هاست.

حضرت فرمود: «فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ؟ وَكَيْفَ بِكُمْ؟ وَأَنَّى تُؤْفَكُونَ، وَكِتَابُ اللَّهِ يَبَيِّنُ أَظْهَرَكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ أَرْغَبَةً عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَعْضُهُ تَحْكُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا.»^۲ «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۳ ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتَهَا وَتَسْلَسَ قِيَادَهَا ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ وَقَدْتَهَا وَتَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَإِظْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُبْسِرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءٍ وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ وَنَضِيرٍ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْرِ الْمَدَى وَوَحْزِ السَّنَانِ فِي الْحَشَا؛^۴ چرا بیراهه می‌روید؟ در حالی کتاب خدا در میان شماست و مطالبش روشن است و احکامش درخشان و نشانه‌های هدایتش آشکار

و نهی و هشدارهایش روشن و اوامرش واضح است، اما شما به قرآن پشت کردید و از آن روی گردان شدید! آیا به قرآن میل و رغبت دارید یا داوری جز قرآن می‌گیرید؟ بد جایگزینی برای ستمگران است! ”و هر کس غیر از اسلام دینی برگزیند از او پذیرفته نیست و در آخرت از زیانکاران خواهد بود“ سپس آن قدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد و مهار کردن آن آسان شود. پس آتشگیره‌ها را برافروختید و به آتش فتنه‌ها دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و به شیطان گمراه‌کننده پاسخ مثبت دادید و برای خاموش کردن نور اسلام آشکار، بسیج گشتید و به از بین بردن سنت‌های

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۹۰.

۲. توبه، ۴۹.

۳. دشتی، نهج الحیاة، ص ۱۴۰، ح ۶۱.



پیامبر برگزیده روی آوردید و حرکت‌های منافقانه آغاز کردید و برای نابودی اهل بیت او، در پشت تپه‌ها و درختان کمین کردید. و ما برابر مصیبت‌هایی که چونان خنجر بزان یا فرورفتن سنان در شکم‌اند، چاره‌ای جز صبر نداریم.»

و با استشهاد به آیه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^۱ فرمودند: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ، وَلَبِئْسَ مَا تَأْوُلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أُشْرُتُمْ؟^۲ آیا در قرآن تدبر و تأمل نمی‌کنید؟ یا بر دل‌هایتان مهر و قفل زده شده [که سخن حق را نمی‌شنوید]؟! نه! بلکه اعمال سوء و کردار بد شماست که پرده بر دل‌هایتان کشیده و گوش‌ها و چشم‌های شما را گرفته است! و چه بد تأویل و تفسیری از دین و آیین الهی کردید!»

در این سخنان، حضرت زهرا (علیها السلام) در شرایطی که مردم به سمت فتنه‌گری و انحراف از مسیر حق می‌روند، به قرآن و آموزه‌های آن اشاره می‌کنند و با انتقاد از افرادی که از کتاب خدا روی‌گردان شده‌اند، به پیامدهای خطرناک این انحراف و دور شدن از تدبر در آیات قرآن می‌پردازند.

الف) تدبر در قرآن و اهمیت آن: تدبر به معنای تفکر و تعمق در آیات قرآن است که در واقع فرایندی از فهم و درک عمیق معانی آیات و پیام‌های الهی است. حضرت زهرا (علیها السلام) با اشاره به اینکه قرآن در میان مردم قرار دارد و مطالبش روشن و آشکار و واضح است، به اهمیت تدبر در قرآن اشاره دارند. قرآن برای هدایت انسان‌ها نازل شده و یکی از اهدافش رفع ظلمت‌ها، گمراهی‌ها و انحرافات از مسیر حق است. در نتیجه هرگونه غفلت یا بی‌توجهی به تدبر در قرآن می‌تواند فرد و جامعه را از هدایت الهی محروم کند.

۱. محمد (ص)، ۲۴.

۲. دشتی، نهج الحیاء، ص ۱۴۰، ح ۶۱.

چرا تدبیر در قرآن ضروری است؟

حضرت زهرا علیها السلام در کلام خود با این سؤال که «آیا به قرآن میل و رغبت دارید یا داوری جز قرآن می‌گیرید؟»، در حقیقت از مردم می‌خواهند به قرآن توجه کنند و از آن به عنوان منبع اصلی هدایت استفاده کنند. قرآن تنها یک کتاب علمی یا تاریخی نیست؛ بلکه کتاب هدایت است که تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. هرگاه انسان‌ها در زندگی خود دچار فتنه یا آشوب شوند، نخستین چیزی که باید به آن رجوع کنند، قرآن است؛ چون قرآن با آوردن احکام الهی و داوری درست می‌تواند انسان‌ها را از گمراهی نجات دهد.

در این سخنان، حضرت زهرا علیها السلام تأکید می‌کنند که اوامر قرآن واضح است و پندهای الهی به وضوح در قرآن بیان شده‌اند اما برخی از مردم از آن غافل شده‌اند و به دنبال داوری غیر از قرآن می‌روند. این تمایل به غیرقرآن در حقیقت نشان‌دهنده روی‌گردانی از هدایت الهی است و می‌تواند موجب فتنه‌گری و گمراهی شود.

ب) پیامدهای عدم تدبیر در قرآن و ایجاد فتنه‌ها: حضرت زهرا علیها السلام به روشنی پیامدهای جدی عدم تدبیر در قرآن را بیان می‌کنند و از آن به عنوان یکی از ریشه‌های فتنه‌ها و اختلافات یاد می‌کنند و در ادامه بیان می‌کنند کسانی که از قرآن دور شده‌اند، چگونه آتش فتنه‌ها را شعله‌ور می‌کنند و به سمت شیطان گمراه‌کننده می‌روند. این جملات بیانگر این موارد است:

- عدم تدبیر در قرآن، زمینه‌ساز فتنه‌ها و درگیری‌ها: حضرت زهرا علیها السلام به وضوح بیان می‌کنند که دور شدن از قرآن و بی‌توجهی به تدبیر در آن موجب می‌شود که فتنه‌ها و درگیری‌ها در جامعه به وجود آید. یکی از عواملی که موجب شکل‌گیری اختلافات در جامعه اسلامی می‌شود، عدم رعایت اصول قرآن در تعاملات اجتماعی است. این عدم توجه به قرآن، جامعه را به سمت فروپاشی اخلاقی و سیاسی هدایت می‌کند.

حضرت زهرا علیها السلام همچنین به این نکته اشاره می‌کنند که در شرایطی که قرآن در میان مردم قرار دارد اما آنان به آن توجه نمی‌کنند، فتنه‌ها به راحتی گسترش پیدا می‌کنند.

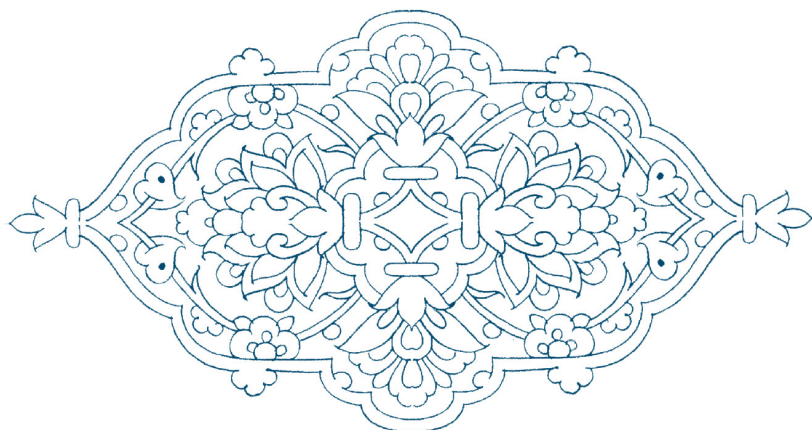
فتنه‌ها و فسادهایی که در جامعه اسلامی به وجود می‌آید در حقیقت ناشی از این است که مردم قرآن را در کنار خود گذاشته‌اند و از آن بهره‌برداری نمی‌کنند. در این راستا، حضرت زهرا علیها السلام با یادآوری قرآن به عنوان منبع اصلی هدایت، مردم را به بازگشت به قرآن دعوت می‌کنند.

- روی‌گردانی از قرآن، دروازه‌ای به گمراهی و ظلم: حضرت زهرا علیها السلام در ادامه با تأکید بر اینکه قرآن بسیار روشن و آشکار است، اشاره می‌کنند کسانی که از قرآن روی‌گردان‌اند، درواقع به دنبال گمراهی و ظلم هستند. این امر به وضوح نشان می‌دهد که روی‌گردانی از قرآن و اتخاذ تصمیمات بر اساس تمایلات شخصی و دنیوی، به جای پیروی از احکام الهی، باعث بروز سوء تدبیر در جامعه اسلامی و درنتیجه منجر به فتنه‌ها می‌شود.

ج) ارتباط تدبیر در قرآن با حکمت و بصیرت: یکی دیگر از نکات بسیار مهم در سخنان حضرت زهرا علیها السلام ارتباط تدبیر در قرآن با حکمت و بصیرت است. حضرت زهرا علیها السلام در ابتدا به این نکته اشاره می‌کنند که قرآن دارای آیات واضح و دلایل روشن است. این ویژگی قرآن، آن را به منبعی تبدیل می‌کند که انسان‌ها می‌توانند با تدبیر در آن، حکمت و بصیرت به دست آورند. در صورتی که انسان‌ها از قرآن دور شوند و در آن تدبیر نکنند، دچار کمبود بصیرت می‌شوند و درنتیجه نمی‌توانند حقیقت را از باطل تشخیص دهند. این کمبود بصیرت می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از فتنه‌ها و مشکلات باشد. حضرت زهرا علیها السلام در ادامه با اشاره به آیه‌ای از قرآن می‌فرمایند: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾؛ «آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ یا بر دل‌های آن‌ها قفل زده شده است؟!». این آیه اشاره به فقدان تدبیر در قرآن و اثرات منفی آن دارد. دل‌های قفل خورده به این معناست که انسان‌ها به دلیل اعمال بد و گناهانی که مرتکب می‌شوند، از درک حقایق قرآن محروم می‌شوند؛ درنتیجه این عدم تدبیر باعث گمراهی و فتنه‌ها می‌شود.

د) ارتباط فتنه‌ها با روی‌گردانی از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله): حضرت زهرا (علیها السلام) در ادامه سخنان خود اشاره می‌کنند که مردم به تدریج به فتنه‌ها دامن زده و در جهت از بین بردن نور دین و سنت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) حرکت کرده‌اند. این حرکت به سوی فتنه‌ها و گمراهی‌ها، در حقیقت نتیجه روی‌گردانی از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. به عبارت دیگر، انحرافات فکری و سیاسی که در جامعه اسلامی شکل گرفت، ناشی از دور شدن از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

بنابراین حضرت زهرا (علیها السلام) در این سخنان خود به وضوح از پیامدهای عدم تدبیر در قرآن و دور شدن از هدایت‌های آن سخن می‌گویند. عدم تدبیر در قرآن نه تنها باعث گمراهی فردی و اجتماعی می‌شود، بلکه می‌تواند به فتنه‌ها و اختلافات گسترده‌ای در جامعه منجر شود. حضرت زهرا (علیها السلام) با تأکید بر اهمیت تدبیر در قرآن و رعایت احکام الهی، مردم را به بازگشت به قرآن و فهم درست آن فرامی‌خوانند. این سخنان به عنوان یک هشدار تاریخی و دینی برای همه مسلمانان مطرح می‌شود تا همواره از قرآن و آموزه‌های آن بهره‌برداری کنند و از فتنه‌ها و انحرافات فکری جلوگیری کنند.



نقش بانوان در مقاومت معاصر غزه

دکتر سید علی اصغر موسوی

مقدمه

در اغلب جوامع بشری، زنان به عنوان ستون‌های مدنیت اجتماعی در مقاومت‌های ملی و مذهبی مؤثر بوده‌اند. بانوان همواره در حفظ و پایداری اسلام، نقش شگرفی ایفا کرده و در کنار مردان حضور داشته‌اند؛ چنان‌که مقام معظم رهبری رحمته الله علیه فرموده است: «... ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم‌ها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر نبود. اگر زن‌ها حماسه جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند.»^۱ البته نحوه عملکرد مادران ایرانی در تربیت فرزندان باایمان، تشکیل هسته‌های مقاومت و پشتیبانی و... در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس، نشان‌دهنده الگوبرداری این بانوان از شیوه زندگی حضرت زهرا و زینب کبری علیهما السلام است. حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان اسوه ایثار و مقاومت، همواره حق‌طلبی را بر نادیده گرفتن، تحرک را بر درجا زدن و مبارزه در برابر باطل را بر سکوت ترجیح دادند و تاریخ رفتار سیاسی آن حضرت چنان بر جهان اسلام تأثیر داشت که جریان انحرافی اموی نتوانست به اهدافش، تغییر ماهیت قرآن و اسلام، برسد. حضرت زینب علیها السلام نیز با حضور در کربلا

۱. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران به مناسبت میلاد حضرت زینب علیها السلام، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵:

علیه ظلم و ستم مبارزه کرد و روحیه ظلم ستیزی و حق مداری را در تاریخ نهادینه نمود^۱ تا آنجا که امروز شاهد مقاومت زنان رنج کشیده غزه به عنوان بهترین مصداق اسلامی زنان مقاوم عصر حاضر هستیم؛ زنانی که در نهایت رضایت و شکر، با دست خود غنچه های پرپر شده شهیدانشان را مانند بذر به دل خاک می سپارند. شهادت چند هزار کودک، خود گواه قدرت یقین این مادران است که به خداوند، دین، میهن و فرزندان غیور خود ایمان دارند و ایستاده اند تا نگاه تاریخ را به شرافت فرزندان مقاومت اسلامی تغییر دهند و برای دستیابی به این هدف ارزشمند، همراه مردان و جوانان در برابر استکبار جهانی به ویژه آمریکا و اسرائیل مبارزه می کنند. این نوشتار نقش آفرینی بانوان غزه در مقاومت معاصر غزه را تبیین می کند.

عرصه های حضور زنان

۱. عرصه های نظامی و حمایتی

بانوان از صدر اسلام تا کنون همواره به عنوان ستون های محکم نهضت های مقاومت، وظایف گسترده ای بر عهده داشته اند. از آنجا که «مقاومت در برابر ظالمان از اصول مهم دین است، باید در برابر زیاده خواهی و ظلم دشمنان دین ایستادگی کرد»^۲. اگر چه در اسلام جهاد ابتدا بر زنان واجب نیست، اما با توجه به شرایط جامعه زنان نیز می توانند در دفاع فیزیکی مشارکت داشته باشند؛ زیرا دفاع از دین، ناموس و وطن، وظیفه الهی و همگانی است. «جهاد دفاعی زمانی است که دشمن به کیان و سرزمین مسلمین تجاوز و یا قصد آن را دارد و همچنین هدف فرد جهادگر مسلمان، آزاد کردن افراد ستم دیده از سلطه استثمارگران و چپاولگران فرهنگی و اقتصادی است. این نوع جهاد بر همه افراد اعم از زن و مرد واجب است»^۳.

۱. سید علی اصغر موسوی، فاطمه علیها السلام مادر تمام خوبی ها، ص ۱۱۴ - ۱۲۰.

۲. سید حسین فرمی باف و همکاران، «ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات»، نشریه سیاست دفاعی، ۱۳۹۹، ش ۱۱۲، ص ۱۹۴.

۳. الهه وکیلی، «اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی، ص ۵۶۹.

بر این اساس، در گزاره‌های دینی دفاع از اسلام و انسان‌های مظلوم، وظیفه همگانی است: «... مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ»^۱! «شما را چه شده که از هم یاری نمی‌طلبید؟!» در آیه دیگری فرموده است:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾^۲ «چرا در راه خدا و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد [ستم‌دیده‌ای] که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر [مکه] که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود یار و یاور برای ما تعیین فرما.»

اما این آیه بر اساس تحریک عواطف انسانی به سوی جهاد دعوت می‌کند و می‌فرماید: «چرا شما در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکان مظلوم و بی‌دفاعی که در چنگال ستمگران گرفتار شده‌اند، مبارزه نمی‌کنید؟! آیا عواطف انسانی شما اجازه می‌دهد که خاموش باشید و این صحنه‌های رقت‌بار را تماشا کنید؟!»^۳

روایات نیز حمایت از مظلومان و مبارزه با ظالمان را وظیفه هر مسلمانی می‌دانند؛ چنان‌که رسول اکرم ﷺ فرموده است: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۴ هر کسی صبح کند و اهمیتی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست. امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَائِيْمُ اللَّهِ لَا تُنْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَلَا تُؤَدِّنَ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ حَتَّى أُورِدَهُ مِنْهُلِ الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ كَارِهًا»^۵ به خدا سوگند! داد مظلوم را از ظالم می‌گیرم و افسار ظالم را می‌کشم تا وی را به آب‌شخور حق وارد سازم؛ هرچند کراهت داشته باشد. آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۶ همواره دشمن ظالم و یار و مددکار مظلوم باشید.

۱. صافات، ۲۵.

۲. نساء، ۷۵. نیز نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۱۷.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۹.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۴.

۵. حسین بن محمد شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، ص ۱۹۶.

۶. همان، ص ۴۲۱.

با توجه به وظیفه رسالت همگانی است که زنان ایران در جبهه حضور یافتند. تجاوز سربازان عراقی به شهرهای مرزی و بمباران‌ها و حملات موشکی موجب شد تا زنان اسلحه به دست بگیرند و به طور مستقیم با دشمن مواجه شوند تا آنجا که یکی از رزمندگان می‌گوید:

در قبرستان خرمشهر، زن ۶۵ ساله‌ای را دیدم که تفنگ ام‌یک بر دوش دارد. از او پرسیدم چه می‌کنی؟ گفت: پسر و دخترم را که در راه آزادی خرمشهر می‌جنگیدند، دفن کردم و من برای ادامه راه آن‌ها می‌روم و باید از دین خود دفاع کنم. این تنها وظیفه مردان نیست؛ وظیفه من هم هست. او جنگید و سرانجام با ترکش خمپاره شهید شد.^۱

زنان فلسطینی نیز به طور مستقیم با حضور خود در نهضت مقاومت نظامی نقش‌آفرینی کرده‌اند. پیشینه تاریخی انتفاضه فلسطین با حرکت شجاعانه یک دختر به نام «عطاف علیان»^۲ آغاز شد. از طرفی با شروع انتفاضه دوم از سال ۲۰۰۰، زنان قدرتمندتر به میدان وارد شدند و حتی عملیات‌های استشهادی توسط «آیت الاخراس» داشتند. وی در مارس ۲۰۰۲، با کمربند انفجاری در اورشلیم به شهادت رسید. دو سال بعد هم دختر دیگری به نام «ریم ریاشی» وابسته به حماس در گذرگاه اریز شمال غزه، میان سربازان صهیونیستی عملیات استشهادی انجام داد.^۳ از دیگر عرصه‌های نقش‌آفرینی زنان غزه، اقدامات حمایتی آنان است. بسیاری از زنان در پشت جبهه‌ها وظیفه پشتیبانی از رزمندگان را بر عهده دارند. حمایت آنان گاه به صورت انجام کارهای پرستاری، خدماتی، شبکه‌سازی و... است. برای مثال در ۴ آذر

۱۴۰۲ و هنگام تحویل اسرای زنان و کودکان صهیونیستی، تصاویری از بانوان شاخه نظامی حماس منتشر شد. به نظر می‌رسد حماس از این خانم‌ها در اداره امور زنان و کودکان اسیر اسرائیلی استفاده کرده است.^۴

۱. پرتال امام خمینی (ره)، «اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع»، ۱۳۹۷/۰۲/۲۹، کد خبر: ۱۷۰۳۹۸؛

<http://www.imam-khomeini.ir/fa/n/142484>.

۲. ناآرامی در سرزمین‌های اشغالی از ماه می ۱۹۸۷ شدت یافت. ناآرامی‌ها از آنجا آغاز شد که شش مجاهد فلسطینی توانستند در روز ۱۷ می ۱۹۸۷ از زندان مرکزی غزه فرار کنند. در عرض کمتر از سه هفته بعد، یعنی در ۲۵ اوت ۱۹۸۷، مقام‌های نظامی اسرائیل اعلام کردند یک هسته مقاومت اسلامی دیگر را که افراد آن در تعدادی از شهرهای کرانه باختری فعالیت می‌کردند و قصد داشتند در عملیات انتحاری اتومبیلی راروی یک هدف اسرائیلی منفجر کنند، متلاشی ساخته‌اند. قرار بود عملیات انتحاری را دوشیزه «عطاف داوود علیان» با راندن اتومبیل و بعد منفجر کردن آن انجام دهد.

۳. روزنامه جام‌جم، «ورود زنان غزه به حوزه عملیات‌های استشهادی»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۷، ش ۶۶۴۴، ص ۱۲.

۴. جام‌جم آنلاین، «انتشار اولین تصاویر از کادر بانوان شاخه نظامی حماس»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۴، کد خبر: ۱۴۲۳۵۱۸؛ <https://jamejamonline.ir/fa/news/1432518>.

بانوان غزه با استعانت از کلام خداوند که می‌فرماید «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند»،^۱ دریافته‌اند که تنها راه تحکیم نهضت مقاومت، وحدت میان طبقات مختلف جامعه است. از این رو برای شبکه‌سازی و پیوستن اعضای مختلف جامعه به هدف مشترک مقاومت تلاش کرده‌اند. برای مثال شاخه دانشجویی حماس معروف به «انجمن اسلامی» با رفتن به منازل و انتشار مفاهیم این جنبش در میان دانشجویان، زنان کارگر و... را به حمایت از حماس تشویق می‌کنند.^۲ همچنین بعد از پیوستن به گروه بر اساس توانمندی به هریک از آنان مسئولیتی داده می‌شود. برای مثال گزارشگر روزنامه آنلاین «المانیتور» در جریان گزارش مقرر کمیته زنان جنبش حماس در غزه، شاهد آموزش کار زنان در بخش‌های مختلف از جمله نیروهای داوطلب، آموزش و روابط عمومی بوده است.^۳

۲. عرصه تربیتی

یکی از عرصه‌های حضور بانوان در جبهه مقاومت، تربیت و رسیدگی به کودکان غزه است؛ چنان‌که اغلب کودکان فلسطینی در پاسخ به سؤال یک امدادگر درباره پناهگاه امن آن‌ها هنگام وقوع بمباران، تأکید کردند که به آغوش مادر پناه می‌بریم؛ حال آنکه حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به نوار غزه نشان داد که مادر و آغوش مادر، یکی از اهداف این رژیم است؛^۴ زیرا مادران مهم‌ترین عامل تداوم روحیه مقاومت در نسل‌های مختلف فلسطین هستند؛ مادرانی که در نقش‌های فرزندی، خواهری، همسری و مادری همواره به شهادت منسوب شده‌اند، اما با صبر و عزم راسخ همواره از آرمان‌های مقاومت دفاع کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در مراسم شهادت عزیزانشان نیز اشعار حماسی سر می‌دهند. آن‌ها مسیر تربیتی فرزندان خود را با هجوم ویرانی‌های

۱. انفال، ۶۵.

۲. خبرگزاری فارس، «نقش کلیدی زنان فلسطینی در جنبش حماس»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۶، کد خبر: ۱۳۹۳۱۲۱۶۰۰۱۱۷۴: <https://www.farsnews.ir/news/13931216001174>.

۳. همان.

۴. شبکه العالم، «پناهگاه امن کودکان غزه کجاست؟»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۳، کد خبر: ۶۷۳۳۸۱۸: <https://fa.alalam.ir/news/6733818>.

خصمانه جنگ، از بهشتِ شهادت می‌گذرانند تا علاقه به مقاومت و استکبارستیزی را در باورهای جامعه خود نهادینه کنند. این مادران تفکر مقاومت را با چند شیوه همانند بازگویی تجارب فرهنگی و پیشینه تاریخی، الگودهی، پایبندی به اراده ملی، همدلی و شبکه‌سازی و تسلیم در برابر مقدرات الهی به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند. آن‌ها با بهره از منابع انتقال ارزش‌های مشترک فرهنگی همچون داستان‌ها، اشعار حماسی و محلی و...، تجارب فردی و پیشینه تاریخی استقامتشان را به فرزندانشان می‌آموزند. این‌گونه است که فرزندان فلسطین و به‌ویژه غزه مقاومت را به عنوان یک اصل اعتقادی پذیرفته‌اند و پیوسته خود را آماده شهادت می‌کنند؛ چنان‌که کودکان غزه بر روی خاک‌های گور دسته جمعی شهدای غزه بازی می‌کنند و می‌گویند: «در این خاک‌ها بازی می‌کنیم و همین جا دفن می‌شویم»^۱

قرآن درباره استقامت این افراد می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَرَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۲

«به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.»

در واقع مادران غزه نمایندگانی از اراده ملی، الگوی عملی و بارزی برای فرزندان خود هستند. آن‌ها در خلال رفتار و گفتار خود، پایبندی به ظلم‌ستیزی و تعهد به ارزش‌های مقاومت را به فرزندانشان آموزش می‌دهند. استقامت آنان به وفور در گزارش‌های خبری دیده می‌شود. «مادری از میان آواره‌های خانه‌اش، شانه دخترش را پیدا و موهای او را شانه می‌کند. مادری با حداقل مواد غذایی برای فرزندان خود غذای خلاقانه درست می‌کند. مادری از زیر آوار اسباب بازی‌های شکسته، فرزندش را بیرون می‌آورد و...» این مادران پیام مستقیمی از تلاش و بردباری را به فرزندان خود منتقل می‌کنند که ترجمان آن در پاسخ‌های کودکان غزه تبلور می‌کند، آنجا که در

۱. شبکه العالم، «ویدیوی تکان دهنده بازی کودکان غزه بر روی خاک‌های گور دسته جمعی»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۶، کد خبر: ۶۷۵۳۷۱۸.

<https://fa.alalam.ir/news/6735718>.

پاسخ به مصاحبه‌ای می‌گویند قصد دارند پس از پایان جنگ، خانه‌های خود را بازسازی کنند و هرگز به ترک خانه‌هایشان که منهدم شده است، فکر نمی‌کنند.^۱

بر این اساس، بانوان غزه همواره برای ارتقای سطح درک نسل نوجوان و جوان از مفهوم مقاومت سلحشورانه، فرزندان وطن را به حمایت از مقاومت ملی تشویق می‌کنند. این فرایند تکرار، افزون بر اقناع، موجب فراموش نکردن اهمیت پایبندی به ارزش‌های این اراده ملی در حرکت تا پیروزی خواهد شد. یکی از بانوان در مصاحبه‌ای می‌گوید:

بیست روز پیش بمبی روی خانواده‌ام افتاد. هشت برادر رفتند و هیچ‌کس نماند. امروز عمه‌ام و بچه‌هایش شهید شدند. خانه خانواده من پنج طبقه بود، اما الآن بیست متر زیر زمین است و هیچ عضوی از مقاومت در آنجا نبود. ما از مقاومت حمایت می‌کنیم و می‌خواهیم مقاومت ادامه پیدا کند.^۲

۳. عرصه سرپرستی و مدیریتی

مادران در سراسر جهان برای مدیریت خانواده در وضعیت‌های چالش‌برانگیز، از تفکر انعطاف‌پذیر بهره می‌برند؛ درحالی‌که مادران در غزه باید خانواده‌ای را مدیریت کنند که نه تنها در دستیابی به حداقل نیازهای حیاتی دچار مشکل است، بلکه با انواع سوگ، آسیب‌های جسمی، روانی و... دست‌وپنجه نرم می‌کند. این مادران برای ایجاد محیطی امن برای خانواده، تمام تلاششان را به کار می‌بندند تا بتوانند با حمایت‌های معیشتی و روحی، فرزندان و به‌ویژه کودکانشان را با این شرایط تحمل‌ناپذیر منطبق کنند؛ آن‌هم در وضعیتی که به گزارش «نهادهای سازمان ملل بیش از یک میلیون و هشتصد هزار آواره فلسطینی در هر کجای نوار غزه، نه از بمباران‌های اسرائیل در امان هستند و نه سرپناهی ایمن در برابر سرما و باران دارند».^۳ شمار زیادی از فلسطینیان غزه با توجه به تمام شدن سوخت موتورهای آب،

۱. شبکه العالم، «کودکان غزه از آرزوهای خود می‌گویند»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۲، کد خبر: ۶۷۳۲۹۵۸، <https://fa.alalam.ir/news/6732958>.

۲. شبکه العالم، «زن غزه‌ای فریاد می‌زند: مبارکتان باد اعراب! بخوابید و استراحت کنید»، ۱۴۰۲/۰۸/۱۱، کد خبر: ۶۷۳۹۳۷۳، <https://fa.alalam.ir/news/6739373>.

۳. خبرگزاری فارس، «فاجعه بمب و سرما بر سر ۱/۸ میلیون آواره در غزه»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۵، کد خبر: ۱۴۰۲۰۹۲۵۰۰۰۶۶۰، <https://www.farsnews.ir/news/14020925000660>.

روزانه در اطراف تنها ایستگاه آب شیرین کن که تنها چند ساعت کار می‌کند، صف می‌کشند تا آب آشامیدنی خود را تأمین کنند. بنا بر گزارش العالم، فروشگاه‌های باریکه غزه قبل از جنگ هیچ‌گاه در این وضعیت نبودند. اکنون هیچ یک از کالاهای ضروری در داخل قفسه‌ها به چشم نمی‌خورد. تأخیر در تأمین مواد غذایی موجب صف‌های طولانی برای شهروندان شده و ده‌ها هزار نفر از شهروندان برای دریافت یک یا دو کیسه آرد، ساعت‌های طولانی می‌ایستند. یکی از مادران می‌گوید: «از ساعت ۵ صبح در صف ایستاده‌ام و مانند روز گذشته چیزی به دست نیاورده‌ام. نه یک قرص نان دارم و نه یک کیسه آرد.»^۱ بسیاری از این زنان افزون بر اینکه باید مسائل مربوط به معیشت خود را مرتفع کنند، باردارند و با مشکلات زایمان نیز مواجه هستند. تخمین زده می‌شود پنجاه هزار زن باردار در غزه زندگی می‌کنند که روزانه بیش از ۱۸۰ نفر آن‌ها زایمان می‌کنند که نیاز به مراقبت‌های پزشکی دارند.^۲ مادران در غزه راهکارهای خلاقانه‌ای برای انطباق با شرایط بحران و برنامه‌ریزی مدیریت منابع محدود غذایی در نظر می‌گیرند؛ بدین صورت که دسته‌جمعی در ویرانه‌های ساختمان‌های بزرگ سکونت می‌کنند، مواد غذایی خود را به اشتراک می‌گذارند و با ریختن شکر در آب شور دریا تلاش می‌کنند با تشنگی مبارزه کنند.»^۳

از آنجا که یکی از ضرورت‌های سرپرستی از خانواده، ایجاد احساس امنیت و ایمان به کنار هم بودن همه اعضای خانواده است، مادران در غزه با حمایت‌های جمعی حتی در اوج جنگ نیز برای آینده‌ای روشن برای فرزندان خود گام برمی‌دارند. برای مثال یکی از اقدامات امیدآفرین، برگزاری اولین جشن ازدواج در ویران‌های جنگ در روزهای پایانی آتش‌بس چهارروزه و هم‌زمان با تبادل اسراست. «این مراسم عروسی در یکی از مدارس فلسطینی در آن اقامت دارند، برگزار شد. سارا، عروس فلسطینی می‌گوید: این چیزی نیست که برایش برنامه‌ریزی کرده‌ام. حلقه‌ام اصل

۱. شبکه العالم، «گزارش العالم از فروشگاه‌های تقریباً خالی غزه با زیرنویس فارسی»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۰، کد خبر: ۶۷۴۵۳۲۸، <https://fa.alalam.ir/news/6745328>.

۲. خبرگزاری فارس، «سازمان جهانی بهداشت در یک ماه اخیر درباره غزه چه واکنش‌هایی داشته است؟»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۳، کد خبر: ۱۴۰۲۰۸۱۶۰۰۰۸۴۳.

<https://www.farsnews.ir/news/14020816000843>.

۳. شبکه العالم، «جنگ در غزه و راهکار عجیب مردم برای مبارزه با آن»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۶، کد خبر: ۶۷۴۳۰۸۸، <https://fa.alalam.ir/news/6743088>.



نیست، اما اهمیتی ندارد. ماجد، داماد فلسطینی می‌گوید: همه داشته‌ها و رؤیاهایم از بین رفت. دیگر چیزی برای رؤیاپردازی ندارم. در کودکی از نردبان آرزوها بالا می‌رفتم، اما حالا پایین آمده‌ام...»^۱

۴. عرصه فرهنگی

زنان غزه در مواجهه با شرایط جنگی فعالیت‌های متعدد فرهنگی انجام دادند؛ چنان‌که زنان روزنامه‌نگار غزه برای آگاه‌سازی افکار عمومی جهان در بحرانی‌ترین وضعیت جنگ، از رویدادها و اطلاعات دقیق گزارش تهیه می‌کنند. آن‌ها به‌طور پیوسته با پوشش انسانی و اجتماعی وقایع، به تأثیرات جنگ بر زندگی افراد به‌ویژه زنان و کودکان می‌پردازند تا بتوانند با پرده‌برداری از جنایات صهیونیسم‌ها، گامی برای تحکیم مقاومت و پیروزی فلسطین بردارند. «سراء البحیصی» یکی از این خبرنگاران است که توانسته است گزارش‌های تصویری اثرگذاری به صورت زنده برای شبکه العالم تهیه کند. وی حتی با اینکه بارها در زیرموشک باران و از دست دادن عزیزان قرار گرفته است، چنین می‌گوید: «از رساندن صدای حق به گوش جهانیان هرگز عقب‌نشینی نکرده و به رسالت خود در انتشار صحنه‌های جنایات رژیم اسرائیل در حق ملت فلسطین ادامه می‌دهم.»^۲ «دعا شرف» خبرنگار دیگری بود که با فرزند خردسالش در پی حملات پیاپی رژیم صهیونیستی به باریکه غزه به شهادت رسید. همچنین «آیات الخصور» در انتشار آخرین ویدئوی خبری در لحظات قبل از شهادت گزارش کرد که اوضاع در «بیت‌لاهی» بسیار فاجعه‌بار است و هواپیماهای اسرائیلی این منطقه را با بمب‌های ممنوعه فوسفری هدف قرار دادند.^۳

۱. شبکه العالم، «به رغم همه دردها و رنج‌ها، اولین مراسم عروسی در غزه»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۶، کد خبر: ۶۷۵۶۳۱۳، <https://fa.alalam.ir/news/6756313>.

۲. شبکه العالم، «خبرنگار العالم بعد از شهادت حضور خانواده‌اش: به رسالتم ادامه می‌دهم»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۹، کد خبر: ۶۷۵۱۶۳۳.

<https://fa.alalam.ir/news/6751633>.

۳. شبکه العالم، «آخرین ویدئوی خبرنگار زن فلسطینی قبل از شهادت»، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، کد خبر: ۶۷۵۱۹۱۳، <https://fa.alalam.ir/news/6751913>.

بانوان غزه در هر برهه با امکانات موجود اعم از شبکه‌های اجتماعی، اینترنت یا گزارش‌های خبری برای انتشار حقوق بشر پایمال شده در سرزمینشان استفاده می‌کنند. در واقع آنان صدای مظلومیت غزه و راویان حقایق و عمق فجایع صهیونیسم‌ها بر مردم مسلمان کشورشان هستند. یکی از زنان روایتگر می‌گوید: «آنچه در غزه می‌گذرد، یک هولوکاست واقعی است. امروز سیزده عضو یک خانواده با بدن‌های تکه‌تکه شده از زیر آوار بیرون آورده و درون یک کیسه گذاشته شدند.»^۱ بانوی دیگری با انتقاد از عملکرد حاکمان عرب می‌گوید: «غزه را به صورت تلی از شهدا، اجساد و اعضای بدن به دست خواهید گرفت.^۲ پیام من خطاب به هیچ‌کس نیست، فقط می‌گویم: ای اعراب! مکیدن خون غزه کافی است، دیگر چیزی در آن باقی نمانده است، شما راحت و آسوده باشید.»^۳ این روایتگری را کودکان نیز از مادران خود آموخته‌اند؛ به‌طوری که کودک دختر می‌گوید:

وقتی که رژیم صهیونیستی حملات وحشیانه‌اش را به غزه شروع کرد، هوا سرد نبود و بدون لباس کافی یا با لباس‌های تابستانی مجبور به ترک خانه‌هایمان شدیم؛ اما پس از دو ماه از این حملات وحشیانه اکنون با سرمای هوا هم دست به گریبان شده‌ایم. سرمای هوا خواب را از چشمانم می‌گیرند، اما باوجود همه مشکلات همراه با دیگر فلسطینی‌ها در خاک خود می‌مانیم و تا آخرین نفس مقاومت می‌کنیم تا در غزه دفن شویم.^۴

۱. شبکه العالم، «حیات در حیا! روایت العالم از آنچه بر آوارگان در غزه می‌رود»، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، کد خبر: ۶۷۳۸۴۸۸

<https://fa.alalam.ir/news/6738488>.

۲. همان.

۳. همان.

۴. شبکه العالم، «شکوه کودک آواره غزه ز سرمای شدید: همچنان در خاک خود می‌مانیم»، ۱۴۰۲/۰۹/۲۲، کد خبر: ۶۷۶۷۲۹۸

<https://fa.alalam.ir/news/6767298>.

از دیگر نقش‌آفرینی‌های زنان غزه به‌ویژه مادران، آگاه‌سازی از جنگ‌های روانی از سوی رسانه‌های معاند است. برای مثال بسیاری از سیاستمداران آمریکایی مدام اخباری از نزدیک شدن زمان آتش‌بس منتشر می‌کنند؛ اما بنا بر گفته خبرنگار غزه، «این یک توطئه و جنگ روانی جدید علیه مردم اینجاست. انگار می‌خواهند بگویند تصمیم‌گیری فقط با اسرائیل است؛ درحالی‌که ما هدف سلاح‌های آمریکایی قرار می‌گیریم... پس واضح است که باج‌گیری انسانی بیشتری علیه مردم غزه انجام می‌شود.»^۱ مادران می‌باید برای تشخیص اطلاعات درست از نادرست، با فرزندان بسیار گفت‌وگو کنند تا آن‌ها از ترفندهای اسرائیل برای کاهش قدرت صبر و استقامت و نیز افزایش ناامیدی متوجه شوند.

نتیجه‌گیری

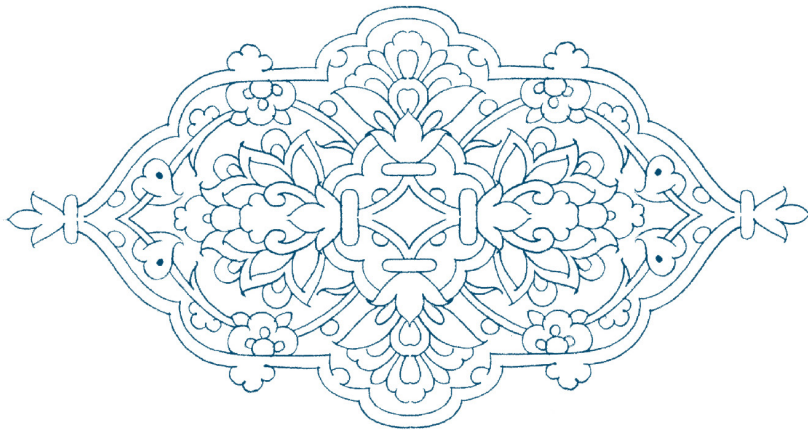
اگرچه دشمن با همه امکانات نظامی، اقتصادی، سیاسی و حمایت استکبار در جبهه حضور یافته است و گاهی شعار پیروزی سر می‌دهد، اما در حقیقت زنان و مردان غزه پیروز میدان هستند؛ زیرا مقابل ابرقدرت‌های نظامی چند ماه مقاومت کرده و ابهت نظامی دشمن را شکسته‌اند. مظلومیت زنان و کودکان غزه موجب شد افکار عمومی اسرائیل را ظالم و غاصب بدانند. این امر جز با نصرت الهی، اراده و حضور زنان و مردان غزه در یک جنگ نابرابر شکل نمی‌گرفت: **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾**^۲ «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.»

۱. شبکه العالم، «سران عرب... این‌ها بچه‌های غزه هستند، آسوده ما را تماشا کنید»، ۱۴۰۲/۰۸/۱۸، کد خبر: ۶۷۴۴۴۴۸.

<https://fa.alalam.ir/news/6744448>.

مقام معظم رهبری حفظه الله نیز مردم غزه را پیروز اعلام کرده است:

«آن که در میدان پیروز است، مردم غزه‌اند، مردم فلسطین‌اند. این‌ها توانستند کارهای بزرگی انجام بدهند: اولاً مردم غزه با صبر خودشان، با ایستادگی خودشان، با تسلیم نشدن خودشان نقاب دروغین حقوق بشر را از چهره آمریکا و فرانسه و انگلیس و امثال این‌ها کنار کشیدند، این‌ها را رسوا کردند. مردم غزه با صبر خودشان توانستند وجدان‌های بشری را به حرکت دریاورند.»^۱



۱. بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۴۰۲/۰۸/۱۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54271>.

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای رحمته الله علیه.
۲. پرتال امام خمینی رحمته الله علیه، «اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع»، ۱۳۹۷/۰۲/۲۹، کد خبر: ۱۷۰۳۹۸.
۳. جام جم آنلاین، «انتشار اولین تصاویر از کادر بانوان شاخه نظامی حماس»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۴، کد خبر: ۱۴۲۳۵۱۸.
۴. خبرگزاری فارس، «سازمان جهانی بهداشت در یک ماه اخیر درباره غزه چه واکنش هایی داشته است؟»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۳، کد خبر: ۱۴۰۲۰۸۱۶۰۰۰۸۴۳.
۵. خبرگزاری فارس، «فاجعه بمب و سرما بر سر ۱/۸ میلیون آواره در غزه»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۵، کد خبر: ۱۴۰۲۰۹۲۵۰۰۰۶۶۰.
۶. خبرگزاری فارس، «نقش کلیدی زنان فلسطینی در جنبش حماس»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۶، کد خبر: ۱۳۹۳۱۲۱۶۰۰۱۱۷۴.
۷. روزنامه جام جم، «ورود زنان غزه به حوزه عملیات های استشهادی»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۷، ش ۶۶۴۴.
۸. شبکه العالم، «پناهگاه امن کودکان غزه کجاست؟»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۳، کد خبر: ۶۷۳۳۸۱۸.
۹. شبکه العالم، «ویدئوی تکان دهنده بازی کودکان غزه بر روی خاک های گور دسته جمعی»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۶، کد خبر: ۶۷۵۳۷۱۸.
۱۰. شبکه العالم، «کودکان غزه از آرزوهای خود می گویند»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۲، کد خبر: ۶۷۳۲۹۵۸.
۱۱. شبکه العالم، «زن غزه ای فریاد می زند: مبارکتان باد اعراب! بخوابید و استراحت کنید»، ۱۴۰۲/۰۸/۱۱، کد خبر: ۶۷۳۹۳۷۳.
۱۲. شبکه العالم، «گزارش العالم از فروشگاه های تقریباً خالی غزه، با زیرنویس فارسی»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۰، کد خبر: ۶۷۴۵۳۲۸.
۱۳. شبکه العالم، «جنگ در غزه و راهکار عجیب مردم برای مبارزه با آن»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۶، کد خبر: ۶۷۴۳۰۸۸.
۱۴. شبکه العالم، «به رغم همه دردها و رنج ها، اولین مراسم عروسی در غزه»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۶، کد خبر: ۶۷۵۶۳۱۳.
۱۵. شبکه العالم، «خبرنگار العالم بعد از شهادت عضو خانواده اش: به رسالتم ادامه می دهم»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۹، کد خبر: ۶۷۵۱۶۳۳.
۱۶. شبکه العالم، «آخرین ویدئوی خبرنگار زن فلسطینی قبل از شهادت»، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، کد خبر: ۶۷۵۱۹۱۳.
۱۷. شبکه العالم، «حیات در حیاط! روایت العالم از آنچه بر آوارگان در غزه می رود»، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، کد خبر: ۶۷۳۸۴۸۸.



۱۸. شبکه العالم، «شکوه کودک آواره غزه از سرمای شدید: همچنان در خاک خود می مانیم»، ۱۴۰۲/۰۹/۲۲، کد خبر: ۶۷۶۷۲۹۸.

۱۹. شبکه العالم، «سران عرب... این ها بچه های غزه هستند، آسوده ما را تماشا کنید»، ۱۴۰۲/۰۸/۱۸، کد خبر: ۶۷۴۴۴۴۸.

۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

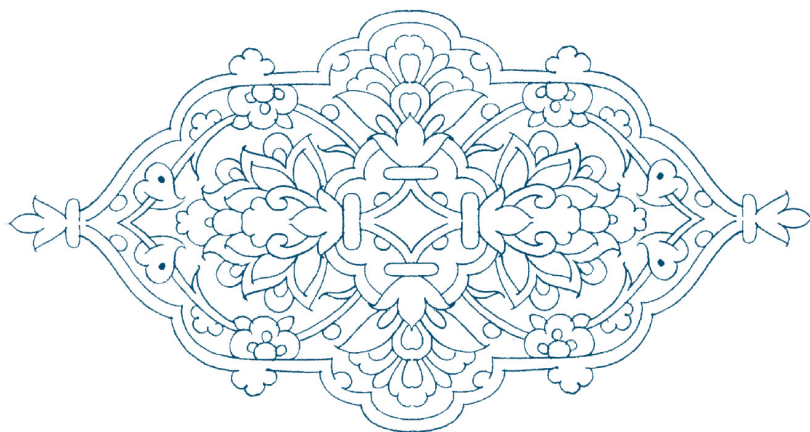
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۲۳. فرمی یاف، سید حسین و کمال خواجه پور و ابوالقاسم عاصی، «ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات»، سیاست دفاعی.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۲۵. موسوی، سید علی اصغر، فاطمه علیها السلام مادر تمام خوبی ها، مازندران: هاوژین، ۱۳۹۴ ش.

۲۶. وکیلی، الهه، «اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴ ش.



شیوه بصیرت آفرینی و هدایت بخشی در سیره حضرت زهرا علیها السلام (۱)

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا زنگونی

اشاره

کمتر انسانی را می توان یافت که در غبار فتنه بتواند موقعیت خود را تشخیص دهد و راه خود را بیابد. تنها انسان هایی می توانند در درون غبار فتنه راه خویش را بیابند که از نور الهی بهره مند باشند و پیش از ورود به فتنه، خود را به چراغ بصیرت الهی تجهیز کرده باشند. حضرت زهرا علیها السلام که پرده های ظواهر دنیایی از پیش چشمانش کنار رفته و به سبب کشف الغطاء، ملکوت هر چیزی را می بیند، در مواجهه با مردم با تذکرات روشنگرانه و بیانات بصیرت آفرین خود، عده ای را که به خاطر تبلیغات سوء دشمنان و عدم آگاهی، قدم در وادی فتنه گذاشته و از خط ولایت و امامت فاصله گرفته اند، به بصیرت و آگاهی دعوت می کند. حتی تا مرحله درخواست یاری و طلب کمک از مردم هم پیش می رود: «يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ انْصُرُوا اللَّهَ وَابْنَةَ نَبِيِّكُمْ وَقَدْ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ بَايَعْتُمُوهُ أَنْ تَمْنَعُوهُ وَذُرِّيَّتَهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَذُرَارِكُمْ فَفُوا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَعْتِكُمْ؛ ای جماعت مهاجرین و انصار، خدا و دختر پیامبرتان را یاری کنید. به تحقیق شما با رسول خدا بیعت کرده اید که از پیامبر و فرزندانش دفاع کنید، همان گونه که از خود و فرزندان خودتان دفاع می کنید. پس بر بیعت خود با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استوار بمانید.»

با بررسی سخن و سیره بصیرت آفرین حضرت زهرا (ع.ا.س) درمی یابیم که حضرت در مواجهه با مردم، تذکرات روشنگرانه خویش را با روایتگری درست، پاسخ به شبهات، تحلیل و تبیین و... آن هم به بهترین شیوه ارائه فرمودند. در ادامه به اتخاذ این شیوه ها اشاره می کنیم.

البته شیوه بصیرت آفرینی و هدایت بخشی در سیره حضرت زهرا (ع.ا.س) در مواجهه با مردم با شیوه ایشان در مواجهه با حاکمیت سیاسی و احزاب و گروه ها متفاوت است. با دقت در سیره آن حضرت می توانیم تذکرات روشنگرانه ایشان را در مواجهه با مردم در روش های زیر اشاره کنیم:

الف) روش روایتگری و تذکر

آن بانوی بزرگوار در اولین گام تذکرات روشنگر و بصیرت آفرین خود در مواجهه با مردم، به روایتگری و تذکر اکتفا کردند و با سخنان تبیین کننده خود، عده ای را که به خاطر تبلیغات سوء دشمنان و ناآگاهی، قدم در بیراهه گذاشته اند، دعوت به بازگشت می کنند. در روایتگری و تذکر، چند موضوع اولویت حضرت زهرا (ع.ا.س) مرضیه بود که به آن ها اشاره می کنیم:

۱. بیان فضایل امام (ع.ا.س)

بیان فضایل امام جامعه یکی از موضوعاتی است که حضرت فاطمه (ع.ا.س) در مواجهه با مردم آن را وظیفه دینی و الهی خود می دانستند.

ایشان در برابر یکی از افراد نادان مدینه که خفاش صفت در برابر آفتاب وجود امام (ع.ا.س)، زبان به سرزنش گشوده بود فرمودند: «وَهُوَ الْإِمَامُ الرَّبَّانِيُّ وَالْهَيْكَلُ التَّوْرَانِيُّ، قُطْبُ الْأَقْطَابِ وَ سَلَالَةُ الْأَطْيَابِ النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ وَأَبُو بَنِيهِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ هُمَا رِيحَانَتِي رَسُولِ اللَّهِ وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛^۱ علی (ع.ا.س) امامی ربانی و الهی و هیکلی نورانی و مرکز توجه تمام عارفان و خداپرستان و فرزندی از

۱. دشتی، نهج الحیاة، ص ۴۴، ح ۲۰.



خاندان پاکان، و نقطه دایره امامت و محور اصلی امامت، و پدر حسن و حسین علیهما السلام، دو دسته گل پیامبر صلی الله علیه و آله و دو بزرگ و سرور جوانان اهل بهشت است.»

همچنین در بیان شایستگی ایشان می فرمایند: «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَظْفَأَهَا اللَّهُ أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَّتْ فَاعِرَةُ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكُفِي حَتَّى يَطَّأ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَيُخَمِّدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ. مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً نَاصِحاً مُجِدِّداً كَادِحاً، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةِ مِنَ الْعَيْشِ؛^۱ [پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله] هرگاه مشرکان آتش جنگ برافروختند، خدا خاموش کرد، یا هرگاه شاخ شیطان سر برآورد، یا ازدهایی از مشرکان، دهان باز کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برادرش علی بن ابی طالب علیه السلام را در کام ازدها و شعله های فتنه ها افکند و علی علیه السلام هم باز نمی گشت مگر آنکه سرکشان را پایمال شجاعت خود می گردانید و آتش آن ها را با آب شمشیرش خاموش می کرد. علی علیه السلام فرسوده از تلاش فراوان در راه خدا، کوششگر خستگی ناپذیر در امر خدا، نزدیک و خویشاوند رسول خدا صلی الله علیه و آله، سید و بزرگی از اولیای خدا، همواره دامن به کمر زده، نصیحت کننده و تلاش کننده در راه خداست، که در راه خدا از سرزنش کنندگان پروایی نداشت؛ در همان روزهایی که شما مردم در رفاه و آسایش بودید.»

و همچنین فرمود: «أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ يَقِيمَانِ أَوْدَهُمُ وَيَنْقِذَانِهِمُ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا وَيَبْخَانِهِمُ التَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَافَقُوهُمَا؛^۲ محمد و علی علیهما السلام دو پدر این امت هستند. کجی ها را راست و انحرافات را اصلاح می کنند. اگر مردم اطاعتشان کنند، این دو آن ها را از عذاب جاویدان نجات می دهند و اگر مردم موافق و همراهشان باشند، این دو، نعمت های پایدار خداوندی را ارزانی شان می دارند.»

سپس فرمود: «أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ؛^۳ همانا سعادت مند [به معنای] کامل و حقیقی، کسی است که امام علی علیه السلام را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد.»

۱. همان، ص ۴۶، ح ۲۱.
۲. همان، ص ۳۶، ح ۱۵.
۳. همان، ص ۴۹، ح ۲۶.



یکی از درس‌هایی که امروز ما می‌توانیم از این روشنگری حضرت زهرا علیها السلام بگیریم و الگوی خویش قرار دهیم، همین نکته ظریف است که فضایل امام جامعه در جامعه باید بیان و تبیین شود.

درود خداوند متعال بر روح مطهر و عظیم الشان حضرت امام خمینی رحمته الله که با عملیاتی نمودن اصل مرقی ولایت فقیه توانستند پایه حکومت جدّ بزرگوارشان، مولی الموحدين حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در این کشور بنیان گذارند که در سخت‌ترین بحران‌های اجتماعی توانستیم به سلامت گذر کنیم. نزدیک‌ترین نمونه بسیار روشنش روزهای پس از شهادت حضرت آیت‌الله رئیسی رحمته الله بود. کشور روز پس از شهادت این عزیز نه رئیس جمهوری داشت و نه رئیس مجلس خبرگان مشخص شده بود. مجلس شورای اسلامی جدید هم هنوز شروع به کار نکرده بود؛ ولی رهبر حکیم انقلاب رحمته الله به خوبی و با حکمت و درایتی که تفضل الهی به ایشان است، به سلامت کشور را از این بحران عبور دادند. آری، دنیا بعد از معصومین علیهم السلام و حضرت امام رحمته الله چنین رهبری به خود ندیده است.

برگرفته از سیره حضرت زهرا علیها السلام باید گفت یکی از مهم‌ترین وظایف مبلغان دین بیان فضایل امام عادل جامعه است؛ چرا که در هر زمینه‌ای که دست می‌گذاریم، می‌بینیم این شخص سرآمد و فوق‌العاده است.

جای بسی شکر و سپاس است وقتی می‌خوانیم که روزی در این کشور پادشاهی بی‌سواد به نام رضاشاه حکومت می‌کرده که طی نامه‌ای به صادق خان نایب، گلایه‌هایی را از او مطرح می‌کند که در آن نامه کوتاه نصف صفحه‌ای نوزده غلط املایی وجود دارد اما امروز رهبری داریم که در علم فقه و اصول سرآمد دوران خویش است.

مرحوم آیت‌الله شاهرودی می‌فرمودند: «بنده مدت‌هاست در خدمت مقام معظم رهبری رحمته الله در بحث‌های فقهی مفصل و بسیار سختی که در مسائل مستحدثه و محل ابتلای نظام انجام می‌گیرد، حاضر بوده‌ام. معمولاً در این مسائل مستحدثه که فقها هم بحثی را ارائه نداده‌اند یا کمتر ارائه داده‌اند، آن قابلیت‌ها و ویژگی‌های اجتهادی یک مجتهد مطلق، مشخص و نمایان می‌شود؛ و الا بحث‌هایی را که همه

مطرح کرده‌اند و در جواهر، عروه و شروح عروه و کتاب‌های دیگر هست، هر کسی می‌تواند مطالعه کرده و تقریر کند. به نظر من اجتهاد و فقاہت در آن موارد خیلی جلوه‌گر نیست و دقت نظر و فقاہت یک فقیه آنجا بیشتر مشخص می‌شود که خودش مسئله‌ای را بررسی کند که گذشتگان خیلی بحث نکرده باشند؛ خودش برود منابع را پیدا کند، قواعد لازم فقهی را پیدا کند و بر آن مسئله تطبیق دهد و اشکالات وارده را جواب دهد. من شاهد بودم و فضلا و بزرگان دیگری هم شاهد بودند و از آن‌ها هم شنیدم که در بعضی از این نوشتارها شهادت‌هایی را داده‌اند. ایشان در آن جلسه واقعاََ مانند یک مجتهد مطلق وارد می‌شوند.^۱

آیا در تاریخ معاصر می‌توان رهبرانی شجاع‌تر از رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حفظه الله یافت؟ هنگامی که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی رحمته الله به شهادت رسید، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، پیامی منتشر و اعلام کرد در صورت انتقام‌جویی ایران، ایالات متحده ۵۲ نقطه از خاک ایران را با خاک یکسان خواهد کرد. این تهدید به وضوح حاکی از آن بود که اولین هدف این حملات، بیت رهبری ایران خواهد بود. در شرایطی که به دلیل اهمیت امنیتی طبیعی است که رهبر انقلاب حفظه الله باید محل اقامت خود را ترک کند، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله نه تنها از چنین اقدامی خودداری کردند، بلکه سخنرانی خود را در جمع مردم قم، که در آن زمان در اوج تنش‌های امنیتی بود، به تأخیر نینداختند. این اقدام نه تنها نشان از قدرت روحی و اراده رهبری داشت، بلکه بیانگر پیام شجاعانه‌ای به تمام جهان بود. برای اولین بار سخنرانی ایشان به طور زنده از شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش شد که این خود بیانگر تلاشی مؤثر برای ارسال پیامی قوی به جهان بود: «من در اینجا نشسته‌ام. اگر جرئت دارید، بزنید!» این اقدام نشان از عزمی راسخ در برابر تهدیدات جهانی داشت و به نوعی به کشورهای بزرگ و ابرقدرت‌ها اعلام کرد که حتی در شرایط دشوار و بحران‌های امنیتی نیز رهبری ایران از اصول خود عدول نمی‌کند.

۱. در این لینک نظرات سایر علما نیز درج شده است: <https://smhi.ir/index.php/library/book/item>.

در روزی از روزها، این سرزمین شاهد رویدادی تاریخی بود: در ۶ آذر ۱۳۲۲، رؤسای جمهور سه کشور پیروز جنگ جهانی دوم، در یک حرکت تحقیرکننده‌ای، بدون اطلاع دولت وقت ایران وارد خاک این کشور شدند و یکی از کنفرانس‌های چندگانه‌شان را در سفارت شوروی در تهران برگزار کردند. در این کنفرانس چهارروزه «فرانکلین دلانو روزولت»، رئیس جمهور آمریکا، «وینستون چرچیل»، نخست وزیر انگلیس، و «ژوزف استالین»، رهبر اتحاد جماهیر شوروی، حضور داشتند. آن دوران تمام شد. چهل سال از انقلاب گذشت. فرستاده ویژه ترامپ، آبه شینزو، به ایران آمد. حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی رحمته الله علیه در دیدار آقای آبه شینزو، نخست وزیر ژاپن، و هیئت همراه تأکید کردند: جمهوری اسلامی ایران هیچ اعتمادی به آمریکا ندارد و تجربه تلخ مذاکرات قبلی با آمریکا در چارچوب برجام را به هیچ وجه تکرار نخواهد کرد؛ زیرا هیچ ملت آزاده و عاقلی مذاکره تحت فشار را نمی پذیرد. در ابتدای این دیدار آقای آبه شینزو، نخست وزیر ژاپن، خطاب به مقام معظم رهبری رحمته الله علیه گفت: من قصد دارم پیام رئیس جمهور آمریکا را به جناب عالی برسانم. رهبر انقلاب اسلامی رحمته الله علیه خطاب به نخست وزیر ژاپن فرمودند: «ما در حسن نیت و جدی بودن شما تردیدی نداریم؛ اما در خصوص آنچه از رئیس جمهور آمریکا نقل کردید، من شخص ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی دانم و هیچ پاسخی هم به او ندارم و نخواهم داد. وقتی شینزو بیرون می آید، این جریان را توییت می کند. یکی از فعالان ژاپن ذیل توییت آبه شینزو جمله‌ای می نویسد: رهبر ایران کسی است که ژاپن همیشه از داشتن آن محروم بوده است. رهبر ایران رشک برانگیز است.»^۱

بنابراین درس‌های حضرت زهرا علیها السلام، به ویژه در زمینه تبیین فضایل امام جامعه، نه تنها برای آن زمان بلکه برای امروز نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایشان با شجاعت و استقامت، به بیان حقیقت پرداختند و از هیچ چیز برای دفاع از حق امام علی علیه السلام دریغ نکردند. امروز نیز وظیفه ماست که با پیروی از روش ایشان، فضایل امام جامعه را تبیین کنیم و به مردم یادآور شویم که هدایت و رهبری تنها از این مسیر می گذرد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در دیدار با نخست وزیر ژاپن، ۱۳۹۸/۳/۲۳.

در بیان این فضایل حقایقی به جامعه تبیین می‌شود و با بیان این رفتارهای ضدونقیض، حق روشن می‌شود.

۲. بیان لزوم اطاعت از قرآن و اهل بیت علیهم السلام

یکی دیگر از موضوعات مطرح شده در تذکرات روشنگر و بصیرت‌آفرین حضرت زهرا علیها السلام در مواجهه با مردم، با قالب روایتگری و تذکر، بیان لزوم اطاعت قرآن و مفسران ناطق آن کتاب صامت یعنی معصومان علیهم السلام است.

حضرت زهرا علیها السلام در بسیاری از سخنان خود به طور مستقیم به لزوم پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام تأکید کردند. در این بخش، شاهد مثال‌هایی ذکر می‌شود تا شواهد بیشتری از اهمیت این موضوع در کلام حضرت زهرا علیها السلام به دست آید.

در خطبه فدکیه، حضرت زهرا علیها السلام پس از آنکه حق خود در فدک را بیان کردند، به مردم یادآوری می‌کنند که اهل بیت علیهم السلام از سوی خداوند برای هدایت جامعه منصوب شده‌اند و پیروی از آن‌ها در حقیقت پیروی از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله است. بخش‌هایی از این خطبه که به وضوح پیوند قرآن و اهل بیت علیهم السلام را نشان می‌دهد، به این شرح است: «وَعَلَّمَنَا اللَّهُ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ وَ فَصَّلَ لَنَا تَأْوِيلَهُ وَ أَمَرَنَا بِمَدَارَسَتِهِ لَيْلًا وَ نَهَارًا وَ فَجَّرَ عَلَيْنَا مَعَانِيَهُ وَ فَسَّرَ لَنَا بَيَانَهُ»^۱

در این عبارت، حضرت زهرا علیها السلام به روشنی به نقش اهل بیت علیهم السلام در درک و تفسیر قرآن اشاره و تأکید دارند قرآن و اهل بیت علیهم السلام به طور مستقیم در کنار یکدیگر قرار دارند. حضرت زهرا علیها السلام به مردم می‌فرمایند که برای فهم درست قرآن باید از اهل بیت علیهم السلام پیروی کنند؛ چراکه آن‌ها مجریان واقعی قرآن و فهم آن هستند.

همچنین می‌فرمایند: «إِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ أَهْلُ رَحْمَةٍ وَ نُورٍ وَ فَضْلٍ وَ أَمَرَنَا اللَّهُ أَنْ نُحِبَّ الْقُرْآنَ وَ نَعْمَلَ بِهِ وَ يَطَاعُ فِيهِ»^۲

۱. طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲.

در این جمله، حضرت زهرا (ع) به طور مستقیم به مردم یادآوری می‌کنند که اهل بیت (ع) به عنوان خاندان رحمت و نور، موظف به محبت و عمل به قرآن هستند. این اشاره نشان‌دهنده آن است که اطاعت از اهل بیت (ع)، اطاعت از قرآن است و هر کسی که اهل بیت (ع) را اطاعت کند، در حقیقت در مسیر قرآن حرکت می‌کند.

حضرت زهرا (ع) در سخنان خود همواره بر ارتباط تنگاتنگ قرآن و اهل بیت (ع) تأکید کرده‌اند. این ارتباط در کلام حضرت زهرا (ع) به عنوان یک اصل هدایت و رستگاری برای مسلمانان مطرح است. پیروی از اهل بیت (ع) در حقیقت پیروی از قرآن است؛ چراکه اهل بیت (ع) به عنوان تفسیرگر و مجری واقعی قرآن، در مسیر هدایت امت اسلامی قرار دارند. حضرت زهرا (ع) با این تأکیدات خود، همواره مسلمانان را به اطاعت از قرآن و اهل بیت (ع) فرامی‌خواندند تا از هر گونه انحرافی در دین و جامعه جلوگیری کنند.

این تأکیدات نشان‌دهنده جایگاه ویژه قرآن و اهل بیت (ع) در زندگی مسلمانان است و اهمیت پیروی از آن‌ها را برای رسیدن به رستگاری و هدایت اسلامی بیشتر نمایان می‌کند.

آن حضرت می‌فرمودند: «وَنَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ وَمَحَلُّ قُدْسِهِ وَنَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ»^۱ ما اهل بیت رسول خدا (ص) وسیله ارتباط خدا با مخلوقاتیم و ما برگزیدگان خدا و جایگاه پاکی‌هاییم و ما دلیل‌های روشن خدا و وارثان پیامبران الهی هستیم.»

همچنین ایشان می‌فرمودند: «... وَمَعَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَالْضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةُ سَرَائِرِهِ، مُتَجَلِّيةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُعْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ آتِيَاغُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ إِسْمَاعُهُ، بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ، وَعَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَمَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَةُ، وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَرُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ»^۲ ... و کتاب ناطق خدا با ما اهل بیت (ع) است و قرآن راست‌گو و نور فروزان و شعاع درخشان، که بیان و استدلال‌هایش روشن و اسرار

۱. العروسی الحویزی، عبدعلی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۲۶؛ دشتی، نهج الحیاء، ص ۳۵، ح ۱۳.
۲. همان.



و باطنش آشکار است. ظاهرش جلوه‌گر است و پیروانش زبانزد جهانیان. پیروی از قرآن، انسان را به بهشت می‌رساند و سخن شنوی از آن به نجات می‌انجامد. به وسیله قرآن به حجت‌های نورانی خدا و واجبات تفسیر شده و محرمات نهی شده و استدلال‌های جلوه‌گر و براهین کامل هدایت‌گر و فضایل پسندیده و مستحبات بخشوده و قوانین و آیین واجب شده پروردگار می‌توان راه یافت.»

حضرتش یادآور می‌شوند: شنیدم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «... عَلَيَّ خَيْرٌ مَنْ أَخْلَفَهُ فِيكُمْ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ سِبْطَايَ وَ تِسْعَةُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أئِمَّةُ أَهْلِ بَرٍّ لَنْ أَتَّبِعُهُمْ وَ جَدُّهُمْ هَادِيْنَ مَهْدِيْنَ وَلَنْ خَالَفْتُمُوهُمْ لِيَكُونَ الْإِخْتِلَافُ فِيكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۱ علی علیه السلام بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم (حسن و حسین علیه السلام) و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام پیشوایان و امامانی پاک و نیک‌اند. اگر از آن‌ها اطاعت کنید، شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد.»

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: حضرت فاطمه علیها السلام از امت ساکت و بی تفاوت و از ابوبکر و عمر نزد پروردگار خود شکوه‌ها مطرح می‌کرد و درحالی‌که اشک‌هایش جاری بود، می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبِيكَ وَ رَسُولُكَ وَ صَفِيكَ وَ اِزْدَادَ أُمَّتِهِ عَلَيْنَا وَ مَنَعَهُمْ إِيَّانَا حَقًّا الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ؛^۲ پروردگارا، به سوی تو شکایت می‌کنیم در اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده‌ات و از ارتداد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و اینکه حق ما را از ما بازداشتند؛ همان حق [ولایت و رهبری] را که در قرآن کریم، که خود بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل فرموده‌ای، قرار داده‌ای.»

پس از آنکه برای ابوبکر بیعت گرفتند و مردم سکوت و انزوا را برگزیدند، حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ قُطِّ حَضْرُوا أَسْوَأَ مَحْضَرٍ وَ تَرَكُوا نَبِيَّهُمْ صلی الله علیه و آله حِنَازَةً بَيْنَ أَظْهَرِنَا وَ اسْتَبَدُّوا بِالْأَمْرِ دُونَنَا؛^۳ من هرگز روزی همانند امروز ندیدم که امت اسلامی

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۱۳، ح ۱۱۶.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۳۳.



زشت ترین صحنه ها را پدید آوردند: جنازه رسول خدا ﷺ را در برابر ما وا گذاشتند و خودسرانه و مستبدانه دیگران را به جای ما نشانندند.»

لزوم اطاعت از قرآن و اهل بیت علیهم السلام در عمل خود را نشان می دهد و نه در شعار. خداوند در آیات متعددی از قرآن به همراه ایمان، عمل صالح را مطرح کرده است: «آمِنُوا وَعَمِلُوا». یعنی ایمان بدون عمل کارساز نیست. مبلغ اگر بخواهد بگوید و عمل نکند، نه تنها در مردم اثر مثبت نخواهد گذاشت، بلکه اثرات مخرب و منفی در پی خواهد داشت. قرآن در انتقاد از چنین افرادی می فرماید: «تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ ثُلُوفُ الْكِتَابِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟»^۱ «آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید و خودتان را فراموش می کنید با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می خوانید؟! آیا هیچ فکر و اندیشه نمی کنید؟!»

۳. یادآوری تغافل ها

یکی دیگر از موضوعات بسیار مهم و مطرح شده در تذکرات روشننگر و بصیرت آفرین حضرت زهرا علیها السلام در مواجهه با مردم با قالب روایتگری و تذکر، یادآوری تغافل هاست. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام هر جا لازم بود، با یادآوری احادیث غدیر و منزلت و...، دل های خفته و انسان های فراموش کار فریب خورده را بیدار می کردند و می فرمودند: «وَأَعْجَبَاهُ! أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ؟»^۲ شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟!»

در جای دیگر فرمود:

«أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ وَقَوْلُهُ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»^۳ آیا فراموش کردید سخنان رسول خدا ﷺ را در روز غدیر خم که فرمود: هر کس من مولا و رهبر اویم، علی علیهما السلام مولاى اوست! و [آیا فراموش کردید که به علی علیهما السلام] فرمود: ای علی، موقعیت تو نسبت به من همانند هارون به موسی است!

۱. بقره، ۴۴.

۲. بحرانی، الانصاف فی النص علی الأئمة علیهم السلام، ص ۴۱۱.

۳. دشتی، نهج الحیاة، ص ۴۱، ح ۱۷.



روزگاری که امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دست کفر و شرک و نفاق به انزوا کشاند، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در میان مهاجر و انصار، سوابق مبارزاتی فراموش شده امیرالمؤمنین علیه السلام را یک به یک برمی شمرد و با تذکرات خویش فراموش شده ها را یادآوری می فرمود تا حجت را بر مردم تمام کند.

همان گونه که سابق هم این روایت را در ذیل عنوان «بیان فضایل امام علیه السلام» آوردیم، مجدد این روایت را از این زاویه بازخوانی می کنیم: «قالت علیها السلام: كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ أَوْ نَحِمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعَرَتْ فَاعِرَةُ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكُفِي حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ وَيُخِمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ. مَكَدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُشِيرًا نَاصِحًا مُجِدِّدًا كَادِحًا لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةِ مِنَ الْعَيْشِ؛» حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه مشرکین آتش جنگ برافروختند، خدا آن را خاموش کرد و هرگاه شیطان سر برداشت یا مشرکی ندا می داد تا یورش بیاورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در کام سختی ها و شعله ها می انداخت، و علی علیه السلام بر جای نشست تا بر سر و مغز مخالفان کوبید و با شمشیر مشکلات و تهاجمات را از سر راه اسلام برداشت. علی علیه السلام برای خدا این رنج ها را تحمل و در تحقق فرمان های الهی تلاش کرد. یار نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگ و سرور دوستان خدا بود. همواره دامن همت به کمر می زد و نصیحتگر و تلاشگر و کوشا بود و در راه خدا از سرزنش سرزنش کننده ای بیم به خود راه نداد در آن روزهایی که شما مردم در رفاه و آسایش آرمیده بودید.»

۴. ترسیم سیمای عرب قبل از انقلاب نبوی صلی الله علیه و آله

از دیگر موضوعات بسیار مهم و مطرح شده در تذکرات روشننگر و بصیرت آفرین حضرت زهرا علیها السلام در مواجهه با مردم با قالب روایتگری و تذکر، ترسیم سیمای عرب جاهلی قبل از اسلام است. آن حضرت فرمودند: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ مُدَقَّةَ الشَّارِبِ وَنَهْرَةَ الظَّامِعِ وَقَبْسَةَ الْعَجْلَانِ وَمَوْطِئَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ وَتَقْتَاتُونَ الْوَرَقَ، أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله بَعْدَ اللَّتَا وَالتِّي وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالُ وَذُوبَانِ الْعَرَبِ وَمَرَدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ؛» شما در عصر جاهلیت بر

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳.

۲. همان.



کناره پرتگاهی از آتش بودید. چون جرعه آبی خوراک هر کس بودید و لقمه هر گرسنه‌ای، و آتش زنه‌ای بودید که فوری خاموش می‌شدید؛ لگدکوب هر رونده‌ای بودید و نوشیدنی شما آب گندیده و خوردنی شما پوست جانور و مردار بود. خوار و ذلیل بودید و رانده شده، و می‌ترسیدید مهاجران اطرافتان شما را بربایند! تا آنکه خدای بزرگ با دستان محمد ﷺ نجاتتان بخشید پس از حوادث فراوانی که پدید آمد و رنج‌ها و بلاهای زیادی که از دست شجاعان شما، گرگ‌های عرب، و از سرکشان اهل کتاب، کشید!

یکی از درس‌هایی که امروز ما می‌توانیم از این روشنگری حضرت زهرا (ع) برای جامعه اسلامی خویش بگیریم و الگو قرار دهیم، همین نکته ظریف است که مقام معظم رهبری (ع) نیز بر آن تأکید دارند: «چی بودیم و به برکت انقلاب اسلامی چی شدیم!» ایشان همچنین با الگوبرداری از همان سیره حضرت زهرا (ع) یکی از مهم‌ترین ثمرات اولیه انقلاب اسلامی را شکستن فضای دوقطبی دنیا می‌دانند که در بیانیه گام دوم به آن اشاره فرموده‌اند و دوقطب را شکست خورده یا در حال مواجهه با چالش شدید می‌دانند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد.» معظم له نتیجه شکست فضای دوقطبی را ایجاد تقابل دوگانه اسلام و استکبار می‌دانند و معتقدند: «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار، پدیده برجسته جهان معاصر و قانون توجه جهانیان شد.»

بنابراین انقلاب اسلامی ایران نه تنها در تحولات مهم ایران تأثیرگذار بوده، بلکه فراتر از مرزهای ایران، در سطح منطقه استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه و دیگر کشورهای اسلامی، تا دیگر نقاط جهان در غرب و شرق، دگرگونی‌های فکری و سیاسی پدید آورده و روابط و معادلات جهانی را متحول کرده است، تا جایی که به فرموده مقام معظم رهبری (ع)، «مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بستر راحت آرمیده را بیدار کرد»!

ادامه دارد...

شیوه بصیرت آفرینی و هدایت بخشی در سیره حضرت زهرا علیها السلام (۲)

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا زنگونی

اشاره

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ «و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راه های خود را به آنان می نمایانیم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.»

بر پایه رهنمودهای انبیا و اوصیای الهی، مواجهه با مردم به مجاهدت علمی و عملی نیاز دارد؛ چراکه تفکر، تعقل، تعلّم، اعتبار و... که لازمه مجاهدات علمی است و پرهیزگاری، یاد خدا، اخلاص، زهد و... که لازمه مجاهدت عملی برای مواجهه با مردم است، در این آیه شریفه جمع شده اند.

سیره حضرت زهرا علیها السلام توأم با بصیرت و بینش و منطبق بر آیه کریمه مذکور است؛ چرا که او شاگرد مکتب قرآن بوده، در محضر پدرش به درس نشسته و در خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام و در سایه هم گامی با ایشان تقویت شده است. او برتر از هزاران مرد قدرتمند، بیرق باورهای تابناک آسمانی و علم پیکار با سران فتنه و ظلم را بر دوش گذاشت تا هدایت نبوی صلی الله علیه و آله و سعادت علوی علیه السلام را پاس بدارد و به گوش آیندگان برساند.

در مقاله قبل با دقت در سیره حضرت زهرا، (ع)، به تذکرات روشنگرانه ایشان در مواجهه با مردم، به روش روایتگری و تذکر اشاره کردیم. در این مقاله به روش پاسخ به شبهات برای مردم اشاره می کنیم:

ب) روش پاسخ به شبهات

حضرت زهرا (ع) تلاش وافری برای تبیین و روشننگری معارف، به ویژه با روش پاسخ به شبهات داشتند. بنابراین حضرت زهرا (ع) دومین گام تذکرات روشننگر و بصیرت آفرین خود در مواجهه با مردم را در قالب روش پاسخ به شبهات برداشتند. توطئه های فکری دشمن و سموم زهرآلود شبهات اگر با پاسخی دندان شکن همراه نبود، پیکر نیمه جان تشیع و بلکه کل اسلام را تشییع و آن را در زیر خروارها خاک دفن می کرد. به نمونه هایی از این شبهات و پاسخ های حضرت زهرا (ع) اشاره می کنیم:

۱. چرا سکوت؟!

محمود بن لبید می گوید: «پس از رحلت پیامبر (ص)، فاطمه (ع) را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمردم و سؤال کردم: ... بانوی من! چرا امام علی (ع) سکوت کرد و حق خود را نگرفت؟ حضرت زهرا (ع) پاسخ دادند: رسول خدا (ص) فرمودند: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكُعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي...؛ مَثَلِ امام مثل کعبه است: مردم باید در اطرافش طواف کنند، نه آنکه کعبه دور مردم طواف کند.»

در این مطلب که توسط محمود بن لبید نقل شده است، شاهد گفت و گویی عمیق و تأمل برانگیز میان حضرت زهرا (ع) و یکی از شخصیت های تاریخ اسلام هستیم. این سخن به طور ویژه در اشاره به موضوع سکوت امام علی (ع) و عدم اقدام ایشان در دفاع از حق خود پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) مطرح می شود.

پاسخ حضرت زهرا علیہا السلام می تواند چندین جنبه مهم را به تصویر بکشد، که در ادامه آن ها را بررسی می کنیم:

۱. نماد کعبه و جایگاه امام علی علیه السلام: در این سخن حضرت زهرا علیہا السلام، امام علی علیه السلام کعبه ای معرفی می شود که باید به سایش روی آورد، نه اینکه او به دنبال مردم حرکت کند. این نماد بسیار عمیق است و نشان دهنده ویژگی های خاص امام علی علیه السلام به عنوان پیشوای جامعه اسلامی است. کعبه در فرهنگ اسلامی نه تنها یک مکان مقدس برای نماز و عبادت است، بلکه نماد توحید و مرکز توجه مسلمانان است و هیچ کسی نمی تواند به سایش حرکت کند مگر اینکه از او درخواست کنند. حضرت زهرا علیہا السلام با این قیاس می خواهند به محمود بن لبید و دیگران یادآوری کنند که امام علی علیه السلام به عنوان ولی الله و امام نباید به دنبال مردم حرکت کند؛ بلکه مردم باید از او پیروی کنند و در اطراف او طواف کنند.

۲. سکوت امام علی علیه السلام و مفهوم شجاعت: این عبارت حضرت زهرا علیہا السلام همچنین به نوعی بیانگر فلسفه سکوت امام علی علیه السلام در آن دوران است. حضرت علی علیه السلام در شرایطی که حقش را گرفتند، تصمیم گرفت که به جای مقابله مستقیم، صبر و سکوت اختیار کند. این سکوت شاید به طور خاص، نماد قدرت و شجاعت در برابر دشواری های غیرقابل تغییر بود؛ چراکه حضرت همیشه در جنگ های مختلف با شجاعت و قاطعیت وارد میدان می شد، اما در این مقطع زمانی، به ویژه بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، وقتی به وضوح حق خود را غصب شده می دید، سکوت را به عنوان یک استراتژی انتخاب کرد. این سکوت نه از ضعف بلکه از استراتژی بلندمدت بود. امام علی علیه السلام می خواست نشان دهد که مسئله خلافت و رهبری اسلام باید بر اساس اصولی الهی و نه دنیوی باشد. بنابراین هر گونه اقدام عجولانه و تند را نپذیرفت؛ بلکه به جای آن با اندیشه و تدبیر به پیگیری حقوق خود پرداخت.

۳. هدف حضرت زهرا علیہا السلام از بیان این سخن: حضرت زهرا علیہا السلام در این گفت و گو نه تنها دلیل سکوت امام علی علیه السلام را توضیح می دهند، بلکه در تلاش اند نگاه های نادرست و شک برانگیز نسبت به رفتار امام علی علیه السلام را اصلاح کنند. بسیاری از افراد پس از فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دنبال این بودند که امام علی علیه السلام را به دلیل سکوت

در برابر ظلم‌ها مورد انتقاد قرار دهند. حضرت زهرا (ع) در اینجا در تلاش هستند بیان کنند که این سکوت نه به خاطر ترس یا ضعف بلکه به دلیل درک عمیق امام علی (ع) از جایگاه واقعی خلافت و امام در جامعه اسلامی بوده است.

۴. تأثیر کعبه و امام در جامعه اسلامی: این قیاس که حضرت زهرا (ع) برای امام علی (ع) به کار می‌برند، به شدت بر اهمیت جایگاه امام علی (ع) در جامعه اسلامی تأکید دارد: درست همان‌طور که مسلمانان از سرتاسر دنیا به سوی کعبه می‌روند و آن را هدف خود قرار می‌دهند، امام علی (ع) نیز باید به عنوان مرجع اصلی هدایت در جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد. حضرت زهرا (ع) با این سخن می‌خواهند نشان دهند که هیچ‌کسی نمی‌تواند امام را به دنبال خود بکشد؛ بلکه امام باید در مرکز توجه و طواف مردم قرار گیرد.

این حدیث و گفت‌وگوی حضرت زهرا (ع) با محمود بن لبید، نمایانگر فلسفه سکوت امام علی (ع) پس از پیامبر اسلام (ص) است. حضرت در اینجا با تشبیه امام به کعبه، به عمق و جایگاه واقعی امام در جامعه اسلامی اشاره دارند و نشان می‌دهند که امام جامعه در برابر ظلم و فشارهای دنیوی واکنش‌های سطحی و زودگذر نشان نمی‌دهد؛ بلکه با استراتژی بلندمدت و صبر، مسیر واقعی هدایت را حفظ می‌کند.

۲. چرا تأخیر؟

حضرت زهرا (ع) در جواب بهانه جویانی که تأخیر امیرالمؤمنین (ع) در مطالبه حق امامت و خلافت را زمینه‌ساز انحرافات می‌دانستند فرمود: «فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ خُمٍّ مِنْ حُجَّةٍ وَلَا عُذْرٍ^۱ خداوند پس از غدیر خم، برای هیچ‌کس عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشته است.»

حضرت زهرا (ع) که در این دوران به شدت از رفتارهای سیاسی و اجتماعی مسلمانان ناراحت و نگران بودند، در پاسخ به کسانی که می‌پرسیدند چرا امام علی (ع) در برابر این انحرافات و غصب خلافت سکوت کردند، به یکی از دلایل اصلی این انحرافات اشاره می‌کنند.

۱. دشتی، نهج الحیاء، ص ۵۲، ح ۱۸.

این جمله به روشنی نشان می‌دهد که بعد از واقعه غدیر، هیچ‌کسی نمی‌تواند بهانه‌ای برای نپذیرفتن مقام امامت امام علی علیه السلام داشته باشد. حضرت این سخن را با هدف تأکید بر روشن بودن مسئله خلافت و امامت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می‌کنند، به ویژه در شرایطی که برخی افراد می‌خواستند با بهانه جویی و تعلل، از پذیرفتن حق امام علی علیه السلام خودداری کنند.

حضرت با این کلام خود اعلام می‌کنند که هیچ‌کسی نمی‌تواند ادعا کند که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده نشده یا به امامت علی علیه السلام آگاه نبوده است. به این ترتیب، تأکید می‌کنند حتی اگر برخی از افراد سعی در بهانه جویی داشتند، این بهانه‌ها غیرقابل پذیرش خواهند بود.

همچنین حضرت زهرا علیها السلام در اینجا به طور تلویحی بر حقانیت امام علی علیه السلام تأکید دارند. از دیدگاه حضرت، پذیرش امامت علی علیه السلام نه تنها یک انتخاب فردی بلکه یک وظیفه الهی است. خداوند پس از غدیر خم هیچ‌گونه بهانه‌ای برای مخالفت با امام علی علیه السلام باقی نگذاشته است.

کلام حضرت نه تنها به عنوان یک پاسخ به کسانی که در آن زمان به بهانه جویی می‌پرداختند، بلکه به عنوان یک حقیقت تاریخی برای همه مسلمانان پس از آن نیز زمان باقی ماند و برای کسانی که در طول تاریخ و در زمان‌های بعد بخواهند به دنبال توجیهات مختلف برای کنار گذاشتن امامت علی علیه السلام باشند، یک هشدار و پیام روشنگری است.

۳. چرا اجازه حضور؟

پس از غصب و پیدایش ماجراهای تلخ مصیبت بار مدینه، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام همراه با همسر گرامی‌شان، برای بیداری مردم و دفاع از حقوق مسلم خویش، شبانه به منازل مهاجر و انصار می‌رفتند و اتمام حجت می‌کردند. بسیاری از مردم، عذر بدتر از گناه می‌آوردند که «چرا شما زودتر از دیگران امامت خود را مطرح

نکردید و اجازه دادید دیگران به صحنه بیایند؟! حالا دیگر کاری از پیش نمی‌توان برد! فاطمه زهرا (ع) در جواب عذرتراشی‌های آن‌ها می‌فرمود: «مَا صَنَعَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ وَلَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسْبُهُمْ وَطَالِبُهُمْ» ابوالحسن علی (ع) کاری انجام نداد جز آنکه سزاوار بود انجام گیرد. و اما آن‌ها [امت پیمان‌شکن] کارهای ناروایی انجام داده‌اند که تنها خداوند آن‌ها را محاسبه و رسیدگی خواهد کرد.»

سخنان حضرت زهرا (ع) در پاسخ به اعتراضات و بهانه‌جویی‌های مردم پس از غصب خلافت امام علی (ع) نه تنها یک دفاع محکم از جایگاه امام علی (ع) و سیاست‌های ایشان در مواجهه با شرایط سیاسی آن زمان است، بلکه به طور عمیق‌تری به مسائل بنیادین در تاریخ اسلام، اخلاق سیاسی و مفهوم عدالت الهی اشاره دارد. این سخن، برخلاف ظاهر ساده‌اش، پیام‌های عمیق و گسترده‌ای در خود نهفته دارد که بر فهم درست از تاریخ اسلام و پیروی از اصول الهی تأکید می‌کند:

۱. تأکید بر درایت امام علی (ع): حضرت زهرا (ع) در این سخن، ابتدا با رد هرگونه انتقاد و اعتراض به تأخیر در اعلام و دفاع از خلافت امام علی (ع)، نشان می‌دهند که تصمیمات امام علی (ع) همیشه بر اساس درایت و حکمت بوده است. امام علی (ع) در حالی که به وضوح از جانب پیامبر اسلام (ص) به عنوان جانشین معرفی شده بود، هیچ‌گاه در تصمیمات خود عجل‌انه عمل نکردند. امام علی (ع) در مواجهه با غصب خلافت و شرایط دشوار سیاسی، تصمیم به صبر و تدبیر گرفت تا مبادا حرکتی موجب تفرقه در جامعه مسلمانان شود. این نشان‌دهنده درک عمیق امام علی (ع) از شرایط و آینده جامعه اسلامی است.

۲. نقد رفتار امت پیمان‌شکن: حضرت زهرا (ع) در ادامه، امت پیمان‌شکن را به عنوان عامل اصلی غصب خلافت و انحرافات سیاسی معرفی می‌کنند. این بخش از سخن حضرت زهرا (ع) به وضوح اشاره دارد به کسانی که با خلف وعده و نقض بیعت غدیر، در برابر خلافت حق امام علی (ع) ایستادند. حضرت زهرا (ع) با این جمله به مردم یادآوری می‌کنند که مشکلات موجود نه به خاطر رفتار امام علی (ع) بلکه به دلیل خیانت و فریب‌کاری کسانی است که پیمان‌شکنی کرده‌اند. این



مسئله، به ویژه در تاریخ اسلام، بسیار مهم است؛ چرا که تکرار این نکات می تواند به طور جدی از فراموشی آنچه در تاریخ اسلام رخ داده جلوگیری کند.

حضرت زهرا علیها السلام همچنین با این کلام، عملاً ملامت را از امام جامعه برداشتند و بار مسئولیت را بر دوش کسانی انداختند که به طور مستقیم در غصب خلافت و فساد اجتماعی دخیل بودند.

۳. تأکید بر عدالت الهی: حضرت زهرا علیها السلام در پایان سخن خود، به عدالت الهی اشاره و به مردم یادآوری می کنند که خداوند به زودی اعمال کسانی را که پیمان شکنی کرده اند محاسبه خواهد کرد. این جمله به طور غیرمستقیم بر ایمان عمیق حضرت زهرا علیها السلام به عدالت الهی تأکید دارد. ایشان نه تنها به خداوند اعتماد دارند که در نهایت عدالت را برقرار می کند، بلکه به وضوح اعلام می کنند که سرنوشت غاصبان خلافت امام علی علیه السلام و کسانی که با آن پیمان شکنی کردند، در دست خداوند است.

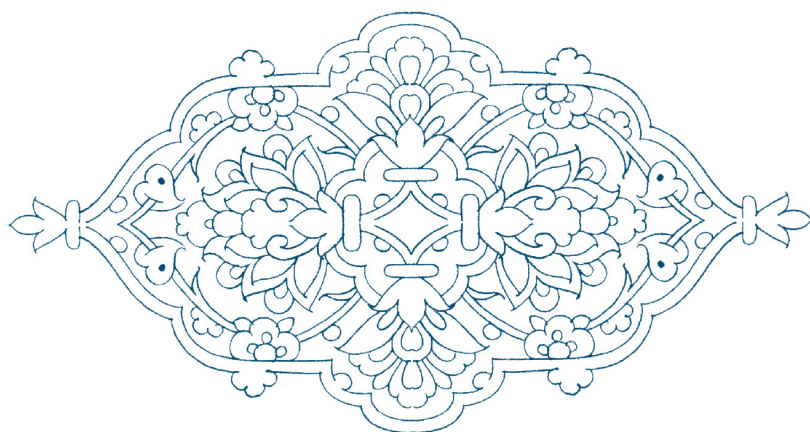
این تأکید بر عدالت الهی نه تنها پاسخ به اعتراضات آن زمان است، بلکه در حقیقت یک پیام جهانی به مسلمانان است که در برابر ظلم و فساد نباید ناامید شوند. حضرت زهرا علیها السلام در این سخن به نوعی امید را به مردم بازمی گردانند که عدالت خداوند در نهایت برقرار خواهد شد، حتی اگر در کوتاه مدت به نظر برسد که ظالمین بر جامعه حاکم اند.

۴. پیام بلند حضرت زهرا علیها السلام برای تاریخ اسلام

الف) دفاع از امامت و خلافت امام علی علیه السلام: سخن حضرت زهرا علیها السلام به وضوح نشان می دهد که امام علی علیه السلام در برابر انحرافات و مشکلات هیچ گاه کوتاه نیامد و تصمیمات او به دقت و حکمت اتخاذ شده بود. این سخن پیام های بسیاری برای جامعه اسلامی و حتی برای مسلمانان امروز دارد: امام علی علیه السلام به عنوان ولی خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز از مسیر حق و عدالت منحرف نشد.

ب) آگاهی بخشی تاریخی: حضرت زهرا (ع) با اشاره به «امت پیمان شکن»، در واقع تاریخ اسلام را به درستی تبیین می کنند. این بخش از سخن ایشان نه تنها به عنوان یک تحلیل تاریخی از وضعیت آن زمان بلکه به عنوان یک هشدار برای نسل های آینده درخصوص ضرورت حفظ امانت ها و بیعت ها و اجتناب از خیانت و فریب کاری است.

ج) ضرورت توکل به عدالت الهی: حضرت زهرا (ع) در این سخن نشان می دهند که در نهایت، حقیقت و عدالت الهی بر همه چیز فائق خواهد آمد. این پیام به مسلمانان یادآوری می کند که در شرایط دشوار و به ویژه در مواجهه با ظلم و فساد، همیشه باید به وعده های الهی و عدالت خداوند ایمان داشته باشند.



آثار ارزشمند غیرت در جامعه

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاکنیا تبریزی

غیرت نوعی حالت نفسانی است که وقتی انسانی احساس کند نسبت به آنچه که محبوب اوست (اعمّ از اعتقادات، ناموس، ارزش‌ها، اموال و...) تعرض می‌شود، تغییری تدافعی در وجودش پدید می‌آید. غیرت از ارزش‌های مهم اجتماعی و اخلاقی است که موجب آثار درخشان و سازنده در زندگی انسان مانند عزت، آبرو و شخصیت ممتاز اجتماعی و معنوی او می‌گردد.

انسان غیور نمی‌تواند تحمل کند که دیگران با نگاه‌های ناپاک یا انگیزه‌های فاسد، به همسر و بستگان او نزدیک شوند و قصد سوء داشته باشند.^۱ گاهی هم غیرت دینی سبب می‌شود که انسان از هر نوع هجوم مخالفان به دین و ارزش‌های مقدس و معتقدات دینی برآشوبد. با توجه به نکات فوق، واژه غیرت فراتر از دفاع از ناموس و حریم خانواده، موارد مهم و ارزشمند دیگری همچون دفاع از دین و وطن و مال را نیز شامل می‌شود.

۱. استاد مطهری در مورد فرق غیرت و خودخواهی می‌گوید: «پیشنهاد اینکه انسان به عنوان مبارزه با خودخواهی، غیرت را کنار بگذارد، درست مثل این است که پیشنهاد شود غریزه علاقه به فرزند را بلکه به طور کلی مطلق حس ترحم و عاطفه انسانی را به عنوان اینکه یک میل نفسانی است، ریشه‌کن کنیم؛ در صورتی که این یک میل نفسانی در درجات پایین حیوانی نیست؛ بلکه یک احساس عالی بشری است» (مجموعه آثار، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ج ۱۹، ص ۴۱۵).

طبق فرموده علامه طباطبایی رحمته الله علیه، غیرت امری فطری و طبیعی است.^۱ این خصلت نه تنها در انسان بلکه در جانداران دیگر نیز به نوعی طبیعی وجود دارد. مثلاً زنبور عسل برای خود حریم و غیرت دارد و هرگز حریم خصوصی خود را در مقابل نامحرمان قرار نمی‌دهد و خودش نیز هیچ وقت وارد کندو یا لانه دیگری نمی‌شود و چنانچه حیوانات موزی مثل موش، مارمولک یا مار وارد کندو شوند، بلافاصله او را می‌کشند و جسدش را مومیایی می‌کنند تا تعفن آن موجب آزار ساکنین نشود.

می‌گویند شاه عباس از میرداماد^۲ خواست که روش موم و عسل ساختن زنبور را معلوم کند. وی برای این امر دستور داد که خانه‌ای شیشه‌ای برای زنبورها ساختند و آن‌ها را در آن قرار دادند و خانه را در میان مجلس گذاشتند تا ببینند چه اتفاقی خواهد افتاد؛ لیکن ناگهان زنبورها شیشه را تار کردند و بعد مشغول به کار شدند و این مطلب همچنان مجهول باقی ماند.^۳

غیرت خروس

امام صادق علیه السلام برخی از صفات انبیای الهی را این‌گونه تبیین نموده است: پنج خصلت از صفات پسندیده انبیا را از خروس بیاموزید: «مُحَافَظَتُهُ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَالْغَيْرَةِ وَالسَّخَاءِ وَالشَّجَاعَةِ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ»^۴ مواظبت بر اوقات نماز؛ غیرت؛ سخاوت؛ شجاعت؛ معاشرت و رسیدگی زیاد به خانواده.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه عملیه قم، قم، ج ۵، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۱۷۵.
۲. میرمحمدباقر استرآبادی، مشهور به میرداماد، معلم ثالث و متخلص به اشراق، فیلسوف، متکلم و فقیه برجسته دوره صفویه است. میرمحمد استرآبادی، پدر میرداماد، با دختر علی بن عبدالعالی معروف به محقق کرکی ازدواج نمود و به همین خاطر او را داماد نامیدند. تولد میرداماد را سال ۹۶۹ و وفاتش را ۱۰۴۰ گفته‌اند. وی در حرم امام علی علیه السلام مدفون است. «قبسات» مهم‌ترین کتاب او است که شرح یکی از مهم‌ترین مباحث عقلی فلسفی در زمینه خلقت جهان هستی و دستگاه آفرینش و چگونگی صدور عالم از باری تعالی است. وی این کتاب را با دعای نور ختم کرده است.
۳. امام خمینی رحمته الله علیه در ایام تدریس در قم، وقتی کتاب قبسات میرداماد را خواند، تصمیم گرفت که آن را تدریس کند؛ اما شب، میرداماد در خواب به ایشان گفته بود: «کتاب من درسی نیست. این کتاب فلسفی خیلی مشکل است. میرداماد به مشکل‌نویسی مشهور بود (مجله پیام انقلاب، ش ۵۵، ص ۳۸).
۴. قصص العلماء، محمد بن سلیمان تنکابنی، نشر علمیه اسلامی، تهران، بی تا، ص ۳۳۳.
۵. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ج ۲، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۸۲.



آری، رهروان راه انبیا باید مثل آنان در محافظت از دین، ملت و ناموس خویش بکوشند و هر جا احساس کنند با عمل و رفتار آنان یا خانواده و فرزندان شان ارکان دین لطمه می‌بیند یا به باورهای مردم آسیب می‌رسد، شدیداً جلوگیری کنند.

یک امتیاز ویژه

از منظر خدای متعال، غیرت و پاسداری چنان مهم است که کافر محکوم به اعدام را به خاطر ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی مثل آن مورد عفو قرار می‌دهد. امام باقر علیه السلام فرمود: «تعدادی از اسیران جنگی را به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله آوردند. آنان به دستور خدا باید کشته می‌شدند؛ ولی یکی از آنان آزاد گشت. وی علت آزادی اش را پرسید که چرا هم‌سنگرانم را کشتی اما مرا آزاد کردی! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیک وحی (حضرت جبرئیل) از سوی خدای متعال برایم خبر آورد در تو پنج خصلت پسندیده وجود دارد که آن صفات را خدا و رسولش دوست دارند: «الْغِيْرَةُ الشَّدِيْدَةُ عَلٰی حَرَمِكَ وَالسَّخَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَصِدْقُ اللِّسَانِ وَالشَّجَاعَةُ»

نسبت به ناموس خویش غیرت فراوان داری؛

صفت سخاوت و نیکوکاری داری؛

فردی خوش اخلاق و نیک رفتاری؛

خود را به صداقت و راست‌گویی آراسته‌ای؛

شجاعت و مردانگی داری.»

مرد اسیر با شنیدن این پیام و حیانی مسلمان شد و در پرتو ایمان راسخی که در او پدید آمد، به دفاع از اسلام و ارزش‌های والای آن پرداخت تا اینکه در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ‌ها به شهادت رسید.

اولیای الهی همه دارای غیرت اند که به چند مورد از غیرتمندی در سیره و سخن ایشان اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت ایوب علیه السلام

خدا حضرت ایوب علیه السلام را به انواع بلاها مبتلا کرد: باغ‌ها و کشاورزی‌اش از بین رفت، خانه‌هایش ویران شد، فرزندانش مردند، به بیماری سختی همراه با تهیدستی مبتلا گردید و سرانجام کار به جایی رسید که همسر باوفایش (رحیمه) برای تأمین معاش، گیسوان خود را به زنی فروخت. وقتی نزد ایوب علیه السلام برگشت و او متوجه شد که همسرش گیسوانش را فروخته است، بسیار ناراحت شد که هیچ کدام از گرفتاری‌های سابق این‌گونه او را غمگین نکرده بود. با دلی شکسته و حالی زار به در خانه خدا رفت و عرض کرد: خدایا! مرا به انواع بلاها در مورد اموال، فرزند، خانه، باغ، مزرعه و بیماری مبتلا نمودی و صبر کردم. ای خدا! من بنده تو هستم و همه چیز تحت قدرت و اختیار توست. سپاسگزار درگاه تو هستم؛ ولی کارم به اینجا کشیده شده که همسرم گیسوانش را فروخته است. ای خدا! لطفی کن!

حضرت ایوب علیه السلام در تمام میدان‌های بلا الگوی مقاومت و قهرمان شکر بود؛ ولی در این مورد قلبش جریحه دار شد و غیرت او قبول نکرد و با اصرار از خدا می‌خواست که به او لطفی کند. ناگاه ندایی شنید. آن ندا از جانب خدای مهربان بود: ﴿اِزْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ﴾^۱؛ «پای خود را به زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شست‌وشو و نوشیدن است.» ایوب علیه السلام با آن آب گوارا و زلال بدن خود را شست‌وشو داد، پس تمام دردهایش برطرف گردید و پیکر رنج‌دیده او چنان زیبا شد که همچون گوهر مروارید می‌درخشید و نعمت‌های فراوان دیگری نیز در اطراف مشاهده کرد که از جانب خدا به او رسیده بود.^۲

۱. ص، ۴۲.

۲. برگرفته از: تفسیر سوره‌آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد سوره‌آبادی، انتشارات فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۲۱۳۹؛ قصه‌های قرآن، محمدی اشتهااردی، نشر کتاب یوسف، تهران، ۱۳۷۹ش، ص ۲۰۹.

سراسر زندگی رسول خدا ﷺ مملو از حماسه های غیورانه است. حضور در پیمان «حلف الفضول»^۱، دفاع از ناموس زن مسلمان با انجام جنگ «بنی قینقاع»^۲ و... از حرکت های غیرتمندانه آن رسول گرامی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که آیه ۱۲ سوره ممتحنه، ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعُكَ...﴾، در مورد بیعت با زنان در فتح مکه نازل شد، پیامبر ﷺ در کوه صفا بود. دستور داد تشتی را پر از آب کنند. سپس آن حضرت دست خود را در آن فروبرد و بیرون آورد. آنگاه زنان به عنوان «بیعت» یکی یکی آمدند و دست خود را در آن فروبردند.^۳ و این گونه بود که غیرت حضرت اجازه نداد تا زنان مسلمان با آن حضرت مستقیم دست بدهند.

تبعید بی غیرتان و هوس بازان

در مدینه دو مرد هوس باز به نام های «هیت» و «ماتع» بودند که همواره با گفتار زشت و خلاف عفت، مردم را می خنداندند. روزی پیامبر ﷺ از نزدیک آن ها عبور می کرد. شنید آن ها به یکی از مسلمانان می گفتند: وقتی که به شهر طائف حمله کردید و آنجا را فتح نمودید، در کمین دختر «غیلان ثقفی» باش! او را اسیر کن و برای خود

۱. شرکت و حضور آن رسول غیرتمند در اوان جوانی در پیمان «حلف الفضول» که یک پیمان دفاعی مربوط به زمان جاهلیت بود نیز نشانگر غیرت دینی و اجتماعی آن حضرت است. این پیمان برای دفاع از مظلومان جامعه منعقد شد. علت پیدایش این پیمان آن بود که ۲۰ سال قبل از بعثت، مردی وارد مکه شد. در دستش متاعی بود که قصد فروش آن را داشت. فرد زورگو و ستمگری به نام «عاص بن وائل» آن را خرید؛ ولی پولش را نپرداخت. مشاجره بین آن دو بالا گرفت و ناله مرد مالباخته بلند شد. از همان لحظه، جمعی از جوانان غیرتمند شهر با دیدن این حادثه تلخ، پیمان بستند تا حقوق مظلومان را از ستمگران بستانند. یکی از آن جوانان غیرتمند، رسول اکرم ﷺ بود. (فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، نشر دانش اسلامی، قم، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۴۸۱؛ سیره رسول خدا ﷺ، رسول جعفریان، انتشارات دلیل ما، قم، بی تا، ج ۱، ص ۹۶۱).

۲. «قینقاع» نام طایفه ای از یهودیان است که در مدینه زندگی می کردند. روزی بانوی مسلمانی در بازار بنی قینقاع نشسته بود. یک یهودی پایین پیراهن وی را بدون اینکه متوجه شود، به بالا سنجاق کرد. وقتی آن زن برخاست، قسمتی از بدنش آشکار شد. یهودیان حاضر با خنده های خود به مسخره کردن زن مسلمان پرداختند. فریاد آن زن مسلمان بلند شد. از آنجا که این کار نوعی تحقیر و دهن کجی به عفت مسلمانان محسوب می شد، یکی از مسلمانان غیرتمند به آن یهودی حمله کرد و او را کشت. یهودیان حاضر نیز به آن مرد مسلمان هجوم بردند و او را به شهادت رساندند. این آغاز بروز جنگ «بنی قینقاع» شد (سیره رسول خدا ﷺ، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۳۰۵).

۳. کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۵۲۶.



نگه دار! او زنی چنین و چنان است. سخن آن‌ها به غیرت پیامبر ﷺ برخورد، به طوری که به آن‌ها اعتراض شدید نمود و سپس آن‌ها را از مدینه به سرزمین «غرابا» تبعید کرد. آن‌ها فقط حق داشتند در طول هفته، تنها روزهای جمعه برای خرید غذا و لوازم زندگی به مدینه بیایند.^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «مَنْ نَظَرَ فُفِقَتْ عَيْنُهُ فَلَا دِيَّةَ لَهُ»؛ هر کس (به حریم خصوصی کسی دزدانه) نگاه کند و چشمش (توسط صاحبخانه غیور) کور شود، دیه ندارد.^۲

مقابله با چشم‌چران

امام باقر علیّه السلام فرمود: روزی رسول خدا ﷺ درحالی که چوبدستی به دست داشت (در منزل) نشسته بود. در این هنگام متوجه شد کسی به ایشان نگاه می‌کند. فرمود: «یا صَاحِبَ الْعَيْنِ أَمَا إِنَّكَ إِنْ ثَبَّتَ لِي حَتَّى أَقُومَ إِلَيْكَ لَأَفْقَنَّ عَيْنَكَ بِمَشْقَصِي هَذَا»؛ ای نگاه‌کننده دزدکی! اگر سر جای بایستی تا من به سویت بیایم، با این چوبدستی چشم‌ت را در خواهم آورد.^۳ راوی گوید: به امام باقر علیّه السلام عرض کردم: پیامبر درحالی که نشسته بود از کجا فهمید که به او نگاه می‌شود؟ فرمود: ای ابامریم! از لابلای شبکه‌های دیواری که از چوب خرما ساخته شده بود.

۳. هشدار حضرت علی علیّه السلام به بی‌غیرتان

امام علی علیّه السلام از غیرتمندانی است که غیور به تمام معنا بود. از منظر ایشان، حضور نامناسب بانوان در جامعه از آثار بی‌غیرتی است؛ چرا که یکی از مهم‌ترین وظایف انسان‌های غیرتمند، محافظت و مراقبت از ناموس و حریم خانواده است. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین عواملی که منجر به تباهی و آسیب دیدن ناموس افراد می‌شود، حضور نابجای زنان و دختران در کوچه‌ها و خیابان‌هاست. به همین جهت، وقتی در عصر خلافت آن حضرت علیّه السلام به ایشان از حضور نابجای زنان و

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲۲، ص ۸۸؛ تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ج ۴، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۹۴.

۲. مشکاة الانوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، المكتبة الحیدریه، نجف، ج ۲، ۱۳۸۵ق، ص ۲۳۷.

۳. همان.



دختران در مراکز عمومی گزارش می دهند و اینکه در مسیر راه ها بعضی از مردان و زنان رعایت حریم عفت را نمی کنند، آن حضرت بسیار ناراحت شد و در سخنرانی خود به مردم فرمود: «أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَغَارُونَ نِسَاؤَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيَزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ؟^۱ آیا حیا نمی کنید؟ آیا غیرت ندارید؟ زنان شما به بازارها می روند و در مسیر راه ها به مردان تنه می زنند!»

۴. غیرت دینی، ریشه قیام عاشورا

امام حسین علیه السلام و یاران غیرتمند او، بر اساس غیرت دینی قیام کردند. آن حضرت برای نجات ناموس مسلمانان از دست یزید فاسق قیام کرد و فرمود: «مِثْلِي لَا يَبِيعُ لِمِثْلِهِ»^۲ شخص [غیرتمندی] همانند من هرگز با فرد [فاسق و بی غیرتی] مثل یزید بیعت نمی کند.»

امام حسین علیه السلام در سخنرانی حماسی ای در روز عاشورا، خطاب به سپاه دشمن سخن از غیرتمندان و عزتمندان عالم می کند و می فرماید: هرگز من زیر بار بی غیرتان و ذلتمندان نمی روم و تصریح می کند که ای مردم عالم! بدانید: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَ ابْنَ الدَّعِيَ قَدْ رَكَزَنِي بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ، وَهِيَ هَاتِ مَنَا الدَّلَّةُ! يَأْبَى اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، وَحُجُورٌ طَابَتْ، وَحُجُورٌ طَهَّرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أَيْبَةٌ مِنْ أَنْ تُؤْثَرَ طَاعَةُ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكَرَامِ»^۳ آگاه باشید! بی نسب پسر بی نسب مرا میان دو چیز قرار داده است: بین شمشیر و خواری. خواری از ما دور است و خدا آن را برای ما نمی پذیرد و نیز پیامبرش و مؤمنان و دامن های پاک و پاکیزه و انسان های غیرتمند و نفس های خویشتن دار بر ما روا نمی دارند که اطاعت از فرومایگان را بر مرگ کریمانه مقدم بداریم.»

استاد مطهری در این باره می گوید: «گفتند حسین مردی است غیور. غیرت الله است. محال است که جان در بدنش باشد و بتواند تحمل کند که در زندگی او به خیام حرمش ریخته اند. آزمایش زنده بودن یا نبودن حسین این بود که ناگاه لشکر

۱. جامع احادیث الشیعه، آقا حسین بروجردی، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چ ۱، ۱۳۸۶ش، ج ۲۵، ص ۵۷۶.

۲. مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، مطبعة الزهراء، نجف، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳. اللهوف، سید بن طاووس، نشر جهان، تهران، ۱۳۴ش، ص ۱۵۵.



به طرف خیام حرم اباعبدالله علیه السلام هجوم آورد. حضرت احساس کرد. با زحمت روی کنده‌های زانو به پا ایستاد. ظاهراً با تکیه دادن به شمشیر خودش، فریاد مردانه‌اش در آن وادی بلند شد (آنجا هم دم از غیرت و حرّیت می‌زند): «وَلَيْكُم يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! أَنَا أَقَاتُلُكُمْ وَأَنْتُمْ تُقَاتِلُونَنِي وَالنِّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ؛ ای خودفروختگان به آل ابی سفیان! شما با من می‌جنگید و من با شما. زن و بچه چه تقصیری دارند؟!»

غیرت امام عسکری علیه السلام

در سال ۲۱۰ق «حاج جواد صباغ» از طرف «جعفرقلی خان خویی» به تعمیر روضه و حرم حضرت عسکری علیه السلام و سرداب مقدس مشغول بود. فاضل نراقی می‌گوید: من در آن سال به قصد زیارت مکه به سامرا مشرف شدم و حاج جواد این داستان را برایم تعریف کرد: شخصی به نام سید علی از جانب حاکم بغداد سامرا بود. وی از هر زائر ایرانی یک ریال می‌گرفت و به آنان اجازه ورود به حرم را می‌داد و برای اینکه کسانی که پول داده‌اند از دیگران شناخته شوند، بر ساق پای آنان مهر می‌زد.

روزی سید علی بر در صحن مقدس نشسته بود. سه نفر از همراهانش نیز ایستاده بودند و چوب بلندی در پیش خود گذاشته بود. در این لحظه قافله‌ای از ایرانیان وارد شدند. سید علی بر پای هر کدام مهری می‌زد و یک ریال می‌گرفت و اجازه ورود می‌داد. جوانی از بزرگان ایران با زنش آمد و دو ریال داد. سید علی ساق پای او را مهر کرد و گفت: آن زن هم باید بیاید تا ساق پای او را مهر کنم. جوان گفت: هر دفعه که این زن به حرم می‌آید، یک ریال را می‌دهم. دیگر به این کار زشت احتیاجی نیست.

سید علی گفت: ای رافضی بی‌دین! غیرت و تعصب می‌ورزی که مبادا ساق پای زنت را ببینم؟! ممکن نیست. تا مهر نکنم، اجازه ورود نمی‌دهم. جوان گفت: اگر در میان این همه جمعیت غیرت داشته باشم، کار غلطی نکرده‌ام. و دست زنش را گرفت و گفت: اگر زیارت است، همین قدر کافی است و می‌خواست برگردد. سید علی از این حرکت سخت عصبانی شد. موقعی که همسر آن جوان می‌خواست برگردد، چنان با چوب بر شکم او زد که زن بیچاره نقش بر زمین شد، لباسش عقب

رفت و بدن او برهنه و نمایان گردید. جوان دست زنش را گرفت و از زمین بلند کرد و سپس رو به ضریح مقدس کرد و گفت: اگر شما بیسندید، بر من نیز گوارا خواهد بود. و به منزلش برگشت.

حاج جواد گفت: من در خانه بودم. بعد از چند ساعت، یک نفر با عجله از طرف مادر سید علی آمد که با تو کار داریم. من فوری به خانه سید علی رفتم. دیدم وی مثل مار زخم خورده بر زمین می غلتد. دختران و خواهرانش به پای من افتادند که برو آن جوان ایرانی را راضی کن.

سید علی هم فریاد می کرد و می گفت: خدایا! غلط کردم. بد کردم. من به سرعت آمدم، آن جوان را یافتم و از او خواهش کردم که از سید علی راضی شو و در حقش دعا کن! جوان گفت: من او را بخشیدم؛ ولی کو آن دل شکسته من؟

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی ز بامی که برخاست مشکل نشیند

من بازگشتم و جریان را گفتم. هنگام مغرب برای نماز به حرم حضرت عسکری (علیه السلام) آمدم. دیدم مادر، زن و دختران سید علی خود را به ضریح دخیل بسته اند و فریاد سید علی از خانه اش به گوش می رسد. من مشغول نماز مغرب شدم. در بین نماز صدای شیون از خانه اش بلند شد. معلوم شد سید علی مرده است.^۱

حفظ ناموس یا زیارت کربلا؟

آیت الله شهید حاج آقا مصطفی اصفهانی برادر شهید مظلوم آیت الله سید محمد حسین بهشتی و پدر شهید حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا حسن بهشتی، از اولیاء الله و از علمای درجه یک اصفهان بود. روزی تصمیم گرفت که با عیال به زیارت کربلا برود. در مرز ایران و عراق مسئول گذرنامه ها اصرار کرد که باید به چهره همسرتان نگاه کنم و با عکس گذرنامه تطبیق دهم. ایشان گفت: یک زن این کار را انجام دهد؛ ولی مسئول گذرنامه نپذیرفت. آن بزرگ مرد امتناع کرد. آقا مصطفی

۱. شمس الضحی، مرعشی نجفی سید مرتضی، نشر کیش مهر، قم، ۱۳۸۹ش، ص ۶۶۷.



بهشتی سه روز آنجا ماند. تمام زوّار کنترل شدند و به زیارت امام حسین علیه السلام رفتند؛ ولی ایشان موفق نشد. بالاخره به کرمانشاه برگشت و چند روزی در منزل شهید محراب آیت الله حاج آقا عطاء الله اشرفی اصفهانی اقامت کرد و سپس به اصفهان مراجعت نمود. مردم از ایشان پرسیدند: چرا به زیارت مشرف نشدید؟

ایشان پاسخ داد: امام حسین علیه السلام ما را نطلبید. این قضیه گذشت. بعد از چند روزی زائران همگی از سفر آمدند و به خدمت آقای مصطفی بهشتی رفتند و گفتند: آقا! ما آمدیم یک معامله بکنیم و آن اینکه تمام ثواب زیارات خود را به شما بدهیم و در عوض شما ثواب کربلای نرفته را به ما بدهید! حالا چه سَرّی بوده و اینکه امام حسین علیه السلام چه صحنه‌ای را برای این زائران به وجود آورده بود که آن زائران منقلب شده بودند و این‌گونه گفتند، خدا می‌داند.^۱

شیوه تقویت غیرت

الف) شکوفاسازی حسّ غیرت

غیرت امری فطری است و در اشخاصی که کم‌رنگ می‌شود، نیاز به تحریک و تقویت دارد. روزی جوانی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای پیامبر خدا، آیا به من اجازه می‌دهید زنا کنم؟ با گفتن این سخن، فریاد مردم بلند شد و از گوشه و کنار به او اعتراض کردند؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و آله با خونسردی و ملایمت فرمود: نزدیک بیا! جوان نزدیک‌تر آمد و در برابر پیامبر نشست. حضرت با محبت از او پرسید: آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟! عرض کرد: نه، فدایت شوم! پیامبر ادامه داد: همین‌طور مردم نیز راضی نیستند با مادرشان چنین شود. آنگاه حضرت فرمود: آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ جوان عرض کرد: نه، فدایت شوم! حضرت فرمود: همین‌گونه مردم درباره دخترانشان راضی نیستند.

سپس حضرت از جوان پرسید: آیا این کار را برای خواهرت می‌پسندی؟ جوان مجدداً نفی کرد و درحالی‌که شدیداً از سؤال خود پشیمان شده بود، از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست

۱. نک: داستان‌هایی از علما، علیرضا حاتمی، انتشارات مهدی‌یار، قم، چ ۱، ۱۳۷۹ ش.



تا در حقش دعا کند. آن حضرت دست بر سینه او گذاشت و چنین دعا کرد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ ذَنْبَهُ وَطَهِّرْ قَلْبَهُ وَحَصِّنْ فَرْجَهُ؛ خدایا! گناه او را ببخش و قلب او را پاک گردان و دامن او را از آلودگی به بی عفتی نگاه دار!» می بینیم که پیامبر ﷺ با تحریک و شکوفاسازی غیرت آن جوان، او را از ارتکاب این عمل زشت پشیمان ساخت، به نحوی که از آن پس، منفورترین کار نزد آن جوان، فحشا بود.^۱

(ب) برجسته کردن روحیه مردانگی

غیرت در مردان نماد مردانگی و آزادگی است و تقویت آن، به ویژه در حوزه مسائل خانوادگی و ناموسی، امری بایسته و شایسته است؛ چراکه اگر چنین حالتی در آنان تقویت نشود، نمی توانند به عنوان قوام خانواده مطرح باشند و همسر و خانواده بر آنان تکیه و اعتماد کنند؛ زیرا بی غیرتی مرد، توان دفاع از حریم خانه و خانواده و ارزش ها را از او می گیرد.

از دیگر شیوه های تقویت غیرت می توان به دوری از اختلاط زن و مرد، رعایت غذاهای مادی و معنوی، دوری از مراکز و مظاهر فساد و شهوت و یادآوری برکات غیرت اشاره کرد.

(ج) اجتناب از رابطه با نامحرم

یکی از آثار زشت رابطه با نامحرم از بین رفتن تدریجی غیرت و مردانگی است؛ به گونه ای که بعد از گذشت مدت کوتاهی از این دوستی ها، نسبت به ناموسش بی تفاوت خواهد شد. جوانی که تمایل دارد در رفت و آمدهای فامیلی یا همسایگان با دختر یکی از آنان دوست شود، گاهی برای رسیدن به این هدف با برادر دختر رفیق می شود تا خواهرش را شکار کند. طبیعی است اگر جوانی بخواهد با خواهر رفیقش دوست شود، در مقابل رفیقش نیز انتظار دارد نسبت به خواهرش بی تفاوت باشد. اگر او نسبت به خواهرش حساسیت نشان دهد، رفیقش می گوید: چطور تو دوست داری با خواهر من دوست باشی؛ ولی من با خواهر تو دوست نباشم؟! پس

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ش، ج ۳، ص ۴۲؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۷.



او مجبور می‌شود نسبت به خواهرش حساسیت نشان ندهد. همچنین است مردان هوسران که با ناموس دیگران ارتباط برقرار می‌کنند.

اگر این برنامه‌ها ادامه یابد، در مدت کوتاهی انسان نسبت به ناموسش اعم از خواهر، مادر، دختر و همسرش بی‌تفاوت می‌شود و حتی گاهی عفت و پاک‌دامنی را عقب‌افتادگی می‌داند و از اینکه ناموسش در انظار نامحرمان به صورت مبتذل ظاهر شود، لذت می‌برد و خود را پیشرفته، متمدن و بافرهنگ به حساب می‌آورد و در برخی از اوقات چنان شیطان این افراد را در لجنزار گناه فرومی‌برد و غیرت و مردانگی را از آن‌ها می‌گیرد که حاضرند ناموس خویش را در اختیار هم قرار دهند.^۱

آثار مادی و معنوی غیرت

۱. سلامتی نسل انسان

استاد مطهری رحمته‌الله در مورد مهم‌ترین اثر غیرت در مردان می‌نویسد: «اگر حس غیرت هم در مرد نمی‌بود که محل‌بذر را همیشه حفاظت و پاسبانی کند، رابطه نسل‌ها با یکدیگر به کلی قطع می‌شد، هیچ پدری فرزند خود را نمی‌شناخت و هیچ فرزندی پدر خود را نمی‌دانست کیست. قطع این رابطه، اساس اجتماعی بودن بشر را متزلزل می‌سازد.^۲

۱. در کشورهای غربی و ایران قبل از انقلاب محل‌هایی به نام دانسینگ (رقاص‌خانه) وجود داشت و هر کس که می‌خواست به آنجا برود، موظف بود همراه همسر یا خواهر و دخترش به محل رقص برود و اصولاً مرد تنها یا زن تنها راه نمی‌دادند. در برنامه دانسینگ که با خوردن انواع مشروبات و نواختن موسیقی و رقص همراه بود، هر مردی ناموسش را برای رقصیدن به دیگری واگذار می‌کرد و خود او دختر و زن دیگران را برای رقصیدن انتخاب می‌کرد و کارهای دیگری که نوشتن آن شرم‌آور است. امروز تمام تلاش دشمنان داخلی و خارجی آن است که با ایجاد ارتباط دوستی بین دختران و پسران، جامعه را به چنین مفاسدی سوق دهند. مردی که دوست دارد با زن نامحرمی در اداره یا شرکت و یا در جشن‌ها و مهمانی‌ها مراوده داشته باشد، طبیعی است که دیگر نمی‌تواند نسبت به ناموس خودش غیرت نشان دهد؛ زیرا همان‌طوری که این شخص دوست دارد با زنان نامحرم بگوید و بخندد، دیگران نیز دوست دارند با ناموس او این رفتار را داشته باشند و گاهی ثمره این جلسات ارتباط نامشروع زنان شوهردار با مردان متأهل است.

۲. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۱۹، ص ۴۱۵.

۲. کامل شدن ایمان

از دیگر برکات غیرت، تکامل ایمان است؛ زیرا غیرت و نشانه‌ای از آن است. رسول خدا ﷺ در کلام کوتاه و پرمعنایی به این مطلب چنین اشاره فرموده است: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ»^۱ همانا غیرت از ایمان است.

ز ایمان بود غیرت ای مرد دین برو غیرت و رادمردی گزین

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمودند: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ»^۲ غیرت مرد (عین) ایمان است؛ یعنی برای کامل شدن ایمان، غیرت از عوامل ضروری است.

۳. دوری از نفاق

رسول اکرم ﷺ غیرت را از نشانه‌های ایمان و بی‌بندوباری را از نفاق می‌داند: «الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيْمَانِ وَ الْبُذَاءُ مِنَ النِّفَاقِ»^۳ غیرت از ایمان است و بی‌بندوباری از نفاق.

۴. ثمره شجاعت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام غیرت را از ثمرات شجاعت می‌داند و می‌فرماید: «ثَمَرَةُ الشَّجَاعَةِ الْغَيْرَةُ»^۴ غیرت میوه شجاعت است.

۵. دفاع از حقوق خانواده

از رهاوردهای غیرت، دفاع از حقوق و ناموس خانواده و حمایت و حفاظت از ناموس است که با شرف و مردانگی شخص مسلمان ارتباط تنگاتنگی دارد و اسلام با تأکید

۱. من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، ج ۳، ص ۴۴۴.

۲. نهج البلاغه، سید رضی، مصحح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۱.

۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۶۸، ص ۳۴۲.

۴. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم ﷺ)، ابوالقاسم پاینده، نشر دنیای دانش، تهران، ج ۴، ۱۳۸۲ش، ص ۵۸۷.

۵. غرر الحکم، تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش، ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۴۶۲۰.



از او خواسته که از ناموس خود و دیگران در برابر هرگونه گزند داخلی و خارجی به شدت دفاع کند و کمترین مسامحه‌ای از خود بروز ندهد.^۱

فتوای امام خمینی علیه السلام نیز چنین است: «اگر به ناموس کسی، خواه همسرش باشد یا دیگران، به قصد تجاوز حمله شود، واجب است به هر وسیله ممکن آن را دفع کند، گرچه به کشتن مهاجم بینجامد؛ بلکه اگر قصد آبروریزی به کمتر از تجاوز هم داشته باشد، به ظاهر حکمش همین است.»^۲

۶. نشانه پاک دامنی

غیرت بجای مردان نشانه عفت و پاک دامنی آنان است. کسی که به عنوان انسان عقیف شناخته شود، آن را با بروز غیرت خویش به نمایش می‌گذارد. حضرت علی علیه السلام معیار سنجش عفت هر مردی را میزان غیرت او نسبت به ارزش‌ها و حریم‌ها دانسته است و می‌فرماید: «عَفَّتُهُ عَلَى قَدَرٍ غَيْرَتِهِ»^۳ پاک دامنی مرد به اندازه غیرت اوست.

مردی پاک دامن است و از گناه فاصله می‌گیرد که غیرت او بالاست و اثر تکوینی غیرت این است که هرگز نمی‌پسندد به نوامیس دیگران نگاه گناه‌آلود داشته باشد و در نتیجه اجازه نمی‌دهد که دیگران نیز نسبت به همسر، خواهر، دختر و یا مادر او چنین نگاهی داشته باشند. در واقع مرد توسط غیرتمندی‌اش خود را کنترل کرده و عقیف می‌شود.

۷. احساس امنیت بانوان

غیرت مرد در همسرش تأثیر متقابل دارد. هر قدر او از ناموسش پاسداری کند، همسرش احساس محبت و امنیت بیشتری می‌کند و با تمام وجود در خدمت خانواده قرار می‌گیرد.

۱. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۴۹.

۲. تحریر الوسیله، سید روح الله موسوی (امام خمینی علیه السلام)، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ج ۱، ص ۸۷.

۳. نهج البلاغه، سید رضی، حکمت ۴۷.



اساساً زنان فطرتاً احساس نیاز به یک فرد حمایتگر را در خود دارند که از آن‌ها در مقابل تعارضات و آسیب‌ها محافظت کند و این مسئله برای آن‌ها بسیار خوشایند است. این نیاز با غیرت مرد برآورده می‌شود.

۸. مدیریت صحیح خانواده

حساسیت در مقابل آسیب‌هایی که به جایگاه رفیع خانواده وارد می‌شود و دفاع از آن، در سیره خوبان عالم اهمیتی بسزا دارد. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ مُعَاشِرَةٌ جَمِيلَةٌ وَ سَعَةٌ بِتَقْدِيرٍ وَ غَيْرَةٌ بِتَحَصُّنٍ»^۱

مرد در خانه و نسبت به خانواده‌اش نیازمند رعایت سه روش است، هرچند در طبیعت او نباشد: خوش رفتاری، گشاده‌دستی به اندازه و غیرتی همراه با خویشن‌داری.

۹. کسب دوستی خدا

مؤمن غیرتمند غیرتمندان را دوست دارد و خدای متعال نیز او را دوست می‌دارد. امام ششم علیه السلام با اشاره به این صفت الهی فرمود: «إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يَحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا»^۲ خدا دارای غیرت است و هر غیرتمندی را دوست دارد و از غیرت الهی است که تمام کارهای زشت [و فساد و فحشای] آشکار و پنهان را حرام کرده است.

غیور است محبوب پروردگار که بی‌غیرتی آورد ننگ و عار

هر آن کس کند حفظ ناموس خویش ز دربار ایزد برد بهره بیش

۱. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چ ۲، ۱۴۰۴ق، ۱۳۶۳ش، ص ۳۲۲.

۲. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۲۰، ص ۱۵۳، ح ۷۷.

۱۰. تقویت ارزش های اخلاقی

غیرت مداری موجب تقویت سایر ارزش های اخلاقی در جامعه می شود و به جامعه آرامش و امنیت روحی و روانی می بخشد.

افزون بر برکات فوق، غیرت آثار مهم دیگری همچون تقویت هویت و شخصیت فرد و ایجاد ناظری بیدار در روح و روان انسان دارد.

شبیه ای در مورد غیرت

گاهی می پرسند: اگر غیرت امری فطری است، پس چرا برخی از مردان از خود غیرت نشان نمی دهند؟

استاد مطهری رحمته الله علیه در این زمینه می گوید: انسان این حالت را دارد که هر چه بیشتر در گرداب شهوات شخصی فرو رود و عفاف، تقوا و اراده اخلاقی را از کف بدهد، احساس «غیرت» در وجودش ناتوان می گردد. شهوت پرستان از اینکه همسر آن ها مورد استفاده های دیگران قرار بگیرند، رنج نمی برند و احیاناً لذت می برند و از چنین کارهایی دفاع می کنند. برعکس، افرادی که با خودخواهی ها و شهوات نفسانی مبارزه می کنند و ریشه های رذایل اخلاقی را در وجود خود نابود می کنند و به تمام معنا «انسان» و «انسان دوست» می گردند و خود را وقف خدمت به خلق می کنند و حس خدمت به هم نوع در آنان بیدار می شود، چنین اشخاصی غیورتر و نسبت به همسر خود حساس تر می گردند و حتی نسبت به ناموس دیگران نیز حساس هستند؛ یعنی وجدانشان اجازه نمی دهد که ناموس دیگران نیز مورد تجاوز قرار گیرد و ناموس اجتماع ناموس خودشان می شود.

امام علی علیه السلام می فرماید: «مَا زَنَى غَيُورٌ قَطُّ؛ هرگز یک انسان شریف و غیور زنا نمی کند.» فرموده است: انسان حسود زنا نمی کند؛ بلکه فرموده انسان غیور زنا نمی کند. چرا؟ برای اینکه غیرت یک شرافت انسانی و یک حساسیت انسانی نسبت به پاکی و طهارت جامعه است. همان طور که انسان غیور راضی نمی شود

دامن ناموس خودش آلوده گردد، راضی نمی‌شود دامن ناموس اجتماع نیز آلوده شود؛ زیرا غیرت غیر از حسادت است. حسادت یک امر شخصی و فردی و ناشی از یک سلسله عقده‌های روحی است؛ اما غیرت یک احساس و عاطفه نوع بشری. این خود دلیل است بر اینکه «غیرت» از خودپرستی ناشی نمی‌شود؛ بلکه احساس خاصی است که قانون خلقت برای تحکیم اساس زندگی خانواده، که یک زندگی طبیعی است، نه قراردادی، ایجاد کرده است.^۱

غیرت نابجا و منفی

حساسیت و دفاع‌های غیرمنطقی از ناموس که به صورت وسواس و سوءظن باشد، مذموم و مورد خشم خداست. رسول خدا ﷺ فرمود: «مِنَ الْغَيْرَةِ مَا يَحِبُّ اللَّهُ، وَمِنْهَا مَا يَكْرَهُ اللَّهُ، فَأَمَّا مَا يَحِبُّ فَالْغَيْرَةُ فِي الرَّبِّيَّةِ، وَأَمَّا مَا يَكْرَهُ فَالْغَيْرَةُ فِي غَيْرِ الرَّبِّيَّةِ؛^۲ غیرت بر دو گونه است: نوعی از آن را خدا دوست دارد و نوعی را دوست ندارد؛ اما آن غیرتی را که خدا دوست دارد، غیرتی است که در موارد مشکوک (و مظان آلودگی‌ها) باشد، و آن غیرتی را که دوست ندارد، غیرتی است که در غیر این موارد باشد.»

باید توجه داشت غیرتی ارزش به شمار می‌آید که مانند سایر صفات ارزشی، در حد اعتدال باشد، وگرنه نکوهیده و ضدارزش خواهد بود. امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام با اشاره به ضررهای افراط در حفظ ناموس و غیرتمندی، می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُمْ إِلَى السَّقَمِ»^۳ از غیرت نشان دادن بی‌مورد اجتناب کن! زیرا این عمل درستکاران را بیمار دل و پاک‌دامنان را به سوی شک و بدگمانی سوق می‌دهد. مانند اینکه با تنگ‌نظری و سخت‌گیری‌های بی‌مورد زندگی را بر خود و دیگران تلخ و ناگوار سازد.

۱. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۱۹، ص ۴۱۷ (با کمی ویرایش).

۲. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۶۱؛ التفسیر المعین للواعظین والمتعظین، انتشارات ذوی القربی، قم، ج ۱، بی‌تا، ص ۵۶۰.

۳. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۴، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۳۷.

چند نکته از روایات

۱. آزادی به دلیل غیرتمندی

چند نفر اسیر کافر را که سزاوار اعدام بودند، به محضر رسول خدا ﷺ آوردند. آن حضرت دستور اعدام آنان را صادر کرد؛ ولی یکی از آن اسیران را آزاد نمود. او پرسید: چرا مرا آزاد کردید؟ حضرت فرمود: «جبرئیل از طرف خدا به من خبر داد که تو دارای پنج صفت حسنه هستی: ۱. غیرت شدید نسبت به همسر و خانواده‌ات؛ ۲. سخاوت؛ ۳. اخلاق نیک؛ ۴. راستگویی؛ ۵. شجاعت.» آن مرد با شنیدن این سخن، مسلمان شد و در یکی از جنگها در رکاب پیامبر ﷺ به شهادت رسید.^۱

۲. برخورد پیامبر ﷺ با «حکم بن ابی العاص» چشم چران

حکم بن ابی العاص، پدر مروان و عموی عثمان، بعد از فتح مکه، در ظاهر مسلمان شده بود و مثل برخی از سران امویان تظاهر به اسلام می‌کرد. روزی در مدینه، وقتی پیامبر ﷺ در خانه یکی از همسرانش بود، حکم از شکاف در به داخل خانه نگاه می‌کرد. پیامبر ﷺ متوجه چشم چرانی او شد و از خانه بیرون آمد و حکم را دنبال کرد تا دستگیرش کند و به مجازات برساند؛ ولی حکم گریخت. حضرت فرمود: «اگر به او دست می‌یافتم، چشمانش را از کاسه سرش بیرون می‌آوردم. کیست مراد در دستیابی بر این سوسمار ملعون کمک کند؟» سپس دستور داد او و فرزندش را به طائف تبعید کردند. آنان در عصر دو خلیفه نخست نیز تبعید بودند و در عهد عثمان با تلاش او به مدینه بازگشتند.^۲

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۳۰۴۱ ق، ج ۱۷، ص ۵۸۳.
۲. الغدير، ج ۸، ص ۳۴۲؛ اسد الغابة، ج ۲، ص ۳۳.



حجت الاسلام والمسلمین علی مختاری

اشاره

بی غیرتی از بزرگ ترین رذایل اخلاقی است و چه بسا به ناموس فروشی و دین فروشی بینجامد؛ تا آنجا که باعث اضمحلال دین، پیدایش تحریف، تعطیلی برخی احکام الهی، پایمال شدن شخصیت خانوادگی و فرزندان، بی تربیتی فرزندان، طلاق و... می گردد. اینک به برخی از مفاسد آن با استفاده از آیات و روایات اشاره می شود:

۱. در قیامت

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «ثَلَاثَةٌ لَا يَكْلِمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا يَزَكِيهِمْ، وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: الشَّيْخُ الزَّانِي، وَالذَّيُّوْتُ، وَالْمَرْأَةُ تُوطِئُ فِرَاشَ زَوْجِهَا»^۱ خداوند در روز قیامت با سه گروه اصلاً سخن نمی گوید و آنان را پاک نمی نماید و برایشان عذاب دردناکی خواهد بود: پیر زناکار، بی غیرت و آن زنی که بیگانه را به بستر همسرش می آورد.

همچنین می فرمایند: «حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى الذَّيُّوْتِ»^۲ بهشت بر بی غیرت حرام است.

۱. کافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۷۵، ح ۷؛ موسوعة احادیث اهل بیت علیهم السلام، هادی امینی، دارا حیات التراث العربی، بیروت، ج ۸، باب الغیرة، ح ۹۹۱۶.
۲. همان، ح ۸.



متأسفانه از بدبختی‌های زمانه این است که گاهی در حضور شوهر به زن بدحجابی محترمانه تذکر داده می‌شود، به جای تشکر، پرخاشگری کرده و با بی‌حیایی از حجاب بد همسر خود دفاع می‌کنند.^۱

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْجَنَّةَ لَتُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ وَلَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَلَا دَيُوثٌ»^۲ همانا بوی خوش بهشت از مسیر پانصد سال به مشام می‌رسد؛ ولی به مشام عاق والدین و دیوث (بی غیرت) نمی‌رسد؛ یعنی کسی که دارای یکی از این دو آلودگی اخلاقی باشد، آن اندازه از بهشت دور است.

پرسیدند: دیوث کیست؟ فرمود: آنکه زن با اطلاع شوهر زنا می‌دهد.

در روایت دیگری امیر مؤمنان (علیه السلام) درباره شوهری که در رفت و آمد به برخی مراسم‌های میهمانی و عروسی‌هایی که متعهد و مقید نیستند، تسلیم زنش باشد، می‌فرماید: «أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ»^۳ خدا او را با صورت در آتش می‌اندازد.

وظیفه مرد تنها نان‌آوری نیست؛ بلکه تأمین سعادت ابدی خانواده از وظایف اصلی اوست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۴؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست، حفظ کنید. بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده‌اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را مأمورند، انجام می‌دهند.]

۱. نمونه‌هایی در کتاب «منابر مبلغین» ذکر شده است و ما خود نیز این مشکلات را دیده‌ایم.
 ۲. من لایحضره الفقیه، علی بن بابویه قمی، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چ ۲، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۴۴؛ آموزه‌های اخلاقی رفقای امامان، عبدوس و محمدی اشتهازدی، بوستان کتاب، قم، ص ۲۴۹.
 ۳. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی ابن بابویه، دار الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۱ و ۲۴۹؛ بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳.
 ۴. تحریم، ۶.

اگر مردی در موقعیت‌هایی که باید شهامت، شجاعت و غیرت به خرج دهد، بی تفاوت باشد و مفسد پیش روی او انجام شود، به تدریج روح ایمان از او گرفته شده، گویی نوعی کفران نعمت است که سبب زوال ایمانش می‌شود و به استدراج و قساوت قلب تدریجی گرفتار می‌گردد.

«اسحاق بن جریر» از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «اگر مردی در اهل خانه خود چیزی ببیند که منافی غیرت باشد و به غیرت نیاید، خداوند مرغی را می‌فرستد که آن را قفندر گویند و چهل روز بر در خانه او می‌نشیند و فریاد می‌کند: خدا غیور است و هر غیرتمندی را دوست می‌دارد. پس اگر آن مرد به غیرت آمد و آنچه منافی غیرت است، از خود دور کرد، که بهتر، وگرنه پرواز می‌کند و بر سر او می‌نشیند و پره‌های خود را بر چشم‌های او می‌زند، سپس می‌رود. بعد از آن، خداوند روح ایمان را از او می‌گیرد و ملائکه (در عالم ملکوت) او را دیوث می‌نامند.^۱

عبدالله بن ابی یعفور نیز می‌گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می‌فرمود: هنگامی که مرد غیرت به خرج ندهد، دلش واژگونه است.^۲

بدیهی است که گناه زیاد ماهیت قلب انسان را به حیوان و بدتر از آن تبدیل می‌کند. از این رو دلش وارونه می‌شود.

۳. مفسد و مشکلات اجتماعی

برخی رذایل مهم اخلاقی مثل بی غیرتی و هرزگی را خیلی ساده می‌گیرند، در صورتی که ریشه هزاران مشکل اجتماعی است و اگر عزم جزم جامعه بر آن بود که از ابتدا محکم برخورد شود، امروزه دچار هزاران نابسامانی نمی‌شد. شعله آتش توسط یک نفر مجهز به کپسول‌های سالم آتش‌نشانی، به راحتی خاموش می‌شود؛ ولی وقتی

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۳۶، ح ۳؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۷، ص ۲۲۸، ح ۳، کتاب النکاح، باب الغیره، ترجمه حدیث عمدتاً از معراج السعاده، ملا احمد نراقی، انتشارات هجرت، قم، ص ۲۲۰، باب بی غیرتی.
۲. همان، ح ۲؛ موسوعة احادیث اهل بیت علیهم السلام، ج ۸، ص ۲۲۴.



اقدام صحیح، بجا و فوری نشود، چنان می شود که خاموش کردن آن به راحتی انجام نمی شود. بی جهت نیست که حضرت امیر علیه السلام بر سر مجموعه تحت حاکمیت خود فریاد می زند: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، بُنْتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يَدَافِعَنَّ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَّا تَسْتَحْيُونَ؟» ای اهل عراق! با خبر شده ام که زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند (و تنه شان به هم می خورد)! آیا حیا نمی کنید (و غیرت به خرج نمی دهید)؟!»

چو پر شد نشاید گذشتن به پیل

سر چشمه شاید گرفتن به بیل

بدیهی است وقتی غیرت نباشد، تصاویر مستهجن خانواده ها در فضای مجازی منتشر می شود، شبکه های ماهواره ای نامناسب به خانه ها می آید، هر جوانی پس از ازدواج نسبت به همسر خود دل چرکین و مظنون می شود و بدیهی است که بدینی ها، سوءظن ها و سخت گیری های مردان زیاد می شود، در نتیجه زنا و ارتباط های نامشروع مردان و سپس طلاق ها و عوارض منفی طلاق گسترش می یابد.

۴. انقلاب ارزش ها

امام باقر علیه السلام می فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَضْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ»^۲ مؤمن از کوه سخت تر و با صلابت تر است.

قرآن می فرماید: «يَبْتَغِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَ يَضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»^۳ «خدا کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و آخرت با سخن استوار ثابت می گرداند و ستمگران را بی راه می گذارد و خدا هر چه بخواهد، انجام می دهد.»

بی غیرتی، تسامح در نهی از منکر و آلودگی زیاد و مداوم، به تدریج فکر و فرهنگ را زیر و زبر می سازد، به گونه ای که فضایل اخلاقی را زشت و رذایل و امور ضد ارزشی را مثبت می پندارد.

۱. همان، ج ۶؛ همان، ص ۲۴۳.

۲. جامع السعادت، محمد مهدی نراقی، اعلمی، بیروت، چ ۴، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. ابراهیم، ۲۷.

حضرت لوط علیه السلام قوم خود را موعظه می کرد که چرا دانسته مرتکب کار زشت می شوید^۱ و از سر شهوت به جای زنان با مردان آمیزش می کنید!^۲ آنان پاکی و غیرت را عیب و منفی تلقی می کردند و گفتند: خاندان لوط را از شهرتان اخراج کنید؛ چون اینان جماعتی هستند که از پاکی دم می زنند.^۳

امروزه نیز بارها از سوی برخی سازمان های مدافع حقوق بشر غربی و دولت هایی نظیر آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به اسم رعایت نکردن حقوق بشر محکوم و در پی آن مجازات و تحریم می کنند. بخشی از حقوق بشر آنان همین گونه است. مثلاً اصل ۲۷ حقوق بشر «آزادی جنسی» است. بنابراین زنا و لواط ارزش تلقی می شوند و باید از آن دفاع شود و اگر در ایران ممنوع و قابل حد و تعزیرند، حقوق بشر رعایت نشده است.

اینکه چرا کار بشر به اینجا می رسد که معروف، منکر و بالعکس می شود، بحث گسترده ای دارد؛ ولی به صراحت در نصوص دینی آمده است که کثرت گناه و بی غیرتی سبب این تغییر بینش و روش است.

قرآن کریم در وصف کفار می فرماید: «آنان که زندگانی دنیا را از آخرت بیشتر دوست دارند، مردم را از راه خدا بازمی دارند و آن را کثر و معوج می خواهند.»^۴

آمریکا نیز بر ایران فشار می آورد تا یا نظام را تغییر دهد یا اگر نتوانست، دست کم ارزش ها را دگرگون و مطابق میل خود سازد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «بدبخت آن کسی است که به جهت غرور و هوای نفسش فریب می خورد و زشتی را زیبا می بیند.»^۵

۱. نمل، ۵۴.

۲. همان، ۵۵.

۳. همان، ۵۶.

۴. ابراهیم، ۳ و ۱۳.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

چند نکته از روایات

۱. فاصله بین نامحرمان

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «بَاعِدُوا بَيْنَ أَنْفَاسِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتِ الْمُعَايَنَةُ وَاللِّقَاءُ كَانَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ؛» بین مردان و زنان فاصله و جدایی بیندازید (تا کم تر با یکدیگر برخورد داشته باشند)؛ زیرا هنگامی که مردان و زنان تماس داشته باشند و رو در روی یکدیگر قرار گیرند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت.»

۲. نهی از حمامات

مبحث حمام از چند جهت در روایات مطرح است: فضیلت آن، آداب استحمام و... از جمله سفارش می کردند که نگذارید ناموستان به حمام عمومی و برخی مجالس عروسی و... برود.

سماعه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يَرْسُلْ حَلِيلَتَهُ إِلَى الْحَمَّامِ؛» هر که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، نباید همسر [یا کنیز] خود را به حمام (عمومی) بفرستد.»

دقیقاً مشکل و فساد حمام در عصر امامت در جهان عرب را نمی دانیم؛ ولی احتمال است مرکز فساد یا زمینه ساز بی حیایی و بی غیرتی بوده و یا بدون لنگ و عریان به حمام می رفته اند و یا جهتی دیگر داشته است.^۲ هر چه باشد، این موضوع «عنوان مشیر» است به هر چه زمینه ساز بی حیایی و بی غیرتی باشد.

از این باب است سفارش به منع زنان از آمدن به جایگاه هایی که در معرض دید نامحرمان باشند، یا منع از تعلیم سوره یوسف و سفارش به آموزش سوره مبارکه نور و...^۳

۱. حجاب در اسلام، قوام الدین و شنوی، مرآت النساء، محمد کمال الدین ادهمی، ص ۱۴۰.

۲. برای تحقیق بیش تر می توان به منابعی چون: الکافی، ج ۶، ص ۵۰۱ به بعد، موسوعة أحاديث اهل البيت ﷺ، ج ۳، صص ۲۱۳-۲۲۰؛ حیا، نوشته امیرحسین بانکی پورفرد، صص ۱۱۱-۱۱۲ مراجعه کرد.

۳. ر.ک: وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۷۶، باب ۹۲، ح ۲۵۳۵۵-۲۵۳۵۹؛ من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۸۰، الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۹، باب ۷۲.



اشاره

اسلام دین تعادل و عدالت است و با غیرت‌ورزی افراطی و بیجا، که در اصطلاح عرف، بددلی و سوءظن نامیده می‌شود، نیز موافق نیست.

جهان چون چشم و خط و خال و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست

هر انسان مسلمان غیرتمندی با تمام توان می‌کوشد تا ناموس خود را از تعرض بُلّهوسان و جسارت هرزگان و ظلم نامردان حفظ کند. این صیانت، غیرت ناموسی نامیده می‌شود و زمینه‌ساز سلامت روانی و طهارت معنوی در تک‌تک افراد است و برکات فراوانی دارد.

درعین حال، میانه‌روی در غیرت‌ورزی نیز مهم است؛ چراکه گاهی بر اثر این زیاده‌روی، خانواده و فرزندان ضربه می‌خورند، حقیر می‌شوند، عقده پیدا می‌کنند و ممکن است به لجبازی یا افکار دیگری دچار شوند یا اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و دیگر نتوانند عزتمندانه از خود دفاع کنند.

پیامبر ﷺ می فرماید: «مِنَ الْغِيَرَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ وَمِنْهَا مَا يُكْرَهُ اللَّهُ، فَأَمَّا مَا يُحِبُّ فَالْغِيَرَةُ فِي الرِّيَّةِ، وَأَمَّا مَا يُكْرَهُ فَالْغِيَرَةُ فِي غَيْرِ الرِّيَّةِ؛ غِيَرَت [دو گونه است]: غیرتی که خدا آن را دوست می دارد و غیرتی که دوست ندارد. غیرتی که محبوب خداست، در جاهایی است که شک [و تهمت و احتمال ارتکاب حرام] وجود داشته باشد. و آن غیرتی که خدا دوست ندارد، جایی است که چنین نباشد.»

امام علی علیه السلام در وصیتش به امام حسن علیه السلام می نویسد: «إِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغِيَرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُمْ إِلَى السَّقَمِ وَلَكِنْ أَحْكَمُ أَمْرُهُنَّ فَإِنْ رَأَيْتَ عِيَاءً فَعَجِّلِ التَّكْيِيرَ عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ...»^۱ از غیرت ورزی نابجا نسبت به زنان پرهیز که آن، زن سالم را به بیماری و پاک دامن را به بدگمانی و اندیشه گنهکاری می کشاند؛ بلکه درباره آنان محکم کاری کن. پس اگر عیبی دیدی، در واکنش نشان دادن به زشتی، نسبت به کوچک و بزرگ عجله کن.»

بددلی و سوءظن

گویند «کافر همه را به کیش خود پندارد». مردان چشم چران یا هرزه و هوس باز و تنوع طلب خیال می کنند سایر مردم نیز کار و زندگی خود را رها کرده و در پی ناموس او هستند، و چون زورشان به جامعه نمی رسد، تا می توانند نسبت به زن و فرزند خود سخت گیری می کنند و برای توجیه این رفتار ناصحیح خود، نامش را غیرتمندی می نهند، درحالی که این سخت گیری ها ناشی از سوءظن است و از نظر اسلام به شدت مردود و محکوم است.

از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام روایت است: «سُوءُ الظَّنِّ بِالْمُحْسِنِ شَرُّ الْإِثْمِ وَأَفْبَحُ الظُّلْمِ»^۲ بدگمانی به شخص نیکوکار، بدترین گناه و زشت ترین ستم است.»

و نیز می فرماید: «سُوءُ الظَّنِّ بِمَنْ لَا يَخُونُ مِنَ اللَّؤْمِ»^۳ بدگمانی به کسی که در پی خیانت نیست، از لئامت و پستی انسان است.»

۱. کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق، ج ۷۰۶۷؛ میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، دارالحديث، قم، ج ۹، ص ۶۴۸۲، باب غیرت، ح ۱۵۵۷۴.

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۲۱۴؛ کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۴، ۱۴۰۷ق، ص ۵۳۷، ذیل روایت در منابع روایی، چند گونه نقل شده است.

۳. نقل از: عیون الحکم و المواعظ، لیثی واسطی، دارالحديث، قم، ج ۱، ۱۳۷۶ش، ح ۲۸۴. همان.



و می فرماید: «لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ ظَنٍّ؛^۱ با سوء ظن، ایمانی باقی نمی ماند.»

در زمان پیامبر ﷺ امکانات ارتباطی نظیر رسانه ها و تلفن نبود. وسایل روشنایی و سوخت نیز اندک بود. ازاین رو معمولاً هنگام خواب اتاق تاریک بود. جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه مردی [بدون اطلاع قبلی] شب هنگام، ناگهان نزد همسرش بیاید که سبب ترس آنان شود یا در پی میج گیری و پیدا کردن لغزش های آنان باشد.^۲

ابوهریره می گوید: مردی از بنی قریظه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: زنم سیاه پوست زاییده! حضرت به او فرمود: شتر داری؟ عرض کرد: آری. پرسید: زنگ شتران تو چه رنگی است؟ گفت: سرخ. پرسید: آیا بین [بچه شترها] خاکستری هم پیدا می شود؟ پاسخ داد: آری. پرسید: آن رنگ از کجا آمده؟ جواب داد: بسا از رگ و ریشه ها باشد. حضرت فرمود: رنگ این فرزند تو نیز شاید از رگ و ریشه های سابق خاندان شما باشد.^۳

تحقق ازدواج از لحظه خواندن عقد

در کشور ما معمولاً روند ازدواج سه مقطع را طی می کند: خواستگاری، دوران عقد، ازدواج. بدیهی است اصل ازدواج از لحظه خواندن عقد نکاح است؛ ولی برخی تصور می کنند که پس از جشن عروسی است. ازاین رو مانع ارتباط همسران می گردند. گرچه این رسم غلط در بین فرهیختگان از بین رفته است، ولی متأسفانه هنوز هم در بسیاری از مناطق به شدت مشکل ساز است.

۱۷۴

مرحوم محمد تقی فلسفی رحمته الله در بحث مشکلات ازدواج و اقتصاد و ارائه راه حل مشکلات جوانان امروزی، می گوید: یکی از راه حل های مناسبش همین بود که صیغه عقد نکاح جاری شود و چند سالی در خانه والدین به سر ببرند تا به تدریج بتوانند صاحب خانه شوند و به اصطلاح زیر یک سقف درآیند و زندگی مشترک را شروع کنند. با این طرح، می توان چند سال سن ازدواج را جلو انداخت.

۱. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ج ۲، ۱۴۱۰ ق، ج ۶، ص ۳۰۲۲، ح ۱۰۵۳۴.

۲. الجامع الصحیح، مسلم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۱۳۷، ح ۱۹۲۸.

۳. همان، ح ۱۵۰۰؛ الاخلاق فی الاحادیث المشتركة، ج ۳، ص ۲۳۷، ح ۴۵۰۶ و ۴۵۰۵.



مشروعیت همسری با عقد دائم، نیازی به توضیح و استدلال ندارد؛ ولی بد نیست رفتار و سخن پیامبر ﷺ با دامادش امیرالمؤمنین علیه السلام را متذکر شویم. از امام صادق علیه السلام روایت است: «لَا غَيْرَةَ فِي الْحَلَالِ بَعْدَ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَا تُحَدِّثُنَا شَيْئاً حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكُمَا فَلَمَّا أَتَاهُمَا أَذْخَلَ رَجُلِيهِ بَيْنَهُمَا فِي الْفِرَاشِ»^۱ در حلال [بعد از عقد نامزدها] غیرت منتفی است. بعد از این سخن پیامبر ﷺ که به داماد و دخترش فرمود: حرکت نکنید تا پیش شما برگردم و هنگامی که نزد بستر آنان آمد، نشست و پاهایش را بین داماد و دخترش در زیر فراش و روانداز دراز کرد.

شرح حدیث

لازم است برای شرح حدیث توضیحات علامه مجلسی رحمه الله نقل شود:

ام سلمه می‌گوید: هنگام ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام پیامبر ﷺ عروس و داماد را فراخواند و با دست راست، علی و با دست چپ فاطمه را گرفت و آنان را در آغوش گرفت، بین دو چشمانشان را بوسه زد و دست فاطمه را به علی علیها السلام داد و فرمود: «يَا عَلِيُّ نِعْمَ الزَّوْجَةُ زَوْجَتُكَ؛ یا علی! همسرت زن خوبی است.» سپس به فاطمه علیها السلام رو کرد و فرمود: «يَا فَاطِمَةُ نِعْمَ الْبُعْلُ بُعْلُكَ؛ ای فاطمه! چه شوهر خوبی است شوهر تو.» بعد برخاست و بین آن دو حرکت کرد. رفتند تا آنان را وارد خانه‌ای کرد که برایشان مهیا کرده بود.^۲ سپس برای رفتن برخاست و در حال رفتن دستانش را بر دو طرف چارچوب

۱. مرآة العقول، ج ۱۷، ص ۲۳۲.

۲. دکتر سید جعفر شهیدی در این باره چنین شرح داده است: سه روز پس از عروسی به دیدن دخترش می‌رود. درباره زن و شوهر دعا می‌کند. دیگر بار فضیلت‌های علی علیه السلام را برمی‌شمارد و به خانه برمی‌گردد؛ اما چنان می‌نماید که دوری دختر را حتی در این مسافت کوتاه نمی‌تواند تحمل کند. سال‌هاست فاطمه شب و روز در کنارش بوده است. او علاوه بر آنکه دخترش بود، یاد خدیجه علیها السلام را برای وی زنده نگاه می‌داشت... می‌خواست یادگار خدیجه علیها السلام در کنارش باشد؛ اما او اکنون همسر علی علیه السلام است و باید در خانه او بماند. اگر حجره‌ای نزدیک خانه خود برای آنان آماده کند، خاطرش آسوده خواهد بود؛ اما ممکن است مسلمانان مدینه در زحمت بیفتند. سرانجام خواست عروس و داماد را در حجره خود جای دهد؛ ولی این کاری دشوار است؛ چون هم اکنون در خانه او دو زن (سوده و عایشه) به سر می‌برند.

حارثة بن نعمان آگاه می‌شود، نزد پیامبر ﷺ می‌آید (و عرض می‌کند): خانه‌های من همه به تو نزدیک است، خود و هرچه دارم، از آن توست، به خدا! دوست‌تر دارم که مالم را بگیری تا آن را در دست من باقی بگذاری. (پیامبر ﷺ فرمود) خدا تو را پاداش دهد. از این روز فاطمه و علی به یکی از خانه‌های حارثة منتقل می‌شوند. (زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، سید جعفر شهیدی، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی ص ۷۲ و ۷۳؛ نقل از: الطبقات الکبری، ابن سعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۴؛ الاصابة، ابن حجر عسقلانی، دارالفکر، بیروت، ۱۳۸۰ ق، ج ۸، ص ۱۵۸، بخش ۱؛ الاخبار الموفقیات، ص ۳۷۶.



در خانه گذاشت و چنین دعا کرد: خدا شما و نسلتان را پاک و مطهر گرداند! من با کسی خوب و آشتی هستم که با شما خوب و آشتی باشد و در حال جنگم با کسی که با شما بستیزد. شما هر دو را به خدا می سپارم که در نبودنم او یاور شما باشد.

امام علی علیه السلام می فرماید: سه روز پیامبر صلی الله علیه و آله درنگ کرد و نزد ما نیامد. وقتی بامداد روز چهارم فرارسید، به راه افتاد تا نزد ما بیاید. ناگاه جلوی حجره ما با اسماء برخورد کرد و به او فرمود: به چه منظور اینجا یی؟ با اینکه اینجا مرد حضور دارد؟ اسماء پاسخ داد: پدر و مادرم فدایت! دختران در هنگام عروسی و زفاف به زنی نیاز دارند که برخی نیازمندی هایشان را فراهم کند و آنان را آماده سازد. من اینجا مانده ام که نیازهای فاطمه را برآورم [و به جای خدیجه علیه السلام برایش مادری کنم].

پیامبر صلی الله علیه و آله چنین دعایش کرد: «قَضَى اللَّهُ لَكَ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ ای اسماء! خدا حاجت های دنیا و آخرت تو را برآورد.»

امام علی علیه السلام می فرماید: یک روز گذشت. فردا صبح که هوا خیلی سرد بود و من و فاطمه زیر عبا [به جهت سرما] استراحت می کردیم، ناگاه سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را شنیدیم. خواستیم به استقبالش برخیزیم، حضرت مانع شد و فرمود: «بِحَقِّی عَلَیْکَمَا لَا تَفْتَرِقَا حَتَّى أَدْخُلَ عَلَیْکَمَا؛ شما را سوگند می دهم به حقی که به شما دارم، جدا مشوید تا من پیش شما بیایم.» ما دوباره به وضعیت سابق برگشتیم. حضرت نیز وارد شد و کنار سرما، بین ما نشست و پاهایش را بین ما دراز کرد. [هوا سرد بود، برای گرم شدن] من پای راست حضرت را به سینه ام چسباندم و فاطمه علیه السلام پای چپ حضرت را به سینه چسباند تا پیامبر صلی الله علیه و آله از سرما نجات یافت و گرم شد.

آنگاه به من فرمود: یا علی! کوزه آبی برایم بیاور! آوردم، حضرت سه بار با آب دهانشان آن را تبرک فرمودند و آیاتی از قرآن کریم را بر آن آب خواندند و فرمودند: آب را بیاشام و قدری از آن را نکه دار! من اطاعت کردم. حضرت آنچه از آب ها مانده بود، به سرو سینه ام پاشید و چنین دعا کرد: «أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكَ تَطْهِیراً؛ ای ابوالحسن! خدا انواع پلیدی را از تو دور کند و به عالی ترین وجه تو را پاک و مطهر گرداند!»

سپس فرمود: آب تازه‌ای بیاور! آوردم، پس همان برنامه تبرک و تلاوت را دوباره بر آب جدید انجام داد و به دخترش داد و فرمود: بیاشام و اندکی بگذار بماند. فاطمه علیها السلام چنان کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله باقی مانده آب را بر سر و سینه زهر علیه السلام پاشید و چنین دعا کرد: «أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكَ تَطْهِيراً»^۱

رَشک و حسد، نه غیرت

از آنجا که زن شوهرش را دوست می‌دارد و می‌خواهد درست و صددرصَد برای خودش باشد، برایش دشوار است که زن دیگری را همراه همسر خود تصور کند. چون سخن ما تنها به موضوع غیرت مربوط است، به طور خلاصه عرض می‌شود که اینجا جای غیرت نیست و اگر زن رشک ورزد، نوعی حسادت به حساب می‌آید. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ»^۲ غیرت ورزی زن [نسبت به همسر دیگر شوهر] کفر است؛ ولی غیرتمندی مرد ایمان است.

از امام صادق علیه السلام روایت است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ وَإِنَّمَا تَغَارُ الْمُتَكَرَّاتُ فَمَا الْمُؤْمِنَاتُ فَلَا إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ لِأَنَّهُ أَحَلَّ لِلرِّجُلِ أَرْبَعًا وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ وَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْمَرْأَةِ إِلَّا زَوْجَهَا فَإِذَا أَرَادَتْ مَعَهُ غَيْرَهُ كَانَتْ عِنْدَ اللَّهِ زَانِيَةً»^۳ به راستی که خدای عزوجل غیرت ورزی را برای زنان قرار نداده است. تنها زنان بد رشک می‌ورزند؛ ولی زنان مؤمن چنین نیستند. خدا غیرت را ویژه مردان کرده است؛

۱. مرآة العقول، ج ۷، ص ۲۳۱ و ۲۳۲؛ كشف الغمّة فی معرفة الأئمة، عیسی اربلی، نشر بنی هاشمی، تبریز، ج ۱، ص ۱۳۸۱، ص ۱۰۸. (از چند جای این روایت می‌شود گریز و روضه پیدا کرد. مثلاً «یا رسول الله! شما تبرکاً بر سر و سینه زهر آب پاشیدید و دعایش کردید؛ اما از رحلت شما زمانی نگذشته بود که اهل سقیفه بر همین سر و سینه تازیانه زدند، به در نیم سوخته زدند، به جای دعا، اهانت کردند، داد و فریاد زدند. آیا در همین خانه بود که درش را آتش زدند؟ آیا دست گرفتن شما به چوبه در و دعا کردن چه اشارتی داشت؟ شما در خانه فاطمه فرمودید: «أَنَا سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمَ كَمَا وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَ كَمَا...» آیا خواستید مردم مدینه بدانند که هجوم به خانه زهر علیه السلام یعنی جنگ با اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله؟ یا رسول الله! شما بر سر علی و فاطمه آب پاشیدید؛ اما کوفیان بر فرق علی علیه السلام شمشیر زدند، بر سر زینب و بچه‌های فاطمه سنگ زدند. یا رسول الله! ای کاش جرحه‌ای از این آب‌های متبرک، در کربلا به کام خشک و سوزان طفل تشنه امام حسین علیه السلام می‌رسید. یا رسول الله! بر سر داماد و عروس، سکه و نقل نثار می‌کنند، و شما هم آب پاشیدید؛ ولی بر سر دامادهایی در کربلا تیر و نیزه زدند.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳. همان، ص ۱۵۵، ح ۲۵۲۹۲؛ نقل از: الکافی، ج ۵، ص ۵۰۵.



زیرا برای آنان، با شرایط و حدودش، چهار زن و کنیزانش را حلال کرده و برای زن جز شوهرش کسی را قرار نداده. بنابراین اگر زنی با داشتن شوهر در پی دیگری باشد، نزد خدا زانیه شمرده می شود.»

امام باقر علیه السلام می فرماید: «غیرت زنان حسد است و حسادت ورزی ریشه کفر است. زنان وقتی غیرت می ورزند، خشمناک می شوند و هنگام غضب، به کفر می گرایند، مگر زنان مسلمان.»^۱

خالد قلانسی می گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام خیلی از زنش تعریف و تمجید کرد. امام فرمود: آیا رشک ورزی او را آزموده ای؟ عرض کرد: نه. راوی گوید: آن شخص رفت و غیرت او را نسبت به همسر دیگر امتحان کرد. دید زنی ثابت قدم و وفادار است. نزد امام علیه السلام آمد و گفت: در این زمینه او را آزمودم، دیدم در ایمانش تسلیم حکم خداست. حضرت فرمود: پس همان گونه است که تعریفش کردی.^۲

بانوی خوش قلب

آیت الله صدر رحمته الله می نویسد: بانویی را می شناسم که قلبش چون آینه پاک است و رنگ حسد در آن جای نگرفته. به اندازه ای با رقیب خود (یعنی زن دیگر شوهرش) مهر ورزید و بزرگواری کرد که رقیب را با آنکه سرسخت ترین دشمنانش بود، شیفته خود کرد. شوهر را در شب هایی که نوبت خودش بود، نزد او می فرستاد، در صورتی که فوق العاده شوهر را دوست می داشت، به طوری که از جدایی او آزار می دید، لذا شوهرش او را از دیگری خیلی بیشتر دوست می داشت.

این زن پاک دل بیش از حد مراعات حقوق آن زن را کرد و آن قدر با او نیکی کرد و خیرخواهی نمود تا او از دشمنی دست کشید و با یکدیگر دوست شدند و هم اکنون به قدری با خوشی و خرمی روزگار می گذرانند که گویی زندگی آن ها شهد خالص است. گمان نرود که این داستان خیالی است! به خدایی خدا، من هم شوهر را می شناسم و هم زن را.^۳

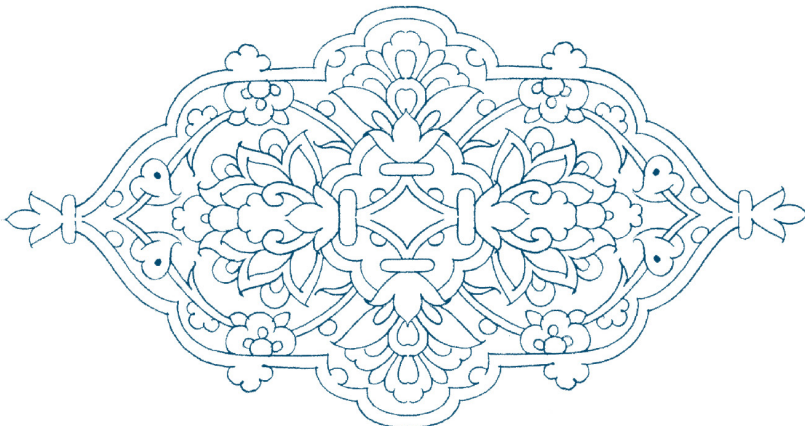
۱. همان، ص ۱۵۶، همان، ص ۵۰۵، ح ۴.

۲. همان، ص ۱۵۶؛ همان، ص ۵۰۵، ح ۵.

۳. حسد، سید رضا صدر، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴ ش، ص ۹۸.

در برخی جوامع اسلامی، مثل مناطق عربی، به راحتی چند همسری رواج دارد؛ زیرا زن دوم به منزله کنیز یا خدمتگزار زن اول است. از نظر تقسیم کار هر دو خواهروار زندگی می‌کنند، شوهر نیز زن اولی را سالار خانواده می‌داند؛ ولی در برخی جوامع، زن جدید حکم نقیض اولی را دارد و به هر قیمت در صدد آواره کردن اوست و بعضاً شوهران نیز به دلیل جوان‌تری او و مسائلی دیگر، بیشتر متوجه زن جدید هستند و به زن قدیم بها نمی‌دهند و این‌ها مانع چند همسری است.

به نظر می‌رسد راه درست و فرهنگ اسلامی باید در چنین مواردی نهادینه شود تا از بروز بسیاری از نابسامانی‌ها در جامعه جلوگیری شود، خصوصاً در جامعه‌ای که به دلایلی همچون جنگ، تصادفات، آمار بالای طلاق و... زنان بیوه و بدون سرپرست زیاد باشند، وجود مردان دارای چند همسر می‌تواند از این مشکلات بکاهد.



سخنرانی مکتوب

ظلم خاموش!

«بررسی جایگاه زن در اسلام و غرب با توجه به
سیره نبوی ﷺ و فاطمی علیها السلام و اثبات وجود ظلمی خاموش
در حق زنان در نگرش‌های غیراسلامی»

موسسه فرهنگی هنری محتوای نقطه زن

عجب احترامی!

روایتی بسیار عجیب و زیبا هست که البته همه شما عزیزان آن را شنیده‌اید؛ روایتی که در شأن نزول آیه تطهیر نازل شده است؛ همان آیه‌ای که خداوند در شأن و جلال و عظمت اهل بیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل فرموده است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱.

روایت از ابن عباس نقل شده است. می‌گوید: بعد از نزول آیه تطهیر، پیامبر ﷺ به مدت نه ماه هنگام نماز، کنار خانه حضرت امیر علی علیه السلام می‌آمدند و می‌فرمودند: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» این سلام را هر روز پنج مرتبه به حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت ایشان علیهم السلام می‌فرستادند.^۲

روایت نمی‌گوید یک ماه و دو ماه، بلکه نه ماه؛ آن هم نه یک مرتبه! هر روز و روزی پنج مرتبه این عمل تکرار می‌شد!

۱. احزاب، ۳۳.

۲. «ابن مردویه، عن ابن عباس رضی الله عنه قال: شهدنا رسول الله صلى الله عليه وسلم تسعة أشهر، يأتي كل يوم باب علي بن أبي طالب رضي الله عنه عند وقت كل صلاة، فيقول: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، الصَّلَاةُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ»، كل يوم خمس مرأت» (ابن مردویه، مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام و ما نزل من القرآن في علي، ص ۳۰۵).



یکی از سنت‌های اخلاقی پیامبر ﷺ که از شیعه و اهل سنت نقل شده، این بود که آخرین دیدارشان به هنگام سفر، و نخستین دیدارشان پس از بازگشت، با صدیقه طاهره علیها السلام بوده است و چنان با حضرت رفتار می‌کردند که بینندگان را به شگفتی وامی‌داشت. می‌فرمود: «فداک ابوک یا فاطمة!» پدرت به قربان تو باد ای فاطمه!»

اگر قرار باشد انسان به سفری طولانی برود و مدتی از خانواده دور باشد، آخرین نفری که با او خداحافظی می‌کند، همان کسی است که او را بسیار دوست دارد و هنگامی که از سفر بازمی‌گردد، اولین نفری که به او سر می‌زند، همان کسی است که بسیار دوستش دارد.

از عایشه نقل شده است: «هرگاه رسول خدا ﷺ از مسافرت بازمی‌گشت، گلوی فاطمه علیها السلام را می‌بوسید و می‌فرمود: «بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم!».^۲

ابو ثعلبه خُشنی می‌گوید: «هرگاه رسول خدا ﷺ از مسافرت بازمی‌گشت، به منزل فاطمه علیها السلام وارد می‌شد؛ فاطمه علیها السلام نیز به استقبال ایشان می‌رفت و حضرت او را در آغوش می‌گرفت و بین دیدگانش را می‌بوسید.»^۳

و صدها روایت دیگر از احترامات خاص نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به نازدانه خلقت، بی‌بی دو عالم حضرت زهرا علیها السلام، از تعظیم و احترام گرفته تا دست‌بوسی ایشان.

این همه احترام در کدام دوره از زمان؟!

اما سؤال مهمی که مطرح می‌شود این است که این احترامات خاص در چه برهه‌ای بوده است.

آیا سایر پدران نیز چنین احترامی برای دخترانشان قائل بودند؟

آیا دختران در آن زمان چنین جایگاهی داشتند؟

آیا اصلاً کسی در آن زمان، برای دختر احترامی قائل بود؟

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۰.

۲. «عن عائشة أن النبي عليه الصلاة والسلام إذا قدم من سفر قبل ما بين عيني فاطمة، وقبل نحرها و قال: منه أشبه رائحة الجنة» (عده‌ای از علمای شیعه، مجموعه نفیسه فی تاریخ الأئمة علیهم السلام، ص ۱۷۹).

۳. «أبو ثعلبة الخشني قال: كان رسول الله ﷺ إذا قدم من سفره يدخل على فاطمة فدخل عليها فقَامَتْ إِلَيْهِ وَاعْتَنَقَتْهُ وَ قَبَّلَتْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۳۲).



تمام این احترامات پیامبر ﷺ به دختر مطهر خود، در زمانی بود که هیچ کس دختر را قبول نداشت! دختر دار شدن را مایه ننگ خود می دانست و هر کس صاحب دختری می شد، تنها کاری که در حق او انجام می داد، زنده به گور کردن دختر بی گناه بود!

دل سنگ آب می شود

روزی شخصی به نام قیس بن عاصم به خدمت پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: یا رسول الله ﷺ من دوازده دخترم را زنده به گور کرده ام و بابت هیچ کدامشان حتی ذره ای ناراحت نشده ام؛ مگر برای یکی از آن ها! روزی برای کاری به مسافرتی دور و دراز رفته بودم. وقتی از همسرم خدا حافظی کردم، او باردار بود و چیزی به وضع حملش نمانده بود. سفرم به درازا کشید و وقتی بازگشتم، دریافتم که همسرم فارغ شده و کودکم مرده به دنیا آمده است. سال ها بعد، روزی در خانه نشسته بودم که ناگهان در باز شد و دختری بسیار زیبا و خوش قد و قامت وارد شد و از من سراغ مادرش را گرفت. دختری بسیار زیبا با گیسوانی بلند و بافته و گردنبندی که زیبایی و معصومیت چهره اش را دوچندان می کرد! با تعجب برخاستم و از همسرم پرسیدم: این دختر زیبا کیست که تو را مادر خطاب می کند؟ همسرم که به شدت ترسیده بود، با چشمانی اشک آلود گفت: ای قیس! امان بده! او دختر توست؛ همان که وقتی به دنیا آمد، تو در سفر بودی. من از ترس تو پنهانش کردم!

زبانم بند آمده بود و پاسخی ندادم و خانه را ترک گفتم. روزی او را به بهانه گردش به صحرا بردم و شروع به کندن گودالی کردم و دخترم پیوسته می پرسید: پدر جان! چرا زمین را می کنی؟ دنبال چه می گردی؟ می خواهی کمکت کنم؟ سرانجام گودال آماده شد. دستش را گرفتم و کشان کشان درون گودال انداختم و خاک ها را به سر و صورتش می ریختم. ناله های دل خراش او از درون گودال به گوشم می رسید که التماس می کرد: پدر! پدر جان! چرا مرا در زیر خاک پنهان می کنی؟!

واقعاً انسان چقدر می تواند سنگدل باشد؟! انسان وقتی این ها را می شنود، واقعاً متأثر می شود. وای به حال دل مهربان و رقیق رسول مهربانی ها ﷺ! نمی دانیم شنیدن این جنایت هولناک با دل رسول خدا ﷺ چه کرد؛ اما نوشته اند چشمان

زیبای رسول اکرم ﷺ از اشک، خیس شده بود و همه شنیدند که فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ لَقَسْوَةٌ وَمَنْ لَا يُرْحَمَ لَا يُرْحَم»؛ این کار سنگدلی است و کسی که رحم و عاطفه نداشته باشد، مشمول رحمت الهی نمی شود.^۱

ظلم‌های جاهلیت اولی به زن

این همان نگرش منفی جاهلیت اولی نسبت به زن بوده است. زن در جاهلیت اولی، موجودی کاملاً بی اختیار و محدود بود که فقط در مواردی خاص کارایی داشت و در غیر آن‌ها هیچ ارزش و احترامی نداشت. زن مخلوقی بود بین انسان و حیوان که فایده خلقت او فقط تکثیر نسل و خدمت به مرد بود.^۲

رسم برخی از قبایل عرب بر این بود که دخترانشان را پیش از به دنیا آمدن، شوهر می دادند!^۳ برخی مثل قیص به محض تولد دختر، او را زنده به گور می کردند تا سریع تر این لکه ننگ را از دامان خود پاک کنند! زنان همیشه خادم مردان بودند و کاری به جز زایش پسر و تربیت جنگ جو نداشتند.^۴ ازدواج با کنیزان را حق مسلم خود می دانستند و فرزندان حاصل از آن را برده خود می پنداشتند.^۵

مردان در قبال دریافت پول، زنانشان را طلاق می دادند.^۶ زنان هیچ ارثی از پدران و همسران خود نمی بردند.^۷ پسران همیشه بر دختران ترجیح داده می شدند. در بعضی قبیله‌ها زنان از خوردن گوشت که خوراک لذیذی است، ممنوع بودند.^۸

در جزیره «تاشمانی» (از جزایر اقیانوسیه) و استرالیا در بعضی موارد، با گرسنگی دادن، دختران خود را می کشتند و گوشت آنان را می خوردند! در بعضی از نقاط هندوستان، زنده بودن پس از مرگ شوهر را برای زن روا نمی دانستند و پس از چهل روز از مرگ

۱. عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۴۶.

۲. پیرمردیان و دیگران، مقایسه وضعیت زن در دوره جاهلیت و بعد از اسلام، ص ۴ (به نقل از: تمدن اسلام و عرب، ص ۵۱۳).

۳. مطهری، مجموعه آثار (نظام حقوق زن در اسلام)، ج ۱۹، ص ۸۸.

۴. مقایسه وضعیت زن در دوره جاهلیت و بعد از اسلام، ص ۱۸ (به نقل از: تاریخ تمدن، ترجمه علی صامی و دیگران، ج ۴، ص ۲۰۲).

۵. همان، ص ۸.

۶. همان، ص ۱۱ (به نقل از: الحیاة العربیة من الشعر الجاهلی، ص ۵۱).

۷. همان، ص ۱۳ (به نقل از: اسد الغابة، ج ۵، ص ۴۱۸).

۸. مبلغ، بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان و اسلام و فمینیسم، ص ۶.



شوهر، زن را می‌کشتند یا در آتش می‌سوزاندند!^۱ در مصر برای پربار شدن رود نیل، دختران را به زیورآلات آراسته و در آن غرق می‌کردند!^۲ بعضی از رومیان به منظور ازدیاد نسل، زنان خود را به دیگر دوستانشان به قرض و کرایه می‌دادند!^۳

طلوع اسلام و هویت بخشی به زن

این برخورد اسف بار و جاهلانه تاریخ با زن بوده است! اما ظهور اسلام برابر بود با مقابله با این ظلم. اسلام که آمد، زن دارای شخصیتی الهی شد. اسلام به زن هم شخصیت بخشید و هم به او هویت داد. زن قبل از اسلام اصلاً ارزشی نداشت و موجودی پست تر از مرد بود؛ اما اسلام در عرصه های مختلف به زن هویت بخشید و رشد داد. بعد از اسلام بود که زن معنای مادری و همسری و دختری را درک کرد. اسلام با ظلم به زن مقابله کرد و حضور اجتماعی زن، پس از اسلام تازه معنا یافت. حضور زنانی چون حضرت خدیجه و حضرت زهرا (علیها السلام) دنیایی جدید به روی زنان گشود؛ چه در عرصه های سیاسی، چه عرصه های اقتصادی و چه فرهنگی و تربیتی. در یک کلام، اسلام به زن اجازه نقش آفرینی در همه عرصه ها را داد و او را از لکه ای ننگین در جاهلیت اولی، به شخصیتی الهی تبدیل کرد که اول شخص عالم هستی، یعنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دخترش لقب «اُمّ ایها» را می‌بخشد و او را جگرگوشه خود صدا می‌کند: «فاطمة بضعة منی».^۴

فمینیسم، ظلم مجدد به زن

تاریخ ورق خورد و شیاطین انسی و جنّی، دست از ظلم به زن برنداشتند و پس از گذشت مدتی طولانی، ظلمی جدید و البته مدرن بر زن تحمیل کردند؛ ظلمی که ظاهر زیبایش دل فریب بود و با باطنی که داشت، زن و هویت زنانه اش را به قهقرا می‌برد. ظلمی بزرگ به نام فمینیسم یا همان مدعیان آزادی زن.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. شیخ صدوق، امالی، ص ۴۸۶.

«فمینیسم»^۱ واژه‌ای فرانسوی است که در قرن نوزدهم با عنوان «جنبش زنان» معروف شد. در این جنبش، زنان می‌توانند زمینه آزادی خود را فراهم کنند. آن‌ها می‌توانند افسانه‌های فرهنگی را به چالش بکشند. می‌توانند استقلال اقتصادی بیشتری تجربه کنند و بر تصور اشتباه پایین دست بودن در هنر و ادبیات فائق آیند. مهم‌تر آنکه، آنان می‌توانند رابطه برابری با مردان را تجربه کنند.

صعود یا سقوط

نهضت آزادی زن، به ظاهر زیبا بود و همه را به سوی خود کشاند، اما با گذشت زمان، چهره حقیقی خود را نشان داد. نهضت آزادی زن، با شعار و هدف صعود زن پدید آمد؛ اما به مرور زمان و با روشن شدن زوایای بیشتری از ماهیت اصلی آن، زن را به دره سقوط افکند و کالا بودن و مردوارگی و شباهت به مردان را بر زنان تحمیل کرد. مقام معظم رهبری حفظه الله در این باره می‌فرماید:

«ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی‌سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است.»^۲

فمینیسم، ظلم مجدد به زن از سوی جامعه غرب بود که به بهانه آزادی، به نابودی زن و خانواده انجامید. فمینیسم هم زن را به نابودی کشاند و هم خانواده را. بلایی که فمینیسم به اسم آزادی و برابری زن و مرد، بر سر زنان غربی آورد، وصف ناشدنی است و نابودی بی‌سابقه‌ای که اگر قرار باشد درباره پیامدها و عوارضش سخن بگوییم، ساعت‌ها باید درباره‌اش گفت‌وگو کنیم؛ اما به اجمال به ذکر برخی از آن‌ها بسنده می‌کنیم.

1. Feminism.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا علیها السلام و روز زن، ۲۵ آذر ۱۳۷۱: <https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=7942>.

اولین ترکش‌های این آزادی بر سلامت جسمی و روانی زنان وارد شد. در گزارشی با عنوان «پارادوکس خوشبختی زنان» که توسط «دفتر ملی تحقیقات اقتصادی» منتشر شده، آمده است:

علی‌رغم بهبود شاخص‌های کمی سلامت در ۳۵ سال گذشته در آمریکا، شادی کلی ذهنی در میان زنان کاهش یافته است. میزان خودکشی در زنان، نسبت به مردان در آمریکا رشد بیشتری پیدا کرده است. پس از یک قرن آزادی زنان، وزارت بهداشت آمریکا گزارش می‌دهد که از هر پنج زن آمریکایی بیش از یک نفر در طول زندگی خود به بیماری روانی مبتلا می‌شود. زنان دو برابر بیشتر از مردان در معرض افسردگی قرار دارند. مصرف بی‌رویه الکل در میان زنان آمریکایی بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ بیش از دو برابر شده است.

یکی از نتایج اصلی این موج از فمینیسم، تحمیل بار اقتصادی زندگی بر دوش زنان بود و اکنون سرپرست اقتصادی نیمی از خانواده‌های آمریکایی زنان هستند. با ترویج ضرورت کسب شغل توسط زنان، اشتغال اولویت بالاتری نسبت به ازدواج پیدا کرد و در سال ۲۰۲۰ هفتاد درصد طلاق‌ها توسط زن‌ها صورت گرفت.^۱

در آمار منتشرشده توسط «مرکز ملی خشونت جنسی» در آمریکا، از هر چهار دختر، یک نفر پیش از هجده سالگی در معرض سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد و از هر پنج دانشجوی زن، یک نفر در طول دوران تحصیل در معرض تعرض جنسی قرار گرفته است.^۲

به نقل از گزارش وضعیت جمعیت جهان در سال ۲۰۲۲ توسط UNFPA (آژانس سلامت جنسی و باروری سازمان ملل)، بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، هر سال بیش از ۶۰ میلیون بارداری ناشی از تجاوز در جهان اتفاق می‌افتد.^۳

۱. سید محمد حسین راجی، یک وَن شبهه، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۳۳.

3. www.statista.com/topics/8154/pedocriminality-in-france/

دیگر پیامد مخرب فمینیسم، فردیت و تنهایی بی نظیر در غرب است. هجوم فردیت و تنهایی در برخی از کشورها بیش از همه مشهود است. تنها مشکل مردم انگلستان خودکشی نیست؛ بلکه آن‌ها مشکل بزرگ‌تری هم دارند: تنهایی. این مشکل آن قدر حاد است که دولت بریتانیا را ناگزیر کرده که برای حل آن «وزیر تنهایی» منصوب کند و «استراتژی تنهایی» تدوین کند. در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۸ نخست‌وزیر بریتانیا، «تریسی کراچ» را به سمت وزیر تنهایی در کابینه منصوب کرد. او تنها وزیر تنهایی در کل دنیاست. خانم «تریزامی» بعد از اعلام خبر انتصاب وزیر تنهایی در کابینه خود گفت: برای بخش بزرگی از مردم ما، تنهایی واقعیت تلخ زندگی مدرن است.

گفتنی است امروزه بیش از نه میلیون نفر در بریتانیا همواره یا بیشتر اوقات تنها هستند. بر اساس گزارشی که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده، تنهایی به اندازه مصرف روزانه ۱۵ سیگار مضر است. از دیگر اقدامات مهم نخست‌وزیر انگلستان برای پایان دادن به بحران هویت و گرداب خودساخته و خودخواسته تنهایی، تأسیس اداره مخصوص جلوگیری از خودکشی، زیرمجموعه وزارت خانه تنهایی است. حدود دویلمیون پوند به یک مؤسسه خیریه برای راه‌اندازی یک خط تلفن رایگان برای مشاوره به افرادی که تصمیم به خودکشی دارند، پرداخت شده است. هر ساله ۴۵۰۰ نفر انگلیسی دست به خودکشی می‌زنند و بدتر از آن، از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷، آمار خودکشی نوجوانان ۶۷ درصد بیشتر شده است.^۱

پس از انگلستان، ژاپن نیز اقدام به تأسیس وزارت تنهایی کرده است که دلیل اصلی‌اش افزایش خودکشی بوده است. به گفته وزیر «تسوشی ساکاموتو» تنهایی بالای جدید قرن بیست و یکم است و ادعا می‌کند که روابط اجتماعی در ژاپن ضعیف شده و اکنون کشنده‌تر از کووید - ۱۹ است.^۲

۱. انتصاب «وزیر تنهایی» برای جلوگیری از خودکشی مردم، ۸ اسفند ۱۳۹۹، دسترسی در:

<https://kayhan.ir/fa/news/211926>

2. <https://www.gov.uk/government/news/joint-message-from-the-uk-and-japanese-loneliness-ministers>.



بنابراین جاهلیت در آزادی مدرن، روی آوردن به طبیعتِ مرد بود، نه زن. در جاهلیت مدرن و به اسم آزادی و برابری مرد و زن، به زنان تلقین کردند که اگر می‌خواهید در جامعه قوی باشید، باید مانند مردان باشید و این یعنی مردوارگی زن؛ یعنی حذف طبیعت زن؛ یعنی کنار گذاشتن هویت اصلی زن؛ یعنی نابودی عواطف زنانه.

آزادی زن در اسلام

برخی بر این باورند که اسلام مخالف آزادی زنان است! اتفاقاً اسلام شعار «زن، زندگی» را اسلام سر می‌دهد و بلکه این شعار را عملی هم کرده است.

اسلام خط بطلانی است بر جاهلیتِ اُولی و جاهلیتِ مدرن؛ خط بطلانی است بر محدودیت مطلق یا آزادی مطلق. اسلام درباره زن نه قائل به محدودیتی است که در جاهلیتِ اُولی وجود داشت و نه آن آزادی مطلق در جاهلیتِ مدرن را می‌پذیرد. اسلام می‌گوید زن باید زن باشد؛ زن باید یک همسر خوب باشد؛ زن باید یک دختر نمونه باشد. از همه مهم‌تر می‌گوید: زن باید مادرِ خوب باشد؛ مادری که می‌تواند جهان را تغییر دهد؛ می‌تواند انسان تربیت کند؛ می‌تواند فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

مادرِ مرکز و قوام خانواده است و خانواده‌ها همان سلول‌هایی هستند که جامعه با آن‌ها تشکیل می‌شود. اگر مادر خراب شد، خانواده خراب می‌شود و اگر خانواده خراب شد، جامعه سقوط می‌کند.

اسلام به خاطر قدرت عاطفه زن، گاهی حضور زن در جامعه را امری ضروری و واجب می‌داند. لحاظ کردن قدرت عاطفه زن، برابر است با اثرگذاری اجتماعی بی‌بدیل یک زن. از این رو در تاریخ می‌بینید که این قدرت عاطفه، کاری می‌کند که شخصیتی مانند حضرت زهرا (ع) در میدان مبارزه با دشمن، پایه پای حضرت امیر (ع) حرکت کند و میدان مبارزه را از دشمن برباید و تمام نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کند.



اگر اسلام مخالف حضور اجتماعی زن است، پس واکنش‌های حضرت زهرا علیها السلام به تحرکات دشمن چیست؟ پس خطابه‌های آتشین آن یگانه خلقت علیها السلام چیست؟ اگر اسلام زن را موجودی پست می‌داند، پس جایگاه اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام چیست؟ اگر اسلام زن را موجودی بی‌ارزش می‌داند، پس قدرت اجتماعی حضرت صدیقه علیها السلام چیست؟ نمونه این قدرت در ماجرای خطبه آتشین حضرت برای زنان مدینه جلوه‌گری می‌کند. در اثر آن خطبه، یک حرکت عظیم اجتماعی به راه افتاد.

اسلام آن چنان آزادی اجتماعی و قدرت اثرگذاری در جامعه به زنان می‌دهد که گاهی یک دختر کم‌سن و سال هم تحت عمل به آموزه‌های دین مبین اسلام، قدرت جریان‌سازی در جامعه پیدا می‌کند. یکی از شخصیت‌های اثرگذار زن در بین شهدا، شهید زینب کمایی است. پیشنهاد می‌کنم بانوان بزرگوار به ویژه دختران جوان حتماً کتاب زندگی ایشان به نام «راز درخت کاج» یا مستند زیبای زندگی ایشان با عنوان «من میترا نیستم» را ببینند. انصافاً زیبا و درس‌آموز است. حتی آقایان هم می‌توانند با خواندن خاطرات ایشان درس‌های بزرگی برای زندگی خداپسندانه بیاموزند.

خواهر این شهید بزرگوار می‌گوید: بزرگ‌ترین آرزوی زینب این بود که مانند حضرت زهرا علیها السلام در هجده سالگی به شهادت برسد. همیشه این را می‌گفت و همیشه انگار آماده بود برای به شهادت رسیدن. آن قدر پاک بود که انگار در آسمان‌ها قرار داشت. بالاخره هم به آرزویش رسید. طوری در جامعه به صورت فعال و مؤثر وارد شد، که ضداثقلاب از فعالیت‌های انقلابی او عصبانی شد و طی یک عملیات دقیق و طراحی شده، شب قبل از عید نوروز، موقعی که داشت از نماز جماعت به منزل برمی‌گشت، او را ربودند و در یک خرابه با گره زدن چادرش دور گردنش او را به شهادت رساندند. یکی از نمازگزاران می‌گفت: آن شب زینب در مسجد نمازی خواند که با بقیه روزهایش فرق داشت. انگار چیزی به قلب پاکش الهام شده بود؛ چون هم سجده‌هایش طولانی بود، هم از نماز جماعت جا می‌ماند. علاوه بر اینکه نمازش با حال گریه و اشک بود.



برادرش تعریف می‌کند که زینب نسبت به شهادت خیلی ابراز علاقه می‌کرد. من که فکر می‌کردم تنها محل شهادت جبهه است، خیلی باورش نمی‌کردم. زینب در شاهین شهر اصفهان به شهادت رسید؛ اما خواهران و برادرش در جبهه و زیر گلوله باران دشمن اتفاقی برایشان نیفتاد. زینب دختری بود که هم برای خودسازی خودش وقت می‌گذاشت، هم برای هدایت دیگران.

بالای همه کتاب و دفترهایش می‌نوشت: «او می‌بیند.» می‌گفت: می‌خواهم یادم بماند که خدا دارد مرا تماشا می‌کند تا مراقب اعمالم باشم. خودش اهل غسل شهادت بود و به دیگران هم توصیه می‌کرد. می‌گفت: هر مسلمانی در هر حالتی باید غسل شهادت بکند. خواهران زینب می‌گویند: وقتی ما از درس اخلاق به خانه برمی‌گشتیم، زینب می‌پرسید: استاد اخلاقان چه گفت؟ هرچه استاد گفته بود را از ما می‌گرفت و به آن عمل می‌کرد. بعضی از خصوصیات اخلاقی اش این بود:

برنامه خودسازی داشت و دفتری هم برای همین کار تهیه کرده بود. دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها را روزه می‌گرفت. کم حرف بود. اهل نماز شب بود. اگر بین دوستانش شکراب می‌شد، بی تفاوت نبود؛ می‌رفت هرجور شده، آن‌ها را با هم آشتی می‌داد. با دخترانی که مذهبی نبودند، دوست می‌شد تا روی آن‌ها اثر مثبت بگذارد.

اهل کنشگری اجتماعی بود. در اجتماع، با مراعات موازین شرعی، حضور فعالی داشت. زمان انقلاب دست خواهرش را می‌گرفت می‌گفت: برویم خیابان علیه رژیم شاهنشاهی شعار بدهیم و خانم‌ها را هم گروه‌بندی کنیم.

اما بعد از پیروزی انقلاب هم هر جا احساس می‌کرد می‌تواند مؤثر باشد فعالیت می‌کرد. از جمله کارهایش این بود که می‌رفت خاطرات جانبازان را از خودشان می‌شنید، یادداشت می‌کرد و به گوش هم‌سن‌وسالان خود می‌رساند.

زینب مسئول جمع‌آوری بچه‌های مدرسه برای شرکت در راهپیمایی علیه بی‌حجاب‌ها بود. همین فعالیت‌های اجتماعی‌اش باعث شد ضدانقلاب عصبانی شود و او را به شهادت برساند.

مادر ایشان می‌گوید: یک شب دیدم زینب سر نماز، سجده‌اش خیلی طولانی شد و حسابی گریه کرد. بلندش کردم و گفتم: تو را به خدا این همه گریه نکن. آخر تو چه ناراحتی ای داری که این قدر گریه می‌کنی؟! زینب گفت: برای امام علیه السلام گریه می‌کنم. امام تنهاست. به امام خمینی علیه السلام خیلی فشار می‌آید. به خاطر جنگ، مملکت خیلی مشکل دارد و امام خمینی علیه السلام بیشتر از همه ما غصه می‌خورد.

من هرچه از زندگی این شهید بگویم، کم گفته‌ام. حتماً مستند «من میترا نیستم» را ببینید. نکته جالب زندگی ایشان اینجاست که قبل از شهادتش در عالم خواب به او می‌فهمانند راه رسیدن به شهادت، کار فرهنگی کردن درون جامعه است. شهید زینب کمایی با دستخط خودش خوابی را که دیده بود نوشت. ایشان در یکی از یادداشت‌هایش نوشته است:

«دیشب خواب دیدم که با چند نفر از خواهران داریم به جبهه می‌رویم. من و زهرا آن قدر خوشحال هستیم که نمی‌دانیم چه کار کنیم. مشکلات را پشت سر گذاشتیم و روزها در ماشین بودیم تا به جبهه رسیدیم. اما جبهه آنجا، جبهه واقعی نبود و من در خواب درک کردم که جبهه من، شهر من و کار من دشمنی با دشمنان خداست.»

در عالم خواب به این شهیده نشان دادند که راه رسیدن او به شهادتی که آرزویش را داشت، کار فرهنگی و حضور انقلابی در جامعه است. زندگی این شهید زهرایی و معصوم، یک درس مهم دارد: اسلام نه تنها با منزوی کردن زن مخالف است، بلکه حضور معقول و در چهارچوب اصول زن در اجتماع را ارزش می‌داند.

این فرشته‌ها با پوشیدن چادر مادرشان، عطر و بوی صدیقه طاهره علیها السلام را به دنیای اطراف ما هدیه می‌کنند. این دختر نورانی سه بار وصیت‌نامه نوشته بود. جالب اینکه آخرین وصیت‌نامه‌اش را هجده روز قبل از شهادتش می‌نویسد. خلاصه اینکه اسلام برای زن جایگاه والا و ویژه‌ای قائل است.

سخنرانی مکتوب

گاوشیرده یا شیرمیدان؟

انتخابی که تاریخ می‌سازد

حجت الاسلام والمسلمین علی آب انباری

موضوع حیاتی «مقاومت»

امروز در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده‌ایم که غبار فتنه‌ها کنار رفته و صف‌بندی حق و باطل، شفاف‌تر از هر زمان دیگری در برابر دیدگان ماست. روزگاری بود که عده‌ای در گوشه و کنار با طعنه و کنایه می‌گفتند: «چرا موشک؟! چرا هزینه؟! چرا دخالت در منطقه؟!» اما امروز در این پیچ تاریخی عظیم، پاسخ این سؤالات نه در کلام، که در غرض موشک‌های جبهه حق و در لرزه افتادن بر اندام شیاطین عالم نمایان شده است.

بحث امروز ما یک بحث حیاتی است، بحث «هزینه» است. در عالم اقتصاد، در عالم سیاست و حتی در زندگی روزمره، هیچ دستاوردی بدون هزینه نیست. اما سؤال اصلی اینجاست: کدام هزینه را باید پرداخت؟ هزینه برای «عزت» یا هزینه برای «ذلت»؟

مقاومت هزینه دارد!

می‌خواهم بی‌پرده با شما سخن بگویم. مسیر ما مسیر انبیا و اولیاست و این مسیر، فرش قرمز و حلوا پخش کردن نیست.

مقاومت هزینه دارد. بله، ما این را فریاد می‌زنیم و پنهان نمی‌کنیم. کسی که پرچم «هیئات من الذله» را بلند می‌کند، باید بداند که طوفان به سمتش می‌وزد.

این هزینه چیست؟ بیا بید واقع بین باشیم.

هزینه جانی

نوع اول هزینه، هزینه جانی است. ما در این راه گل های سرسبیدی را داده ایم. ما حاج قاسم ها داده ایم. ما سردار زاهدی ها و سید رضی ها را داده ایم. جوانان برومند مدافع حرم، مثل دسته های گل پرپر شدند تا حریم اهل بیت علیهم السلام و امنیت این مرزوبوم حفظ شود. خون داده ایم، جگرمان سوخته، اما خم به ابرو نیاورده ایم. چرا؟ چون «ما رأیت الا جمیلا».

هزینه مالی

نوع دوم، هزینه مالی است. بله، ساختن قدرت بازدارنده پول می خواهد. پهباد «شاهد» و موشک «خیبرشکن» و «فتاح» فقط با صلوات ساخته نمی شوند؛ بودجه می خواهند، سرمایه می خواهند. حمایت از بازوهای قدرتمند ایران در منطقه، از حزب الله و حماس گرفته تا حشد الشعبی و انصارالله، هزینه دارد. اما سؤال من از شما این است: قیمت امنیت ناموس شیعه چقدر است؟ قیمت اینکه شب راحت سر بر بالین بگذارید و چکمه سرباز آمریکایی و اسرائیلی روی خاکتان نباشد، چند دلار است؟

ضربه به خاک

و اما نوع سوم هزینه، که باید برایش آماده باشیم.

عزیزان من! جنگ جنگ است؛ خاله بازی نیست. در این تقابل ۱۲ روزه اخیر، در این رویارویی مستقیم و بی سابقه با رژیم غاصب صهیونیستی، ما اقتدارمان را دیکته کردیم. اما باید بدانیم و به مردم هم بگوییم: در میدان نبرد «حلوای خیرات نمی کنند»! ممکن است دشمن زخم خورده، دشمنی که هیمنه اش شکسته، برای بازسازی آبروی ریخته اش، دست به تحرکات مذبوحانه بزند.



خدا نکند؛ اما ممکن است مجدد موشکی شلیک کنند، ممکن است پالایشگاهی را هدف بگیرند یا نقطه‌ای یا فردی را بزنند. من امروز این را می‌گویم تا فردا اگر سنگی انداختند، عده‌ای غرب‌گرا و عده‌ای که دلشان لرزان است، فریاد «واویلا» سر ندهند و نگویند دیدید چه شد! نگویند ما ضعیف بودیم!

خیر! این طبیعت جنگ است. زدوخورد دارد. اگر زدند، نباید تعجب کنیم.

اما نتیجه

اما نتیجه چیست؟

نتیجه این است که ما پیش‌بینی همه چیز را کرده‌ایم. جمهوری اسلامی ایران بیدی نیست که با این باده‌ها بلرزد. همچنین دوران «بزن درو» تمام شده است. این را در عملیات وعده صادق دیدند. این را در همین تنش‌های ۱۲ روزه اخیر با پوست و گوشت و استخوانشان حس کردند.

فرمول ما روشن است: یکی بزنند، ده تا می‌خورند! اگر خطایی بکنند، اگر غلطی ازشان سر بزنند، پاسخی دریافت خواهند کرد که آن چندصد موشک و پهپاد، در برابرش ترقه‌بازی به نظر بیاید. این شعار نیست؛ واقعیتی است که در میدان نشان دادیم. ما آغازگر جنگ نیستیم؛ اما تمام‌کننده‌اش ماییم.

هزینه سازش بیشتر است!

۱۹۴

اما بخش دوم عرایضم که شاید مهم‌تر از بخش اول باشد، با یک سؤال شروع می‌شود:

برخی می‌گویند: «حاج آقا! چرا صلح نمی‌کنیم؟! چرا کوتاه نمی‌آییم تا هزینه‌ها کم شود؟!»

پاسخ اینجاست، در کلام حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام: «مقاومت هزینه دارد؛ اما هزینه سازش و تسلیم، از هزینه مقاومت به مراتب بیشتر است.»

برخی فکر می‌کنند اگر ما اسلحه‌مان را زمین بگذاریم، اگر لب‌خند بزنیم، اگر با «کد خدا» ببندیم، همه چیز گلستان می‌شود. زهی خیال باطل!

سال هاست وسط میدان جنگیم!

اولاً بیدار شوید! ما سال هاست وسط میدان جنگیم. مگر الآن در صلحیم که بخواهیم وارد جنگ شویم؟

- وقتی داعش را ساختند تا به مرزهای ما برسد، جنگ نبود؟

- وقتی دانشمندان هسته‌ای ما، فخری زاده‌ها و شهریارها، را کف خیابان ترور کردند، جنگ نبود؟

- وقتی دارو را بر بیماران پروانه‌ای ما تحریم کردند، جنگ نبود؟

- وقتی در سالگرد حاج قاسم در کرمان حمام خون راه انداختند و زن و بچه مردم را تکه تکه کردند، جنگ نبود؟

- وقتی در سیستان و بلوچستان به پاسگاه‌های ما حمله می‌کنند، جنگ نیست؟

ما وسط جنگیم! دشمن شمشیر را از رو بسته است. حال در این میدان، نسخه «سازش» چه بلایی بر سر ملت‌ها می‌آورد؟ بیایید تاریخ را ورق بزنیم. بزرگ‌ترین معلم ما تاریخ است؛ اما متأسفانه بزرگ‌ترین درس تاریخ این است که ما از آن درس نمی‌گیریم!

کارنامه سازش، درس تاریخ

بیایید نگاه کنیم به سرنوشت کسانی که راه «سازش» را انتخاب کردند:

تاریخ معاصر ایران

اول، تاریخ خودمان را ببینیم.

دوره قاجار را به یاد دارید؟ پادشاهان زن‌باره و ضعیف که فکر می‌کردند با امتیاز دادن می‌توانند تاج و تختشان را حفظ کنند. نتیجه سازششان چه شد؟ عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمنچای. قلم را برداشتند و پاره‌های تن ایران را جدا کردند. قفقاز رفت، ارمنستان رفت، گرجستان رفت، نخجوان رفت. این هزینه سازش بود: تجزیه ایران!

دوره پهلوی را ببینید.

پدر و پسر سرسپردگی را به اوج رساندند. رضاشاه که با کودتای انگلیسی سرکار آمد، وقتی تاریخ مصرفش تمام شد، همان انگلیسی‌ها مثل یک تفاله او را پرت کردند بیرون! تبعیدش کردند به جزیره موریس. این عاقبت نوکری برای اجنبی است.

مصدق را ببینید! مصدق که ملی‌گرا بود، اما اشتباهش چه بود؟ به آمریکا اعتماد کرد. گفت سگ زرد برادر شغال نیست! فکر کرد آمریکا با انگلیس فرق دارد. نتیجه‌اش چه شد؟ کودتای ۲۸ مرداد. دولت قانونی‌اش را سرنگون کردند و ۲۵ سال دیکتاتوری را بر این ملت تحمیل کردند.

محمدرضا شاه چه؟ بحرین، دختر زیبای ایران، را شوهر داد! کاپیتولاسیون را امضا کرد؛ یعنی سگ آمریکایی از شاه ایران محترم‌تر شد. نتیجه این همه سازش و ذلت چه شد؟ آوارگی و مرگ در غربت، درحالی‌که حتی اربابانش راهش نمی‌دادند!

ژاپن، غول تکنولوژی

به دنیا نگاه کنید.

آیا سازش برای دیگران رفاه آورد؟

کشور ژاپن غول تکنولوژی است؛ اما از نظر سیاسی و نظامی مستعمره است. شصت سال است دارد با آمریکا راه می‌آید، تعظیم می‌کند، پایگاه می‌دهد. آیا توانسته جزایر اشغال‌شده‌اش را پس بگیرد؟ ابداً! آمریکا هنوز در ژاپن آقایی می‌کند و سرباز آمریکایی به دختر ژاپنی تجاوز می‌کند و کسی نمی‌تواند محاکمه‌اش کند.

ترکیه، میراث‌دار امپراتوری عثمانی

به ترکیه نگاه کنید، میراث‌دار امپراتوری عثمانی. سه دهه است پشت در اتحادیه اروپا التماس می‌کند. امتیاز می‌دهد، قوانینش را سکولار می‌کند، فرهنگش را می‌فروشد. راهش دادند؟ خیر! تحقیرش کردند.

عربستان، گاو شیرده

به عربستان سعودی نگاه کنید: گاو شیرده! این تعبیر من نیست؛ تعبیر ترامپ قمارباز است. ۵۰۰ میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی بستند، رقص شمشیر کردند. آخرش چه گفت؟ گفت اگر ما حمایت نکنیم، دو هفته هم دوام نمی‌آورید. این عزت است یا اوج ذلت؟! پولت را بدهند، نفتت را ببرند و تو را گاو خطاب کنند!

سرهنگ قذافی

به لیبی نگاه کنید: سرهنگ قذافی. ترسید. مرعوب شد. گفت بیایید تأسیسات هسته‌ای مرا بار کشتی کنید و ببرید. تمام تجهیزاتی را که میلیون‌ها دلار پول ملت لیبی پایش رفته بود، دودستی تقدیم غرب کرد. گفتند آفرین! حالا شده‌ای پسر خوب. نتیجه چه شد؟ آیا لیبی گلستان شد؟ خیر! همان غربی‌ها همان ناتو چند سال بعد حمله کردند، کشورش را ویران کردند و خودش را در لوله‌های فاضلاب پیدا کردند و کشتند. امروز لیبی کجاست؟ تکه تکه شده؛ غرق در جنگ داخلی و فقر. این هزینه سازش است!

عراق و صدام

به عراق و صدام نگاه کنید. روزی که با ایران می‌جنگید، رفیق فابریک غرب بود. تاریخ مصرفش که تمام شد، به بهانه‌های واهی به کشورش حمله کردند، خودش را از سوراخ موش بیرون کشیدند و اعدامش کردند و کشورش را به خاک و خون کشیدند.

عزت، کارنامه مقاومت

برادران عزیز! خواهران گرامی!

این کارنامه سازش است: ویرانی، تجزیه، ذلت، و در نهایت نابودی!

اما کارنامه مقاومت چیست؟

کارنامه مقاومت ایران مقتدری است که چهل و چند سال است تمام دنیا جمع

شده‌اند تا آن را زمین بزنند، اما نتوانسته‌اند؛ ایرانی که امروز در جنگ ۱۲ روزه، اراده‌اش را بر قدرت‌های پوشالی تحمیل می‌کند؛ ایرانی که اگر یکی بخورد، چهارصد تا می‌زند؛ ایرانی که امنیتش عاریتی نیست؛ جوشیده از خون جوانان خودش است.

امروز اسرائیل در چه حالی است؟ رژیمی که ادعای «نیل تافرات» داشت، امروز دور خودش دیوار کشیده و در پناهگاه می‌لرزد. این ثمره مقاومت است. اقتصادشان فلج شده، بندر ایلاتشان تعطیل شده، شهرک‌نشینانشان آواره شده‌اند.

بله، راه ما سخت است؛ کمبودها هست، گرانی هست، فشار هست؛ اما «عزت» هست، استقلال هست، ما آقای خودمانیم، ما منتظر لبخند دشمن نیستیم.

تاریخ ثابت کرده هر ملتی که در برابر گرگ‌ها کوتاه آمد، دریده شد، و هر ملتی که ایستاد، گرگ‌ها را عقب راند.

روز انتخاب

امروز روز انتخاب است؛ انتخابی که ملت ما چهل سال پیش کرد و پایش ایستاده است. ما راه حسین بن علی علیه السلام را انتخاب کرده‌ایم، راه «هیئات منّا الذله».

دشمن بداند اگر دست از پا خطا کند، اگر بخواهد با دم شیر بازی کند، تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهیم کرد. این شعار نیست؛ این «وعده صادق» است.

پس نترسید، سست نشوید و غمگین نباشید که شما برترید اگر ایمان داشته باشید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.

ان شاء الله پرچم این انقلاب با دستان باکفایت رهبر عزیزمان به دست صاحب اصلی‌اش، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف خواهد رسید و آن روز، پایان تمام ظلم‌ها و هزینه‌هاست ...

A decorative, light blue cloud-like frame with a central pointed top and bottom, and wavy sides, containing the title text.

یادداشتهای
کوتاه دربارہ
حجاب



این جمله ساده را از بسیاری از مردم شنیده ایم:

فلانی آمد خواستگاری دخترم، پسر خوبی بود، هیچ نکته منفی ای نداشت، ولی به دل ما ننشست.

در بسیاری از موارد، عامل این ماجرا تصویرسازی ای است که فرهنگ و رسانه و هنر برای شما شکل داده است.

این سه برای شما نسبت به پلیس، معلم، آتش نشان، طلبه، مداح، مؤدی مالیات، نماینده مجلس، خانم چادری، خانم شل حجاب، دختر بی حجاب و... تصویرسازی می کنند؛ تصویری که به محض آمدن نام آن ها در ذهن شما نقش می بندد. جنگ روایت ها در همین فضا شکل می گیرد. اولین تصویر و معنایی که با شنیدن نام نماینده مجلس به ذهن شما می آید چیست؟ سیلی عنابستانی به صورت سرباز؟ شاسی بلند؟ عدم صداقت؟ انقلابی؟ مردمی؟

خانم بی حجاب یا شل حجاب چه تصویری را در ذهن شما متبادر می کند؟ تصویر رهبر انقلاب عجله الله فرجه از این جماعت، بانوانی معنوی، اهل تضرع و احیا هستند؛ تصویری که شاید بسیاری از ما آن را تصدیق نکنند.



ما در تصویرسازی بانوان محجبه مان کوتاهی کرده ایم. تلاش دشمن این است که زن محجبه ما را سنتی و متحجر یا به تعبیر بدِ خودشان «اُمْل» معرفی کند؛ زنی که جز محیط خانه اش جایی را نمی شناسد، طرز فکر و سبک زندگی اش مربوط به یک قرن گذشته است، و....

در مقابل، خانم بی حجاب با کلاس و به روز و مدرن است، شجاع است و مقابل فرهنگ رایج کشور خود ایستاده و....

و چقدر این تنگه مراقبت می خواهد که نگذاریم تصویر ذهنی دختر و پسر امروز ما از بانوی محجبه ما، خطا شکل بگیرد. این تصویرهاست که در بسیاری از موارد، حب و بغض های ما را شکل می دهند و منشأ تصمیم می شوند و در مثال بالا، مانع ازدواج با فردی می شوند؛ هرچند همه ویژگی های لازم برای یک زندگی خوب را دارد.

واقعیت این است زنی که انقلاب اسلامی به دنیا معرفی کرده است، یک تعریف جدید از زن است. تاریخ به خود این چنین بانوانی ندیده است. تاریخ انسان تا قبل از انقلاب اسلامی مابین یک دوگانه گیر کرده بود: زن یا باید در خانه بماند و از حضور اجتماعی محروم باشد؛ چراکه حوزه اجتماعی، به شرافت و عفت زن لطمه می زند و اساساً جامعه باید مردانه اداره شود و نباید پای زن به سیاست و فرهنگ و تربیت عمومی و اقتصاد و... باز شود. که همان زن سنتی دنیای گذشته ماست. زن ضعیفه ای است که جز چهاردیواری خانه خود، محیط اثرگذاری ندارد.

یا اینکه ابزار دست دنیای مدرن و سرمایه داری شود و یک کالای مصرفی تلقی شود؛ بازوی شهوانی تولید و مصرف شود و بدن و زیبایی هایش پیشران مدیریت جامعه شود؛ نیروی ارزان قیمت و جذابی که لقمه چرب و نرمی برای سرمایه داران بی رحمی است که جز بازار و سود اقتصادی چیزی نمی فهمند.

دنیای مدرن با پشت پا زدن به تعریف اول زن، خانم ها را وارد جامعه کرد و با شعارهای جذابی چون برابری جنسیتی، زنان را وارد این بازار سرمایه سالار کرد و از چاله زن سنتی او را به چاه ویل فمینیسم انداخت.

دنیای بی‌رحم سرمایه‌داری هم برای اینکه زن را در این میانه نگه دارد، تا توانست روی برابری و آزادی جنسیتی، حمایت‌های زن‌محور (زنی که دیگر خانواده‌اش را رها کرده و همه دغدغه‌اش موفقیت شخصی در جامعه شده) در قانون‌گذاری و... تأکید کرد و زن شد کالای مصرفی دنیای سرمایه‌داری.

اما انقلاب اسلامی در این گوشه عالم یک حرف جدید داشت و معتقد بود زن با همان گوهر عفاف و حیای خود باید وارد جامعه شود و دنیا را آباد کند. او همان‌طور که با بی‌بندوباری اجتماعی زنان مخالف بود، با تحجر و ظاهرگرایی‌ای که زن را محصور در خانه و بیت می‌دید، مشکل داشت.

زن انقلاب اسلامی محور خانواده‌اش است و دنیای فردا را با تربیت نسلی شجاع، عالم و غیور می‌سازد. اما در عین حال یک هویت اجتماعی غلیظ نیز دارد. جامعه اسلامی را زنان و مردان با هم می‌سازند. زن در رشد و پیشرفت کشور در ابعاد علمی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی سهم بسزایی دارد.

تحلیل حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب حفظه الله از این نقش‌آفرینی تا بدان جاست که ایشان معتقدند در تحقق انقلاب اسلامی، یعنی عظیم‌ترین اتفاق دوران عصر غیبت، اگر خانم‌ها به میدان نمی‌آمدند، مطلقاً ما نمی‌توانستیم پیروز شویم و بالاتر اینکه، امام علیه السلام زنان را رهبران و پیشروان این نهضت می‌داند.

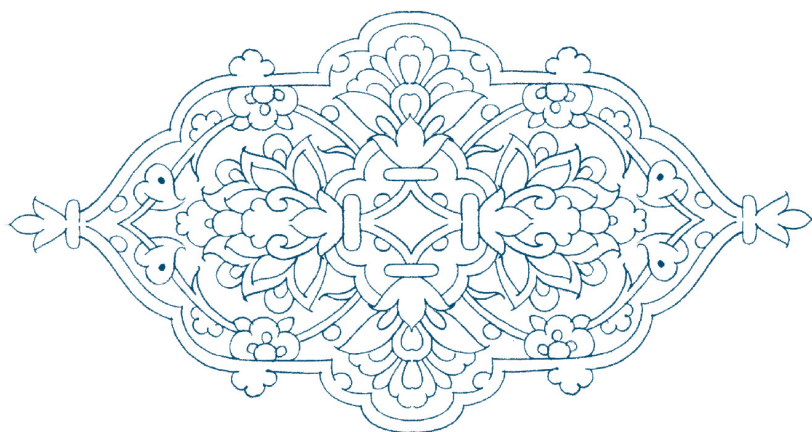
لذا حضور زنان در جامعه‌سازی با قواعد اسلامی و مبتنی بر احکام شرعی، تعارف‌بردار نیست و اساساً تحقق اهداف بالای کشور و انقلاب، رهین این حضور است.

بانوی محجبه اثرگذار ما باید خود را در این صحنه ببیند. او با حجاب خود کف میدان ورزشی و علمی و فرهنگی و... یک هویت مهاجم جدید به دنیا عرضه می‌کند. زن به روز اوست. اوست که یک الگوی جدید در دنیا معرفی کرده است و چقدر این الگو برای زنان عالم جذابیت دارد؛ زنانی که هم از ظلم و جفاهای دنیای سرمایه‌داری به ستوه آمده‌اند و امروزه شاهد شکل‌گیری جنبش‌هایی علیه این مظالم هستیم و هم از بی‌هویتی خود، از جدا افتادن از خانواده و مادر شدن خسته شده‌اند.

این خانم باید بداند که وقتی روی سکوهای ورزشی، با حجاب بالا می‌رود و فرزند خود را در آغوش دارد، چطور همه میلیاردها دلاری که سال‌هاست خرج شده تا زن مسلمان را عقب افتاده و سنتی نشان دهد، به باد می‌دهد.

او باید بداند ترکیب حجاب و حضور اجتماعی، اکسیری است که همه زن ستیزان عالم را آتش می‌زند.

خانم بی حجابِ ما هم بداند که طراحی پشت ماجرای بی حجاب آوردن زن به جامعه، یک طراحی ضد زن است؛ نقشه‌ای است که می‌خواهد زن را از هویت اصیل خود جدا کند، او را از جامعه حذف کند و بدن و جذابیت‌های او را به صحنه بیاورد و عملاً مانع حضور زن شود. او می‌خواهد زن را به اسارت بکشد، و چه ابزاری مناسب‌تر از اینکه کف خیابان‌ها و جامعه را عرصه رقابت خانم‌ها برای دلبری کند و نگاه مردان را به آن‌ها به مثابه وسیله‌ای که با آن باید لذت برد و بعد از اندک زمانی دور انداخت! به همین قباح و بی‌رحمی!



خودنمایی ممنوع

تبیین عقلانیت حجاب

حجت الاسلام والمسلمین سید یدالله یزدان پناه

در اینجا به بررسی آیه ۳۱ سوره نور در مسئله حجاب می پردازیم:

﴿وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

قید «لایبیدین زینتهن الا ما ظهر منها» بحث حجاب است. در این آیه این نکات قابل توجه است:

۱. «زینت» هر چیزی است که مایه افزودن زیبایی محسوب می شود. هم شامل زیورآلات مثل گردنبند و خلخال که به پا می بستند، می شود و هم شامل زینت های دیگر مثل لباس ها؛

۲. «لایبیدین» یعنی آشکار نکنند. «لِیُعْلَمَ مَا یَخْفِیْنَ» تا مخفی ها معلوم و دانسته نشود. آشکار نکردن یعنی زینت ها باید مستور بمانند و نامحرم نبیند. همین که این چنین گفته شود، یعنی ما قائل به یک نوع پوشش شده ایم. بعضی ها هم گفته اند منظور از «لَا یَبْدِیْنَ زَیْنَتَهُنَّ» موضع زینت است یعنی گردن، که گردنبند روی



آن بسته می شود، نباید دیده شود. چون منظور این نیست که گردنبنده جدا پوشانده شود؛ بلکه وقتی از گردنبنده استفاده می شود، پوشیده باشد. برخی هم گفته اند زینتی که زن به کار می گیرد روی بدن اوست؛ یعنی نه بدن و نه زینت را نباید نشان بدهد. برخی هم مثل کشف گفته اند نه زینت و نه موضع آن را نمی توان نشان داد. در روایات هم این چنین آمده است که بدن و لباس زن زینت محسوب می شود.

۳. قواعد نساء در «و القواعد من النساء...» نشان می دهد که منظور فقط زینت نیست؛ بلکه بدن هم هست. یعنی تعبیر زینت، شامل بدن هم می شود. لذا در روایات هم این گونه توضیح داده اند.

۴. «لا یبیدین زینتهن»: سرمه و دستبند و انگشتر منظور است. البته زینت متعارف منظور است و نه افزون بر آن. این نکته را هم باید دقت کنیم که اینجا طرح بحث می کنیم و در مباحث فقهی، هر کسی ضروری است به مرجع خود مراجعه کند. نامحرم می تواند زینت دست و کفین را که به طور متعارف باشد ببیند و این اشکال ندارد.

۵. زینت به طور عادی مثل انگشتر که متعارف است، اشکال ندارد. چرا قید «متعارف» می گوئیم؟ به تعبیر دیگر این قید را به چه دلیلی اضافه می کنیم؟ چون آیاتی در قرآن کریم هست و همچنین سیاق آیات قرآنی هم قائل است که مسئله تبرج و خودنمایی نباید باشد؛ لذا قید متعارف را اضافه کردیم. بنابراین زینت به گونه ای که جلوه و خودنمایی ویژه باشد - که بحث تبرج است - باید پوشیده باشد. به ویژه خلخال که روی پاست، نباید پیدا شود؛ یعنی جوری پوشیده شود که خلخال هم پوشیده شود؛ یعنی زینتی که در پا و گردن به جز دست و صورت هست، نباید پیدا شود.

۶. «و لیضرنن بخمرهنّ علی جوبهنّ»: خمار یعنی روسری ای که سر را با آن می پوشانند. آیه می فرماید: باید روسری ها را بر گریبان شان بیندازند. چرا؟ چون قبل از اسلام رسم این بود که روسری را پشت سر می انداختند که سینه و گلو پیدا بود. آیه دستور می دهد روسری را جوری سر کنید که گلو و سینه را بپوشاند. در بین



عرب آن زمان مرسوم بود که روسری فقط روی سر را می پوشاند و گلو و گریبان پیدا بود. خداوند متعال می فرماید کاری کنید که گلو را هم بپوشاند. آیه الآن در مقام بیان مواضع پوشش است و در مقام بیان جوری نگفت که روسری تمام صورت را بپوشاند؛ یعنی گردی صورت استثناست و فقط باید گریبان را بپوشانید. این نشان می دهد که حجاب و پوشاندن صورت لازم نیست.

۷. آیه مبارکه زینت را به دو بخش ظاهری و باطنی تقسیم کرده است: وجه و کفین جزو زینت ظاهری است که متعارف اشکال ندارد؛ ولی زینت باطنی باید از نامحرم پوشانده شود.

۸. «لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ»: جوری پا را به زمین نزنند که صدای آنچه دیده نمی شود، شنیده شود. لذا پاهایتان را تند به زمین نزنید. خلخال جزو زینت مخفی است؛ یعنی نه تنها زینت را مخفی کنید، رفتارشان هم تحریک آمیز نباشد. لذا اگر عطر بزنید و تحریک آمیز باشد، نباید بزنید. پس هرچه مایه تحریک می شود، نباید باشد.

۹. «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»: زینت باید به گونه ای باشد که تحریک آمیز نباشد و متعارف باشد. انگشتر به طور متعارف اشکال ندارد؛ اما اگر جوری باشد که تحریک آمیز باشد، این آیه آن را در بر می گیرد؛ یعنی صدا هم تحریک آمیز نباید باشد. لذا هر چیزی هم که مجازیم، نباید تحریک آمیز باشد.

۱۰. «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ»: یکی از فلسفه هایی که حجاب باید حفظ شود، پاکی دل و پاکی جامعه است تا جامعه بتواند به کارهای اصلی برسد.

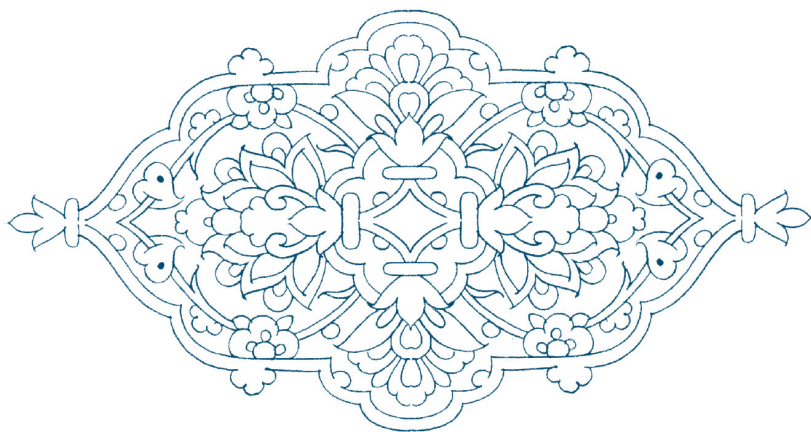
۱۱. ادبیات اخفا قرآنی است: «لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ». یعنی دستور پوشش آمده است. اینکه ما حجاب می گوئیم اشکال ندارد؛ اما اصلش پوشش است؛ یعنی آشکار نکنید. ادبیات قرآنی همین اخفا و عدم اظهار است.

۱۲. یک نکته هم اندیشه محرم و نامحرم است. این هم در این آیه با مراتبی که دارد، آمده است.



۱۳. «ما ظاهر منها»: زنی که در خانه است، بحث پوشش برای او معنا دارد؟ لذا قیود پوشش برای ورود زن در جامعه است؛ وگرنه در خانه که «لَا يَنْدِينُ زِيَّتَهُنَّ» معنا ندارد. پس این بحث مال ورود اجتماعی زن است. لذا حجاب گفته شده که زن بتواند به صحنه جامعه بیاید و با آرامش بیاید. در عین اینکه در جامعه می‌آید، بتواند حفظ دل کند و جامعه را حفظ کند. آیه مبارکه خواسته بگوید بیرون باش؛ اما انسانی باش. مثلاً مانتوی باز باید بسته باشد یا به ساق پا برسد. این را می‌گوید اصلاح. خداوند می‌فرماید آن روسری ای که می‌انداختید، گاهی طوری بود که گریبان معلوم بود. نباید آن‌طور باشد. آن را بپوشانید. این یک حرکت اصلاحی است.

۱۴. آنچه از «غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ» قابل استفاده است این است که ملاک شهوت را جدی بگیرید. مسئله مهمی است. در مواردی که امکان تحریک شهوت است، حریم نگه داشته شود.



از لاک جیغ تا خدا

فناوری هیئت در نسبت با مشارکت بانوان بی حجاب

حجت الاسلام والمسلمین مهدی افراز

«از لاک جیغ تا خدا» عنوان برنامه‌ای بود که از سال ۹۳ تولید و روی آنتن صداوسیما پخش می‌شد. محتوای عمده‌اش مروری بر نحوه تحول و سپس گرایش صدها نفر از دختران جوان به حجاب بود. چند سال پیش از تهیه‌کننده زحمت‌کش این برنامه در مورد زمینه اصلی تغییر رفتار این بانوان سؤال کردم. با صراحت و با استناد به روایت سوژه‌ها، در ۹۰ درصد موارد، دو عامل محوری را اسباب گرایش این دختران به حجاب می‌دانست. این دو عامل نه مطالعه کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» استاد مطهری، نه مشاهده مستند «ایکسونامی و انقلاب جنسی»، نه آشنایی با فتاوای مراجع در حوزه پوشش، نه شرکت در جلسات الگوی زن سوم در دانشگاه، نه حضور در جلسات مشاوره سبک زندگی کانون فرهنگی مساجد، نه توصیه‌ها و خواهش‌های خانوادگی، بلکه «حضور در هیئت امام حسین (علیه السلام)» و «شرکت در کاروان‌های راهیان نور» به عنوان دو عامل منحصربه‌فردی بوده‌اند که اسباب گرایش این افراد را به حجاب فراهم آورده‌اند؛ بسترهایی که لزوماً هیچ دلالت مستقیمی به موضوع حجاب ندارند ولی مشخصاً موجب تغییر شدید در سبک پوشش این افراد شده‌اند.

در این دو فناوری اجتماعی چه محرک مشترکی برای تحول در سبک پوشش وجود دارد؟ این دو فناوری در کدام نقطه تأثیر وارد نظام حساسیت انسان می‌شوند؟ به نظر می‌رسد کانونی‌ترین نقطه‌ای که از رهگذر حضور و مشارکت در این الگوها مورد اصابت قرار گرفته است، مقوله تحول در معنای زندگی یا به زبان بهتر «تحول در معنای حیات» این افراد است. وجه کارکردی مشترک هیئت و کاروان راهیان نور، ملاقات با جنبه قدسی انسان یعنی شهید است. شهید صراطی است که در کرانه‌اش من برتر، من جذاب، من استعلایی و من جاودانه انسان ایستاده است. شهید نمودی از معنای متفاوت انسان و پهنه‌ای برای ورود بشر به جهانی است که موطن وجودی اوست. سیدالشهدا (علیه السلام) در کسوت سیادت و در قله آن استقرار یافته و سایر شهدا در دامنه آن. این ملاقات انسان را نه ذهناً که وجوداً در دوراهی من انسانی - من حیوانی، من ملکوتی - من ناسوتی، من مافوق - من مادون، من باقی - من هالک قرار می‌دهد. انسان در این دو فناوری با خود برترش مواجه می‌شود و رسیدن به آن را تمنا می‌کند.

این مواجهه چه اثری بر انتخاب نوع پوشش دارد؟ وقتی سقف استقرار انسان در ساحت طبیعت و جسمیت خود باشد، تمام توجهش به «نازل‌ترین بعد وجودی‌اش» یعنی بدن خواهد بود. اگر این التماس در بستر یک جامعه بازاری با صورت سرمایه‌داری هم محقق شود، که «يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ» شده و بدن را به مثابه یک کالا وارد میدان تولید - توزیع - مصرف خواهد کرد. ملاقات با شهید، معنای زندگی انسان و غایت بودنش را بر سر دوراهی قرار داده و افق‌هایش را جابه‌جا می‌کند، وقتی این دگرگونی رقم خورد، رویکرد انسان در تعامل با درون و بیرون خویش از جمله بدن هم تغییر خواهد کرد و نتیجه‌اش تغییر در سبک مدیریت بدن و پوشش است. حال با در نظر داشتن چنین استعدادی در این فناوری‌ها و در زمانه‌ای که با کمبود الگوهای معنابخش به زندگی شهروندان برای ارتقای سبک پوشش مواجهیم، آیا ممانعت از حضور بانوان بی حجاب در این مراسمات هوشمندانه است؟ پاسخ به این پرسش دشوار ولی تأمل در آن لازم است. اگر سیر

تصوّف و مناسک کش در ایران را در پنج قرن گذشته مورد بازخوانی قرار دهیم، احیاناً ملاک های روشن تری برای قضاوت خواهیم داشت. مناسک متصوفانه از زمانی که به بهانه های مختلف دامان خود را از تقید به شریعت و فقه خالی کردند، هم زمان از جوهره و اثربخشی خود خارج شده و رفته رفته در جامعه ایران به انزوا کشیده شدند. در واقع مناسک معنوی به عنوان یک فناوری اجتماعی، ذات و جوهره شان به آداب و شرایطی گره خورده است که چارچوبش در شریعت مشخص شده و هر زمان که از محدوده آن خارج شود دچار انقلاب در ذات خواهند شد؛ حتی اگر صورت و فرم خود را نیز حفظ کرده باشند. تأثیر و دخالت در قلوب که کار ویژه اساسی این فناوری هاست، امری است که تدبیر آن لزوماً در اختیار صاحب شریعت است که تأکید دارد: ﴿أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾. پس تقید به شریعت شرط تأثیر این مناسک است و اساساً تشیع از رهگذر ایجاد هم گرایی میان شریعت و طریقت توانست پاسدار واقعی حقیقت و مسیری برای دستیابی انسان به آن باقی بماند. اگر ایجاد تحول در قلوب عموم جامعه من جمله بانوان بی حجاب را کارکرد هیئت بدانیم، در این دوره باید تلاش کنیم که به هر هنر و ابتکاری بستر را برای «حضور مؤثر» این افراد مهیا کنیم؛ اما حضور مؤثر لازمه اش در وجه جمع میان جوهره و کارکرد است. لذا اگر توانستیم با ابتکاراتی زمینه حضور این بانوان را در ضمن تقید به حداقل های فقهی فراهم آوریم، موفق شده ایم این محافل را در ضمن کارآمدی بسط دهیم. اما در صورت تراحم و عدم توفیق در ایجاد شرایط، عقل به حفظ جوهره و ذات این فناوری ها یعنی «حراست از موجودیت متشرعانه هیئت» حکم خواهد کرد؛ عقلانیتی که در موضوع کیفیت ورود بانوان به حرم های اهل بیت علیهم السلام نیز در ادوار مختلف کارآمدی خود را نشان داده است.

حجاب در آینده‌ی نه‌چندان دور

تحلیلی در باب آینده حجاب در ایران

حجت الاسلام والمسلمین هادی حسن‌زاده

آیا وضعیت حجاب و پوشش در جامعه ایران روزبه‌روز بدتر خواهد شد؟

به نظر می‌رسد برای پاسخ دقیق به این پرسش، ابتدا باید به پرسشی اساسی‌تر پاسخ داد: انگیزه بی‌حجابی چیست؟ چه چیز زنان و دختران را به عریانی سوق می‌دهد؟ ممکن است در پاسخ گفته شود: انگیزه واحدی وجود ندارد و هر کس به فراخور زیست خود و با انگیزه‌ای خاص، تصمیم به بی‌حجابی می‌گیرد. این انگیزه می‌تواند خاستگاه درونی، بیرونی یا ترکیبی از این دو داشته باشد. این پاسخ، درست به نظر می‌رسد؛ اما در ادامه می‌توان این سؤال را مطرح کرد که: آیا میان این انگیزه‌های متکثر، نقطه یا نقاط اشتراکی وجود ندارد؟

این نقطه یا نقاط مشترک می‌تواند بر اساس ساخت روحی بانوان (خاستگاه درونی بی‌حجابی) یا شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی زمانه (خاستگاه بیرونی بی‌حجابی) باشد. در این فضا تحلیلی هست که می‌تواند تغییرات همگانی پوشش در ادوار تاریخی را تفسیر کند؛ به این شکل که گفته شود: در هر برهه تاریخی، تغییرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی (عوامل مشترک خارجی) انگیزه‌های درونی بانوان یک ملت را تحریک و آنان را وادار به تغییر پوشش می‌کند. چون این اتفاق (تغییر پوشش) در مقیاس یک جامعه و در بازه زمانی خاصی روی می‌دهد، می‌توان حدس زد که عامل واحد خارجی بر انگیزه‌ای واحد و مشترک در میان زنان جامعه اثر گذاشته است و نه عوامل متعدد و انگیزه‌های متکثر.



حال می‌توان پرسید: بر فرض پذیرش این الگوی تحلیلی، اصلاً این ادعا بر صواب است که علت اصلی تغییر همگانی پوشش در جوامع، تغییرات سیاسی و اجتماعی‌اند و نه انگیزه‌های درونی؟ چراکه انگیزه‌های درونی برای عریانی، امری ثابت در ساخت روحی زنان (و امری مشترک میان همه آن‌ها در طول تاریخ) هستند و آنچه تغییر می‌کند عوامل بیرونی تغییر پوشش است. در نتیجه این حوادث بیرونی هستند که انگیزه‌ها و خاستگاه‌های درونی اما را کد برای تغییر پوشش را فعال می‌کنند و این فعال شدن انگیزه‌ها در جامعه زنان، خود را در قالب تغییر پوشش (بی‌حجابی در مسئله ما) نشان می‌دهد.

بر این اساس ناچار می‌بایست سؤالات نخست را به‌روزرسانی کنیم: انگیزه این زمانی بی‌حجابی چیست؟ چه چیز در زمانه ما، زنان و دختران را به بی‌حجابی سوق می‌دهد؟

به گمانم سلطه و قدرت سیاسی غرب در جهان سبب بی‌حجابی در شرق (من جمله کشور خودمان) است؛ نه به این شکل که غربی‌ها چادر از سر زنان شرقی کشیدند، که البته کشیدند و این ظاهر امر است و صورت سطحی مسئله، و نه حتی با تبلیغات منفی و تهاجم فرهنگی، که انکارناپذیرند و بی‌گمان مؤثر بوده‌اند؛ بلکه با ساخت هویت و حس برتری غربی و به تبع آن، هویت‌زدایی و تشدید حس فلاکت شرقی.

غریبان به پشتمان قدرت و برتری سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی خود در این زمانه، در محصولات هنری رسانه‌ای شان قدرت و برتری خود را عریان نشان دادند و عقب‌ماندگی شان را پوشاندند. البته بی‌شک اگر غرب تا حدی از این قدرت و برتری سیاسی و نظامی و... را نداشت، تبلیغات او چنین کارگر نمی‌افتاد. بگذریم از اینکه اساساً قدرت اوست که منابع مالی تولیدات رسانه‌ای او را تأمین می‌کند و این برتری و نفوذ سیاسی غرب است که محصولاتش را توزیع می‌کند؛ اما در اصل و پیش از تأمین هزینه و پیش از توزیع، قدرت سیاسی غرب موفقیت محتوایی آثار هنری رسانه‌ای او را تضمین می‌کند.



انسان شرقی، خصوصاً بانوی شرقی، در سلطه فرهنگی-رسانه‌ای غرب، با پدیده‌ای باشکوه، مترقی، قدرتمند، زیبا و افتخارگر روبه‌روست: انسان غربی. از قضا این انسان غربی برهنه و بی‌حیاست. بانوی شرقی فریفته بی‌حیایی و برهنگی انسان غربی نیست؛ بلکه دل‌باخته قدرت و برتری و عزت اوست. این قدرت و برتری مصوّر بدین جهت باورپذیر است که در عالم خارج نیز اثری از آن احساس می‌شود. شاید به همین سبب باشد که ما بلوف‌های هالیوودی را خاضعانه به تماشا می‌نشینیم و در مقابل، لاف‌های بالیوودی (سینمای هند) را به سُخره می‌گیریم. قابل بررسی است که سینمای آمریکا در تغییر پوشش در کشور ما اثرگذارتر بوده یا سینمای هند؟

با اجتناب از این همانی میان نفاق و بی‌حجابی و تنها برای طرح مسئله و شاهد مدّعا، خداوند در آیه ۱۳۹ سوره نساء می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أََوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِيتُهُمْ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾.^۱ بی‌گمان قدرت و عزت تماماً از آنِ الله است. حضرت حق انگیزه نفاق را که در آیه به هم جبهگی و دوستی با کفار توصیف شده، عزت‌طلبی معرفی می‌کند. ای بسا این انگیزه بسیاری از کج‌روی‌ها، از جمله بی‌حجابی باشد، که بشر به اشتباه عزت را در کثی جست‌وجو می‌کند و حضرت حق می‌فرماید که عزت نزد من است و نه کفار.

باز می‌گردیم به سؤال اصلی این نوشتار: آیا وضعیت حجاب و پوشش در جامعه ایران روزبه‌روز بدتر خواهد شد؟ با یک شرط، خیر.



تقریباً تمام تحلیل‌گران منصف و واقع‌نگر عالم سیاست معتقدند که دوران قدرت بلامنازع غرب (به سردمداری ایالات متحده) به پایان رسیده است. شاید هنوز این مسئله در افکار عمومی مردم جهان، خاصه شرق‌نشینان، به گزاره‌ای بی‌چون‌وچرا تبدیل نشده باشد؛ اما به مرور و با پدید آمدن اتفاقات جدید و آشکار شدن ضعف و زبونی غرب، چنین خواهد شد؛ شاید یک سال دیگر، شاید کمتر و شاید بیشتر. این اتفاق به شکلی رقم خواهد خورد که با هیچ نرم‌افزار رسانه‌ای نتوان آن را رُتوش کرد. این را ضمیمه کنید به قدرت یافتن شرق،

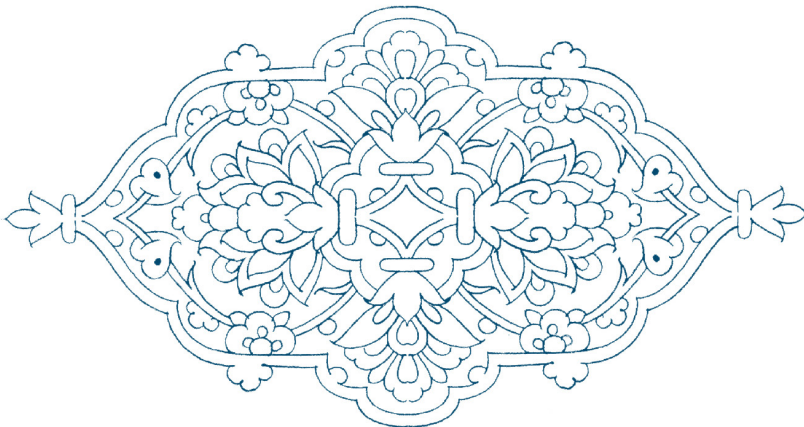
۱. نساء، ۱۳۹: «همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می‌گیرند، آیا عزت و قدرت را نزد آنان می‌طلبند؟! یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست.» (ترجمه انصاریان)



علی‌الخصوص ایران خودمان، و ای بسا این دو پدیده دو روی یک سکه باشند:
نظم نوین جهانی.

انسان شرقی در مناسبات حقیقی زندگی (فرهنگ، سیاست، اقتصاد، قدرت و...) در حال قدرت یافتن است. کافی است این قدرت را ادراک کند و آن را به تماشا بنشیند. این همان شرط مذکور برای بهبود وضعیت حجاب است. ایران در آستانه رسیدن به موفقیت‌های بزرگ داخلی و خارجی است و انسان ایرانی باید این «در آستانه بودن» را درک کند تا از ناامیدی و حس فلاکت رهایی یابد. بانوی ایرانی اگر پیشرفت خود و آینده روشن پیش روی خود را ببیند، دیگر والِه و دل‌باخته انسان غربی نخواهد بود و برهنگی و بی‌حیایی او را، به طمع رسیدن به قدرت و شکوه او، نخواهد پذیرفت. پس باید از ایران قوی گفت تا وضعیت حجاب بهبود یابد. باید پایان قدرت غرب را ملموس به تصویر کشید.

نتیجه آنکه بی‌گمان می‌توان به بهبود وضعیت حجاب در آینده‌ای نه‌چندان دور امیدوار بود؛ چراکه قدرت غرب، به عنوان مهم‌ترین عامل بیرونی بی‌حجابی، در حال افول است و ایران اسلامی ما روزه‌روز در حال قوی‌تر شدن!



خدا دنبال «فرهنگ» است

نقش فرهنگ‌سازی در گسترش حجاب جامعه

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد صالحی

ما توی یک ساختمان سه طبقه ده واحدی وسط شهر تهران زندگی می‌کردیم. همه ده واحد پاسدار بودند و همکاران پدر. ما طبقه دوم بودیم، طبقه وسط. همسایه بغلی مان آقای خورشیدی بود و من با مهتی خورشیدی رفیق صمیمی بودم. خانواده مهتی این‌ها چهارنفره بودند؛ یک خانواده چهارنفره با یک دختر و یک پسر؛ چیزی که آن روزها ایدئال می‌نمود.

اما از آن خفن‌تر، خانواده رستگار بود که طبقه سوم می‌نشستند، بالای سر همه. آقای رستگار مهندس بود و همسرش معلم، با یک فرزند دختر. به نظرم اسم دخترک کودک، ملیکا بود. فکرش را بکنید یک خانواده‌ای، پدر مهندس و مادر معلم، با تک دختری که اسمش ملیکاست. این یکی، دیگر آخر ماجرا بود. به روشنی برای اهالی ساختمان و هم‌سن‌وسال‌های من، یک نمونه فوق‌کلکسیونی و لاکچری بودند؛ یک الگوی باکلاس شبیه چیزی که تلویزیون و رسانه‌های آن زمان، مدام رویش اسکی می‌رفتند.

طبقه پایین ساختمان یک خانواده شش‌نفره بود: خانواده آقای مهدوی. بعدترها حتی هفت‌نفره هم شدند. واقعاً کارشان زشت بود. اتفاقاً دولت هم این‌طور خانواده‌ها را جریمه می‌کرد و کوپن‌شان را نمی‌داد. حقشان بود. البته آقای مهدوی دکتر بود. اهمیتی نداشت؛ آن‌ها با آن نمونه ایدئال پلاستیکی که برایمان ساخته



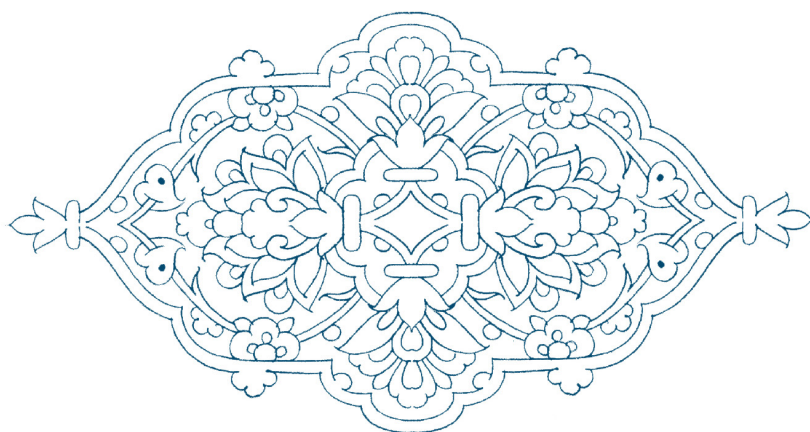
بودند، فاصله معناداری داشتند و اهل ساختمان تصویر خوبی از آن‌ها نداشتند.

سراسر است تر اینکه غرضم نکوهش تک‌فرزندی و تشویق به فرزندآوری نیست؛ غرضم یک تلقی مشترکِ مسخره است در آن روزگار. ریشه قضاوت‌های ما محصول یک چیز بود: یک گفتمان، یک فرهنگ، یک ذهنیت: «فرزند کمتر، زندگی بهتر». آن روزها حاکمیت تمام‌قد ورود کرده بود و تمام ابزارهای فرهنگی و بعضاً غیرفرهنگی خودش را به کار گرفته بود. آن روزها درودیوار پر بود از این حرف‌ها و همه جا صحبت از زندگی بهتر بود. تلویزیون سریال‌هایی با همین رویکرد نشانمان می‌داد و کار به پشت پاکت پفک و شیر و ماست هم کشیده بود.

خلاصه اینکه «فرهنگ» این‌طوری است: مثل هوا می‌ماند: همه جا هست. تنفسِ هوای تمیز و کثیف، آثار خودش را دارد؛ حتی اگر شما متوجه نباشید که چه هوایی استشمام می‌کنید. فرهنگِ باورها و عادت‌ها و درنهایت انتخاب‌ها و رفتار مردم را می‌سازد. فرهنگِ الهام‌بخش مردم است؛ اما این همه حقیقت نیست. فرهنگ یک سرِ ماجراست. آن سرِ دیگر ماجرا دست مردم است، «خواست» مردم. اگر آن سرِ ماجرای فرزند کمتر، حاکمیت بود، این سر هم خلقِ الله بودند که دنبال زندگی بهتر می‌گشتند.

راستش قرآن هم مسائل را با همین رویکرد می‌بیند: رویکردهای ناظر به اجتماع و فرهنگ و گفتمان، و البته «خواست» مردم. آنجایی که درباره ناقه ثمود می‌گوید «فَعَقَرُوهَا»، آنجا ناقه صالح را یک نفر کشت؛ اما خدا می‌گوید ناقه را همه کشتند. یا آنجا که دستور به قطع دست سارق و سارقه می‌دهد یا در سوره نور، آنجا که دستور به تازیانه زدن زناکار می‌دهد، نشان می‌دهد که مسئله خدا تنبیه دو نفر خطاکار نیست. خدا همه را صدا می‌زند. قطع کردن دست مجرم یا تازیانه زدن، کار حاکم است؛ اما خدا می‌گوید «فاقطعوا» و می‌گوید: «فاجلدوا» یعنی همه قطع کنید، همه تازیانه بزنید. روشن است که خدا نمی‌خواهد جامعه را به لیانگ‌شان پو تبدیل کند و دست هرکسی یک ساتور یا شلاق بدهد. خدا با مردم کار دارد. خدا «خواست» مردم را می‌خواهد و دستور مبارزه با فساد و مفساد اخلاقی را به همه می‌دهد. همه باید بخواهند. باید مطالبه و خواست همه بشود.

یا آنجا که دستور می دهد گروهی از مؤمنین شاهد تازیانه خوردن زناکار باشند، یا آنجایی که خدا دستور می دهد تا زناکار با مثل خودش ازدواج کند و آن ها را در ردیف مشرکین قرار می دهد و مؤمنین را از ازدواج با آن ها محروم می کند، خدا نگاهش ناظر به اجتماع است و نگاه های همراه با رأفت و دل سوزی ما مشخصاً به دلیل غلبه نگاه های فردی ماست. خدا نمی خواهد اجتماع را از دست بدهد. خدا با هم ردیف قرار دادن زناکار و مشرک، با منع ازدواج مؤمن و زناکار، با دستور به عدم لزوم پوشش زنان غیرآزاد و دستور به پوشش زنان مؤمن، دنبال یک «فرهنگ» است: فرهنگ شهروند پیشرو، شهروند موفق؛ فرهنگ این که آن کسی که محترم است و باید خود را بپوشاند، آن کسی که جنتلمن است و نباید هر چشمی آن را ببیند، همان «زن مؤمن» است. خدا دنبال «فرهنگ» است.



اقتصاد خانواده محور

حجت الاسلام والمسلمین محمد صالحی

یکی از پاسخ‌های رایج افراد در برابر تذکر نسبت به رعایت قوانین پوشش و حجاب این است که شما اول بروید اقتصاد و معیشت مردم را اصلاح کنید تا ما هم قانون پوشش را رعایت کنیم. در این یادداشت قرار است ارتباط مستقیم میان رعایت فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه با بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی را تبیین کنیم. اثبات این رابطه محتاج تبیین مقدماتی است که تقدیم می‌شود.

آیا آمارهای اقتصادی کشورها واقعاً نمودار وضعیت معیشتی مردم هستند؟

شاخصی به نام 'GDP'

اصلی‌ترین مؤلفه در اقتصاد کلان برای سنجش قدرت اقتصادی یک کشور (GDP تولید ناخالص داخلی) است.^۱ این مؤلفه آن قدر اهمیت دارد که به عنوان رایج‌ترین شاخص اندازه‌گیری رفاه یک جامعه و مقایسه آن با سایر جوامع توسط اقتصاددانان به کار گرفته می‌شود.^۲

۱. نشان‌دهنده مقدار ریالی جریان کالا و خدمات در یک دوره زمانی مشخص، مثلاً یک سال.

۲. گریگوری منکیو، اقتصاد کلان، نشر نی، ص ۵۹.

۳. همان مبانی علم اقتصاد، نشر نی، ص ۳۸۹.

آمریکا؛ ابرقدرت GDP

آمریکا با وجود روند نزولی در شاخص تولید ناخالص داخلی اش همچنان رتبه دوم جهانی را به خود اختصاص داده است. این کشور که فقط چهار درصد از جمعیت جهان را داراست، هنوز در عرصه آمار و ارقام اقتصادی یک ابرقدرت محسوب می شود.

برساخت رسانه‌ای آمریکا

آنچه در ذهن من و شما از آمریکا نقش بسته این تصاویر است:

- آقایی دلار آمریکا در جهان: هرچند در صحنه واقع دلار رفته رفته از مبادلات جهانی حذف خواهد شد، اما از سال ۱۹۴۴ میلادی تاکنون آقایی خود را در اذهان حفظ کرده.

- هالیوود همچنان با تولید فیلم و سریال‌های متعدد مشغول رنگ آمیزی رؤیای جذاب آمریکایی است.

- دره «سیلیکون ولی» همچنان درون خود برندهای معتبری از دنیای فناوری و تکنولوژی را می بیند.

- دانشگاه‌های آمریکا هنوز مقصد بسیاری از نخبگان جهان هستند.

- اعتبار عملی توسط ISI: مقالات علمی بدون مهر ISI انگار چیزی کم دارند. و همچنان آمریکا به این دزدی علمی ادامه می دهد.

- شاید هنوز همبرگرهای مک دونالد و نوشابه‌های کوکاکولا و... برای عده‌ای طعم ویژه‌ای داشته باشند.

گزاره‌های بالا برای ترسیم رؤیای آمریکایی به نظر کافی باشد. اما شوربختانه باید گفت که واقعیت آمریکا کیلومترها با رؤیای آمریکایی فاصله دارد. در ادامه شما را با برخی از مصادیق این واقعیت تناقض مواجه می‌کنیم.

خرید خانه قرار بود یکی از موارد رؤیای آمریکایی باشد؛ ولی چرا مالکان خانه‌های رؤیایی در آمریکا هر روز از مصادره خانه‌هایشان توسط بانک‌ها به خاطر عدم توانایی در پرداخت اقساط و جریمه‌هایش هراسان‌اند؟^۱

امروز چرا وضعیت مسکن در آمریکا از مالکیت هر شهروند در رؤیای آمریکایی به جایی رسیده که جوانان آمریکایی از خودشان می‌پرسند آیا قرار است تا آخر عمر مستأجر بمانم؟

رفاه و معیشت خوب در آمریکای رؤیایی تبدیل شده به سیستم توزیع ثروت کنونی در آمریکا. نمی‌دانم خبر دارید یا نه. در همین حد بگویم که چهل درصد از مردم آمریکا حتی مالک یک درصد از ثروت توزیع شده در این کشور نیستند. آمریکا امروز رتبه دوم نابرابری توزیع ثروت در جهان را داراست، به گونه‌ای که یک صندوق دار شرکت مک‌دونالد باید ۸۹۵ سال کار کند تا بتواند درآمد یک سال مدیرکل این شرکت را کسب کند.^۲

وضعیت امروز بهداشتی و سیستم پزشکی ایران، که البته با وضعیت مطلوب فاصله دارد، رؤیای آمریکایی‌ها شده.^۳ تا آنجا که اشتباه در تشخیص پزشکی یکی از مهم‌ترین عوامل مرگ و میر در آمریکاست. شاید بگویید زیاده‌روی می‌کنم؛ ولی برای مقایسه کافی است مدیریت دو کشور را در وضعیت مشابه کرونا و واکسیناسیون و درمان این بیماری مقایسه کنیم. در همین حد بدانید که کرونا هنوز در آمریکا کشته بر جای می‌گذارد. از واکسن‌های آمریکایی هم که نگویم!

۱. به میزان ۴۴ درصد از کل بدهی‌ها در آمریکا مرتبط با بدهی‌های وام مسکن است. با شیوع ویروس کرونا و ظهور مشکلات اقتصادی، ۴۰ میلیون آمریکایی با خطر تخلیه خانه مواجه شده‌اند: <https://usfacts.ir/99105140304-2>.

1. <https://usfacts.ir/139920213-2/>.

2. <https://B2n.ir/z72616>.

امروزه آمریکا برای تأمین امنیت غذایی یک سوم مردم کشورش دچار مشکل است و ۴۰ میلیون آمریکایی با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند. شاهد این ادعا صف‌های طولانی دریافت غذا و بی‌خانمان‌های فراوان آمریکاست.

شهر سان فرانسیسکو با آن پل معروفش که در فیلم‌های هالیوودی دلبری می‌کند، امروزه شهر سرنگ و مدفوع لقب گرفته است. بله، باور کردن این حرف‌ها دشوار است؛ ولی کافی است کلمه گشت مدفوع در سان فرانسیسکو را در بستر اینترنت جست‌وجو کنید. نتایج شگفت‌آور است.

مدیریت بحران در آمریکا به قدری فاجعه است که در آتش‌سوزی اخیر جنوب کالیفرنیا، مردم این منطقه برای نجات جان، خودشان را به آب‌ها و دریاها انداختند و هنوز آمار دقیقی از میزان مفقودین این حادثه در دست نیست.

زیرساخت‌های آمریکا عمر خود را کرده‌اند و در حال فرسودگی هستند.^۱

اوضاع فرهنگی این کشور هم چندان قابل تعریف نیست. از آمار جرم و جنایت و خشونت و تجاوز گرفته تا خیانت و طلاق و... همگی نشان از وضعیت بد فرهنگی این کشور می‌دهد. روند سوادآموزی و آموزش کودکان در این کشور هم تعریفی ندارد و رو به افول است.

این‌ها همگی خبر از افول رؤیای آمریکایی می‌دهند؛ رؤیایی که هیچ تناسبی با وضعیت زندگی امروز شهروندان آمریکایی ندارد. البته این وضعیت مختص آمریکا نیست و کشورهای اروپایی که حجم تولید ناخالص ملی بالایی دارند نیز پیرو مسیر توسعه آمریکایی هستند و عاقبت به مشکلاتی بیش از آنچه آمریکا را زمین‌گیر کرده مبتلا می‌شوند. برای صدق این ادعا کافی است آمار بی‌خانمان‌ها در انگلیس، فقر در ایتالیا و اعتراضات معیشتی در فرانسه و... را مشاهده کنید.

۱. روزانه ۸۵۰ شاه‌لوله آب در آمریکا می‌ترکد و به‌طور کلی سالانه ۷۲ تریلیون و روزانه ۶ میلیارد گالن آب در ایالات متحده به دلیل زیرساخت‌های فرسوده به هدر می‌رود. دومیلیون آمریکایی به آب لوله‌کشی و فاضلاب دسترسی ندارند!

اما حجم GDP جمهوری اسلامی ایران به میزان کشورهای اروپای غربی و آمریکا نیست. شاید چون جنس اقتصاد کشور ما فرق می‌کند و ما یک اقتصاد فرهنگی را تجربه می‌کنیم. خب اینکه اقتصاد ما فرهنگی است، چه تفاوتی به حال معیشت ما می‌کند؟ در پاسخ باید گفت که فلسفه شکل‌گیری آمار و ارقام اقتصادی، نمایش وضعیت معیشتی کشورها و برنامه‌ریزی برای بهبود آن بود؛ ولی وقتی این آمار و ارقام نتواند قسمت قابل توجهی از ابعاد معیشتی برخی از افراد را تحلیل کند آن وقت موجب فهم اشتباه و تصویر غیرواقعی و تصمیم‌گیری نادرست در مورد آینده معیشت آن کشور می‌شود.

به عنوان مثال، در کشور ما خرید و فروش مشروبات الکلی غیرقانونی است. این در حالی است که درآمد اسپانیا در سال ۲۰۲۰ از کلوب‌های شبانه و بار و... بالغ بر ۲۰ میلیارد یورو (۲۰ درصد بودجه امسال کشور ما) بوده است.

صنعت جنسی در کشور ما عرفاً و قانوناً جایگاهی ندارد. این در حالی است که این صنعت یکی از سه عامل مهم تأثیرگذار در تولید ناخالص ملی آمریکاست.

ما کشور جنگ طلبی نیستیم که منفعتمان در جنگ‌افروزی برای فروش تسلیحاتمان باشد. این در حالی است که فروش تسلیحات نظامی اولین عامل تأثیرگذار در میزان تولید ناخالص ملی آمریکاست.

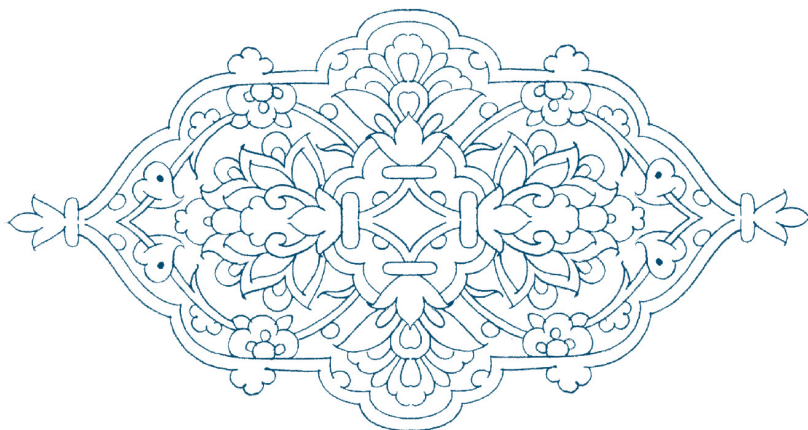
بسیاری از اموری که در کشورهای غربی فعالیت اقتصادی محسوب می‌شود، در ایران به گونه‌ای دیگر است؛ مثلاً اگر والدینت را برای مراقبت و نگهداری به بهزیستی بسپاری، فعالیت اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر خودت از آن‌ها نگهداری کنی، فعالیت اقتصادی نکرده‌ای. اگر کودکان را به مهدکودک بسپاری، فعالیت اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر در منزل نسبت به تربیت آن‌ها اقدام کنی، فعالیت اقتصادی انجام نداده‌ای. اگر تن‌فروشی کنی و بابتش پولی دریافت کنی، فعالیت اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر عفت داشته باشی و حریم خانواده را حفظ کنی، فعال اقتصادی محسوب نمی‌شوی. اگر وعده‌های غذایی‌ات را از رستوران تهیه

کنی، فعالیت اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر غذای مادرانه را نوش جان کنی، کمکی به اقتصاد نکرده‌ای. اگر برای بیماری‌های روحی و روانی دارو تهیه کنی یا نزد مطب روان‌شناس بروی، کار اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر برای درمان آلام روحی و آرامش روانی راهی زیارت شوی یا دعا کنی و نماز بخوانی یا نزد مشاور مسجد محله بروی یا اصلاً فضای خانوادگی‌ات آن قدر خوب باشد که اصلاً مبتلا چنین گرفتاری‌هایی نشوی، کار اقتصادی نکرده‌ای. اگر احیاناً با پنجه استعمار بازار یک کشور را قبضه کنی، کار اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر به یک کشور مظلوم در مقابل استکبار کمک کنی، کار تو اقتصادی محسوب نمی‌شود. اگر گرداننده یک سایت با محتوای مستهجن باشی و درآمد کسب کنی، فعالیت اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر یک کانال فرهنگی یا آموزشی تأسیس کنی و به صورت جهادی برای رضای خدا فعالیت کنی، این کار تو به اقتصاد نفعی نمی‌رساند. اگر انبوه‌ساز باشی و برج‌های تجاری بسازی، کار اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر اردوی جهادی بروی و برای محرومین قدمی برداری و خانه‌ای بسازی، اقتصاد کشور با فعالیت تو فرقی نمی‌کند. اگر برای تماشای یک مسابقه ورزشی به ورزشگاه بروی، در بزرگ‌تر شدن کیک اقتصاد نقش داشته‌ای؛ ولی اگر در هیئت امام حسین علیه السلام مشغول خدمت باشی یا سفره موسی بن جعفر علیه السلام بیندازی، کاری با اقتصاد و معیشت نداشته‌ای. اگر نگهبان یک محله باشی، این خدمت تو فعالیت اقتصادی خواهد بود؛ ولی اگر خادم افتخاری حرم‌های اهل بیت علیهم السلام باشی، از اقتصاد به دوری. اگر موسیقی جدید فلان خواننده مبتذل را خریداری کنی، جیب اقتصاد کشور را پر کرده‌ای؛ ولی اگر سرود «سلام فرمانده» ات جهانی شد، از اقتصاد بویی نبرده‌ای. اگر مالیات و عوارض و بیمه پرداخت کنی، کار اقتصادی کرده‌ای؛ ولی اگر بخواهی خمس، زکات، انفاق، صدقه یا فطریه بدهی، کار تو اقتصادی نیست. اگر بابت قرض دادن ربا بگیری، کاری است بس اقتصادی؛ ولی اگر همان پول را قرض الحسنه بدهی، احتمالاً از هوش اقتصادی بی‌بهره‌ای!

این‌ها همه گوشه‌ای از آن چیزی است که به چشم می‌آید؛ درحالی‌که اگر دقت کنیم، می‌توانیم زوایای دیگری از این اقتصاد فرهنگی را به نمایش گذاریم. ما اعتقاد داریم که یکی از وجوه امتیاز معیشت ایرانی اسلامی همین اقتصاد فرهنگی است که دانش اقتصاد را توان نمایش آن نیست. ما آن‌طور که رسانه‌ها برایمان تصویر کرده‌اند بدبخت نیستیم. به اعتقاد من، وضعیت معیشت یک شهروند ایرانی مسلمان به خاطر وجود نظام نسلی و نظام اخوت و فرهنگ دینی علی‌رغم تمام مشکلاتی که از ناحیه کم‌کاری‌ها و پیروی از الگوهای توسعه غربی وارد شده، جزو بهترین معیشت‌های جهان محسوب می‌شود و ما در حقیقت در بهشت ایرانی زندگی می‌کنیم و برای ارتقا و رشد این وضعیت محتاج الگوهای بومی و اسلامی هستیم که کلیات آن تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» تبیین شده است.

حجاب و عفاف، نگهبان اصلی اقتصاد فرهنگی

آنچه تاکنون خوانده‌اید، مقدماتی بود برای اصلاح یک تصویر از وضعیت معیشتی خودمان و نسخه پیشرفت این کشور. حال نقش حجاب در این میان چیست؟ حجاب موجب تحکیم بنیان خانواده است تا وزارتخانه تنهایی نداشته باشیم. حجاب مصونیت بخش خانواده است تا طعم شیرین زندگی خانوادگی را بچشیم. حجاب قلعه محافظ اقتصاد فرهنگی است و دشمن به خوبی نسبت به اهمیت حجاب واقف است و برای نابودی این دژ برنامه‌ها دارد.



مقام معظم رهبری حفظه الله تعالى

در این قضایای [اغتشاشات ۱۴۰۱]، خب دیدید دیگر، علیه حجاب خیلی کار شد؛ چه کسی ایستادگی کرد در مقابل این تلاش‌ها و فراخوان‌ها؟ خود زن‌ها؛ زن‌ها ایستادگی کردند. آن‌ها امیدشان به همین زن‌هایی بود که شما به آن‌ها می‌گویید بدحجاب؛ امیدشان به این‌ها بود. این‌ها امیدشان این بود که همین‌هایی که حجاب نیمه‌کاره دارند بکلی کشف حجاب کنند، [ولی] نکردند؛ یعنی زدند تو دهن آن تبلیغ‌کننده و فراخوان‌فرستنده.

